

چشم انداز فقهی و حقوقی حقوق مالکیت‌های فکری

«با تأکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی (س)»



جواد عریان

معاونت پژوهشی

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

عربیان، جواد، ۱۳۵۶ -

چشم‌انداز فقهی و حقوقی حقوق مالکیت‌های فکری «با تأکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی (س)» / جواد
عربیان. - تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۲.
۲۷۴ ص.

ISBN 964-7986-11-4 ریال: ۱۶۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

نمایه.

۱. حق مؤلف (فقه). ۲. حق مؤلف - قوانین و مقررات. ۳. مالکیت معنوی (فقه). ۴. مالکیت معنوی -
قوانین و مقررات. ۵. مالکیت معنوی (حقوق بین‌الملل). الف. ایران. قوانین و احکام. ب. پژوهشکده
امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی. معاونت پژوهشی. ج. عنوان.

۲۹۷/۳۷

BP۱۹۸/۶/۷۶۴

کتابخانه ملی ایران

م ۸۲-۳۷۰۱۳



پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

چشم‌انداز فقهی و حقوقی حقوق مالکیت‌های فکری «با تأکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی (س)»

نویسنده: جواد عربیان

مدیر آماده‌سازی: سید محمد حسینی

ویراستار: فرهاد طاهری

طرح جلد: برمک عالیخانی

صفحه‌آرایی: مریم قاسمی، زهره صفاری

نمونه خوانی: اعظم سلیمانی

ناشر: معاونت پژوهشی، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

شابک: ۹۶۴-۷۹۸۶-۱۱-۴ سال چاپ: ۱۳۸۲

نوبت چاپ: اول شمارگان: ۲۰۰۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مؤسسه چاپ و نشر عروج

مرکز پخش: مؤسسه چاپ و نشر عروج، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پلاک ۱۴۳۰

قیمت: ۱۶۰۰۰ ریال

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۱۷۳،

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی تلفن: ۶۹۵۵۷۳۱ و ۳۶-۶۹۶۴۹۶۷-۸ و ۶۴۰۷۸۰۱

Website Address: <http://www.ri-Khomeini.org>

Mailto: info@ri-Khomeini.ac.ir

فهرست مطالب

۶	پیشگفتار نویسنده
۸	مقدمه
۱۵	بخش اول: کلیات
۱۷	فصل اول: واژگان و اصطلاحات
۳۰	فصل دوم: پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری
۳۱	گفتار اول: پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری در جهان
۳۷	گفتار دوم: پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری در فرهنگ و تمدن اسلامی
۴۲	گفتار سوم: کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی
۵۲	گفتار چهارم: پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری در ایران
۵۹	بخش دوم: تبیین حقوقی «مالکیت‌های فکری»
۶۰	فصل اول: مالکیت‌های ادبی و هنری
۶۴	گفتار اول: ماهیت حقوقی «مالکیت‌های ادبی و هنری»
۷۵	گفتار دوم: شرایط حمایت از اثر و انواع آثار مورد حمایت
۹۲	گفتار سوم: حقوق مادی و معنوی پدید آورندگان
۱۰۸	فصل دوم: مالکیت‌های صنعتی و تجارتي
۱۰۸	گفتار اول: کلیات (پیشینه تاریخی در جهان و ایران)
۱۱۵	گفتار دوم: مفاهیم کلی مالکیت‌های صنعتی و تجارتي
۱۲۵	گفتار سوم: وجوه عمده کنوانسیون بین‌المللی پاریس و موافقت‌نامه TRIPS

۱۴۳	بخش سوم: تبیین فقهی «مالکیت‌های فکری» و حقوق متعلقه
۱۴۵	فصل اول: حقوق مالکیت‌های فکری در فقه امامیه
۱۴۶	گفتار اول: ماهیت فقهی «حق مالکیت فکری»
۱۵۵	گفتار دوم: دیدگاه‌هایی در مشروعیت حق مالکیت فکری
۱۵۷	گفتار سوم: مستندات فقهی مشروعیت حق مالکیت فکری
۱۸۴	گفتار چهارم: مؤیداتی بر مشروعیت حق مالکیت فکری
۱۸۷	گفتار پنجم: تبیین دیدگاه حضرت امام خمینی
۱۹۹	فصل دوم: حقوق مالکیت‌های فکری در فقه عامه
۱۹۹	گفتار اول: بررسی «حقوق مالکیت‌های فکری» از دیدگاه فقه عامه
۲۰۳	گفتار دوم: مالکیت‌های فکری در پرتو مفهوم مال از دیدگاه مذاهب اربعه
۲۰۶	گفتار سوم: معیار مالیت اشیاء در فقه حنفی
۲۰۸	گفتار چهارم: دیدگاه چند تن از فقهای اهل سنت
۲۱۴	نتیجه‌گیری
۲۲۱	فهرست آیات
۲۲۱	فهرست احادیث
۲۲۲	فهرست اعلام
۲۲۵	فهرست اماکن
۲۲۷	کتابنامه
۲۲۷	الف) کتب فارسی
۲۲۸	ب) کتب فقهی و عربی
۲۲۹	ج) مقالات و پایان‌نامه‌ها
۲۳۱	د) سمینارها و همایشها
۲۳۲	ه) فرهنگها و لغتنامه‌ها
۲۳۲	و) منابع لاتین
۲۳۳	ضمائم

پیشگفتار نویسنده

حقوق مالکیت‌های فکری یا حقوق معنوی از جمله مباحث مستحدثه فقهی و حقوقی است که در سال‌های اخیر با توجه به پیشرفت‌های علمی و صنعتی در عرصه‌های مختلف، بویژه در حوزه تألیف و نشر، مورد توجه محققان و علمای فقه و حقوق واقع شده است، حقوق مالکیت‌های فکری که ترجمه Intellectual Property Rights است به دو بخش مالکیت‌های ادبی و هنری، شامل کتاب، مقاله، رساله، نمایشنامه، سرود، نقاشی، پیکره و مجسمه‌سازی و از این قبیل؛ و همچنین مالکیت‌های صنعتی و تجارتي مشتمل بر اختراعات، طرح‌ها و مدل‌های صنعتی، علائم صنعتی و تجارتي و جز اینها، تقسیم می‌شود. هر چند از نظر حقوقی تألیفات و چند در این عرصه صورت گرفته، از منظر فقهی علی‌رغم مباحث پراکنده و مقالات و فتاوایی که در این زمینه موجود است، به عقیده صاحب‌نظران هنوز اثر جامع و مانعی در تبیین فقهی این‌گونه حقوق و مالکیت‌ها پدید نیامده است.

همایش‌های معدودی که با تلاش دلسوزان و اساتید و با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری (Wipo) در ایران برگزار شده تنها به جنبه‌های حقوقی و بین‌المللی این امر پرداخته است.

نوشته حاضر تلاشی است امیدوارانه در تبیین فقهی و حقوقی «حقوق مالکیت‌های فکری»؛ امیدوارانه بدان دلیل که نقاط ضعف آن را استادان و محققان گرامی اصلاح و نقاط قوت آن را تقویت کرده‌اند و گامی، هر چند کوتاه، در پیشبرد این مباحث برداشته‌اند.

در اینجا لازم می‌دانم از همه استادان و بزرگوارانی که در فراهم آمدن این نوشته کمک و همراهی کرده‌اند تقدیر و تشکر کنم؛ بویژه از راهنمایهای استاد ارجمند جناب آقای دکتر سید حسین صفایی و مشاورهای استاد بزرگوارم آیت‌الله سید محمد موسوی بجنوردی سپاسگزاری کنم و به شاگردی این استادان گرانقدر برخود می‌بالم.

همچنین از مسئولان و کارکنان پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، بویژه ریاست محترم پژوهشکده و معاونت پژوهشی پژوهشکده که حمایت‌های بی‌دریغ ایشان مشوق اینجانب برای انتشار این مجموعه بود و نیز از مسئولان محترم مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) قدردانی و تشکر می‌کنم.

نقاط قوت این نوشته مرهون راهنمایهای استادان بزرگوار است و نقص و کاستیهای آن را از خود می‌دانم. امیدوارم که از نظریات اصلاحی و انتقادات و پیشنهادهای سازنده استادان، محققان و خوانندگان گرامی برای تقویت و استحکام آن بهره‌مند شوم.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

جواد عربیان

بهار ۸۲

مقدمه

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ*

نوع زندگی اجتماعی انسان و برخورداری از قدرت تفکر، از جمله ویژگیهایی است که انسان را در میان موجودات، برجسته و ممتاز ساخته است. آدمی از دیرباز بر آن بوده است تا باورها و اندیشه‌هایش را از حصار ذهن آزاد کند و با انتقال آن به همگنانش، آنان را نیز به همراهی با خود فراخواند. او با موهبتی که خداوند متعال در وجودش به ودیعت نهاده، همواره در تلاش بوده است تا با کنار زدن فکرها و اسلوبهای فرسوده و کهنه، اندیشه‌ها و اسلوبها و آثار و ابزار جدیدی خلق کند. این است که انسان همواره در طول تاریخ در حال خلق و آفرینش و تألیف و ترکیب است.

در قدیم نشر آثار فکری و فرهنگی بسیار محدود بود و چه بسا پدیدآورندگان توقع بهره‌برداری مادی از آثار خود را نداشتند و از این رو حمایت قانونی از این‌گونه آثار هم چندان ضروری نمی‌نمود. ولی در جهان کنونی اوضاع به گونه دیگری است. مالکیت‌های فکری، که زائیده اندیشه و تفکر و هنر آدمی است، در عصر جدید اهمیت زیادی پیدا کرده است.

آثار ادبی و هنری، و همچنین اختراعات و اکتشافهای بشری که در هر کشور پدید می‌آیند،

به سرعت و در کمترین زمان از طرق ارتباطی و رسانه‌های همگانی نوین به کشورهای دیگر راه می‌یابند. تکنولوژی جدید و شیوه‌های نوین تبادل اطلاعات، بویژه ابزارهای الکترونیکی و بهره‌گیری از امکانات رایانه‌ای و ماهواره‌ای، انتقال پدیده‌های علمی و فنی و آفریده‌های فرهنگی را به سراسر جهان آسان کرده است. بر همین اساس، تعدی به حقوق پدید آورندگان آثار علمی و فنی فزونی یافته و حقوق مالکیت‌های فکری حساسیت بیشتری پیدا کرده و توجه قانونگذاران و زمامداران کشورها را بیش از پیش به خود جلب کرده است. قوانین مختلفی در کشورها برای حمایت از پدیدآورندگان آثار فکری به تصویب رسیده و حتی قراردادهای و کنوانسیونهایی در سطح بین‌المللی برای این منظور منعقد شده است. در حقیقت، پیدایش صنعت چاپ در اواخر قرن پانزدهم میلادی نقطه آغازی بود برای گسترش آثار فکری و فرهنگی در سطح جهان و بالطبع توجه کشورهای مختلف به این امور و تلاش برای حمایت‌های قانونی بیشتر و بهتر از حقوق پدیدآورندگان این آثار که تا به امروز ادامه دارد. در جهان امروز - که عصر ارتباطات نام گرفته است - در پوشش تبادلهای فرهنگی و علمی، مرزهای کشورها چندان به چشم نمی‌آیند. و همچون گذشته نیازی نیست که برای استفاده از مطالب یک کتاب، کاتبان و رونویسان بسیج شوند و با مرارتهای بسیار نسخه‌ای همانند نسخه نخست از آغاز تا پایان بنگارند؛ زیرا پیشرفت علم و تکنولوژی و پیدایش امکانات نوین ارتباطاتی جریان سریع اطلاعات علمی و فرهنگی در جهان را میسر ساخته است. از طرفی دیگر امروز، تألیف و تصنیف، برخلاف دورانهای کهن که با انگیزه ایجاد خدمات فرهنگی و معنوی و نشر علم و دانش صورت می‌گرفت، به دلیل تخصصی شدن امور و ضرورت تأمین معیشت صاحب اثر، به صورت یک حرفه و منبع کسب و درآمد او درآمد است.

مالکیت‌های فکری معمولاً در دو بخش مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی و تجارتي مورد بحث واقع می‌شوند. در بخش مالکیت ادبی و هنری، آثار ادبی و هنری همچون کتاب، مقاله، رساله، نمایشنامه، شعر، ترانه، سرود، آثار سینمایی، نقاشی - پیکره، عکاسی و حمایت از پدیدآورندگان آنها بررسی می‌شوند. در بخش مالکیت صنعتی و تجارتي، اختراعات و اکتشافات و علایم صنعتی و تجارتي، نام تجارتي و طرحها و مدلهای صنعتی و... موضوع بحث هستند.

بخش مالکیت صنعتی و تجاری در ایران سابقه بیشتری دارد. از این رو که قوانین چندی در این زمینه وضع شده است؛ بویژه قانون ثبت علائم و اختراعات، مصوب سال ۱۳۱۰ش در این زمینه است. به علاوه دولت ایران در سال ۱۳۳۷ش به کنوانسیون بین‌المللی پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی ملحق شده است.^۱ لیکن مالکیت ادبی و هنری در کشور ما سابقه کمتری دارد. نخستین قانون مستقل و نسبتاً جامعی که در این زمینه وضع شده است، قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ش است و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، مصوب سال ۱۳۵۲ش آن را تکمیل کرده است.

در مورد مالکیت صنعتی و تجاری قانون جامع و کامل در داخل کشور وضع نشده است، در حالی که دولت ایران عضو کنوانسیون بین‌المللی پاریس در این زمینه است؛ هر چند علما و خبرگان حقوقی برای تدوین و تنظیم قانونی جامع و مانع در این خصوص تلاشهایی کرده‌اند. در مورد مالکیت ادبی و هنری هر چند قانون نسبتاً جامع و کاملی در داخل کشور وجود دارد، دولت ایران عضو هیچ یک از کنوانسیونهای بین‌المللی در حمایت حقوق مؤلف (کنوانسیون برن و...) نیست.

انگیزه پرداختن به این موضوع

مراسم معرفی و تقدیر از کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ با شرکت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر مقامات برگزار شد. در این جلسه که مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها نیز حضور داشتند، بحثی میان ایشان و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره حقوق مؤلفان درگرفت. وزیر معتقد بود که مصنفان و مؤلفان از حقوق مادی و معنوی اثر خود باید برخوردار باشند. مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه براساس نظر حضرت امام خمینی معتقد بود که هیچ کس حق انحصار آثار فکری را ندارد.

۱- دولت ایران در سال ۱۳۷۷ش بر اساس تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان به آخرین اصلاحات این کنوانسیون یعنی اصلاحات ۱۹۶۷م و ۱۹۷۹م استکھلم ملحق گردید.

متن خبر فوق که در یکی از روزنامه‌های صبح درخرداد ۱۳۷۹ درج شده بود مرا به فکر فرو برد که چگونه است در جلسه‌ای که برای معرفی و تقدیر از کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ترتیب یافته چنین مباحثی که به نظر ابتدایی می‌آید مطرح می‌شود؟ آیا طرح این‌گونه مباحث و عدم حل نهایی آنها باعث دلسردی نویسندگان و مؤلفان و مصنفان و حتی ناشران نمی‌شود؟ و سؤالات و ابهامات دیگری که ذهن این‌جانب را به خود مشغول داشته بود.^۱

مجموعه این عوامل، و علاقه این‌جانب به کار در موضوعات جدید و مسائل مستحدثه فقهی، انگیزه اصلی در پرداختن به این موضوع بود. پرداختن به موضوعات جدید فقهی و روشن کردن تاریکیهای مسائل مستحدثه با پرتوهای آفتاب تابناک فقه آل محمد (ص)، نشان از انعطاف و پویایی فقه در هر دوره و زمان و مکان دارد.

بضاعت مزجاة فراهم آمده، حاصل بررسیهای چندین ماهه درباره مسائل تاریخی، حقوقی و فقهی، موضوع مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن است که در چهارچوبهای حقوقی و فقهی، مباحث قابل توجهی مطرح ساخته است. امید که عالمان و محققان و دانشجویان مستعد با پرداختن به این موضوع، با تفصیل بیشتر آن را بحث و بررسی کنند.

فرضیه‌ها و سؤالات

فرضیه اصلی این نوشته چنین است:

حقوق مادی و معنوی مؤلفان و مصنفان و به عبارتی مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن مشروع و دارای اعتبار شرعی است؛ یعنی می‌توان با ادله استنباط شرعی و عقلی و به‌طور کلی با مبانی فقهی خاصی، این حقوق را توجیه و تبیین کرد. و فرضیه‌های فرعی عبارتند از:

۱- حقوق مؤلف (مادی و معنوی) در انحصار وی است؛

۱- به عنوان مثال: خبر زیر که در روزنامه همشهری چهارشنبه ۵ مرداد ۱۳۷۹ درج شده بود:

رئیس جمهوری لهستان (الکساندر کواشینفسکی) به دلیل استفاده بدون اجازه از کلام یک شاعر (یان زتودینگو) در مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۹۵ م محکوم شد.

- ۲- مؤلف می‌تواند حقوق مادی خود را به دیگری تفویض و منتقل کند؛ این نوشته سعی در بررسی این فرضیه‌ها و اثبات آنها دارد.
- سؤالات این نوشته نیز به سؤالات اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. سؤال اصلی این رساله بدین شرح است:
- آیا حقوق مادی و معنوی مؤلفان و مصنفان و به طور کلی پدیدآورندگان مشروع است؟ و در صورت مشروع بودن با چه ادله شرعی و عقلی می‌توان آن را توجیه و تبیین کرد؟
- سؤالات فرعی نیز بدین قرار است:
- ۱- آیا حق مادی و معنوی مؤلف و پدیدآورنده حق انحصاری است؟
 - ۲- آیا حق مادی و معنوی پدیدآورنده قابل انتقال به دیگری است؟
- با توجه به این فرضیه‌ها و سؤالات به بحث و بررسی موضوع خواهیم پرداخت.

طرح کتاب

نوشته حاضر در دو محور اصلی فقهی و حقوقی به تبیین حقوق مالکیت‌های فکری و ابعاد و زوایای آن می‌پردازد.

این نوشته در سه بخش کلی تنظیم شده است که هر بخش دارای دو فصل است. در ابتدا پس از مقدمه، بخش اول که مربوط به کلیات است مطرح شده است. در فصل اول از بخش اول به تعریف و توضیح واژگان مرتبط با موضوع مورد بحث پرداخته شده است. و در فصل دوم در طی چند مبحث پیشینه تاریخی مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن در جهان و فرهنگ و تمدن اسلامی و در ایران بررسی و مطرح شده است. همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی منعقد شده در خصوص مالکیت‌های فکری و سازمان‌های بین‌المللی ذی صلاح در این زمینه معرفی شده‌اند.

بخش دوم کتاب مشتمل بر تبیین حقوقی مالکیت‌های فکری است که در فصل اول به تبیین حقوقی مالکیت‌های ادبی و هنری، ماهیت این مالکیت‌ها، شرایط حمایت از اثر و انواع آثار و حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده، پرداخته شده است. و در فصل دوم مالکیت‌های صنعتی و تجارتي به عنوان قسم دوم از مالکیت‌های فکری مطرح و در موارد مذکور بحث و بررسی شده

است.

بخش سوم و پایانی نوشته به تبیین فقهی مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن اختصاص یافته که از دو دیدگاه فقهی - فقه امامیه و فقه عامه - بررسی شده‌اند. در این بخش، چه در فصل اول و چه در فصل دوم، سعی نگارنده بر این است تا مبانی و طرق و ادله فقهی، که می‌توان در مشروعیت و اعتبار بخشیدن شرعی به این مالکیتها و حقوق به کارگرفت، بررسی و گردآوری شود و ضمن بررسی و پاسخ اشکالات، به تقویت رأی صائب پرداخته شود. در ضمن این اهتمام اساسی، ماهیت فقهی مالکیت‌های فکری همچنین دیدگاه‌های فقهای امامیه و عامه نیز آورده شده است. در پایان این بخش نیز نتیجه‌گیری هر فصل ارائه می‌شود. نتیجه‌گیری کلی مباحث مطرح شده نیز در پایان مطالب آورده می‌شود که سیری اجمالی در تمام اجزاء و مباحث کتاب را دربردارد.

کلیات

□ واژگان و اصطلاحات

□ پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری

«.. هرکس حرفی از کتابم را تحریف معنوی کند، یا بخشی از آن را بردارد، یا نکته‌ای روشن و معلوم را تباه سازد یا شرح حال کسی را تحریف کند یا دگرگون سازد یا عوض کند یا از خود بنویسد یا خلاصه کند یا کتابم را به غیر من نسبت دهد یا دیگری را در نوشتن آن شریک گرداند»، خداوند با او چنین و چنان کند «من این تخویف را در آغاز و انجام کتابم آوردم تا بازدارنده‌ی کسی باشد که از روی هوی و هوس یا که از سر دشمنی با کسی چنین کند. باید که خدا را شاهد و ناظر اعمالش بداند و از آخرتش بر حذر باشد و بداند که بقای او در این دنیا اندک است....»

علی بن‌المسین المسعودی، مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر،

بیروت، دارالاندلس، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م، ج ۱، ص ۲۷)

فصل اول

واژگان و اصطلاحات

در این فصل به تعریف واژه‌ها و اصطلاحاتی می‌پردازیم که واژه‌های کلیدی این نوشته هستند که لازم است قبل از ورود در مباحث معانی لغوی و اصطلاحی آنها را تعریف کنیم:

۱- مال

در لغت این‌گونه آمده است که

مال هر چیزی است که آن را به تملک در می‌آوری^۱ و یا مال چیزی است که از هر چیزی به تملک در می‌آوری^۲

در اصطلاح فقها از دو منظر عرفی و شرعی بدان نگریسته‌اند؛ یعنی مال عرفی و مال شرعی را تعریف کرده‌اند: در تعریف مال از نظر عرفی چنین بیان شده:

ليس المال الا ما يكون موردًا لرغبة العقلاء و تقاضاهم و معه يبذلون بازائه الثمن^۳

یعنی مال چیزی است که مورد رغبت عقلا و تقاضای آنان باشد و در قبال آن ثمن و بهایی پردازند.

۱- المال ما ملكته من كل شيء، جمع اموال، قاموس اللغة.

۲- المال ما ملكته من جميع الاشياء و عند اهل البادية، النعم، اقرب الموارد.

۳- امام خمینی، کتاب البیع، ج ۱، ص ۳۷.

۲- حق

حق که مفرد حقوق است در لغت به معنای ثبوت است. ابن‌منظور گوید:
حق نقیض باطل است و جمعش حقوق و حقائق است و معنایش ثبوت و
وجوب است.^۱

در قرآن مجید آمده است: لقد حق القول علی اکثرهم^۲ یعنی: ثبت القول، یا می‌فرماید:
لیحق الحق و یبطل الباطل؛^۳ یعنی تا آنکه خداوند حق را اثبات کند و باطل را نابود گرداند. در
کتاب قاموس اللغة و شرح آن تاج العروس نیز آمده: الحق الموجود الثابت.^۴
حق در اصطلاح فقهی به معنای سلطنت به کار رفته است. حضرت امام خمینی
می‌فرماید:

یظهر من الشیخ الانصاری (قده) أنه عبارة عن السلطنة مقابلاً للملك و من
عدّة المحققین أنه مرتبة ضعیفة من الملك ونوع منه.^۵

از کلمات شیخ انصاری ظاهر می‌شود که ایشان سلطنت را مقابل ملک دانسته‌اند و در
نظر برخی محققین مرتبه ضعیفی از ملک و نوعی از آن است.
یا اینکه:

والانصاف انّ الحق فی مصطلح الفقهاء و عبارات اهل الشرع هو سلطنة علی
فعل خاص.....^۶

انصاف این است که حق در اصطلاح فقها و عبارات اهل شرع همانا سلطنت بر فعل

۱- ابن‌منظور، لسان العرب.

۲- یس (۳۶): ۷.

۳- انفال (۳۶): ۸.

۴- تاج العروس.

۵- امام خمینی، همان، ص ۳۹.

۶- ناصر مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، ج ۱، ص ۲۸.

خاصی است. ولی حضرت امام حق را عبارت دیگری از سلطنت نمی دانند بلکه معتقدند در نزد عقلا هر ذی حقی دارای سلطنت بر حق خود است و می تواند در آن تصرف کند:

فَأَنَّ وَاجِدِيَّةَ الْحَقِّ لَيْسَتْ عِبَارَةً أُخْرَى عَنِ السُّلْطَنَةِ وَالْقُدْرَةِ الْإِعْتِبَارِيَّةِ عَلَى الْمَذْكُورَاتِ بَلْ لَدَى الْعُقَلَاءِ كُلِّ ذِي حَقِّ سُلْطَانٌ عَلَى حَقِّهِ وَلَهُ التَّقْلِيلُ وَالتَّقْلِبُ^۱ فيه.

حق بیان و عبارت دیگری از سلطنت و قدرت اعتباری بر موارد مذکور نیست بلکه نزد عقلا هر ذی حقی بر حق خویش سلطه داشته و می تواند هرگونه تصرفی اعم از تغییر و تبدیل در آن انجام دهد. پس حق سلطنت را در پی دارد و شاید بتوان آیه مبارکه زیر را شاهدی بر این مطلب دانست:

مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوِئْهِ سُلْطَاناً^۲. سلطنت مذکور در آیه حاصل از حقی است که در اثر قتل برای ولی مقتول پدید آمده؛ یعنی در نتیجه حقی که برای مقتول حاصل شده وی سلطنت بر قصاص و غیره دارد.

در اصطلاح حقوقی نیز حق را چنین تعریف کرده اند:

حق عبارت از اقتداری است که قانون به افراد می دهد تا عملی را انجام دهند، لذا آزادی عمل رکن اساسی حق است، در مقابل، هر حقی تکلیفی ایجاد می کند مثلاً در مالکیت، مالک دارای حق ملکیت است و تمام افراد در مقابل آن مکلف هستند.^۳

آنچه از مجموع تعاریف حقوقی می توان استفاده کرد این است که حق سلطنت و توانایی خاصی است که کسی نسبت به چیزی یا شخصی دارد و می تواند هرگونه تصرفی در آن اعمال و از تصرف دیگران در آن منع کند. اگر این توانایی وجود نداشته باشد قهراً تصرف یا انتفاع ممنوع خواهد بود. لذا جز صاحب حق هیچ کس از آن بهره ای نخواهد برد.

۱- امام خمینی، همان، ص ۴۴.

۲- اسراء (۱۷): ۳۳.

۳- امام خمینی، همان، ص ۳۹؛ ابوالقاسم گرجی، «مشروعیت حق و...» ص ۱۲۱؛ مرعشی، دیدگاههای نو در

حقوق کیفری اسلام، ص ۲۳۰.

والتقلب؛^۱ مالکیت اعتباری عقلایی است که یکی از احکام آن سلطنت مالک بر تغییر و تحول آن مال است. در فقه هر سلطه قانونی را ملک می‌نامند. حقوقدانان نیز در تعریف مالکیت تعابیر متفاوتی دارند، از جمله:

مالکیت حقیقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند.^۲

ملکیت رابطه‌ای است حقوقی بین شخص و چیز مادی (جاندار یا بی‌جان، منقول یا غیرمنقول) یا توابع چیز مادی (مانند منافع خانه).^۳ آنچه از تعاریف به‌دست می‌آید این است که مالکیت رابطه‌ای^۴ است اعتباری میان مال از یک طرف و بین شخص (حقیقی یا حقوقی) از طرف دیگر که بر اساس آن مالک حق هر گونه تصرف - جز آنچه به موجب قانون منع شده - در مال و ملک را دارا است. بدیهی است این نوع ملکیت امری اعتباری است که عقلاء آن را بر حسب نیاز جامعه برای اشخاص طبیعی یا شخصیت‌های حقوقی اعتبار کرده‌اند و شارع مقدس هم آن را به موجب ادله صحت بیع، تجارت، عقد، ارث، وصیت و دیگر ادله امضاء کرده است. بلکه احياناً در موارد غیر متعارف هم تأسیس فرموده است؛ مانند: مالکیت غرقى و مهدوم عليهم در مورد ارث یا مالکیت کشته شده در مورد ديه، و لذا از آنان به موجب ادله ارث به ورثه ایشان منتقل می‌شود.^۵

مالکیت^۶ دارای سه وصف اساسی است: ۱- مطلق بودن؛ ۲- انحصاری بودن؛ ۳- دائمی

۱- امام خمینی، همان، ص ۴۴.

۲- کاتوزیان، همان، ص ۱۰۶.

۳- جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۸۷.

۴- رابطه ملکیت به اعتبار دارنده حق مالکیت و به اعتبار موضوع آن مملوکیست نامیده می‌شود.

۵- گرجی، همان، ص ۳۰۴.

۶- باید اضافه کنیم آنچه تحت عنوان مالکیت بررسی می‌شود، مالکیت عین است نه مالکیت منفعت. در عرف هم مالکیت مطلق به معنای مالکیت عین است.

بودن. مطلق بودن یعنی اینکه مالک حق همه گونه تصرف در ملک خود را دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد؛ و چون استثنائات آن در حقوق کنونی فراوان است به دشواری می توان از اطلاق حق مالکیت سخن گفت. برخی حقوقدانان گفته اند: واقع بینی ایجاب می کند که به جای اطلاق حق از قید قانون در ماهیت آن یاد کرد و گفت: حقی است که به مالک اختیار انتفاع و تصرف را در حدود قوانین می دهد.^۱

انحصاری بودن حق مالکیت بدین معنی است که مالک هر تصرفی را که مایل باشد در مال خود بکند و مانع از تصرف دیگران نیز بشود. انحصاری بودن حق مالکیت نتیجه طبیعی اطلاق اختیار مالک و لزوم رعایت آن از طرف دیگران است.

مالکیت حقی دائمی است چرا که طبیعت آن با موقتی بودن منافات دارد. این وصف در هیچ یک از مواد قانونی تصریح نشده است. مالکیت با مرگ مالک از بین نمی رود بلکه به یکی از اسباب انتقال به دیگری واگذار می شود. و ملکیت وارث نیز ادامه همان ملکیت قبلی است و منقطع نمی شود و این است معنای دائمی بودن.

حق مالکیت به سه حق زیر تحلیل می شود^۲

۱- حق استعمال *jus utendi*؛

۲- حق استثمار *jus fruendi*؛

۳- حق اخراج از ملکیت *jus abutendi*.

۱- حق استعمال: حقی است که در اثر آن مالک می تواند از عین ملک خود منتفع گردد، حال با هر شیوه ای و به هر انگیزه ای؛ مانند انواع تصرفات ممکنه در ملک، سوار شدن در ماشین، پوشیدن لباس و غیره؛

۱- کاتوزیان، همان، ص ۱۰۱. لنگرودی در این زمینه می گوید: «بعضی می گویند مالکیت حق مطلق است یعنی مالک حق همه گونه دخل و تصرف را در مال خود دارد. این نظر امروزه متروک است. یعنی *adage* چهاردیواری اختیاری بی معنی است. حدود و قیود مالکیت در عصر ما از هر زمانی بیشتر است». ر.ک: لنگرودی، حقوق اموال، ص ۹۲.

۲- امامی، همان، ص ۴۹؛ کاتوزیان، همان، ص ۱۰۶؛ سید حسین صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و اشخاص)، ص ۲۳۱. این تحلیل متعلق به حقوقدانان رومی است که به حقوق ما راه یافته است.

۵- حق معنوی

حق معنوی یا فکری^۱ حقی است غیر از حق عینی و حق ذمی (دینی). از این رو نه به عین تعلق می‌گیرد و نه به ذمه. بلکه مزیتی است قانونی و غیر مادی مانند حق مخترع بر اختراع خود و.... از این قبیل است. حق مؤلف و هنرمند که نتیجه کار فکری است و حق صاحب اسم تجاری و....^۲

تعاریف عدیده‌ای از حقوق معنوی به عمل آمده که از جمله آنها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

حقوق و امتیازات غیر مادی که مربوط به شخصیت (پدیدآورنده) و برای حمایت از آن است.^۳

یا:

«حقوق معنوی حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می‌دهد».^۴ همانند حقی که نویسنده اثر ادبی یا مخترعی نسبت به آن اثر و اختراع پیدا می‌کند.

پس با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت حقوق معنوی مزایایی است قانونی، غیر مادی و مربوط به شخصیت پدیدآورنده اثر.

در این زمینه اصطلاح دیگری به نام مالکیت معنوی به کار برده شده است. در توضیح آن چنین گفته شده است:

امروزه مالکیت را برای پاره‌ای از حقوق که جنبه معنوی دارند و موضوع آنها شیء مادی نیست، نیز به کار می‌رود. در حقوق جدید، علاوه بر مالکیت کلاسیک [مالکیت عین یا مالکیت منفعت] که خصوصیات آن ذکر شد، مالکیت

۲- جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۲۷.

۳- صفایی، «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون»، ص ۵۶.

۴- کاتوزیان، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، صص ۲۳-۲۴.

ادبی و هنری یعنی حق مؤلف یا هنرمند نسبت به اثر خود و مالکیت صنعتی و تجارتي یعنی حق مخترع نسبت به اختراع خود و حق تاجر و صنعتگر نسبت به نام تجارتي و علايم تجارتي يا صنعتي نیز شناخته شده است.^۱

مالکیت معنوی در این مفهوم شامل مالکیت‌های ادبی و هنری،^۲ یعنی حق مؤلف و هنرمند نسبت به اثر خود و مالکیت صنعتی و تجارتي، یعنی حق مخترع نسبت به اختراع خود و حق تاجر و صنعتگر نسبت به نام تجارتي و علايم تجارتي يا صنعتي است. ناگفته نماند که اصطلاح حقوق معنوی در کتب حقوقی دو گونه به کار برده شده است: گاه مراد از آن مجموعه حقوقی است که ناشی از فعالیت فکری و دارای دو جنبه مالی و غیر مالی است و در این مفهوم عده‌ای به جای آن اصطلاح حقوق مالکیت‌های فکری^۳ یا حقوق آفرینش‌های فکری^۴ را به کار برده‌اند؛ و گاهی نیز مراد از حقوق معنوی تنها یک جنبه از حقوق مالکیت‌های فکری است که از آن به حقوق اخلاقی مؤلف نیز تعبیر می‌شود و تعریفی که از حقوق معنوی شده است، به مفهوم دوم از حقوق معنوی اشارت داشت. یکی از تقسیم‌بندی‌های سنتی حق در کتب حقوقی تقسیم آن به حق دینی و حق عینی است که در این تقسیم‌بندی حقوق معنوی جایی ندارد چرا که قابل مبادله با پولند ولی نه بر شخص دیگری است و نه بر عینی. موضوع این حقوق ابتکارات و تراوش‌های ذهنی انسان است به همین جهت گروه ویژه و جداگانه‌ای از حقوق هستند که وصف اصلی آنها تکیه بر حاصل ابتکار و اندیشه انسان است و از این رو در محدوده این تقسیم‌بندی نمی‌گنجد.

۱- صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و اشخاص).

2- propriete litteraire et antistique.

3- intellectual property rights

4- Intellectual producers rights

از میان شواهد متعددی که در یونان و روم وجود داشته دو نمونه معروفیت خاص یافته‌اند: نمونه اول مربوط به هرمودور^۱ از شاگردان افلاطون است. هرمودور پس از استفاضه از محضر استاد، یادداشت‌هایش را با خود به سیسیل برد و در آنجا فروخت. این عمل که بدون اجازه افلاطون بود، نه تنها مورد شماتت اهل علم و ادب آن زمان قرار گرفت بلکه خشم مردم را نیز برانگیخت. مورد دوم که مأخوذ از ادبیات روم است مربوط به سیسرون^۲ خطیب شهیر رومی است. سیسرون در نامه‌ای به دوست و ناشر خود، آتیکوس^۳، وی را سخت سرزنش می‌کند که چرا بدون اجازه‌اش به بالبوس^۴ اجازه داده است که اثرش را، که هنوز درباره انتشارش تصمیمی نگرفته است، رونویسی کند و آن را منتشر کند.^۵

بنابراین، حق انتشار اثر، که یکی از مصادیق حقوق معنوی مؤلف است، در عهد باستان وجود داشته است. و اینکه چرا متون قانونی در این زمینه وجود نداشته، گفته شده است که در رم قدیم، ضرورت حمایت از پدیدآورندگان اثر به هیچ وجه احساس نمی‌شد. وضع شایسته اجتماعی نویسندگان و دریافت پاداش‌های مادی، به آنان فراغت کامل می‌داد تا با همه وجود به هنر خویش بپردازند. از این رو آنان هرگز درخواست نمی‌کردند تا حقوقشان نسبت به کسب امتیازات مادی و معنوی، جنبه رسمی و قانونی به خود بگیرد؛ و دیگر اینکه به رسمیت شناخته شدن این حقوق نیازمند تحولات اقتصادی، ایدئولوژیکی و اجتماعی بود که این شرایط اجتماعی مهیا نشده بود.

مبحث دوم: قرون وسطا

قرون وسطا که یک هزاره (قرن پنجم تا قرن پانزدهم میلادی) به طول انجامید از لحاظ

1- Hermodore

2- Ciceron

3- Aticus

4- Balbus

۵- آذری، همان، ص ۵.

عناصر فرهنگی و وجود و شناسایی حقوق پدیدآورندگان قرون تهی و فقیری است؛ یعنی یک هزاره تاریکی و ظلمت در آسمان علم و حکمت و ادب و هنر در مغرب زمین. و در همه جا و همه رشته‌ها نوعی انحطاط دیده می‌شود. علل اصلی این امر بدین قرارند: ۱- نه تنها شیوه نشر و تکثیر آثار نسبت به عهد باستان هیچ تغییری نکرده بلکه به علت از هم پاشیدگی اصل تمرکز قوا و تمدن در امپراتوری رم و از بین رفتن بازار آزاد برای آثار فکری، که کلیسا آن را تحت حکومت و سلطه خود قرار داده بود، کمتر اثری به ثمر و بخصوص به مرحله نشر رسیده است.

۲- برای اینکه اثری از لحاظ حقوق معنوی پدیدآورنده قابل حمایت و به رسمیت شناخته شود، باید اعتقاد به اینکه اثر زاده فکر و نبوغ مؤلف است در جامعه ریشه گرفته باشد و همان گونه که ذکر شد اوضاع اقتصادی و ایدئولوژیکی و اجتماعی برای به رسمیت شناخته شدن این حقوق مهیا شده باشد. در حالی که در اوایل قرون وسطی اعتقاد مردم و اهل کلیسا بر آن است که اثر مظهري از الهام الهی است و بنا بر این پدیدآورنده آن حق اختصاصی بر آن نمی‌تواند داشته باشد.

۳- فقدان مقام و ارج و حرمت اجتماعی پدیدآورندگان آثار فکری محیط مناسب و مستعدی را برای خلق و نشر آثار به وجود نمی‌آورده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود هیچ یک از مصادیق حقوق معنوی از قبیل حق نشر، حق اعتراض و... وجود نداشته است. توضیح اینکه حق نشر و حق تصمیم مؤلف درباره نشر اثر خود بستگی به وسایل فنی انتشار یعنی صنعت چاپ دارد؛ به عبارتی دیگر انتقال اثر به مردم و مآلاً پیدایش حقی که از این انتقال نصیب مؤلف می‌شود موقعی صورت واقعی به خود می‌گیرد که اثر بتواند در مدتی قلیل به تعدادی کثیر در دست مردم قرار گیرد؛ در حالی که با فقدان صنعت چاپ چنین امری ناممکن بود. از طرف دیگر چون انتشار اثر در بین مردم وظیفه و رسالتی برای مؤلف محسوب می‌شده، مسأله حق اتخاذ تصمیم در مورد نشر و یا

عدم نشر اثر پیش نمی‌آمده است.^۱

در زمینه حق اعتراض، که پدیدآورنده می‌تواند در صورت تحریف و تغییر اثرش داشته باشد، این حق بیشتر به صورت نفرین و تهدید به مجازات‌های الهی علیه کسانی که اثر را تحریف کرده‌اند آشکار می‌شد.^۲ بنابراین مجموعه این شرایط محیطی را پدید آورد که پرداختن به علم و ادب و نشر و ترویج آنها و مآلاً شناخته شدن حقوقی برای پدیدآورندگان به کلی مهجور باشد و چندان توجهی بدانها نشود. ولی کم‌کم از قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی اوضاع دچار تغییرات و تحولات گسترده‌ای شد.

مبحث سوم: عهد جدید (رنسانس)

از قرن شانزدهم به این سو، دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمده‌ای، جوامع اروپایی را در آن روزگار فراگرفت. این دگرگونی‌ها عبارتند از:^۳

۱- اختراع صنعت چاپ: صرف‌نظر از جنبه‌های اقتصادی، فن چاپ نتایج بسیار مهمی را در زمینه نشر آثار فکری و مآلاً شمول منافع شخصی و معنوی مؤلفان داشته و بدین ترتیب زمینه‌های حمایت از این منافع و به رسمیت شناخته شدن حقوق مالکیت‌های فکری فراهم آید.

۲- جنبش اصلاح مذهب: قدرت و سیطره اربابان کلیسا در قرون وسطی هر تفکر و اندیشه‌ای را سرکوب می‌کرد ولی با ظهور اندیشمندان و بزرگانی که از کلیسا رویگردان بودند و ایستادگی در مقابل سیطره آنان بر عالم علم و ادب، به تدریج زمینه‌های رشد و گسترش افکار و اندیشه‌ها و عقاید در قالب‌های علمی و ادبی فراهم شد، و به اعتبار و شکوفایی شخصیت انسانی و به دنبال آن شخصیت مؤلفان و هنرمندان کمک شایانی کرد.

۱- آذری، همان، ص ۹.

۲- همان؛ حضرتی شاهین‌دژ، همان، ص ۱۶۰.

۳- همان، صص ۱۰-۱۲ با تصرف.

۳- عهد تجدد (رنسانس): جنبش عظیم فکری که در این قرون رخ داد و به دلیل تجمع دانشمندان از ایتالیا شروع شد و سراسر اروپا را فراگرفت، تمامی عرصه‌های فرهنگی، هنر، ادبیات و علوم را متحول ساخت. تاریخ‌شناسان حقوق معتقدند که عهد تجدد از سویی شناسایی و اکرام و احترام شخصیت انسانی و به خصوص شخصیت آفریننده را باعث شده و از سویی دیگر هنر را از قید بی‌حرمتیها و بی‌احترامیها رهانیده و زمینه‌های رشد و بالندگی آن را فراهم آورده است.

پر واضح است که از این تحول اجتماعی و عزت و احترامی که نویسندگان و هنرمندان در جامعه یافتند، حقوق مؤلف بی‌بهره نماند. شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه از قرن شانزدهم به بعد شکوفایی تراوشهای فکری را موجد شد و پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری را به ارزش و اعتبار خود واقف ساخت و این آگاهی به تدریج مؤلفان را در راه استیفای حقوق خود مصمم کرد.

به هر حال، آن‌گونه که حقوق‌دانان بلژیکی اعتقاد دارند، باید نخستین اثر شناسایی و حمایت از حق مؤلف را در امتیازاتی جستجو کرد که برخی سلاطین و حاکمان اروپا در قرن شانزدهم میلادی به ناشران و کتابفروشان اعطاء کرده‌اند. تدریجاً مدیران و ناشران و صاحبان چاپخانه‌ها، امتیاز حکام و سلاطین را وسیله دست‌اندازی و تجاوز و غصب حقوق مؤلفان قرار دادند. این وضع قریب دو قرن در اروپا بویژه فرانسه ادامه داشت. به دنبال این اوضاع مؤلفان و مصنفان با نگرارش مقالات مستدل و رسالات پر مغز دلایل و شواهد لزوم شناسایی قانونی حقوق مؤلف را تأیید کردند.^۱ آثار این تحول فکری و اجتماعی برای اولین بار در انگلستان به صورت تصویب قانون حمایت مؤلفان (قانون معروف ملکه Anne مصوب سال ۱۷۰۹م) به ظهور رسید.^۲

در فرانسه نیز پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و نویسندگان با اعتراضاتی

۱- محمد مشیریان، همان، صص ۱۸-۱۹.

۲- تقی لطفی، «ریشه‌های تاریخی حقوق تألیفی و...»، صص ۱۰۲-۱۰۵.

کوشیدند به حقوق خویش دست یابند. لذا از اوایل قرن هیجدهم در فرانسه تذکره‌ای با نام «تذکره مربوط به تعدیات ناشران پاریسی» انتشار یافت که به روشنی بیانگر دیدگاه مؤلفان نسبت به ناشران آن زمان است. پنج سال بعد در تذکره دیگری، مساله حقوق مؤلف به صورت نظریه مستقلی ارائه شد.^۱

به دنبال انگلیس و فرانسه کشورهای بلژیک، ایتالیا، سوئیس و آلمان و کشورهای امریکای شمالی و امریکای لاتین و برخی کشورهای آسیا گام برداشتند و این حقوق را به رسمیت شناختند.^۲ قرون هیجدهم و نوزدهم را با توجه به تحولاتی که شرایط اقتصادی، اجتماعی، اندیشه‌ها و عادات، بویژه در جوامع اروپایی پدید آمد، می‌توان سالهای حرکت جوامع بشری برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان دانست.

۱- حمید آبتی، حقوق آفرینشهای فکری، ص ۲۹.

۲- سیرقانونی شدن و به رسمیت شناخته شدن این حقوق در هر یک از کشورهای مذکور، در کتب مربوط قابل مطالعه است که در اینجا از تفصیل در این زمینه خودداری شده است.

پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری در فرهنگ و تمدن اسلامی

علم‌آموزی و دانستن و آموختن و خواندن و نوشتن یک ضرورت عقیدتی در اسلام نخستین بود. پیامبر گرامی اسلام از همان نخستین روزها مردم را به کسب علم و دانش فراخواند و علم و دانش به عنوان یک ارزش در جامعه اسلامی مطرح شد. ولی «پیدایش کتاب در جهان اسلام را باید در پیوندی عمیق با تدوین احادیث دانست. جمع‌آوری بسیاری از این احادیث به دوره حکومت امویان برمی‌گردد چراکه آنان برای تحکیم اقتدار خود نیاز به خلق احادیث داشتند».^۱

«تدوین و تألیف احادیث رسمی از همین دوره آغاز شد، معاویه بن ابی سفیان طی بخشنامه‌ای سراسری دستور داد که همه احادیث فضایل شیوخ ثلاثه گردآوری و کتاب شود».^۲

از طرف دیگر: «پیدایش مکتب محدثان در اواخر سده نخست هجری الرحلة فی طلب الحدیث یا مسافرت‌های علمی، آغاز شد و کتب روایی بسیار پدید آمد».^۳

به لحاظ حقوقی جریان رسمی و دولتی تدوین و تألیف حدیث، جوایز خاص خود را

۱- آبتی، همان، ص ۳۵.

۲- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم، صص ۷۱-۷۲.

۳- محمد مهدی آصفی، پژوهشی در آیه تطهیر، صص ۱۷-۲۴.

داشت و نقل و سماع و ثبت آنها مستلزم اجازه نامه روایی و رضایت مشایخ حدیث نبود؛ چراکه این گونه احادیث به دست مشایخ اموی یا دیگران ساخته می‌شدند و مبنا و مصدري نداشتند. اما جریان غیردولتی حدیث که همچنان ناشی از ضرورت عقیدتی بود، به عنوان رسالتی بر دوش محدث سنگینی می‌کرد. به تدریج این کار قانونمند شد و مقدمات و سلسله مراتبی یافت و دخل و تصرف در نقل و ثبت حدیث مسئولیت شرعی داشت و اصالت و امانت احادیث به درجه تدین و تشرع شیخ حدیث و ناقل و راوی احادیث بستگی داشت.^۱

تأیید از طلیعه تمدن اسلامی، تألیف و تدوین علوم اسلامی رسالت و مسئولیت علمی - دینی بود که صاحبان علم و دین آن را احساس می‌کردند. و اصولاً حق و حقوقی نداشت. نهضت ترجمه در اواخر سده دوم هجری نقطه عطفی در تمدن اسلامی است که دستاوردهای علمی - عقلی بسیار در پی داشت: ترجمه متون یونانی، رومی، ایرانی و هندی از یک سو و ترجمه متون فرهنگی و عقاید و آرای عامیانه ملت‌های مغلوب از سوی دیگر رستاخیز عظیم فرهنگی پدید آورد و علوم مختلفی در عرصه فرهنگ اسلامی پدید آمد.

نویسندگی دانش به شمار آمد و نسخه‌برداری حرفه‌ای بسیار مهم گردید. در این دوره و رَاقی و صحافی و تذهیب و تجلید حرفه‌ای بسیار پیشرفته شد؛ صنعت کاغذسازی تولد یافت و کتابخانه‌های بزرگی در سرتاسر جهان اسلام تأسیس گردید.^۲

مأمون، که دارالحکمه را بنا نهاده بود، برای افزایش انگیزه مترجمان به آنان پاداش می‌داد و هر ترجمه‌ای را شخصاً تأیید می‌کرد.

در آغاز، کتابت روی اوراق مصری، که از برگ کاهی مخصوص به دست می‌آمد، صورت می‌گرفت. در سده چهارم هجری که کاغذ از چین به قلمرو اسلام آمد، جایگزین آن اوراق مخصوص شد. کارگاه کاغذسازی سمرقند شهرت جهانی یافته در دمشق، طبریه و طرابلس نیز کارگاه کاغذسازی دایر شده بود و این صنعت از طریق اسپانیا از غرب سربرآورد. در سده‌های سوم و چهارم و پنجم هجری وراقی در اوج خود بود و ناشر، که همان وراق و

۱- محمود رضا افتخارزاده، روش شناخت سنت و تاریخ اسلام، صص ۱۵۴-۱۵۸.

۲- آیتی، همان، ص ۳۶.

صحاف بود، کارش تذهیب و تجلید و تکثیر بود؛ به این صورت که مؤلف نوشته‌اش را به ناشر می‌فروخت یا می‌سپرد که آن را تکثیر و تجلید کند و به فروش رساند. در مقابل جعل و تحریفات نیز تنها کاری که مؤلف می‌توانست انجام دهد، موعظه اخلاقی و یادآوری عذاب و عقوبت اخروی و مسئولیت شرعی بود که در آغاز و انجام کتاب می‌آوردند و جاعلان و تحریفگران و سارقان ادبی را از هرگونه دخل و تصرفی برحذر می‌داشتند. چنان که مسعودی عالم و مورخ سده سوم و چهارم هجری در کتاب خویش آورده است:

... هرکس حرفی از کتابم را تحریف کند، یا بخشی از آن را بردارد یا نکته‌ای روشن و معلوم را تباه سازد، یا شرح حال کسی را عوض و دگرگون سازد، یا از خود بنویسد یا اثرم را به غیر من نسبت داده یا دیگری را در نوشتن آن شریک جلوه دهد، خداوند او را به غضب خود گرفتار کند.^۱

تا بدین زمان یعنی سده‌های پنجم و ششم، بازار وراقان و صحافان و کتابفروشان در بلاد اسلامی دایر شده بود. همچنین علما و حکمای بزرگی، که هریک تألیفات عدیده‌ای داشتند ظهور کرده بودند و کتابخانه‌ها و مراکز دیگر فرهنگی نیز فعالیت داشتند اما درباره حقوق مؤلف، از آنجا که گسترش علوم و معارف دینی به عنوان یک فریضه و مسئولیت شرعی تلقی می‌شود، اصل بر این است که تألیف و تصنیف مستلزم انتفاع مادی نیست؛ و مواردی که ذکر شد، چون دریافت پاداش از خلفا که یا برای اغراض سیاسی و یا با هدف اعتلای علم و ادب صورت می‌گرفت و...، استثناء بر آن اصل هستند که در موارد محدودی وجود داشتند.

مسئله دیگری که ذکر آن ضروری است، مسئله نظارت مذهب و دولت بر تألیف است. طرح دو اصل اساسی در قرآن مبنای آزادی عقیده و بیان در گفتار و نوشتار در اسلام اولیه بود: نخست بشارت انسان در دعوت او به شنیدن آراء و اقوال و گزینش منطقی‌ترین آنها؛^۲ و دوم نبود اجبار و اکراه در پذیرش عقیده و دین و تکیه بر اصل آزادی و اختیار انسان در

۱- علی بن الحسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۲۷.

۲- کف(۱۸): ۳۹.

انتخاب عقیده^۱. دعوت قرآن از صاحبان عقاید و آراء برای گفت و شنود آزاد منطقی و فراخوانی عام جهانی و مبارزه طلبی (تحدید) از برجسته‌ترین ادله آزادی بیان و نفی خفقان و استبداد در اسلام اولیه شمار می‌رود. فرمان جادله‌م بالآئی هی أحسن^۲ اسلام را دینی منطقی، مباحثه‌گر و مؤدب معرفی می‌کند.^۳

«سیره پیامبر اسلام (ص) نیز نشانگر همین امر است. آن حضرت در دو دوره مکی و مدنی به احتجاج و استدلال با مشرکان و کافران و صاحبان ادیان و مذاهب می‌پرداخت و با مهربانی و سعه صدر به استدلال و سخنان آنان گوش می‌سپرد و سرانجام این مشرکان و صاحبان ادیان بودند که از مباحثه می‌گریختند».^۴

در پی جریان سقیفه، نظارت و سانسور دولتی آشکارا برقرار گردید. عایشه گوید که پدرم پانصد حدیث مکتوب از رسول خدا را بعد از واقعه سقیفه بسوزانید. خلیفه دوم نیز به سراسر بلاد بخشنامه کرد که تدوین و تألیف احادیث ممنوع است و فقط احادیثی گفته و نوشته شود که پیرامون طهارت و صلوٰه باشد.

در دوره عثمان نظارت و سانسور بر تألیف اوج گرفت و به بهانه تألیف قرآن واحد، تمام احادیث مکتوب کلامی، سیاسی که شرح آیات قرآن بود و اصحاب آن را پنهان ساخته بودند گرفته شد و محو گردید و ابن مسعود که از دادن نوشته‌هایش خودداری می‌کرد به شدت مضروب شد تا از جهان رفت.^۵

در دوره‌های بعد این سانسور تشدید شد و حتی پشتوانه‌های شرعی، اعتقادی یافت. با

۱- بقره (۲): ۲۵۶.

۲- نحل (۱۶): ۱۲۵؛ و به همین مضمون است در سوره مبارکه عنکبوت (۲۹): ۴۶.

۳- افتخارزاده، مقدمه ترجمه کتاب حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه اسلامی معاصر، ص ۱۳.

۴- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، صص ۳۳۹-۳۴۱ با تصرف.

۵- احمد بن الحسن الامینی، الغدیر فی الکتاب والسنة، ج ۵، ص ۲۹۱؛ محمد بن عبدالله الحاکم، المستند علی الصحیحین، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۴.

پشتوانه این نظریه پردازها نفی مستند به نقل و عقل اراده و اختیار از انسان و حاکمیت مطلق جبر و تقدیر آلام در سرنوشت هستی و آدمی واقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را توجیه کلامی می‌کرد و انسان را از هرگونه حقوق تکوینی و تشریعی محروم می‌دانست و هر گونه اعتراضی در این باب کفر و ارتداد و عواقب هولناکی داشت. این اندیشه سیاه موجب مرگ نابهنگام تمدن جوان و نوپای اسلامی شده و بر خاکستر آن قشری‌گری و جهالت مذهبی بنا گردید. سانسور و نظارت بر تألیف به دوگونه اعمال می‌شد: در حوزه کلامی به شکل حرام شمردن هر نوع تحقیق، اجتهاد، ابداع، تعقل و تفکر مغایر با اعتقادات و قالبهای روایی، و در حوزه سیاسی ممنوعیت هرگونه انتقاد از سیره و سلوک اصحاب، خلفا، علما و مشایخ و استلزام تعزیر و حد شرعی براین امر.^۱

این نوع نگرش در حالی است که منطق قرآن در برخورد با مشرکان و کافران و ساحران چنین رهنمودی نمی‌دهد:

وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ...^۲ «و آنهایی را که جز خدا را می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی (و) نادانی خدا را دشنام خواهند داد...» و مسلمانان را از هرگونه دشنام و لعن و رفتار غیرمنطقی با مخالفان فکری خود برحذر می‌دارد. امام علی بن ابیطالب (ع) نیز صریحاً مسلمین را از سب مخالفان حربی و فکری باز می‌داشت و دوست نداشت که پیروانش دشنام دهنده باشند.^۳ که شواهد مختلفی را می‌توان در این زمینه در ارشادات ائمه بزرگوار اسلام یافت.

۱- عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، صص ۳۳۱-۳۲۰.

۲- انعام (۶): ۱۰۸.

۳- نهج البلاغه، کلام ۳۰۶۷، ص ۳۲۳.

کنوانسیونها و سازمانهای بین المللی

در اواخر قرن نوزدهم گسترش ارتباطات و پیشرفت علوم و فنون با سرعت خیره کننده‌ای ادامه پیدا کرد و به زودی معلوم شد، قوانین پیشرفته ملی به تنهایی نمی‌توانند از منافع اتباع کشورها حمایت کنند. این امر نه تنها به دلیل نقایص آن قوانین، بلکه ناشی از این بود که با افزایش سریع امکانات ارتباطی و وسایل حمل و نقل و تکنولوژی تکثیر آثار، آثار خلق شده به کوشش مؤلفان داخلی به زودی به دیگر کشورها راه می‌یافتند و در آنجا به صورت غیر مجاز و با سوء استفاده تکثیر می‌شدند.

اولین اقدامات در این زمینه انعقاد معاهدات دوجانبه کشورهای مختلف برای حمایت از آثار اتباع خود، در کشور مقابل بود. به این منظور کشورهای اروپایی در معاهدات دوجانبه خود، شرایط معامله متقابل را می‌گنجاندند که به موجب آن اتباع دو کشور در هریک از کشورها از حمایتی مشابه اتباع همان کشور برخوردار می‌شد. ولی به دلیل رشد سریع ارتباطات و پدید آمدن دهکده جهانی، لزوم چاره‌اندیشی جدی حمایت از حقوق پدیدآورندگان را در سطح بین‌المللی بیشتر نمایان می‌ساخت. این بود که کنوانسیونهای بین‌المللی به عنوان ابزاری برای فراهم آوردن استانداردهای حمایتی و یکنواخت کردن قوانین ناهمسان کشورها پدید آمدند.

حال در این مبحث اهم قراردادهای کنوانسیونهای بین‌المللی، در زمینه حمایت از مالکیت‌های معنوی اعم از مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری، به اختصار گزارش خواهد شد؛ همچنین از قوانین سازمانهای جهانی در حمایت از این حقوق بحث خواهد شد.

مبحث اول: کنوانسیون پاریس

نبود حمایت کافی از اختراعات خارجی زمانی به طور شدید آشکار گشت که دولت اتریش-مجارستان از کشورهای دیگر دعوت کرد که در نمایشگاهی بین‌المللی از اختراعات، که در سال ۱۸۷۳م در وین برگزار می‌شد، شرکت کنند. این واقعیت، که بسیاری از مهمانان خارجی به سبب نداشتن حمایت کافی از اختراعات عرضه شده، تمایلی به نمایش عمومی اختراعاتشان نداشتند، باعث شد تا نمایشگاه با شکست روبه‌رو شود. به عنوان دنباله‌کنگره وین، کنگره‌ای بین‌المللی در سال ۱۸۷۸م در پاریس برگزار شد که در نتیجه آن دولت فرانسه ملزم شد کنفرانسی بین‌المللی (کنفرانس دیپلماتیک) را «با وظیفه تعیین مبنای قانونگذاری متحدالشکل در زمینه مالکیت صنعتی» برگزار کند.^۱ به دنبال آن کنگره، پیش‌نویس کنوانسیونی در پاریس تهیه شد که پیشنهاد می‌کرد: اتحادیه‌ای بین‌المللی برای حمایت از مالکیت صنعتی تشکیل شود. در سال ۱۸۸۳م، کنفرانس دیپلماتیک جدیدی در پاریس برگزار شد که به پذیرش نهایی و امضای کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت منجر شد که یازده کشور آن را امضاء کردند؛ ولی در اول اکتبر ۱۹۹۶ کنوانسیون پاریس ۱۴۰ عضو داشت. این کنوانسیون پس از امضای آن در سال ۱۸۸۳م تا به حال چندین بار بدین ترتیب بازنگری شده است: ۱۸۸۶م در رم، ۱۸۹۰م و ۱۸۹۱م در مادرید، ۱۹۰۰م در بروکسل، ۱۹۱۱م در واشنگتن، ۱۹۳۵م در لاهه، ۱۹۳۴م در لندن، ۱۹۵۸م در لیسبون و ۱۹۶۷م در استکهلم.

به جز کنفرانسهای بازنگری بروکسل و واشنگتن، که دیگر لازم‌الاجراء نیستند، بقیه منجر به صدور سندهایی شدند که هنوز هم معتبرند.^۲

۱- ر.ک: سازمان ثبت اسناد و املاک جمهوری اسلامی ایران همایش ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران و...، سند تهیه شده به کوشش اداره بین‌المللی سازمان جهانی مالکیت معنوی، با عنوان «حمایت از مالکیت صنعتی تحت مقررات کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی»، تهران، ۲۶-۲۷ آذرماه ۱۳۷۵.

۲- همان همایش، سخنرانی دکتر هاینس باردل، «حمایت از مالکیت صنعتی تحت کنوانسیونهای عمده اداره (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اصول کلی مندرج در قرارداد پاریس را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- مقررات مربوط به حقوق بین‌الملل عمومی شامل حقوق و تکالیف دولتهای عضو قرارداد و نیز مقررات اداری.

۲- مقرراتی که دولتهای عضو را ملزم به وضع قوانین و مقرراتی درباره مالکیت صنعتی می‌کند.

۳- مقرراتی درباره حقوق و وظایف اشخاص ذی نفع در استفاده از حقوق مالکیت‌های صنعتی در سایر کشورهای عضو قرارداد.

۴- مقررات مربوط به امکان اجرای مستقیم مفاد قرارداد یا لزوم وضع مقرراتی در قلمرو ملی برای نحوه اجرای قرارداد.^۱

کشور ایران در سال ۱۳۳۷ ش براساس قانونی که به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا رسید، به قرارداد پاریس تا اصلاحیه لندن پیوست و مدتی بعد با تصویب نامه هیأت وزیران به اصلاحات لیسبون ملحق گردید.^۲ و سرانجام در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۸ با تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان، دولت ایران به اصلاحیه ۱۹۶۷ م و ۱۹۷۹ م استکهلم پیوست.^۳

علاوه بر معاهده پاریس، معاهده‌های دیگری در حمایت از مالکیت صنعتی به وجود آمده‌اند که هریک مربوط به موضوع خاصی است: قرارداد همکاری در موضوع گواهی‌نامه‌های اختراعات، موافقت‌نامه استراسبورگ، قرارداد بوداپست، موافقت‌نامه لاهه،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

شده توسط سازمان جهانی مالکیت معنوی و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی: حقوق اختراع و طرحهای صنعتی».

۱- نورالدین امامی، و دیگران، درباره قرارداد پاریس، راجع به حقوق مالکیت صنعتی، صص ۲-۶.

۲- آبتی، همان، ص ۱۵۴.

۳- ر.ک: قوه قضائیه، مجموعه قوانین، ص ۴۸۱.

موافقت‌نامه مادرید، موافقت‌نامه لیسبون و موافقت‌نامه وین.^۱

مبحث دوم: کنوانسیون برن

اولین و مهمترین سند بین‌المللی درباره حقوق مؤلف «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» است.

پس از اینکه ضرورت سندی بین‌المللی بیشتر احساس شد، انجمن بین‌المللی ادبی و هنری، که در سال ۱۸۷۹م در شهر پاریس تأسیس شده بود، تلاشهایی را برای تهیه سندی بین‌المللی آغاز کرد. به دنبال این تلاشها در سالهای ۱۸۸۴م و ۱۸۸۵م کنفرانسهای دیپلماتیک در شهر برن تشکیل شد که در این کنفرانس دو شیوه برای حمایت بین‌المللی از آثار ادبی و هنری پیشنهاد شد: ۱- قانون متحدالشکل؛ ۲- اصل برابری خودی و بیگانه که به علت اختلافات هیچ یک مورد پذیرش واقع نشد بلکه شیوه‌ای مختلط تصویب شد.^۲

سرانجام در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶م در شهر برن نمایندگان چند کشور اروپایی و افریقایی و هیأتی از کشورهای امریکای لاتین گرد هم آمدند و اولین سند بین‌المللی حمایت از حقوق مؤلف را پدید آوردند.

با گسترش ارتباطات و افزایش گونه‌های ادبی و هنری تجدیدنظرهایی در این کنوانسیون به عمل آمد. این تجدیدنظرها بدین شرح‌اند: ۹ مه ۱۸۹۶ در پاریس، ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸ در برلن، ۲۰ مارس ۱۹۱۴ در برن سوئیس، ۱۴ ژوئن ۱۹۲۸ در رم، ۲۶ ژوئن ۱۹۴۸ در بروکسل، ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در شهر استکهلم و آخرین بار در ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ در پاریس، که در هریک از این تجدیدنظرها مواردی از گونه‌های ادبی و هنری و حمایت‌های مختلف بین‌المللی به متن قرارداد اولیه اضافه شد.

این قرارداد بدون محدودیت از آثار و گونه‌های ادبی و هنری همچون: کتاب، رساله، مقالات و نامه‌ها، آثار شفاهی مانند سخنرانیها، خطابه‌ها و وعظ‌ها، آثار نمایشی، پانتومیم،

۱- شورای عالی انفورماتیک کشور (سازمان برنامه و بودجه)، حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار.

۲- پژمان محمدی ده‌چشمه، «حقوق مؤلف»، پایان‌نامه.

رقص، آثار موسیقی، آثار سینمایی، نقاشی، پیکرتراشی، گچ‌بری، مجسمه‌سازی، کنده‌کاری، عکاسی، نقشه‌های جغرافیایی، طرح‌ها و آثار نقشه‌برداری، معماری، آثار مربوط به ترجمه، شرح، تنظیم و گردآوری و سایر آثار تبدیلی، دایرة‌المعارف‌ها، گلچین‌های ادبی و... یاد کرده است.^۱ از نکات مهمی که در این کنوانسیون بدانها اشاره شده عبارتند از:

۱- اصل رفتار ملی (ماده ۴ و ۵ قرارداد): اثر هریک از مؤلفان تبعه کشورهای عضو پیمان یا کشورهای غیر عضو، که برای نخستین بار در یک کشور عضو انتشار یابد، از حمایت قانون کشور اخیر، همانند تبعه داخلی آن کشور برخوردار است؛

۲- کنوانسیون، براساس اصل حمایت، بدون تشریفات برخی اقدامات را، از قبیل ثبت اثر، شرط بهره‌مندی از حمایت قانون نمی‌داند؛

۳- مدت عادی حمایت از حقوق مادی اثر در دوران زندگانی خالق اثر و نیز ۵۰ سال پس از مرگ اوست (ماده ۷ قرارداد).

این کنوانسیون دارای ضمیمه‌ای است که متضمن مقررات خاص برای کشورهای در حال توسعه است.^۲

جمهوری اسلامی ایران تاکنون به این کنوانسیون و هیچ یک از اصلاحات آن ملحق نشده است و موافقان و مخالفان هریک دیدگاهی در این زمینه دارند.^۳

مبحث سوم: کنوانسیون جهانی حق مؤلف (کنوانسیون ژنو)

قرارداد برن گرچه گامی اساسی در جهت کسب حقوق پدیدآورندگان در برداشت ولیکن به جهاتی خواسته‌های کشورهای در حال توسعه را تأمین نمی‌کرد؛ چرا که پس از پایان جنگ جهانی دوم آنان از یک سو نیازمند ترجمه آثار فکری و پخش برنامه‌های رادیویی و

1- Berne Convention for the protection of literary and Artistic works, wipo publication No.287 (E).

Geneva 1996.

2- That, PP. 45-57.

۳- ر.ک: محمدیگی علی اعظم، «بررسی دیدگاه‌های رایج در باب حقوق مؤلف».

تلویزیونی کشورهای پیشرفته بودند و از جانب دیگر پرداخت مبالغ سنگین حقوق مادی آن آثار برایشان دشوار بود.

در راستای نزدیک شدن به این هدف، که امتیازات ویژه‌ای برای کشورهای جهان سوم در نظر گرفته شود و نیز هماهنگی میان قوانین حمایتی حقوق مؤلف همچنین تحقق بخشیدن به اصل ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر حق افراد نسبت به برخورداری حمایت از منافع مادی و معنوی آثار علمی، ادبی و هنری خود تأکید می‌کرد، یونسکو - سازمان علمی و فرهنگی و ترییتی سازمان ملل متحد - عهده‌دار تهیه طرح جهانی حق مؤلف گردید. کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۴۷م در مکزیک تصویب کرد که «یونسکو باید با تمام سرعت و با توجه کافی به قراردادهای موجود، مسأله بهبود بخشیدن به حقوق مؤلف در سطح بین‌المللی را بررسی کند». این قطعنامه در دو نشست جدی کنفرانس عمومی یونسکو و دبیرخانه آن تأیید شد و این دبیرخانه موظف شد طرح کنوانسیون را برای تضمین رعایت جهانی حقوق مؤلف فراهم بیاورد.^۱

برآیند تلاش‌ها سرانجام نتیجه بخشید و قرارداد ژنو (U.C.C) در ۶ سپتامبر سال ۱۹۵۲م به امضاء رسید. نکات برجسته این کنوانسیون از این قرار است:

۱- برخلاف قرارداد برن، که هنگام ذکر گونه‌های آثار مورد حمایت به مصادیق جزئی پرداخته بود، در قرارداد ژنو از آفرینشهای فکری، به صورت کلی با ذکر آثار نوشته، موسیقی، نمایشی، سینمایی، نقاشی، گراور، و پیکرتراشی یاد شده است؛

۲- مدت عادی حمایت در این قرارداد، زمان حیات خالق و ۲۵ سال پس از مرگ اوست که این مدت در مقایسه با قرارداد برن کاهش یافته است؛

۳- قرارداد جهانی حق مؤلف، برخلاف قرارداد برن، تشریفات را پذیرفته و شرط برخورداری حمایت اثر را درج علامت C (اختصار Copy Right)، نام صاحب اثر و نخستین سال انتشار بر روی اثر قرار داده است.

این کنوانسیون نیز چون توانست اهداف کشورهای در حال توسعه را برآورده سازد، در نتیجه اعتراضات و رایزنیهای کشورهای در حال توسعه و تغییرات و تحولاتی که در

پی‌نشستها و کنفرانس‌های بعدی صورت گرفت زمینه برای تجدیدنظر در این کنوانسیون فراهم شد و دولتهای مختلف در ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ در پاریس هم زمان با تجدیدنظر در کنوانسیون برن در این کنوانسیون نیز تجدیدنظر کردند که تسهیلات و امتیازات ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شد؛ از جمله اینکه مدت حمایت از آثار برای این کشورها از ۲۵ سال به ۲۰ سال تقلیل پیدا کرد. نیز چاپ و تکثیر اثر برای نیازهای آموزشی، تحقیقاتی و دانشگاهی، در صورت کمیاب شدن اثر یا گران شدن آن و همچنین استفاده از برنامه‌های علمی و آموزشی رادیو و تلویزیون دیگر کشورها، با کسب اجازه از مرجع صلاحیتدار داخلی مجاز دانسته شد.^۱

قراردادهای دیگری نیز مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری وجود دارد؛ از جمله: ۱- قرارداد مونته ویدئو که در ۱۱ ژوئیه ۱۸۸۹ میان چند کشور امریکای جنوبی و اروپایی منعقد شد؛^۲ ۲- قرارداد ۱۹۶۱ م رم مربوط به حمایت از نویسندگان نمایشنامه‌ها و تولیدکنندگان آثار صوتی، سازمانهای پخش رادیویی و تلویزیونی؛^۳ ۳- قرارداد فونوگرام ۱۹۷۱ م پاریس مربوط به ثبت انحصاری صدای نمایش یا سایر صداها؛^۴ ۴- قرارداد ۱۹۸۴ م بروکسل در ارتباط با پخش امواج مخابراتی به وسیله ماهواره.^۵

مبحث چهارم: سازمان جهانی مالکیت معنوی^۶

کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۴ م با عضویت ۱۴ کشور منعقد شد و رسمیت یافت. کشورهای مذکور یک دفتر بین‌المللی تشکیل دادند که وظیفه آن اجرای امور اداری از قبیل سازماندهی جلسات کشورهای عضو بود، در سال ۱۸۸۶ م کپی رایت تحت عنوان «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» وارد صحنه بین‌المللی شد و همانند

۱- آیتی، همان، ص ۱۴۸.

۲- محمد مشیریان، همان، ص ۲۱.

۳- حقوق پدید آورندگان نرم‌افزار، ص ۳۳۲.

کنوانسیون پاریس دفتر بین‌المللی تشکیل داد که وظیفه آن اجرای امور اداری بود. در سال ۱۸۹۳م این دو دفتر با یکدیگر ادغام شدند و سازمانی بین‌المللی به نام «دفتر بین‌المللی متحد برای حمایت از مالکیت معنوی» را تشکیل دادند که در زبان فرانسه «BIPRI» نامیده می‌شد. این سازمان کوچک که مرکز آن در برن سوئیس بود و تعداد اعضای آن فقط ۷ عضو بود سنگ بنای سازمان جهانی مالکیت معنوی امروز است.^۱

اهداف این سازمان عبارتند از:

- ۱- هماهنگ‌سازی سیستم قانونگذاری و آیین نامه‌های مالکیت معنوی در سطح ملی.
 - ۲- خدمات برای درخواستهای ثبت بین‌المللی حقوق مالکیت صنعتی.
 - ۳- تبادل اطلاعات مالکیت معنوی.
 - ۴- آموزش و همکاری‌های قانونی و فنی به کشورهای در حال توسعه و سایر کشورها.
 - ۵- تسهیل حل اختلافات خصوصی راجع به مالکیت معنوی.
 - ۶- مرتب کردن تکنولوژی اطلاعاتی به عنوان ابزاری برای ذخیره، دستیابی، و کاربرد اطلاعات گرانبهای مالکیت معنوی.^۲
- جمهوری اسلامی ایران نیز در صدد پیوستن به سازمان جهانی مالکیت معنوی است.^۳

1- General Information, WIPO publication No 400 (E), July 1998, P.3-5.

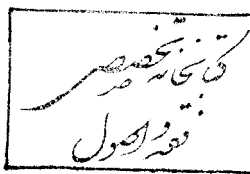
سازمان WIPO را در زبان فرانسوی OMPI گویند که اختصار این عبارت است:

organisation mondiale de la propriété intellectuelle

2- that, p.6

۳- ر.ک: روزنامه نوروز، چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۴۰.

همچنین به گفته رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک: «طرح الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی مالکیت معنوی از طریق قوه قضائیه به هیأت دولت ارائه و تصویب شده است و به زودی در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود». (ر.ک: اخبار و رویدادهای فرهنگی، روابط عمومی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ش ۱۱۵).

**مبحث پنجم: سازمان تجارت جهانی (WTO)**

حقوق مالکیت‌های فکری در دنیای امروز - به ویژه در کشورهای غربی - به صورت یک منبع درآمد ارزی و یکی از ضوابط تعیین پیشرفت تجاری محسوب می‌شود. سند نهایی دور اروگوئه، گات ۱۹۹۴ م انعکاسی از این جریان فکری است. سازمان تجارت جهانی WTO در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ پس از پایان موفقیت‌آمیز مذاکرات چند جانبه GAT^۱ در اروگوئه تأسیس شد.

در تاریخچه گات باید گفت که سیاست‌های تجارت بین‌الملل، بویژه در قرون اخیر، به صورت سیستم تجارت آزاد رشد کرد و کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی به جای واردات به صادرات و تجارت آزاد روی آوردند.

قرارداد عمومی تعرفه و تجارت (گات) یکی از ابزارهای مهم در این زمینه است که سابقه آن به سال ۱۹۴۷ م برمی‌گردد که از اول ژانویه ۱۹۹۵ جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است.

مذاکرات موسوم به دور اروگوئه، حاصل ۷ سال مذاکرات فشرده و طولانی کشورهای عضو است که از سپتامبر ۱۹۸۶ تا ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ به طول انجامید؛ و حاصل آن مجموعه موافقت‌نامه‌هایی است که تحت عنوان سند نهایی مذاکرات تجاری دور اروگوئه، در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در کشور مراکش به امضای وزرای تجارت کشورهای عضو رسید. و بدینسان سازمان تجارت جهانی به وجود آمد.

یکی از موافقت‌نامه‌هایی که مورد مذاکره قرار گرفت، موافقت‌نامه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی بود که به موافقت‌نامه TRIPS معروف است. موافقت‌نامه تریپس با خود عصر نوینی در حمایت و اجرای حقوق مالکیت معنوی و همچنین افزایش ارزش فعالیت‌های برنامه WTO را به ارمغان آورده است. مفاد موافقت‌نامه TRIPS در ارتباط با کپی رایت و حقوق مربوط، علایم تجاری، طرح‌های صنعتی، اختراعات و طرح‌های کلی نقشه‌های مدارهای یک پارچه، اسرار تجاری و... است.^۲

1- general agreement on traiff and trade.

۲- that, p.12 همچنین بنگرید به: سازمان ثبت اسناد و املاک، همان همایش، سخنرانی آقای سیف الله صادقی

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

موافقت‌نامه TRIPS در پی این است که استانداردهای حداقلی را برای حمایت از این حقوق مطرح و روش کشورهای جهان را با یکدیگر در این زمینه همگون و هماهنگ سازد. این موافقت‌نامه شامل ۷۳ ماده است. این موافقت‌نامه براساس کنوانسیونهای پاریس، برن، کنوانسیون رم در خصوص حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان صفحات موسیقی و سازمانهای پخش‌کننده، موافقت‌نامه مالکیت معنوی در ارتباط با مدارهای یکپارچه ۱۹۸۹م، موافقت‌نامه مشهور به گات ۱۹۹۴ و تفاهم‌نامه مربوط به قواعد و روشهای ناظر به حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی شکل گرفته و تنظیم شده است. در واقع موافقت‌نامه TRIPS بسیار پیشرفته‌تر از کنوانسیونهای مذکور است و مکمل آنها به شمار می‌رود.

در آینده رعایت کلیه مقررات ماهوی کنوانسیون پاریس حتی برای کشورهایی که هنوز عضو آن کنوانسیون نیستند اجباری خواهد بود؛ به این شرط که آن کشورها عضو سازمان تجارت جهانی WTO باشند. چرا که ماده ۲ موافقت‌نامه TRIPS، اعضاء را ملتزم به رعایت ماده‌های ۱-۱۲ و ماده ۱۹ کنوانسیون پاریس می‌کند.^۱

در پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی WTO موافقان و مخالفان آرایه دارند^۲ در عین حال دولت جمهوری اسلامی ایران بارها تمایل خود را به عضویت در آن سازمان اعلام کرده است^۳ و به شرط توافق کلیه کشورهای عضو جمهوری اسلامی ایران به عضویت WTO در خواهد آمد.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

یارندی تحت عنوان: «سیستم مالکیت معنوی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه موافقت‌نامه TRIPS جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی».

۱- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، همان، سخنرانی دکتر هاینس باردل.

۲- ر.ک: «مواضع و دیدگاه موافقین و مخالفین درخصوص پیوستن ایران به WTO»، نشریه پگاه حوزه،

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۰، ش ۱۲، ص ۲۴.

۳- روزنامه نوروز، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۴؛ همان، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۴، مصاحبه با وهاجی معاون

وزارت بازرگانی.

پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری در ایران

از آنچه تاکنون به اجمال بیان شد پیشینه تاریخی و سیر دگرگونی‌ها و تحولات حقوق مالکیت‌های فکری در جهان و در فرهنگ و تمدن اسلامی و همچنین نحوه شکل‌گیری کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از حقوق مالکیت‌های فکری اعم از مالکیت‌های صنعتی و مالکیت‌های ادبی و هنری مشخص گردید. در اینجا پیشینه تاریخی این حقوق در ایران، در دو مرحله فقدان و تدوین قوانین بررسی می‌شود:

مبحث اول: مرحله فقدان قوانین

در ایران باستان و در گذشته‌های دور حق پدیدآورنده آثار ادبی (حق مؤلف) - به دلیل سبق آن بر دیگر گونه‌ها - به رسمیت شناخته شده بود. این ادعایی است که شواهد مختلفی را، در ایران آن روزگار، می‌توان بر آن یافت. موضوع صله شاعران و نویسندگان که در عهد و زمان پادشاهان صفاری و سامانی و تا دورانهای بعد وجود داشته است ریشه در عرف آن روزگار داشته که پدید آورنده اثر را مستحق دریافت صله و جایزه و پاداش می‌دانستند. مواردی شاهد بر این امر بیان شده از جمله:

مأخذ اصلی کتاب شاهنامه، اثر بدیع استاد حماسه سرای ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی، خداپایامه یا خداپایامک است که مجموعه داستانهای ایران کهن بوده و دهقان دانشوری آن را از زبان موبدان شنیده و به نثر جمع‌آوری کرده است. حکیم فردوسی در شاهنامه مکرر نام دهقان دانشور را، که مؤلف داستانهای منثور بوده است، ذکر می‌کند و یادآور می‌شود که

مؤلف اثر اصلی خداینامک دهقان دانشور بوده است. از جمله در مقدمه کتاب و آغاز داستانها می‌گوید:

فرآوان بدو اندر آن داستان	یکی نامه بد از گه باستان
از او بهره‌ای برده هر بخردی	پراکنده در دست هر موبدی
دلیر و بزرگ و خردمند و راد	یکی پهلوان بنود دهقان‌نژاد
یکی نامور نامه افکند بُن ^۱	چو بشنید از ایشان سپهد سخن

شاعر عالیمقدار طوس در این ابیات حق اخلاقی^۲ مؤلف اصلی را محفوظ داشته است. شاهد دیگر، کتاب گلستان شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی است. حکایت بدین شرح است:

شیادی گیسوان بافته، گفت من علویم و با قافله حجاز به شهر درآمد که از حج می‌آیم و قصیده‌ای پیش ملک برد و گفت که من گفته‌ام. ملک نعمتش داد و اکرام کرد و نوازش بی‌کران فرمود تا یکی از ندمای ملک که در آن سال از سفر دریا آمده بود گفت من او را در عید اضحی در بصره دیدم چگونه حاجی باشد، دیگری گفت من او را می‌شناسم پدرش نصرانی بود در ملاطیه و او علوی نباشد و شعرش را در دیوان انوری یافتم. ملک فرمود تا بزنندش و نفی کنند.

این حکایت نمایانگر چند نکته است:

- ۱- حق مادی مؤلف حمایت می‌شده است؛ چنان‌که سلطان در مقابل شعری که آن شیاد آن را اثر خود خواند خلعت و نعمت اعطاء کرد.
- ۲- حق اخلاقی (معنوی) صاحب اثر محترم بوده است. و سلطان از تجاوز آن شیاد به اثر دیگری و انتساب آن به خود آشفته شده و او را مجازات کرد.

۱- مشیریان، همان، ص ۱۶۴

۲- Droit moral یا حق اخلاقی عبارت است از اینکه مؤلف یابدیدآورنده همواره نامش همراه اثر باشد و اثر همواره به نام او باقی بماند. و در مقابل حق مادی است که مجموعه این دو حق مادی و معنوی، حقوق پدیدآورنده را تشکیل می‌دهد.

۳- مدت حمایت حق اخلاقی صاحب اثر دائمی بوده است. زیرا انوری از شاعران بنام اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم است و گلستان در نیمه دوم قرن هفتم نگارش یافته است.

علاوه بر آن چه گفته شد، شواهد بی‌شماری، نشان دهنده این امر هستند که حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده در عرف آن روزگار مورد توجه بوده است؛ هرچند که از زمان پادشاهی تا پادشاه دیگر مسأله متفاوت بود و در دوره‌هایی حق مادی و مالی مؤلف حمایت شده است، ولی این اصل همواره مقبول بوده که اثر از آن پدید آورنده و به نام اوست؛ یعنی رعایت حق معنوی و اخلاقی پدیدآورنده.

البته، نقل اقوال دیگران بدون ذکر مأخذ و سند و انتساب اثر دیگران به خود، وجود داشته و مواردی نقل شده است از جمله: ابوالحسن علی بن عثمان جلایی هجویری غزنوی در مقدمه کتاب خود کشف‌المحجوب چنین می‌نویسد:

دیوان شعرم کسی بخواست و باز گرفت و اصل نسخه، جز آن نبود، آن جمله را بگردانید و نام من از سر آن بیفکنند و رنج من ضایع کرد. تاب الله علیه، و دیگر، کتاب کردم هم از طریقت تصوف، نام آن منهاج‌الدین. یکی از مدعیان، نام من از سر آن پاک کرد و به نزدیک عوام چنان نمود که وی کرده است.^۱

در چنین مواردی، عکس‌العمل پدیدآورنده و مؤلف همچنان که در صفحات پیشین اشاره شد جز نکوهش و ذم اخلاقی و وعده عذاب الهی چیز دیگری نبود.

مبحث دوم: مرحله تدوین قوانین

مطرح نشدن حمایت‌های قانونی از حقوق پدیدآورندگان در لسان قوانین شاید کاملاً طبیعی باشد؛ بدان دلیل که مسلماً تا موضوعی به عنوان مشکل جامعه و نیاز در سطح جامعه به وجود نیاید، طرح نشدن آن در قالب قوانین امری طبیعی خواهد بود و اساساً تا مشکل نباشد، رفع مشکل نخواهد بود و تا نیاز نباشد طرح قانونی برای رفع نیاز نخواهد بود.

۱- نورالله مرادی، «حقی مؤلف»، ص ۴۳.

دقیقاً بر همین اساس است که در جوامع اروپایی و غربی قوانین حقوق مالکیت‌های فکری و حمایت از پدیدآورندگان زودتر از ایران و سایر کشورها مطرح شد چرا که تحولات اجتماعی و اقتصادی و صنعتی مستلزم چنین امری بود.

اولین قرارداد مالکیت ادبی میان ایران و آلمان در سال ۱۳۰۹ ش امضاء شد^۱ و نخستین رویکرد قانونی به این مسأله در ایران را باید در مواد ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷ و ۴۲۸ از فصل یازدهم مبحث دسیسه و تقلب در کسب و تجارت از قانون جزا مصوب ۱۵ مرداد ۱۳۱۰ جستجو کرد که ناظر به این موارد است:

۱- تألیف تقلبی؛ ۲- اقتباس غیرمجاز؛ ۳- انتشار غیر قانونی تألیف؛ ۴- به فروش رسانیدن یا در معرض فروش گذاردن این قبیل تألیفات.

به دنبال گسترش ارتباطات فرهنگی بین‌المللی و مشروط شدن این ارتباطات از سوی برخی از دولتهای خارجی به تصویب قانون خاص برای حمایت از پدیدآورندگان و افزایش انتشار کتب، نیاز به قوانین حمایت‌کننده از مؤلفان روز به روز بیشتر شد؛ لذا در نیمه دوم سال ۱۳۳۴ ش، ۲۲ نفر از نمایندگان طرحی در ۹ ماده و ۲ تبصره تدوین و تقدیم مجلس شورای ملی کردند. این طرح دارای نواقص و کاستیهای بی شماری بود؛ از جمله اینکه همه گونه‌های آثار ادبی و هنری را در بر نمی‌گرفت، به حق معنوی صاحب اثر اشاره نداشت و در آن مبدأ برقراری حق مؤلف تعیین نگردیده بود و... پس این طرح پس از ارجاع به کمیسیون فرهنگ در آنجایی دفاع ماند و به فراموشی سپرده شد.

پس از دو سال فترت، در سال ۱۳۳۶ ش به علت فشار هنرمندان و مؤلفان، دولت لایحه قانونی موسوم به «لایحه تألیف و ترجمه» مشتمل بر ۱۶ ماده و ۳ تبصره به مجلس سنا تسلیم کرد که باز هم با توجه به اشکالات محتوایی همانند طرح قبلی عقیم ماند. لایحه قانونی حفظ حقوق مؤلف به عنوان نتیجه مطالعات کنوانسیونهای فرهنگ و دادگستری مجلس سنا که در

اواخر بهمن ۱۳۳۸ش در ۱۸ ماده و ۱ تبصره تهیه شده بود نیز به سرنوشت مواد پیشین دچار شد. در سال ۱۳۴۳ش نیز وزارت اطلاعات طرحی با عنوان مالکیت ادبی و هنری در ۹۷ ماده تهیه کرد که راه به جایی نبرد. بالاخره در سال ۱۳۴۷ش لایحه حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان که در سال ۱۳۴۶ش به کوشش وزارت فرهنگ و هنر با همکاری دست‌اندرکاران تهیه شده بود، در آبان ماه تقدیم مجلس شد و با نام «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» در آذر ۱۳۴۸ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.^۱ آیین‌نامه اجرایی آن نیز در تاریخ ۴ دی ماه ۱۳۵۰ به تصویب هیأت وزیران رسید. در ترجمه و تکثیر کتب و آثار حقوقی نواقصی در این قانون بود و راه سوء استفاده باز بود و عده‌ای از ناشران و صفحه‌سازان موسیقی با نسخه‌برداری از کتابها و صفحات موسیقی، که برای اولین بار در خارج از ایران ساخته و منتشر شده بود، آنها را در بازارهای داخل و خارج کشور در مقابل جنس اصلی قرار داده و مرتکب عمل رقابت مکارانه گردیدند.

از این رو، در تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۵۲ قانون «ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار حقوقی» به تصویب رسید. این قانون تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکل چاپ شده و نسخه‌برداری یا ضبط و تکثیر آثار صوتی را به قصد بهره‌برداری مادی ممنوع ساخت (مواد ۲ و ۳ قانون مزبور).

از آنجا که در این قوانین اشاره‌ای به نرم‌افزارهای رایانه‌ای، که در اغلب کشورها تابع مقررات حقوق مؤلف است، نشده بود، به موجب قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ش که مشتمل بر ۱۷ ماده است حقوق این دسته از

۱- مشیریان، همان، ص ۱۹۲؛ آیتی، همان، صص ۴۸-۴۹؛ حضرتی شاهین دژ، همان، ص ۱۶۲؛ امامی، «حقوق مالکیت‌های فکری»، صص ۲۰۳-۱۹۹؛ علی‌اکبر کوچکی‌پور، «حقوق پدیدآورنده اثر هنری»، پایان‌نامه، صص ۲۶-۲۷؛ علی‌صادرات، مهدی عراقی، تحول حقوق مالکیت و مالکیت معنوی، انتشارات مرکز تحقیقات، بی‌تا، ص ۹۹.

پدیدآورندگان نیز زیر چتر حمایت قانون قرار گرفت.

پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران مسأله حق مؤلف، به دلیل فتوای امام خمینی در کتاب *تحریرالوسیله* مبنی بر غیرشرعی بودن آن و عدم الزام رعایت حقوق مؤلف، در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و بعضی از قضات در دعوایی که حادث می‌شد به جای رجوع به قوانین موجود، طبق فتوای امام خمینی در *تحریرالوسیله* به بطلان این حقوق رأی می‌دادند.^۱ وضعیت تردید در اعتبار یا عدم اعتبار حقوق پدیدآورندگان همچنان ادامه داشت و تعدادی از فقهای عظام نیز در سالهای ۷۰ و ۷۱ ش با صدور فتاوایی بر شرعی بودن این حقوق تأکید کردند؛ لیکن ابهام باقی بود تا اینکه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت در مورد حقوق پدیدآورندگان از ریاست قوه قضائیه وقت سؤال کرد و ایشان حقوق مزبور را قانونی و نظر شرعی مقام معظم رهبری را نیز همین دانستند.^۲ در مورد دیدگاههای فقهی در این باره و تبیین نظر امام خمینی در صفحات آتی بیشتر بحث خواهد شد.

و اما در مورد حقوق مالکیت‌های صنعتی، علی‌رغم عضویت ایران در کنوانسیون پاریس، قوانین مدون و جامعی وجود ندارد. تنها در تیرماه سال ۱۳۱۰ قانون ثبت علائم و اختراعات در ۵۱ ماده به تصویب رسید. آیین‌نامه و طبقه‌بندی علائم صنعتی و تجاری و آیین‌نامه نصب و ثبت اجباری علائم صنعتی و قانون مربوط به اسم تجاری نیز به تصویب رسیده است.^۳ در ماده اول قانون ثبت علائم و اختراعات، علامت تجاری برای محصولات را تعریف

۱- اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعا را در قوانین مدونه و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبره حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعا و صدور حکم امتناع ورزد».

۲- امامی، همان، صص ۲۱۵-۲۱۴. تاریخ نقل نظر رهبری به زبان آیت‌الله یزدی مورخ ۱۳۷۱/۹/۱ است. نیز استفتایی از دفتر مقام معظم رهبری صورت گرفت که متن آن در بخش ضمایم آمده است.

۳- همان، ص ۱۹۹.

کرده، ولی ذکرى از علايم خدمات نشده است. در آيين‌نامه اصلاحى اجراى قانون ثبت علايم تجارى، مصوب تيرماه ۱۳۳۷، طبقه ۳۵ از جدول طبقه بندى علايم صنعتى و تجارى به خدمات تخصيص داده شده است. در باب فصول ديگر حقوق مالکيت‌هاى صنعتى، که در کنوانسيون پاریس آمده، در قوانين ايران، از اسم تجارى نام برده شده و در بقيه موارد ناقص است.^۱

بسیار بایسته و ضرورى است که قوانین جامع و پیشرفته‌ای در حد استانداردهای کنوانسیونهای حمایت از حقوق مخترعان و نوآوران و پدیدآورندگان صنعتی، تدوین و تصویب گردد تا در سایه آن زمینه رشد و توسعه صنعتی کشور فراهم گردد.

برای دستیابی به این هدف در حال حاضر کمیسیونى در سازمان ثبت اسناد مشغول به فعالیت است تا لایحه قانونى جدیدى، که هماهنگ با کنوانسیونها و استانداردهای بین‌المللى باشد، تهیه و تدوین کند و انتظار مى‌رود در آینده‌ای نزدیک پیش‌نویس لایحه مزبور را به مقامات ذیربط ارائه کند.

تبیین حقوقی «مالکیت‌های فکری»

- مالکیت‌های ادبی و هنری
- مالکیت‌های صنعتی و تجارتي

فصل اول

مالکیت‌های ادبی و هنری

مالکیت‌های فکری زائیده اندیشه و فکر و هنر آدمی است و همان گونه که ذکر شد از زمانهای دور مورد توجه بوده لیکن در عصر جدید اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. آفرینشهای فکری به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: یکی مالکیت ادبی و هنری است و دیگری مالکیت صنعتی و تجارتي. در بخش مالکیت ادبی و هنری گونه‌های مختلف آثار ادبی و هنری همچون کتاب، مقاله، رساله، نمایشنامه، شعر، ترانه، سرود، آثار سینمایی، نقاشی، پیکره، عکاسی، آثار رادیویی و تلویزیونی و حقوق پدیدآورندگان این آثار مورد بحث قرار می‌گیرد.

در بخش مالکیت صنعتی و تجارتي، اختراعات و اکتشافات، علایم صنعتی و تجارتي، نام تجاری و... موضوع بحث هستند. همچنان که در صفحات پیشین اشاره شد، بخش مالکیت صنعتی و تجارتي در ایران از سابقه بیشتری برخوردار است و قوانین چندی در این زمینه وضع شده و بویژه قانون ثبت علایم و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ در این بخش قابل توجه است. علاوه بر این، در ۲۴ آذر ماه ۱۳۳۸ جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی پاریس در حمایت از مالکیت‌های صنعتی و تجارتي و کشاورزی ملحق گردید. لیکن بخش مالکیت ادبی و هنری در کشور ما سابقه کمتری دارد. قوانینی نیز در این موضوع در داخل کشور تدوین شده است، ولی تاکنون ایران به عضویت هیچ یک از کنوانسیونهای بین‌المللی در زمینه مالکیت‌های ادبی و هنری درنیامده است.

بحثی که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد این است که آیا حق سرقفلی جزء مجموعه مالکیت‌های فکری است؟

در این زمینه با دو اصطلاح سرقفلی و حق کسب و پیشه یا تجارت روبه‌رو هستیم که توضیح هر یک ضروری است:

سرقفلی: پولی است که مستأجر ثانی (به معنی اعم) به مستأجر سابق در موقع انتقال اجاره بلاعوض می‌دهد و همچنین مستأجر اول به موجر مالک می‌دهد.^۱

حق کسب و پیشه و تجارت حقی است برای مستأجر بازرگان و پیشه‌ور و مطلق کسانی که از طریق اجاره مکانی کسب معاش می‌کنند ولو آن که بازرگان نباشند.^۲

پس سرقفلی عبارت است از وجهی که مالک در ابتدای اجاره و جدا از مال‌الاجاره از مستأجر می‌گیرد تا محل خالی را به او اجاره دهد.

سرقفلی در حقوق فرانسه دارای مفهوم وسیعی است. در تجارت امروز فعالیت و سرمایه تاجر و نوع کاری که انجام می‌دهد بیش از ویژگی‌های اخلاقی او اهمیت دارد و مشتریان دائم تاجر به سرمایه و کالای تجارتی و نوع‌افزار و آلات او بیشتر از شخص تاجر بستگی دارند. در حالی که مشتریان مدنی مانند کسانی که به پزشک یا وکیل دادگستری مراجعه می‌کنند به اعتبار صلاحیت و حسن سلوک شخص او است. با توجه به این واقعیت، در فرانسه این فکر ایجاد شد که تاجر باید بتواند حق بر مشتریان را مانند یکی از حقوق مالی بداند و در آن تصرف مالکانه کند. این حق از عوامل مؤسس آن جدا نیست و با سرمایه تاجر و نام تجارتی و پروانه کسب و حق تقدم در اجاره و حتی تزیینات مغازه آمیخته است، که به این مجموعه *fonds-de commerce*^۳ گویند. پس در تعریف این حق می‌توان گفت حقی است بر مشتریان دائم و سرمایه تجارتخانه.^۴

اما در حقوق ایران، سرقفلی مفهومی بدین وسعت ندارد، حق سرقفلی که قانون روابط موجر و مستأجر مصوب خرداد ۱۳۳۹ از آن به حق کسب و پیشه یا تجارت تعبیر کرده و در

۱- جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۵۷.

۲- همان، ص ۲۲۴.

۳- در فارسی به «مایه تجارت» ترجمه شده است.

۴- کاتوزیان، حقوق مدنی، (معاملات معوض)، ص ۵۱۶؛ همو، حقوق مدنی، (اموال و مالکیت)، ص ۶۱.

قانون ۱۳۵۶ ش با اندک تغییر (حق کسب یا پیشه یا تجارت) آمده است، حقی است که به موجب آن مستأجر متصرف در اجاره کردن محل کسب خود بردیگران مقدم شناخته نمی‌شود^۱ که این حق نیز بر اثر فعالیت مستأجر در جلب مشتری، پدید آمده است. ناگفته نماند که اصطلاح حق کسب یا پیشه یا تجارت برای نخستین بار در قانون مالک و مستأجر ۱۳۳۹ ش به کار رفت. و قانونگذار از واژه متعارف سرقتی دست برداشت و به جای آن از ترکیب حق کسب یا پیشه یا تجارت استفاده کرد. گرچه ماهیت و اوصاف اصلی حق در همه موارد یکی است و حق تاجر یا پیشه‌ور مظاهر گوناگون و اقسام یک مفهوم هستند.

در محدوده قانون ۱۳۵۶ ش حق کسب و پیشه یا تجارت را می‌توان چنین تعریف کرد:

حقی است مالی که به تبع مالکیت منافع برای مستأجر محل کسب و پیشه و تجارت تحقق می‌یابد و قابلیت انتقال به غیر را توأم با منافع عین مستأجره دارد.^۲

اما قانونگذار در قانون روابط موجر و مستأجر مصوب بیست و ششم مرداد ماه ۱۳۷۶ سرقتی را در مفهومی به مراتب محدودتر از حق کسب و پیشه و تجارت به کار برده؛ چرا که آن را حاصل دسترنج و شهرت و امانت تاجر و پیشه‌ور نمی‌داند و از شاخه‌های حق مالکیت موجر و اختیارهای ناشی از آن می‌شمرد. بدین ترتیب سرقتی را باید از دید نویسندگان قانون ۱۳۷۶ ش به «حق تقدم در انتفاع» تعریف کرد. حقی که ناشی از مالکیت عین (برای موجر) یا منفعت (برای مستأجر) است.^۳

با مفهوم تازه‌ای که قانون ۱۳۷۶ ش برای سرقتی بیان کرده است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سرقتی جانشین حق کسب و پیشه و تجارت شده است؟ یا آنچه در این قانون آمده ناظر به سرقتی است نه حق کسب و پیشه و تجارت؟ در تبصره ماده ۱۰ قانون به این

۱- کاتوزیان، همان، ص ۶۲.

۲- بهمن کشاورز، حق سرقتی و کسب و پیشه و تجارت، ص ۳۷.

۳- کاتوزیان، «نقدی تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۶»، ص ۵۳.

عبارت برمی‌خوریم:

مطالبه هرگونه وجهی خارج از مقررات فوق در روابط استیجاری ممنوع می‌باشد. بهای حق کسب و پیشه و تجارت یکی از آن گونه‌های ممنوع است. پس نمی‌توان ادعا کرد مستأجری که حق سرقتی ندارد بابت حق کسب و پیشه و تجارت حق دارد. قانونگذار کنونی تمایلی به پذیرش حق مستأجر به عنوان حاصل کار او ندارد و می‌خواهد همه چیز را به تراضی و عقد اجاره و مالکیت موجر برگرداند.^۱

در نتیجه باید گفت سرقتی با مفهومی که در حقوق فرانسه مطرح است جزو مالکیت‌های فکری است، و در حقوق ایران نیز اگر عنصر اساسی سرقتی و حق کسب و پیشه و تجارت را، حق بر مشتریان دائم که در نتیجه فعالیت مستأجر متصرف پدید آمده بدانیم - که در قوانین موجود این گونه نیست - حق سرقتی و کسب و پیشه و تجارت را می‌توان جزو مالکیت‌های فکری دانست.

پس از این مقدمه - که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسید - بحث پیرامون مالکیت‌های ادبی و هنری را با بررسی ماهیت حقوقی این نوع مالکیت‌ها آغاز می‌کنیم. و در مباحث بعدی شرایط کلی اثر و آثار مورد حمایت و نیز حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان را مورد بحث قرار می‌دهیم.

ماهیت حقوقی «مالکیت‌های ادبی و هنری»

درباره ماهیت حقوق پدیدآورندگان و، بویژه حقوق مؤلف، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت و گاه متضادی آمده است. این امر بدان دلیل است که اولاً، این مقوله تازه و نوپا است؛ ثانیاً، این مقوله حقوقی از حیاتی واحد و یکپارچه برخوردار نیست و در واقع ترکیبی است از حقوق مادی و حقوق معنوی یا اخلاقی برای مؤلف. یعنی از یک سو پدیدآورنده حقی مادی دارد که بر اساس آن دارای حق مالکیت بر نسخه اصلی اثر و بهره‌برداری مالی از آن است و از سویی دیگر همو حقی معنوی و اخلاقی دارد که نشان دهنده شخصیت وی است و بر این اساس می‌تواند هرگاه بخواهد اثر را نشر و عرضه کند، یا به نمایش بگذارد و....

بنابراین وقتی سخن از ماهیت حقوق پدیدآورندگان به میان می‌آید باید مجموعه این ویژگی‌ها و اختصاصات مد نظر قرار گیرد.

حال، در این مبحث در میان نظریات متعدد، به مهمترین نظریات در باب ماهیت حقوق پدیدآورندگان اشاره می‌کنیم:

مبحث اول: نظریه حقوق طبیعی

در قرن هیجدهم در انگلستان و همزمان در امریکا این مسأله مطرح شد که آیا حق مؤلف داخل در مالکیت کامن لا^۱ و جزو حقوق فطری است یا جزو امتیازاتی است که به موجب

1- common law.

فرمان شاه یا قوانین خاص به افراد اعطا می‌شود. در این عصر نظر عمومی بر این بوده است که حق مؤلف، یک حق فطری و نوعی مالکیت است.

فرانسوا هپ،^۱ رئیس سابق اداره حق مؤلف یونسکو، نیز عقیده دارد که حق مؤلف در زمره حقوق طبیعی است و مانند کلیه اقسام حقوق طبیعی از دیرباز وجود داشته و بشر به تدریج بدان واقف گشته و لزوم رعایت آن را احساس کرده است.

مبحث دوم: نظریه حقوق کار^۲

پلانیول و ریپر^۳ دو حقوقدان بزرگ فرانسوی نظریه‌ای ارائه نموده‌اند مبنی بر اینکه حق مؤلف و هنرمند ناشی از کار ایشان و تابع حقوق کار است. مگر اینکه مقررات خاصی در این باره وجود داشته باشد. از نظر آنان، این امتیاز همانند امتیازی است که کارگر بر حاصل کار خود دارد. همان‌طور که حاصل کار کارگر، غیرمادی است و در عین حال، کارگر از آن نفع می‌برد، چنین نتیجه‌ای در مورد حقوق مؤلف صادق است.

این نظریه، بر خلاف نظریه حقوق فطری، حقوق مؤلف را امتیاز می‌داند که قانون برای مؤلف در نظر گرفته است و به همین دلیل نظریه امتیاز قانونی نیز گفته شده است. در حقوق ایران نیز عده‌ای با توسل به اصل ۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی درصدد برآمده‌اند تا از این نظریه برای حمایت از حقوق مؤلف استفاده کنند. این اصل مقرر می‌دارد: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب نماید».

اما انتقادات شدیدی بر این نظریه وارد شده است از جمله:

۱- سرچشمه حق انحصاری مؤلف و هنرمند یک عمل خلاق و ابتکاری ادبی یا هنری

1- Francois Heppé.

۲- صفایی، همان، ص ۶۵؛ آیتی، همان، ص ۵۸؛ مرادی، همان، ص ۸۹؛ محمدی ده‌چشمه، همان، ص ۱۳۳؛

مشیریان، همان، ص ۳۲.

3- Planiol & Ripert.

است که غیر از کاری است که یک کارگر متخصص انجام می‌دهد. کارکردن تولید است ولی ضرورتاً ابداع فکری یعنی ایجاد یک شکل جدید در زمینه ادب و هنر یا اختراع یک چیز یا روش تازه در زمینه اعمال علم یا صنعت نیست؛

۲- رابطه تبعیتی که میان کارگر و کارفرما وجود دارد در مورد مؤلفان آثار صادق نیست؛
 ۳- حقوق مؤلف، چنان که خواهد آمد، دارای خصیصه‌ای دوگانه است: از سویی خلق اثر منافع مادی (مالی) دارد و از سویی دیگر منافع معنوی دارد؛ یعنی حقوق مؤلف ترکیبی است از حق مادی و حق معنوی. در حالی که حقوق کارگر چنین نیست و تنها خصیصه مالی و مادی دارد؛

۴- هدف حقوق کار در بیشتر موارد حمایت از طرف ضعیف‌تر این رابطه یعنی کارگر است، در حالی که در حقوق مؤلف مبنای حمایتی صرف‌نظر از جبران هزینه‌های مؤلف، فراهم آوردن زمینه برای پیشبرد علم و دانش و فرهنگ است.
 هانری دبوا، استاد برجسته فرانسوی، نیز بر آن است که رابطه اثر ادبی یا هنری با شخصیت پدیدآورنده مانع از آن است که مقررات راجع به حقوق مؤلف و هنرمند را جزء حقوق کار بدانیم.

با توجه به آنچه گذشت نظریه الحاق حق مؤلف و هنرمند به حقوق کار کمتر مورد توجه واقع شده و با روش معمول در اکثر قریب به اتفاق کشورها نیز مخالف است.

مبحث سوم: نظریه مالکیت^۱

نظریه‌ای که بیش از همه مورد بحث و انتقاد واقع شده، شناختن حق مؤلف و هنرمند به عنوان مالکیت و اطلاق کلمه مالکیت بر آن است. اطلاق کلمه مالکیت بر حق مؤلف نخستین بار در آثار ادیبان و نویسندگان دیده می‌شود. نویسندگان از دیرباز حق مؤلف را نوعی

۱- صفایی، همان، صص ۶۸-۶۵؛ آیتی، همان، صص ۶۳-۶۱؛ مشیریان، همان، صص ۲۸-۲۶؛

محمدی‌ده‌چشمه، همان، ۱۳۸-۱۳۴؛ عبدالرزاق السنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۸، ص ۳۵۷؛

سیدمحمدکاظم طباطبایی، حاشیه مکاسب، چاپ سنگی، ص ۶۴.

مالکیت همانند ملکیت بر اشیاء مادی دانسته‌اند.

لامارتین^۱ گفته است که مالکیت ادبی مقدس‌ترین نوع مالکیت است. شاپلیه^۲ در گزارشی که در این باره تهیه کرده اعلام نموده است که مالکیت ادبی شخصی‌ترین و مشروط‌ترین نوع مالکیت است، چه اگر مالکیت عادی بر اشیاء خارج از انسان تعلق می‌گیرد که آدمی آنها را تصرف می‌کند، مالکیت ادبی مربوط به فکر انسان است که با خود او متحد است. لوئی ناپلئون در سال ۱۸۴۴م در نامه‌ای نوشته:

اثر فکری ملکیتی مانند زمین و خانه است و باید از همان حقوق برخوردار باشد.

ادبا و نویسندگان با استعمال و تأکید بر مالکیت در مورد حق مؤلف و گسترش این فکر بالاخره موفق شدند آن را در زبان و ادبیات حقوقی نیز وارد کنند. قانون حق مالکیت ادبی و هنری فرانسه آن را به کار برده و با آن موافق است. ماده ۱ قانون ۱۹۵۷م فرانسه چنین است:

پدیدآورنده یک اثر فکری نسبت به این اثر، در نتیجه ابداع خود دارای یک حق مالکیت غیر مادی، انحصاری و قابل استناد در برابر همه است....

در میان حقوقدانان فرانسه ژوسران از بزرگترین حقوقدانانی است که از این نظریه دفاع کرده است. در حقوق انگلیس و امریکا و در حقوق سوسیالیست نیز مسأله مورد بحث واقع شده و گروهی از حقوقدانان این حق را نوعی مالکیت تلقی کرده‌اند.

طرفداران این نظریه از الحاق حق مؤلف و هنرمند به مالکیت این نتیجه را می‌گیرند که در صورتی که مقررات خاصی در این زمینه وجود نداشته باشد قواعد و احکام مالکیت برحق مزبور حاکم خواهد بود. عده‌ای نیز بر این نظرند که حق مؤلف و هنرمند مانند مالکیت یک حق فطری است.

این نظریه مورد انتقاد شدید واقع شده و گفتنی است که این ایراد عمدتاً مبتنی بر

1- La martine

2- Shapelier

مفهومی است که از مالکیت در حقوق رومی وجود دارد؛ زیرا مالکیت به مفهومی که در حقوق رم وجود داشته و هنوز مورد قبول بسیاری از کشورهاست دارای خصوصياتی است که در حق مؤلف و هنرمند دیده نمی‌شود. مهمترین این ایراد به شرح ذیل است:

۱- مالکیت یک حق دائم است، بدین معنی که اصولاً دارای مدت محدود و معین نیست و با تغییر مالکیت منقطع نمی‌شود و همچنان ادامه می‌یابد. لیکن حق مؤلف و هنرمند موقت است و بعد از مدت معین بهره‌برداری از اثر برای همگان آزاد می‌شود که البته مدت حمایت مادی از این حق برحسب قوانین متفاوت است. در پاسخ به این ایراد چنین گفته‌اند:

دوام جزء ذات لاینفک مالکیت نیست و موارد دیگری از مالکیت موقت می‌توان یافت؛ مثلاً هرگاه انتقال مبیع در بیع به بعد منتقل شده باشد (مانند بعضی معاملات اتومبیل که فروشنده مالکیت آن را تا پرداخت تمامی اقساط برای خود حفظ می‌کند) مالکیت فروشنده موقت خواهد بود و پس از مدتی که در قرارداد تعیین شده است مبیع به مالکیت خریدار در خواهد آمد. به علاوه می‌توان گفت در چنین حقوقی مالکیت به وجود می‌آید ولی پس از مدتی به مالکیت دیگران یا مالکیت عموم درمی‌آید. و بالاخره اینکه تملیک موقت برخلاف عقل و منطق نیست و از این جهت منعی از آن نیست.

۲- مالکیت حقی مطلق است، بدین معنی که مالک اصولاً حق همه‌گونه تصرف و انتفاع در مال خود را دارد (ماده ۵۴۴ قانون مدنی فرانسه و ماده ۳۰ قانون مدنی ایران) درحالی که حق مؤلف و هنرمند محدود است.

توضیح اینکه، همچنان که در صفحات پیشین ذکر شد، مالکیت در حقوق رم و کشورهای وابسته به آن به حقوق زیر تحلیل می‌شود:

الف- حق استعمال (USUS) یعنی مالک می‌تواند مال خود را شخصاً به کاربرد.

ب- حق استثمار (fructus) یعنی مالک می‌تواند از مال خود بهره‌برداری کند.

ج- حق اخراج از مالکیت (abusus) بدین معنی که مالک می‌تواند مال را از ملکیت خود خارج کند بدین نحو که آن را نابود کند یا تصرف قانونی ناقلی در آن کند چنان که از طریق بیع آن را به دیگری انتقال دهد.

اما حق مؤلف و هنرمند شامل همه حقوق فوق نیست. اگرچه پدیدآورنده دارای حق استثمار و حق اخراج از ملکیت است؛ بدین معنی که می‌تواند از اثر خود بهره‌برداری کند یا

حق هرگونه بهره‌برداری مالی از آن را به دیگری واگذار کند، ولی حق استعمال به معنایی که در مالکیت عین از آن اراده می‌شود برای او نیست چرا که پس از انتشار اثر - که لازمه بهره‌برداریهایی مختلف از اثر است - دیگر او نمی‌تواند انحصاراً و با منع دیگران آن را به کارگیرد. به عبارت دیگر حق مالی پدید آورنده هنگامی تحقق پیدا می‌کند که اثر خود را منتشر کند و در این صورت حق استعمال و تمتع از آن ویژه پدیدآورنده نخواهد بود.

طرفداران این نظریه چنین پاسخ داده‌اند که محدود بودن حق مؤلف و هنرمند مانع اطلاق مالکیت بر آن نیست؛ چه حق مالکیت بر اموال مادی اعم از منقول و غیرمنقول نیز به موجب قانون محدود شده و این محدودیتها که در مورد مالکیت دیده می‌شود، چنان که گفته شد، امروز گسترش پیدا کرده به گونه‌ای که نمی‌توان به جرئت از اطلاق حق مالکیت سخن به میان آورد.

۳- گذشته از اینکه موضوع مالکیت، اشیاء ملموس مادی است مالکیت یک حق صرفاً مالی است در حالی که حق مؤلف و هنرمند دارای دو جنبه مالی و غیرمالی (معنوی) است که جنبه معنوی آن مربوط به شخصیت پدیدآورنده است و به زعم بسیاری از علمای حقوق بر جنبه مالی (مادی) آن غالب است.

با توجه به این اشکالات عده‌ای بر آن شده‌اند که حق مؤلف بر اثرش حق مالکیت کامل نیست بلکه باید آن را شبه مالکیت^۱ نامید چرا که مالک اثر فقط حق بهره‌برداری از آن را داراست. و این حق را می‌تواند در مدت محدودی اعمال نماید.^۲

عده‌ای نیز با رد حق ملکیت، حق مؤلف و هنرمند و مخترع را حق عینی^۳ اصلی و مستقل

1- quaoasi proprietate

۲- مشیریان، همان، ص ۳۱.

۳- حق عینی حقی است مالی که متعلق آن عینی خارجی باشد، مانند مالکیت عین و مالکیت منفعت و حق عینی اصلی حقی است که نسبت به آن، صاحب حق را بستانکار نمی‌توان دانست مانند حق عینی مالک خانه بر خانه... (ر.ک: جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۲۳) یا سلطه‌ای است که شخص نسبت به چیزی دارد و می‌تواند آن را به گونه‌ای مستقیم و بی‌واسطه اجرا کند. (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ص ۲۵۹).

از حق مالکیت به شمار آورده و استدلال‌هایی هم بر آن بیان داشته‌اند.^۱ ولی چنان‌که خواهد آمد حق مؤلف دارای خصوصیات حق عینی نیست پس برخی آن را یک حق خاص sui generi دانسته‌اند.

مبحث چهارم: نظریه وحدت حق مادی و حق معنوی

بنابراین نظریه، بین جنبه مالی و معنوی مؤلف و پدیدآورنده وحدت وجود دارد. طرفداران این نظریه می‌گویند که حق مادی و حق معنوی دو حق مستقل از هم نیستند بلکه دو جنبه مختلف از حق واحدی هستند و انحصار بهره‌برداری از حق مذکور را به خالق اثر اختصاص می‌دهند و همین اختصاص است که جنبه مالی دارد و او با استفاده از این حق انحصاری به دیگران اذن در عرضه و تکثیر اثرش را می‌دهد و در عوض مالی می‌گیرد. اما چنین نیست که مالیت حق مؤلف و پدیدآورنده اثر در مقام معاوضه بروز کند بلکه قبل از معاوضه باید جنبه مالی داشته باشد تا قابل تعویض در موقع انعقاد عقد تلقی گردد. دکتر لنگرودی نیز بر همین عقیده است و اعلام می‌دارد که اگر قرار باشد حق معنوی مؤلف و پدیدآورنده اثر پیش از انعقاد قراردادی که به موجب آن، اذن تکثیر یا عرضه آن به دیگری داده می‌شود وجود مالی نداشته باشد معاوضه مذکور صحیح نخواهد بود.

انتقاد و ایراد مختلفی بر این نظریه وارد شده که اساس آنها این است که این دو جنبه از حق مؤلف (جنبه مالی و جنبه معنوی) اختلاف جوهری در طبیعت با یکدیگر دارند که در احکام هریک نیز سرایت می‌کند. مهمترین تفاوت‌های حق مالی و حق معنوی مؤلف از این قرار است:

- ۱- جنبه مالی حق مؤلف، حقی مستقل و قائم به ذات و دارای طبیعت خاصی است. در حالی که حق معنوی مؤلف حقی غیرمالی و غیر قابل انتقال است و طبیعت متفاوتی دارد؛
- ۲- در احکام نیز حق مالی مؤلف حقی است موقتی که بعد از سپری شدن مدتی معین بعد از فوت منقضی می‌شود حال آن‌که حق معنوی مؤلف حقی است دائمی و به ارث منتقل

می‌شود.

بنابراین چگونه می‌توان این دو حق مختلف در طبیعت و احکام را دو جنبه حق واحد دانست؟ در تشبیه، حق مؤلف در این نظریه نظیر حق ابوت است نه نظیر حق ولایت پدر، آن چنان که طرفداران نظریه وحدت می‌گویند. در توضیح این تشبیه گفتنی است که رابطه مؤلف با اثر همانند رابطه پدر با فرزندش است و همچنان که حق ابوت از حقوق معنوی (حقوق شخصیت) است که یک حق مادی مستقل از آن بدان مقترن است، حق مؤلف نیز همانند آن است؛ یعنی حق مؤلف نیز از حقوق معنوی است که یک حق مادی مستقل از آن نیز بدان مقترن است نه مانند حق ولایت پدر، چرا که حق ولایت پدر طبق نظر طرفداران نظریه وحدت دو حق مستقل نیست بلکه یک حق واحدی است که دارای دو جنبه مادی و معنوی است که هر یک بر دیگری اثر دارد و نیز از آن تاثیر می‌پذیرد.^۱ پس همان گونه که ذکر شد حق مؤلف شبیه حق ابوت است نه همانند حق ولایت پدر.

مبحث پنجم: نظریه دوگانگی حق مادی و حق معنوی^۲

با توجه به اشکالات مطروحه و انتقادات دیگر، نظریه دوگانگی حق مادی و معنوی مؤلف مطرح شده است. این نظریه را نخستین بار هانری دبوا در سال ۱۹۵۰م در ضمن شرحی بر طرح قانون پیشنهادی حق مؤلف فرانسه مطرح کرد، که باعث شد این نظر در مجلس قانونگذاری فرانسه در بند ۲ ماده ۱ قانون مؤلف فرانسه مصوب ۱۹۵۷م پذیرفته و اعمال شود. در این ماده جنبه مالی و معنوی حق مؤلف به صراحت ذکر شده است.

نظریه ازدواج بر آن است که مؤلف دارای دو حق مستقل و منفصل از یکدیگر است که عبارتند از حق معنوی و حق مالی و حق معنوی مؤلف مادام که به مرحله معاوضه نرسد حیثیت مالی پیدا نخواهد کرد. و این معاوضه است که حق مؤلف را دارای جنبه دیگر یعنی

۱- با تصرف و تلخیص از: السنهوری، همان، صص ۳۵۹-۳۵۸.

۲- عباس سعیدی فر، «حق مؤلف در حقوق ایران و تطبیق بین سیستم حقوقی ایران و فرانسه»، پایان‌نامه،

ص ۴۴؛ السنهوری، همان، صص ۳۶۰-۳۵۷؛ جعفری‌لنگرودی، همان، ص ۱۶۶؛ آیتی، همان، ص ۶۱.

جنبه مالی می‌کند؛ یعنی از زمان انتشار اثر، انحصار بهره‌برداری وجود خارجی پیدا می‌کند و در زمان معاوضه، حق بهره‌برداری به صورت رقمی از دارایی مؤلف درمی‌آید.

مبحث ششم: نظریه حقوق فکری

به دلیل ایرادات و اشکالاتی که بر نظریات قبلی وارد بود، عده‌ای از حقوقدانان نظریه خاصی را به نام حقوق فکری مطرح کردند. اصطلاح حقوق فکری را نخستین بار در سال ۱۸۹۹م پیکار^۱، حقوقدان بلژیکی، به کار برد و برخی از حقوقدانان به جای آن، اصطلاح مالکیت‌های غیرمادی^۲ و حقوق بر اموال غیرمادی^۳ و حقوق جلب مشتری^۴ را به کار برده‌اند. اکثر علمای حقوق در کشورهای مختلف اعم از کشورهای حقوق نوشته، کامن‌لا و سوسیالیست حق مؤلف و هنرمند را مالکیت به معنای حقیقی نمی‌دانند. حتی دیوان تمیز فرانسه که در سال ۱۸۸۰م موافقت خود را با نظریه مالکیت اعلام کرده بود بعدها از این نظر عدول کرد و حق مؤلف و هنرمند را به عنوان یک مزیت انحصاری بهره‌برداری معرفی کرد. شعبه مدنی دیوان مزبور در یک رأی مورخ ۲۵ ژانویه ۱۸۸۷م می‌گوید: حقوق مؤلف که مالکیت ادبی نامیده می‌شود فقط مزیت انحصاری بهره‌برداری موقت به شخص اعطاء می‌کند. باید اضافه کرد که دیوان تمیز فرانسه در آراء بعدی در سال ۱۹۰۲م اعلام کرد که حقوق مؤلف علاوه بر مزیت انحصاری بهره‌برداری شامل یک حق معنوی است که هدف آن حمایت از شخصیت پدید آورنده است.^۵ این نظریه مورد استقبال قرار گرفت چنان که دبوا، حقوقدان شهیر فرانسوی، می‌گوید:

مقولات حقوق فکری محل تلاقی حقوق متعددی است که بر یک فعالیت

1- Picard

2- Propriétés incorporels به فرانسه

3- Droits sur les biens incorporels به فرانسه

4- Droits de clientele. به فرانسه

۵- سیدحسین صفایی، همان، صص ۶۸-۷۰.

هوشمندانه مترتب می‌شوند، به وسیله یک انحصار مشخص می‌گردند.^۱

منظور از حقوق فکری حقوقی است که دارای ارزشی اقتصادی است و موضوع آنها شی مادی نیست. موضوع این حقوق در واقع اثر فکری و تراوشهای فکری انسان است. این حقوق شامل حق مؤلف، هنرمند حق مخترع، حق تاجر نسبت به نام تجارتي و علايم صنعتي و تجارتي می‌شود. این حقوق به مالکیت کلاسیکی شباهت دارند، بدین دلیل که دارای قابلیت استناد مطلق هستند؛ یعنی همان‌طور که مالک می‌تواند در برابر هر کس به حق خود استناد کند و مال خود را همه جا تعقیب و از دست هر متجاوزی خارج نماید، دارنده حق فکری نیز دارای چنین مزایایی است. اما تفاوت اساسی این حقوق با مالکیت کلاسیک در آن است که موضوع حقوق مزبور برخلاف مالکیت کلاسیک غیرمادی است. در واقع حقوق فکری که حق مؤلف و هنرمند از جمله آنهاست همانند حقوق عینی است با این تفاوت که حقوق فکری نسبت به یک اثر فکری اعمال می‌شود نه یک شی مادی معین.

نتیجه‌گیری

از مجموع نظریاتی که در باب ماهیت حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری بیان گردید و نیز نظریات دیگری که طرفداران کمتری دارند^۲ می‌توان چنین استفاده کرد که:

[حق مالکیت ادبی و هنری عبارتست از مجموع سلطه و امتیازاتی که از تراوش و تجسم اندیشه‌ها و ابتکارات و مفاهیم فکری مؤلف ناشی می‌گردد. و حق مالی (مادی) و معنوی (اخلاقی) توأمان وجود دارند و این در هنگامی است که اثر منتشر شده و در دسترس عموم قرار گیرد. پس به نظر می‌رسد که کاربرد عنوان مالکیت ادبی و هنری بویژه در حقوق ایران بلااشکال باشد؛ چرا که در حقوق اسلام و ایران مالکیت دارای مفهوم مضیقی، که در حقوق رم داشته و بر همین معنا اشکالات مطروحه وارد بود، نیست. مالکیت در حقوق اسلام نه تنها شامل مالکیت عین می‌گردد بلکه مالکیت منفعت (مانند حق مستأجر) و مالکیت انتفاع

۱- محمدی ده‌چشمه، همان، ص ۱۳۸.

۲- نظریات دیگر از این قرارند: ۱- نظریه حقوق شخصی؛ ۲- نظریه حقوق اخلاقی (حقوق معنوی)؛ ۳- نظریه

شبه مالکیت؛ ۴- نظریه اموال حقوقی که اشکالات متعددی داشته و به همین دلیل از طرفداران کمتری برخوردارند. برای آگاهی از کم و کیف این نظریات به منابع متعدد مذکور در همین نوشته مراجعه شود.

(مانند حق موقوف علیه) و ملک‌الملک^۱ را نیز فرا می‌گیرد.

حتی مالکیت گاهی در مورد حقوق غیرمالی نیز به کار می‌رود مانند مالکیت بضع. پس بنابراین مالکیت همچنان که در صفحات پیشین ذکر شد به معنای اعم عبارتست از اختیار و سلطه قانونی بر اشیاء یا اموال یا اشخاص. در حقوق ایران نیز طبق نص ماده ۲۹ قانون مدنی مالکیت اعم از مالکیت عین و منفعت تلقی شده است.

بنابراین هیچ اشکالی دیده نمی‌شود که اصطلاح مالکیت در مورد حقوق پدیدآورندگان (به صورت کلی) به کار برده شود. و با توجه به اینکه حق پدید آورنده مانند مالکیت عین حقی انحصاری و قابل استناد در برابر همگان است، آن را نوعی مالکیت دانست.

در مجموع با توجه به ماهیت و طبیعت حقوق مالکیت‌های فکری - اعم از ادبی و هنری و صنعتی و تجاری - می‌توان ماهیت این‌گونه حقوق را تلفیقی از نظریه مالکیت و نظریه حقوق فکری دانست. بدین توضیح که مجموعه حقوق مالکیت‌های فکری جزء حقوق فکری هستند؛ یعنی حقوقی که موضوع آنها شیء مادی نیست، بلکه فکر و اندیشه و ابتکار آدمی است و در عین حال دارای ارزش اقتصادی و قابلیت مبادله همچون سایر اموال است؛ و از طرف دیگر این مجموعه با این ماهیت نوع خاصی از مالکیت است که با انواع مالکیت‌های کلاسیک تطبیق نمی‌کند و فقط با تعمیم مفهوم مالکیت،^۲ همان‌گونه که در فقه مطرح است و ذکر آن گذشت، می‌توان این‌گونه حقوق را نوعی مالکیت دانست. بالجمله به نظر می‌رسد که اصطلاح مالکیت فکری یا مالکیت ادبی و هنری گویای ماهیت این حقوق است چرا که هم مالکیت است و هم نوع خاص مالکیت یعنی فکری یا معنوی یا ادبی و هنری است.

۱- ملک‌الملک یا ملک ان یملک عبارت است از سلطه شخصی بر سبب تملک و به عبارت دیگر داشتن حقی که به موجب آن شخص بتواند خود را مالک گرداند. مانند حق ورثه بر رد وصیت زائد بر ثلث یا سلطه شخص بر حیازت یک مال مباح. (جعفری‌لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۸۰).

۲- برخی مالکیت را ۳ قسم می‌دانند: ۱- مالکیت منقول؛ ۲- مالکیت غیرمنقول (مالکیت واقعی)؛ ۳- مالکیت معنوی و مالکیت‌های فکری را داخل در قسم سوم می‌دانند (ر.ک: ذبیح‌الله اولاد، «مفاهیم اساسی حقوق مؤلف و حقوق وابسته به آن»، ص ۶؛ سخترانی سیدیچی مدنی در سمینار ملی نقش مالکیت صنعتی در توسعه اقتصادی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تهران، شهریور ۱۳۷۴ش) بنابراین از نظر حقوقی مالکیت‌های فکری داخل در قسم سوم مالکیت می‌شود و از نظر فقهی نیز مالکیت‌های فکری داخل در مفهوم وسیع مالکیت است.

شرایط حمایت از اثر و انواع آثار مورد حمایت

در این قسمت ابتدا شرایط و ویژگیهایی که اثر مورد حمایت قانون باید دارا باشد و سپس انواع آثار و گونه‌های ادبی و هنری، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت:

مبحث اول: ویژگیها و شرایط آثار مورد حمایت

آثار و گونه‌های مختلف ادبی و هنری باید دارای ویژگیهایی باشند تا حمایت شوند. این ویژگیها عبارتند از: محسوس بودن شکل اثر، اصالت اثر، چاپ یا پخش یا نشر یا اجرای اثر برای نخستین بار در ایران باشد و مالکیت داشتن اثر. حال به شرح توضیح هر یک می‌پردازیم:

الف) محسوس بودن شکل اثر

مسئلاً افکار و اندیشه‌ها تا زمانی که از حالت یک ذهنی خارج نگردیده و در قالب یک امر عینی تجسم نیافته باشد قابل حمایت نیست.

حمایت قانون متوجه شکل اثر است. به عبارت دیگر اثری مورد حمایت قانون است که شکل گرفته و شخصیت پدیدآورنده به نحوی از انحاء در آن تجلی کرده باشد. فکر بدون شکل به دارایی عمومی تعلق دارد و همه می‌توانند از آن برخوردار شوند. چیزی که متعلق به مؤلف و هنرمند و قابل حمایت است نحوه بیان و عرضه افکار شخصی یا افکار دیگری

است.^۱

این بروز و شکل‌یافتگی در هر یک از آفرینه‌های فکری به گونه‌ای است که ماده ۱ قانون ۱۳۴۸ ش^۲ نیز با عبارت ... بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و ایجاد آن به کار رفته ... به این امر اشاره کرده است.

(ب) اصالت اثر

اثری قابل حمایت است که ابتکاری و اصیل باشد. بدین معنا که مظهر شخصیت و منویات پدیدآورنده و انعکاسی از افکار او باشد. اما، نو بودن اثر شرط نیست^۳ پس اثر باید اصیل باشد یعنی نتیجه فکر پدیدآورنده به تنهایی و به تمامه باشد. قانونگذار ایران در مواد ۱ و ۲ قانون ۱۳۴۸ ش با به کار بردن کلمه ابتکار و ابداع در جملات مختلف به این شرط اشاره کرده است. ابتکاری و ابداعی بودن اثر نیز لزوماً به معنای نو بودن^۴ اثر نیست.

در این معنی گفته شده است که

اصالت به طوری که حقوق‌دانان فرانسه می‌گویند، دارای مفهوم شخصی است نه نوعی، بدین معنی که آنچه شرط حمایت محسوب می‌شود این است که اثر مظهر شخصیت پدیدآورنده باشد ولی نو بودن آن از لحاظ نوعی لازم نیست.^۵

مثلاً اگر دو نقاش از یک منظره تابلوهای مشابهی بکشند بدون اینکه یکی از دیگری تقلید کند، اثر هر یک با توجه به اینکه انعکاسی از شخصیت پدیدآورنده است اصیل محسوب می‌شود. یا اینکه کسی برمبنای ضرب‌المثلی رایج یا گفته دیگری، شعری زیبا

۱- صفایی، همان، ص ۷۲.

۲- در این نوشته برای اختصار به قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ ش قانون ۱۳۴۸ گفته خواهد شد.

۳- شیرین عبادی، حقوق ادبی و هنری، ص ۸۵.

۴- به فرانسه Nouveauté

۵- صفایی، همان، ص ۷۳.

بسراید هر چند این اثر دوم نو نیست ولی چون ابتکاری است و مظهر فکر خالق و شاعر آن اصیل و مورد حمایت قانون است.

پس اثر مورد حمایت باید اصیل باشد؛ یعنی ابتکاری و ابداعی باشد و نو بودن اثر هیچ مداخلیتی در این شرط ندارد. امور فرعی و جانبی دیگر و هر نوع عمل ادبی و هنری دیگر را می‌توان با این ملاک ارزیابی کرد؛ از قبیل: تصحیح متون، ویراستاری و ترجمه و...

ج) چاپ یا پخش یا نشر یا اجرای اثر برای نخستین بار در ایران

مطابق ماده ۲۲ قانون ۱۳۴۸ حمایت قانون از اثر زمانی است که برای نخستین بار در ایران چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا شده باشد. بنابراین اگر اثری قبلاً در کشور دیگری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا شده باشد، از حمایت‌های قانونی در ایران برخوردار نخواهد بود. ماده ۲۲ قانون مذکور چنین است:

حقوق مادی پدیدآورنده اثر موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

در این مسأله فرقی نمی‌کند که پدیدآورنده اثر ایرانی باشد یا خارجی، فقط باید برای بار اول در ایران منتشر شده باشد. بنابراین اگر یک تبعه دولت ایران در کشور فرانسه دیوان شعری را به زبان فارسی منتشر کند، این اثر در ایران از حمایت‌های قانونی برخوردار نخواهد بود.^۱

قانون ایران تفاوتی میان بیگانه و تبعه کشور قائل نشده است و از آثاری که نخستین بار در ایران چاپ نشده باشد و در خارج چاپ و نشر یا اجرا شده باشد حمایت نکرده است، و چنانچه کتابی برای نخستین بار در خارج از ایران چاپ و منتشر شده باشد، چاپ و نشر مجدد آن یا بهره‌برداری از آن در ایران مانعی نخواهد داشت.

برخی حقوقدانان این راه حل را در مورد پدیدآورندگان خارجی، از نظر اخلاقی و حس

تفاهم بین‌المللی قابل انتقاد دانسته‌اند و گفته‌اند:

گرچه این روش ممکن است در خصوص کتب درسی و علمی که مورد احتیاج مُبرم ماست قابل قبول باشد لیکن در مورد سایر آثار پذیرفتنی نیست.^۱

با توجه به این نقیصه و اعتراض‌های کشورهای کشورهای خارجی - چنان که قبلاً گذشت - تصویب قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، تا حدودی به این مشکل پاسخ داد و برخورداری بیگانگان از حق مادی را به وجود عهدنامه یا معامله متقابل منوط کرد. متن ماده ۶ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی چنین است:

در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، حمایت‌های مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است.

تذکر: شرط مورد بحث، یعنی چاپ یا نشر یا پخش یا اجرای اثر برای نخستین بار در ایران، شرط حمایت مادی از حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری است ولی دو شرط قبلی هر دو حق، یعنی حق مالی (مادی) و حق معنوی (اخلاقی) را به طور کلی شامل می‌شود.

(د) مالیت داشتن اثر

معیار مالیت داشتن یک اثر از نظر قانونی تنها به قابلیت مبادله و ارزش اقتصادی آن محدود نمی‌شود، بلکه نقش عرف و مطابقت با نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز باید منظور شود. به‌ویژه این امر در نظام قانونی کشور ما، که بر پایه دین اسلام است بسیار صادق است؛ زیرا آثاری وجود دارند که قابلیت مبادله دارند و ارزش اقتصادی هم دارند لیکن از نظر شرع و بالطبع قانون مالیت نداشته و مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. فیلم مستهجن، شعر توهین‌آمیز، مجسمه عریان، صوت غنایی یک زن و... از این قبیل به شمار می‌روند. همچنین ممکن است اخلاق حاکم یا افکار عالی یک جامعه یا حکم قانونگذار، اثری را

با ارزش ندانسته و آن را مستحق حمایت به شمار نیاورد. به عنوان نمونه:

در اواخر سال ۱۹۳۹م در انگلستان، به یک نوشته مضحک که با عنوان «آخرین وصیت نامه آدلف هیتلر» منتشر گردید امتیاز حق پدیدآورنده، اعطاء نشد. اگر چه این نوشته، وقیحانه نبود و احتمالاً بسیاری از مردم از مطالعه آن لذت می بردند، چرا که در غیر این صورت انتشار نمی یافت، لیکن از دیدگاه قاضی، نوشته‌ای سطحی و ناشایست تلقی گردید.^۱

مبحث دوم: گونه‌های آثار مورد حمایت

قوانین موضوعه ایران در مورد حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، از تألیف، تصنیف و مؤلف و مصنف تعریفی نکرده است. هر چند در ماده ۱ قانون ۱۳۴۸ش کلمه پدیدآورنده که جامع کلمات مصنف و مؤلف و هنرمند و حتی مخترع و... است، ولی آگاهی از معنای لغوی تألیف و تصنیف خالی از فایده نیست. تألیف در لغت به معنای جمع کردن، جمع نمودن با ترتیب و معمولاً نوشتن کتابی که در آن از چند کتاب دیگر، مطالب مختلف استخراج نموده. جمع نمایند^۲ و یا چیزهای پراکنده را جمع کرده و با هم پیوستگی دادن^۳ آمده است. در اصطلاح چنین گفته شده:

هر وقت مفروضاتی جمع شوند و از جمع آنها یک روح تازه، یک عنوان جدید، یا یک مفهوم نو بوجود بیاید باید گفت که تألیف صورت گرفته است.^۴

و مؤلف^۵ نیز چنین تعریف شده است:

کسی که با کوشش عقلی و فکری، موادی را با هم ترکیب و تولید می کند و

۱- آیتی، همان، ص ۸۲.

۲- دهخدا، لغت نامه، ذیل کلمه تألیف و تصنیف.

۳- حسن عمید، فرهنگ عمید، ذیل کلمه تألیف و تصنیف.

۴- محمد باهری، «طرحی برای صیانت حقوق مؤلف»، ص ۴۵۹.

با شیوه‌ای نو، اثری ادبی، علمی و هنری را مرتب، تلفیق و ایجاد می‌نماید....^۱

و تصنیف در لغت: اختراع، ایجاد و انشای مباحث علمی^۲ یا گونه‌گونه و دسته‌دسته کردن چیزی، نوشتن کتاب و مرتب کردن آن^۳ به کار رفته است. پس عنصر نوآوری و ابتکار و آفرینندگی در کلمه تصنیف برجسته است. بدین ترتیب تألیف یعنی گردآوری آثار دیگران و تصنیف یعنی پدید آوردن اثر نو و ابتکاری.

در ماده ۱ قانون مذکور به مؤلف و مصنف و هنرمند پدیدآورنده و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن سلیقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته، اثر اطلاق می‌شود.

طبق بیان بعضی از استادان عبارت ماده خیلی کلی است و اگر ظاهر آن را ملاک قرار دهیم اکتشافات و اختراعات را نیز در برخواهد گرفت. مع ذلک شک نیست که این‌گونه آثار فکری خارج از قلمرو قانون مذکور است. مگر اینکه به صورت اثر ادبی در آمده باشد. بنابراین می‌توان گفت آنچه مورد نظر ماده ۱ قانون است هر گونه آثار ادبی و هنری اصیل است.^۴

و اما آثار و گونه‌های ادبی و هنری مورد حمایت قانون، بدون ذکر ملاک و معیار واحدی به صورت مصادیق در متن ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ آورده شده که به موارد زیر قابل تقسیم است: آثار نوشته، آثار سمعی و بصری، اثر تجسمی، اثر ابتکاری، اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد و اثر ترکیبی.

الف) آثار نوشته

آثار نوشته به دو گونه آثار نوشته اصلی و آثار نوشته فرعی یا تبدیلی تقسیم می‌شوند. منظور

1- Campbell Black, Henry, *Blacks Law Dictionary*, U.S.A West Pubucation Co, 1983, p. 68.

۲- دهخدا، همان.

۳- عمید، همان.

۴- صفایی، همان، صص ۷۰-۷۱.

از آثار نوشته اصلی آثاری است که کاملاً اصیل و به بیان دیگر ابتکاری است و مراد از آثار فرعی یا تبدیلی آثاری است که نسبتاً اصیل هستند مانند ترجمه و اقتباس و...^۱

۱- آثار نوشته اصلی: بند یک ماده ۲، ۲ صراحتاً از کتاب، رساله، جزوه و نمایشنامه به عنوان آثار نوشته نام برده است. شعر و ترانه و سرود و تصنیف و اثر سمعی و بصری و اثر موسیقی نیز پیش از ضبط و اجرا و تا زمانی که بر صفحه کاغذ نقش بسته‌اند، اثر نوشته به شمار می‌آید و از عبارت و هر نوشته علمی و فنی و ادبی و هنری که به دنبال کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه آمده برمی‌آید که هر اثری که در چهارچوب قانون منتشر شود و به نحوی نشان دهنده و تجلی شخصیت و فکر و اندیشه پدید آورنده آن باشد از حمایت قانونی برخوردار می‌گردد و موارد مذکور در این بند حصری نیست. به طور مثال مقالاتی که در مطبوعات به چاپ می‌رسد یا یک فیلمنامه و...

۲- آثار نوشته فرعی (تبدیلی): آثار نوشته فرعی در این قانون شامل ترجمه و اقتباس و تلخیص است.

۱-۲- ترجمه: همان گونه که در صفحات پیشین متذکر شدیم قانون ۱۳۴۸، هر چند در بند ۵ از ماده ۵ سخن از واگذاری حقوق مادی پدید آورنده در موارد گوناگون از جمله ترجمه به میان آورده، و لیکن حمایت از این گونه اثر ادبی و هنری کمرنگ بود و نقائصی داشت و اعتراضاتی را برانگیخت، بدین ترتیب قانونگذار در سال ۱۳۵۲ اش قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی را به تصویب رساند که مکمل قانون ۱۳۴۸ بود و در ماده ۱ آن آشکارا حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای را از آن مترجم ایرانی یا وارث قانونی او دانست که قابل انتقال به غیر است.^۳

۱- صفایی، صص ۷۲-۷۳.

۲- اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است: کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری.

۳- متن ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۶ دی ماه ۱۳۵۲ چنین است: ماده (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

۲-۲- اقتباس: متن قانونی صریحی در حمایت از اقتباس وجود ندارد تنها در بندهای ۷ و ۶ از ماده ۵ قانون ۱۳۴۸ دو مورد از مصادیق اقتباس ذکر شده است. متن ماده ۵ و بندهای ششم و هفتم آن چنین است:

- پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند:

- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.

- به کاربردن اثر در فراهم کردن یا پدیدآوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است.

۳-۲- تلخیص: تلخیص در لغت به معنای خلاصه کردن، مختصر کردن کلام و روشن ساختن آن^۱ است. در مورد تلخیص نیز ذکر صریحی در قوانین وجود ندارد. لیکن می‌توان از عموم صدر ماده ۵ قانون ۱۳۴۸ و بند ۷ همان ماده استفاده نمود که در تلخیص اثر اصلی، اخذ رضایت از صاحب اثر و پدیدآورنده اصلی ضروری و قطعی است چرا که در تلخیص اساس و مبنا، اثر اصلی است.^۲

برخلاف قوانین ایران در حمایت از قانون مالکیت‌های ادبی و هنری که ذکر صریحی از اقتباس و تلخیص نکرده، ماده ۴ قانون فرانسه صریحاً از پدیدآورندگان آثاری چون ترجمه،

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

۱- حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی اوست. مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است. حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه این مدت خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است.

۱- عمید، همان، ذیل کلمه تلخیص.

۲- آیتی، همان، ص ۹۵.

اقتباس و تبدیل^۱ حمایت کرده است.

تذکر: شک نیست که آثار فرعی ادبی و هنری تا حدی از حمایت قانون برخوردار خواهد بود که به حقوق پدیدآورنده اصلی لطمه‌ای وارد نیاید.^۲

ب) آثار سمعی و بصری

در بند ۳ از ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ اثر سمعی و بصری، در بند ۴ همان ماده اثر موسیقی و در مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ قانون ترجمه و تکثیر... آثار صوتی مورد اشاره قرار گرفته است. مجموعه آثار سمعی و بصری در موارد زیر قابل بررسی است:

۱- اثر رادیویی: مراد از اثر رادیویی اثری است که برای پخش از رادیو خلق شده است یا مورد اقتباس قرار گرفته است. غالباً یک اثر پیش از آنکه از رادیو پخش گردد، نمایش یا اجرای آن ضبط می‌شود تا بتوان آن را در آینده بارها به وسیله رادیو پخش کرد. این یک نوع تکثیر اثر از طریق مکانیکی است که به مؤلف امکان می‌دهد تا از حق بهره‌برداری خود استفاده کند. در این‌گونه موارد ایستگاه فرستنده رادیویی ناچار است موافقت مؤلف را برای تجدید تولید اثرش به وسیله دستگاه ضبط، کسب کند و در مقابل مبلغی به وی بپردازد.

دو نظریه در باب آثار پخش شده از رادیو وجود دارد که برخی کشورها به نظریه آثار جمعی و برخی کشورهای دیگر بویژه فرانسه به نظریه اثر مشترک قائلند.^۳ در نظریه اول اثر تحت مدیریت و ابتکار یک شخص حقوقی (سازمان رادیو) پدید می‌آید، پس همو نسبت به مجموع این آثار، عنوان صاحب حق مؤلف داشته و دیگر اشخاص به نسبت سهمشان در تولید اثر صاحب حق مؤلف محسوب می‌شوند؛ در نظریه دوم پدیدآورندگان متعددی در خلق آن سهم دارند، حتی اگر اشخاص خالق اثر به موجب قرار داد اجاره خدمت و یا کار در

۱- منظور از تبدیل آن است که اثری را به اثری از نوع دیگر تبدیل کنند چنان که با الهام گرفتن از شعری یک تابلوی نقاشی پدید آورند.

۲- صفایی، همان، ص ۷۴.

۳- یوناناسکو، اورلثان، «حقوق مؤلف رادیو و تلویزیون»، صص ۶۵-۶۴.

خدمت سازمان رادیو در آمده باشند، مانعی از برخورداری آنها از حقی که قانون برای مؤلفان و پدیدآورندگان شناخته است نخواهد شد.

۲- اثر تلویزیونی: اثر تلویزیونی اثری است که برای پخش از تلویزیون خلق شده یا مورد اقتباس قرار گرفته باشد. معمولاً در قوانین کشورها آثار تلویزیونی به همراه آثار رادیویی ملاحظه شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند. و طبیعی است که راه‌های مربوط به حقوق مؤلف در زمینه پخش آثار رادیویی، در مورد پخش آثار تلویزیونی نیز قابل اجراست. و البته با تفاوت‌هایی در مورد فیلمها و....

به طور کلی، از آنجا که رابطه نزدیکی در قوانین کشورها بین پخش رادیویی و پخش تلویزیونی وجود دارد این امر موجب گردیده تا برخی از مؤلفان معتقد شوند که اجازه پخش رادیویی یک اثر شامل اجازه پخش تلویزیونی آن نیز می‌گردد. در حالی که هانری دبوا حقوق‌دان فرانسوی معتقد است:

براساس اصل تفسیر مضیق واگذاری حق انتشار که حمایت از مؤلفان را تأمین می‌کند، در صورت بروز شک و تردید، نمی‌توان اجازه پخش رادیویی یک اثر را به عنوان پخش تلویزیونی آن تلقی کرد.^۱

۳- اثر سینمایی: بند اول ماده ۵ و ماده ششم قانون ۱۳۴۸ در مورد اثر سینمایی است. در این قوانین اثر سینمایی به عنوان اثر مشترک در نظر گرفته شده است؛ چرا که نتیجه همکاری عوامل متعددی چون فیلمنامه‌نویس، کارگردان، هنرپیشگان، تصویربردار، تدوینگر، صدابردار، سازنده موسیقی متن، تهیه‌کننده و... است.

شاید بتوان کارگردان را پدیدآورنده اصلی در یک فیلم سینمایی دانست؛ چه، خلاقیتها و ابتکارات اوست که شکل دهنده مجموعه فیلم می‌باشد هر چند تلاش و خلاقیت‌های عوامل دیگر تولید نیز سهم و جایگاه خود را دارد. اما واگذاری حقوق پدیدآورندگان به تهیه‌کننده در بسیاری از کشورها مبتنی بر نوعی چاره‌جویی اقتصادی و حقوقی است. از یک سو تهیه‌کننده است که سرمایه خود را برای تولید یک فیلم به خطر می‌اندازد بنابراین آغازگر

چرخه تولید است و به همین دلیل دارای موقعیت ویژه‌ای است؛ از جانب دیگر پس از اتمام فیلم لازم است قراردادهایی با نمایش دهندگان نقاط مختلف کشور و نیز توزیع کنندگان داخلی و خارجی منعقد گردد. و چون در یک طرف قرارداد همه پدیدآورندگان فیلم نمی‌توانند قرار گیرند، زیرا روشن است حصول توافقی دسته جمعی، در همه جزئیات، ناشدنی است؛ از این رو پدیدآورندگان مشترک در یک فرآیند حقوقی، برای رهایی از این مشکل، حقوق خود را به تهیه کننده منتقل می‌کنند.^۱

در ایران نیز همین گونه اعمال می‌شود. به نظر می‌رسد که بین جنبه قانونی بودن موضوع آثار مشترک یعنی مشاع بودن حق پدیدآورندگان که لازمه آن رضایت جمعی در تمامی امور مربوط به اعمال حقوق متعلقه است و جنبه عملی قضیه یعنی آنچه به طور عینی جریان دارد (قدرت انحصاری و دائمی تهیه کننده) ناهمخوانی وجود دارد و موجب برخی مشکلات و تنگناها و پایمال شدن حقوق برخی عوامل تولید است که نیازمند بحث و بررسی و تدوین قوانین جامع و مانعی است.

۴- اثر موسیقی و صوتی: بند ۴ ماده ۲ قانون ۱۳۴۸، اثر موسیقی را به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد قابل حمایت می‌داند و ماده ۵ همین قانون در بندهای ۳ و ۴ پدیدآورنده اثر موسیقی را در مورد واگذاری حقوق مادی خود در زمینه ضبط صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا وسیله دیگر و نیز پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر مجاز می‌شمارد.

در ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر... نیز در مورد نسخه برداری از آثار صوتی چنین آمده است:

نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است. حکم مذکور در این ماده شامل نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا هر گونه پخش دیگر نیز خواهد بود.

ج) اثر تجسمی

هنرهای تجسمی، که ترکیبی از خط، نقطه، سطح، شکل، رنگ، بافت، و غیره است، در حقیقت تجسم فکر و اندیشه پدیدآورنده آن است. هنرهایی چون نقاشی، پیکرتراشی صنایع دستی، معماری، تصویرسازی، خوشنویسی، گرافیک و طراحی صنعتی از اقسام هنرهای تجسمی است.

قانون ۱۳۴۸ در بندهای ۵، ۶، ۷، ۸، گونه‌های مختلف هنرهای تجسمی را چنین بیان می‌دارد:

ماده ۲- اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است.

- ۱- نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خطهای تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد؛
- ۲- هرگونه پیکره (مجسمه)؛

۳- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان؛

۴- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد؛

۵- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم.

آثار عکاسی و معماری چنانچه دارای ویژگی ممتاز و ابتکاری و واجد جنبه هنری باشد مورد حمایت بوده و هر نوع استفاده از آن در موارد دیگر، مستلزم کسب اجازه از پدیدآورنده آن است.

در آثار عکاسی دستگاه مکانیکی عنصر مهمی به شمار می‌آید، همچنان که در آثار سینمایی و تلویزیونی نیز چنین است ولی این مسأله تفاوتی را با کارهای دیگر هنری باعث نمی‌شود.

عده‌ای از حقوق‌دانان میان عکاسی و سایر کارهای هنری تفاوت قائل شده‌اند و عکاسی را یک کار هنری اصیل نمی‌دانند چرا که نقش ابزار مکانیکی در آن را بیشتر از کار هنری و خلاقیت و ابتکار می‌دانند. ولی در حقوق ایران و فرانسه عکاسی نیز همچون دیگر آثار ادبی

و هنری لحاظ شده است.^۱

و می‌توان چنین استدلال کرد که هر چند ابزار مکانیکی در آثار سینمایی و عکاسی و... نقش مهمی دارند اما آنچه اثر قابل توجه و بدیعی را شکل می‌دهد همانا خلاقیت و ابتکار پدیدآورنده است که به هیچ وجه قابل انکار نیست.

د) اثر ابتکاری بر پایه فرهنگ عامه

یکی دیگر از آثار ادبی و هنری مورد حمایت در قوانین مربوط به حقوق مالکیت‌های فکری در ایران اثری است که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) پدید آمده باشد.

فرهنگ عامه (فولکلور) به آفرینه‌های ادبی و هنری اطلاق می‌شود که پدید آورندگان معینی را نمی‌توان برای آن شناخت، این آثار بتدریج از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و به عنوان باورهای توده مردم میراث فرهنگ سنتی را تشکیل داده‌اند.^۲

بند ۱۰ ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ ش به حمایت از این نوع اثر اختصاص یافته است. این بند چنین می‌گوید:

اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد.

هر چند نمی‌توان برای فرهنگ عامه - چنان که ذکر شد - مالک خاصی قائل شد ولی پدیدآورنده اثری که از این فرهنگ استفاده کرده باشد، که البته همراه با ابتکار و خلاقیت پدیدآورنده نیز باشد، مورد حمایت قانون است.

ه) اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد

بند ۱۱ ماده ۲ حمایت از اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد را بیان می‌کند. در مورد

۱- صفایی، همان، صص ۸۰-۸۲.

۲- آیتی، همان، ص ۱۰۳.

این بند بحث‌های متفاوتی صورت گرفته است. برخی از حقوق‌دانان آن را مبهم و زاید دانسته و می‌گویند:

آیا این اثر به جز آثاری است که در بندهای دیگر آمده است؟ اگر اثر فنی چیزی باشد که جنبه ادبی یا هنری ندارد. بلکه صرفاً فنی است، داخل در قلمرو حقوق مؤلفان و مصنفان نخواهد بود. بلکه مربوط به مالکیت صنعتی است که مقررات دیگری بر آن حکومت می‌کند.^۱

در مقابل، عده‌ای از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که بعضی از گونه‌های جدید ادبی، هنری، فنی و علمی، از جمله نرم افزارهای کامپیوتری را می‌توان از مصادیق این بند دانست.^۲

نرم افزار، مجموعه‌ای از جمله‌های قابل اجرا به وسیله کامپیوتر است که برای فعالیتی خاص، تدوین و تحریر می‌شود. نرم افزار اعم از برنامه و داده است که سخت افزار کامپیوتر را قابل استفاده برای کار می‌نماید.^۳

به نظر می‌رسد که حمایت از نرم افزارهای کامپیوتری در محدوده حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری نیست. دلیل بر این مطلب را چنین بیان داشته‌اند:

۱- در قوانین مربوط به حقوق مؤلفان در ایران، تکثیر غیرانتفاعی آثار بدون اجازه پدیدآورنده مجاز است در حالی که این امر در مورد «نرم افزارهای کامپیوتری» باعث وارد آمدن ضرر و زیان به حقوق پدیدآورنده می‌شود البته در شرایطی و تحت اجازه مراجع ذیصلاح در مواردی، با حفظ حقوق پدیدآورنده، این امکان وجود دارد؛^۴

۲- مرجع کارشناسی در مورد مالکیت‌های ادبی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است در حالی که مرجع صاحب صلاحیت در مورد نرم افزارهای کامپیوتری شورای عالی انفورماتیک کشور است؛

۱- صفایی، همان، ص ۷۱.

۲- امامی، حق مخترع، ص ۲۰۱.

۳- حقوق پدیدآورندگان نرم افزار، صص ۳۶۳ و ۳۶۵.

۳- ثبت اثر براساس قوانین مالکیت‌های ادبی و هنری الزامی نیست. ولیکن اجرای این امر در مورد نرم‌افزارهای کامپیوتری با توجه به رشد روزافزون علم و فنون در مورد نرم‌افزارها و تغییرات و تحولات سریع، حقوق پدیدآورنده را مختل می‌کند؛

۴- ماهیت نرم‌افزارهای کامپیوتری متفاوت از گونه‌های ادبی و هنری است. از این رو که اثری فنی به شمار می‌روند.

با این تفصیل به نظر می‌رسد حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری باید در حیطه حقوق مالکیت‌های صنعتی قرار گیرد.

با عنایت به اختلاف نظرهای صاحب‌نظران و محاکم در شمول قوانین حق مؤلف به نرم‌افزارهای کامپیوتری، قانونگذاران پاره‌ای از کشورها شمول مزبور را تصریح و موادی از قانون را به آن اختصاص داده‌اند.

در فرانسه طی مواد ۴۵ تا ۵۱ قانون مالکیت ادبی و هنری پیرامون این پدیده احکامی بیان شده، نیز در قوانین امریکا و انگلیس و همچنین کشورهای نظیر آلمان - اندونزی، سنگاپور و غیر اینها همین رویه اعمال شده است. در پاره‌ای از کشورها هنوز هیچ اقدامی صورت نگرفته است. ایران نیز فعلاً در زمره این کشورهاست - هر چند اقداماتی صورت گرفته اما در مراحل تهیه و تنظیم و تقدیم به مجلس شورای اسلامی است - و در موارد تکثیر آثار نرم‌افزاری بدون اجازه تولیدکننده آنها، چاره‌ای جز مراجعه به قانون موجود (۱۳۴۸) نیست.

قانون ۱۳۴۸ در ماده ۲ طی ۱۲ بند آثار ادبی و هنری مورد حمایت را بر شمرده است و در بند ۱۱ می‌گوید: «اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.» ممکن است بند ۱۱ را با تفسیری موسع شامل برنامه‌های کامپیوتری نیز دانست ولی این تفسیر مواجه با محظورات زیر است:

۱- قانون حق مؤلف جنبه کیفری نیز دارد و بنابر اصول مسلم حقوق جزاء قوانین کیفری به نفع متهم تفسیر مضیق می‌شوند.

۲- معمولاً در کشورهایی که قوانین حق مؤلف خود را شامل نرم‌افزار کرده‌اند این موضوع را در عداد آثار نوشته و ادبی محسوب داشته‌اند و نه یک اثر فنی تفسیر بند ۱۱

موجب اطلاق این عنوان به نرم‌افزار می‌شود که در عرف جهان معمول نیست.
 ۳- تفسیر قانون باید با توجه به اوضاع و احوال و قرائن منطقی باشد چگونه ممکن است گفته شود عبارت قانونگذار ایرانی در گذشته چنان افاده شده که نرم‌افزار کامپیوتری را که اصلاً ماهیتی نوین و پیچیده دارد در برگیرد؟^۱

و) اثر ترکیبی

اثری است که از ترکیب چند اثر دیگر پدید آمده است؛ مانند مجموعه‌های منتخب نظم و نثر که برطبق ماده ۴ قانون فرانسه و بند ۱۲ از ماده ۲ قانون ایران قابل حمایت است.^۲
 از آنجا که اثر جدید، هویتی مستقل از اجزای خود دارد و جلوه‌ای از ابتکار خالق آن است از نظر قانون مورد حمایت قرار می‌گیرد، بند ۱۲ از ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ چنین مقرر می‌دارد:

هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد. مورد حمایت این قانون است.

انتقادات وارد بر قانون ۱۳۴۸

حقوقدانان ایرادات شکلی - مربوط به نحوه نگارش - و ماهوی بر قانون ۱۳۴۸ وارد کرده‌اند بدین قرار:

۱- ذکر اثرهای قابل حمایت در ماده ۲ خالی از حشو و تکرار و پراکنده‌گویی نیست؛ مثلاً بند ۵ طرح و نقش به طور کلی قابل حمایت معرفی شده و در بندهای ۷ و ۹ نیز به طرح و نقشه ساختمان و نقشه قالی و گلیم اشاره شده، با اینکه از نظر قانون نویسی بهتر آن بود که همه آنچه مربوط به طرح و نقش است یکجا جمع شود و موارد دیگر از همین قبیل.^۳

۱- امیر صادقی نشاط، حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری، صص ۸۹-۹۰.

۲- صفایی، همان، ص ۷۴.

۳- همان، صص ۷۰-۷۱.

۲- آثار شفاهی از قبیل کنفرانسها، خطابه‌ها، نطقها، دفاعیات وکلا و... در قوانین حق مؤلف برخی از کشورها از جمله فرانسه صریحاً مورد حمایت قرار گرفته است.

طرح نمونه قانون حق مؤلف که به وسیلهٔ WIPO در سال ۱۹۷۴ به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد شده نیز این آثار و نظایر آن را در بند ۲ از فصل یکم، به عنوان آثار مورد حمایت برشمرده است.^۱ در حالی که در قوانین ایران به صراحت بدان پرداخته نشده است؛

۳- آثار غیرقابل حمایت نیز قسم دیگری است که در قوانین بین‌المللی و قانون نمونهٔ کپی‌رایت به آنها اشاره شده است. منظور از آثار غیرقابل حمایت مطالبی است که انتشار آن آزاد بوده و نیاز به اجازه از مرجعی ندارد همچون: قوانین اساسی و عادی، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، آرای محاکم و... که در قوانین ایران بدانها پرداخته نشده است.

بدین ترتیب، بایسته است مراکز تقنینی و تصمیم‌گیر کشور با بازنگری در قانون ۱۳۴۸ش، قانونی جامع و مانع و متقن در سطح قوانین بین‌المللی تدوین نمایند چه در این صورت گونه‌های ادبی و هنری و پدیدآورندگان آنها بهتر و بیشتر در حمایت قانون قرار گرفته و زمینه ظهور و بروز اندیشه‌ها و رشد و توسعهٔ علمی و فرهنگی کشور فراهم خواهد گردید.

حقوق مادی و معنوی پدید آورندگان

مؤلف و به طور کلی پدیدآورنده دارای دو گونه حقوق است: یکی حقوق مادی (مالی) که به پدیدآورنده اجازه انتفاع مادی از اثر را می‌دهد و دیگری حقوق معنوی (اخلاقی) که پدیدآورنده براساس آن از حق اختصاص اثر به خود و دفاع در مقابل تحریفات دیگران، برخوردار می‌شود. در ادامه اقسام هر یک از این حقوق و ویژگیهای هر یک می‌آید:

مبحث اول: حقوق مادی

الف) اقسام حقوق مادی پدیدآورنده^۱

پدیدآورنده دارای حق انحصاری هرگونه بهره‌برداری مالی از اثر است. به عبارت دیگر هرگونه تصرف در اثر که متضمن استفاده مادی باشد متعلق به پدیدآورنده است. قانونگذار ایران در ماده ۳ و ۵ قانون ۱۳۴۸ ش از این حقوق به حقوق مادی تعبیر کرده است و شاید بهتر بود به جای آن حقوق مالی که رساتر و با اصطلاح فرانسوی آن^۲ منطبق است استعمال می‌شد. مهمترین حقوق و امتیازات مالی مؤلف و پدیدآورنده بدین قرار است: حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق اقتباس و تلخیص و تبدیل، حق عرضه و اجرا، حق استفاده از پاداش و

۱- السنهوری، همان، ص ۳۶۰ به بعد؛ صفایی، همان، صص ۷۴-۷۷؛ آیتی، همان، صص ۱۲۵-۱۳۱؛ عبادی،

همان، صص ۸۸-۸۶.

2- Droits patrimoniaux.

جایزه و حق تعقیب. حال توضیح هر یک:

۱- حق نشر و تکثیر: پدیدآورنده با نشر اثر ضمن در اختیار عموم قرار دادن آن به بهره‌برداری مالی از آن نایل می‌گردد. نشر و تکثیر عبارتست از هر عملی که منجر به ساختن یا تهیه نمونه‌های دیگری از اثر اصلی می‌شود. از جمله ضبط بر روی نوارهای صوتی صفحات موسیقی، نوارهای ویدیویی، افست کتاب، عکاسی، گراور و... البته پدید آورنده می‌تواند نشر و تکثیر اثر را به دیگری انتقال دهد (ماده ۵ قانون ۱۳۴۸) مثلاً مؤلف می‌تواند برای چاپ و نشر کتاب خود با ناشری قرارداد ببندد و چند درصدی از بهای فروش کتاب را به عنوان حق التالیف دریافت دارد.

قانونگذار فرانسه در طی مواد ۴۸ تا ۶۰ قانون ۱۹۵۷م به این امر پرداخته است و برای حمایت از حقوق مؤلفان و جلوگیری از تجاوز به آنها قرارداد چاپ و نشر را به تفصیل تنظیم و آزادی متعاملین و حاکمیت اراده را در این باب محدود کرده است. ولی در حقوق ایران، جز چند قاعده استثنایی، مقررات خاصی در این مورد نیست و این گونه قراردادها اصولاً تابع قواعد عمومی معاملات است. در قانون ایران در دو مورد استثنایی تکثیر و نسخه برداری از اثر مجاز شناخته شده است: اولاً، عکسبرداری یا طرق مشابه در تکثیر آثار مورد حمایت قانون توسط کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند، به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود (ماده ۸ قانون ۱۳۴۸)؛ ثانیاً، نسخه‌برداری از کتب و نوشته‌های علمی و ادبی و هنری در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد (ماده ۱۱ قانون ۱۳۴۸).

بنابراین چاپ و انتشار اثر از حقوق انحصاری پدیدآورنده است و کسی نمی‌تواند بدون اجازه وی اثرش را منتشر یا ضبط یا اجرا... کند (به جز دو مورد استثنایی فوق‌الذکر).

۲- حق ترجمه: ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی چنین بیان

می‌دارد:

حق تکثیر یا تجدید و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی او است. مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است....

بنابراین حق ترجمه اثر به یک زبان خارجی و بهره‌برداری از آن ویژه پدیدآورنده است. البته پدیدآورنده می‌تواند این حق را به غیر واگذار کند (بند ۵ ماده ۵ قانون ۱۳۴۸).

۳- حق اقتباس و تلخیص و تبدیل: حق اقتباس و تلخیص و تبدیل اثر به منظور ایجاد یک اثر دیگر، ویژه پدیدآورنده است. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند اثری را که مورد حمایت قانون است از طریق اقتباس، تلخیص و تبدیل بدون موافقت پدیدآورنده به صورت دیگری درآورده و از آن بهره‌برداری نماید (بند ۱ و ۶ و ۷ از ماده ۵ و ماده ۱۹ قانون ۱۳۴۸) لیکن اگر فکر واحدی مورد استفاده دو نویسنده یکی پس از دیگری واقع شده باشد، بدون اینکه نویسنده دوم از ترکیبها و تعبیرهای نویسنده اول استفاده کرده باشد، دو اثر مستقل است و اقتباس در این مورد صدق نمی‌کند.^۱

ماده ۷ قانون مذکور به بیان اقتباس مجاز و متعارف می‌پردازد و آن اقتباسی است که با ذکر مأخذ و در حدود متعارف باشد.

نه تنها خود اثر از حمایت قانون برخوردار است بلکه نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است نیز مورد حمایت قانون است. ماده ۱۷ قانون ۱۳۴۸ در این زمینه می‌گوید:

نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القاء شبهه کند به کار برد.

۴- حق عرضه و اجراء: عرضه و اجرای آثار نمایشی و موسیقی به منظور بهره‌برداری مادی (مالی)، متعلق به پدیدآورنده است. عرضه به معنای در دسترس قرار دادن یا نمایش یک اثر شنیداری یا دیداری برای عموم و اجرا به معنی نمایش زنده و مستقیم اثر برای جمعی است. این دو معمولاً در مورد اثرهای نمایشی و موسیقی به کار می‌روند. بنابراین نمایش و اجرای مستقیم اثر برای مردم یا پخش آن از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر بدون موافقت پدیدآورنده مجاز نیست. البته پدیدآورنده می‌تواند این حقوق یا قسمتی از آنها را به دیگری انتقال دهد. در ماده ۵ قانون ۱۳۴۸ این موارد تصریح شده است.

باید یادآور شویم که انتقال حق اجراء و عرضه اثر مستلزم انتقال حق تکثیر و نشر و نسخه‌برداری از اثر نیست و بالعکس. همچنان که در ماده ۳۰ قانون فرانسه به این امر تصریح شده در حقوق ایران نیز براساس اصول کلی، همین نظر پذیرفته شده است.^۱

۵- حق استفاده از پاداش و جایزه: از جمله حقوق مادی که به تصریح تبصره ماده ۱۳ قانون ۱۳۴۸ متعلق به پدیدآورنده است، حق استفاده از پاداش و جوایز مادی است که در مسابقات علمی و ادبی و هنری به اثر تعلق می‌گیرد. پس پدیدآورنده مستحق دریافت هرگونه پاداش و جایزه‌ای است که به طور مستقیم نتیجه فعل اوست.

انتقال حقوق دیگر مستلزم انتقال این حق نخواهد بود. بنابراین اگر مؤلف حق چاپ و نشر کتاب خود را به ناشری واگذار کند، ناشر نمی‌تواند ادعایی بر پاداش و جایزه‌ای که به اثر تعلق می‌گیرد داشته باشد. در حقوق ایران حق استفاده از پاداش و جایزه به عنوان تبصره‌ای ذیل ماده ۱۳ که در مورد آثار ناشی از سفارش است آورده شده است. نگارش این ماده و عدم ارتباط منطقی میان صدر و ذیل آن نوعی نقص در تهیه قانون ۱۳۴۸ به شمار می‌رود.

۶- حق تعقیب^۲: در حقوق فرانسه علاوه بر حقوق مذکور حق تعقیب نیز برای پدیدآورنده برخی از آثار هنری قائل شده‌اند که در ماده ۴۲ قانون ۱۹۵۷م ذکر شده است. منظور از حق تعقیب، حق برداشت مبلغی (مبلغ ۳ درصد) است که هنرمند از بهای فروش مجدد اثر منتفع می‌شود. مشروط بر اینکه اثر از طریق مزایده عمومی فروخته شود یا فروشنده آن تاجر باشد.

این معنای حق تعقیب که در قانون حقوق مؤلفان فرانسه استعمال شده است با معنای آن در حقوق ایران و همچنین فرانسه متفاوت است. حق تعقیب در حقوق ایران حقی است برای صاحب حق عینی که می‌تواند به استناد آن حق، مال خود را در دست هرکس که بیاورد، بگیرد.^۳

۱- السنهوری، همان، ص ۳۶۰ به بعد؛ صفایی، همان، ص ۷۶.

2- Driot desuite.

۳- جعفری لنگرودی، همان، ص ۲۱۹.

چنان‌که ذکر شد، مبلغ ۳ درصد از بهای فروش است در هر معامله‌ای که بهای آن از صد فرانک متجاوز باشد و نسبت به همه بهای فروش احتساب می‌شود نه مقداری که فروشنده سود برده است. هدف قانونگذار فرانسه از شناسایی حق تعقیب این بوده است که هنرمند را از افزایش بهای آثار خود بهره‌مند سازد. این حق ویژه کلیه آثار هنری به جز موسیقی است. شناسایی این حق برای پدیدآورنده در حقوق فرانسه مورد انتظار گروهی از حقوقدانان واقع شده و در حقوق ایران نیز چنین حقی که برخلاف اصل است برای پدیدآورنده شناخته نشده است.^۱

(ب) خصوصیات حقوق مادی پدیدآورنده

حقوق مادی پدیدآورنده دو خصوصیت عمده دارد که از این قرار است:

۱- قابل نقل و انتقال است؛ ۲- موقتی است.

۱- قابل نقل و انتقال بودن: همچنان‌که در صفحات پیشین اشاره شد حقوق مادی (مالی) حقوق انحصاری پدیدآورنده است که البته می‌تواند آن را در کلیه موارد به غیر انتقال دهد. ماده ۵ قانون ۱۳۴۸ش تعدادی از این موارد را احصاء کرده است:

پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیره واگذار کند:

- ۱- تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.
- ۲- نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایشهای دیگر.
- ۳- ضبط تصویری و یا صوتی اثر بر روی صفحه و یا نوار و یا هر وسیله دیگر.

۴- پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر.

۵- ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن.

۶- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.

۷- به کاربردن اثر در فراهم کردن یا پدیدآوردن اثرهای دیگر که در ماده دوم

این قانون درج شده است.

انتقال اختیاری حقوق مادی به وسیله پدیدآورنده به انحاء زیر صورت می‌گیرد: ۱- انتقال حق به شخص حقیقی (ماده ۱۴ قانون ۱۳۴۸)؛ ۲- انتقال حق به سفارش دهنده (ماده ۱۳ قانون ۱۳۴۸)؛ ۳- انتقال حق به استخدام‌کننده در مواردی است که پدیدآورنده در استخدام متقاضی خلق اثر است؛ ۴- انتقال حق به شخص حقوقی (ماده ۱۶ قانون ۱۳۴۸)؛ ۵- انتقال حق به موصی له (لهم) (ماده ۸۴۳ قانون مدنی).

انتقال قهری نیز به صورت انتقال به ارث است که در ماده ۱۲ قانون ۱۳۴۸ ش بدان اشاره شده است. در هر حال انتقال گیرنده اعم از ناشر و غیر مکلف است نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپ یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نماید مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد (ماده ۱۸).^۱

۲- موقتی بودن: حق بهره‌برداری مالی از اثر که قابل انتقال به دیگری است، محدود به زمان معینی است. مطابق ماده ۱۲ قانون ۱۳۴۸ حقوق مالی پدیدآورنده در طول حیات او باقی است و بعد از مرگ پدیدآورنده نیز به مدت سی سال از تاریخ مرگ متعلق به وراثت یا شخصی است که این حقوق به موجب وصیت به او منتقل شده است. اگر وارث و موصی له برای بهره‌برداری از اثر وجود نداشته باشد، این حقوق برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار می‌گیرد.

در قانون ۱۹۵۷م فرانسه مدت حمایت بعد از فوت ۵۰ سال از تاریخ اول ژانویه سال متعاقب فوت است.^۲ در مورد موقتی یا دائمی بودن حقوق مادی مؤلف بحث‌های جدی و وسیعی صورت گرفته و طرفداران هر یک از دو نظریه موقتی و دائمی بودن حقوق مادی مؤلف در دفاع از نظریه‌های خود دلایلی ذکر کرده‌اند. برای پرهیز از تطویل در کلام، مهمترین و بهترین استدلالی که بر موقتی بودن این حقوق - و در این نوشته مورد نظر است -

۱- صفایی، همان، ص ۷۹.

۲- همان، صص ۷۹-۸۰.

بیان شده را ذکر می‌کنیم:

اثر ادبی یا هنری برای استفادهٔ عموم پدید آمده است. البته همهٔ آثار ادبی و هنری قابل دوام نیست و بسیاری از آنها پس از مدتی به دست فراموشی سپرده می‌شود. آثاری که باقی می‌ماند کم‌کم جزء دارایی فکری و معنوی جامعه می‌شود؛ بنابراین پس از مدتی که بهره‌برداری مادی از اثر منحصر به پدیدآورنده و وارث او بود و پس از اینکه اینان پاداش خود را دریافت کردند، حقوق فردی نسبت به اثر باید به نفع جامعه ساقط شود و همگان بتوانند از آن بهره‌مند گردند. در این صورت در حقوق فرانسه می‌گویند «اثر داخل در قلمرو اموال عمومی شده است».^۱

قبول اصل موقتی بودن حق انتفاع مادی مؤلف از لوازم ترقی و تکامل بشری است. می‌توان گفت آثار فکری و ذوقی پس از چندی استفاده بین عموم، متداول می‌شود. همین رواج و جریان آنها در بین عموم سلطهٔ عمومی را نسبت به این آثار در پی دارد که مساوی است با خلع مؤلف از حق انحصاری انتفاع. از اینکه ترقی و تمدن بشری مبتنی بر قدرت تألیف است این نتیجه گرفته می‌شود که «محصول تألیف» مربوط به جامعه است و عموم مردم باید از آن مستفید باشند.^۲

مدت عادی حمایت مادی از اثر - چنان که گفته شد - تا سی سال بعد از مرگ پدیدآورنده در حقوق ایران و تا پنجاه سال در حقوق فرانسه است. در مورد آثار و گونه‌های ادبی خاصی، قانونگذار این مدت را افزایش یا کاهش داده است که این موارد در حقوق ایران به شرح ذیل است:

۱- اثر مشترک: طبق مادهٔ ۶ قانون ۱۳۴۸ اثر مشترک اثری است که با همکاری دو یا چند نفر پدید آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد. این اثر ملک مشاع پدیدآورندگان است. مدت حمایت از اثر مشترک طبق تبصرهٔ مادهٔ ۱۲ قانون مذکور سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده است.

۱- همان، ص ۸۰.

۲- باهری، همان، ص ۴۵۹.

۲- اثر سفارشی: ماده ۱۳ که در مورد اثر سفارشی است چنین بیان می‌دارد:

حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد.

پس از انقضای این مدت حقوق مذکور در صورت حیات پدید آورنده متعلق به خود او و در غیر این صورت تا مدت سی سال بعد از فوت از آن ورثه پدید آورنده یا موصی له خواهد بود (ماده ۱۵). چون اثر ادبی یا هنری نتیجه فعالیت فکری مؤلف یا هنرمند است نه سفارش دهنده، از این رو قانونگذار مدت حقوق مادی سفارش دهنده را حداکثر سی سال قرار داده است.^۱

۳- اثر واگذار شده: مطابق ماده ۱۴ هرگاه بهره‌برداری مالی از اثر به موجب قرارداد به دیگری منتقل شده باشد انتقال گیرنده می‌تواند تا سی سال پس از واگذاری از اثر بهره‌برداری کند مگر اینکه برای مدت کمتری توافق شده باشد.

۴- اثرهای سینمایی و عکاسی: بند ۱ ماده ۱۶ مدت حمایت از حقوق مادی پدید آورنده آثار سینمایی و عکاسی را سی سال از تاریخ نشر یا عرضه آنها اعلام می‌دارد. در ماده ۲۱ قانون ۱۹۵۷م فرانسه آثار سینمایی که اثر مشترک تلقی می‌شود به مدت ۵۰ سال از تاریخ فوت آخرین پدید آورنده مورد حمایت قرار گرفته است. و در مورد آثار عکاسی همان قاعده عمومی اجرا شده و استثنایی به عمل نیامده است. در حالی که در حقوق ایران آثار عکاسی به آثار سینمایی ملحق شده‌اند. در صفحه‌های پیشین در مورد نظریات موجود در این زمینه مطالبی بیان شد.

۵- اثرهای متعلق به شخص حقوقی: در حقوق فرانسه طبق مواد ۹ و ۱۳ قانون ۱۹۵۷م شخص حقوقی فقط هنگامی پدید آورنده و مالک اثر تلقی می‌شود که اثر به ابتکار و زیر نظر او به کوشش چندین شخص طبیعی تهیه و با نام شخص حقوقی منتشر شده باشد. از آنجا که پدید آورنده اصلی و مالک اثر شخص طبیعی است و ذکر نام پدید آورنده در مورد شخص

حقوقی بر خلاف اصل و امری استثنایی است، قانونگذار ایران و فرانسه مدت حمایت از این آثار را کاهش داده است. مضافاً بر اینکه عمر شخص حقوقی معمولاً محدود نیست و ممکن است قرن‌ها باقی بماند و از این رو نیز قاعده عادی مدت حمایت در اینجا قابل اجرا نیست.^۱

بند ۲ ماده ۱۶ در مورد این گونه آثار چنین می‌گوید:

هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد، حقوق مادی پدیدآورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود.

برخی از استادان - چنان که ذکر شد - کاهش مدت حمایت در موردی که اثر، متعلق به شخص حقوقی باشد را قابل توجیه می‌دانند لیکن اجرای این قاعده را در موردی که حق استفاده از اثر به شخص حقوقی واگذار شده باشد را بلااشکال ندانسته و اضافه می‌نمایند:

به نظر می‌رسد که این مورد باید مشمول ماده ۱۴ قانون باشد که در صورت انتقال حق پدیدآورنده مدت حمایت را تا سی سال بعد از واگذاری قرار داده است. چه فرقی است بین موردی که استفاده و بهره‌برداری از اثر به شخص طبیعی و موردی که این استفاده به شخص حقوقی واگذار شده باشد؟^۲

در پایان این قسمت بیان این مطلب ضروری است که در حقوق فرانسه مدت حمایت از آثاری که بدون ذکر نام یا با نام مستعار منتشر می‌شود و اثری که پس از مرگ پدیدآورنده منتشر می‌شود پنجاه سال از تاریخ انتشار اثر است.^۳ در حالی که در حقوق ایران از این دو مورد نامی برده نشده است. که از نواقص قانون ۱۳۴۸ محسوب می‌شود.

۱- همان، ص ۸۳، با تصرف.

۲- همان، ص ۸۳.

۳- ماده ۲۲ قانون ۱۹۵۷م فرانسه.

مبحث دوم: حقوق معنوی^۱

همان‌گونه که گذشت مؤلف یا هنرمند علاوه بر حقوق مالی دارای پاره‌ای حقوق و امتیازات غیرمالی است که مربوط به شخصیت او و برای حمایت از آن است. قانونگذار ایران این حقوق را نخست به عنوان حقوق معنوی مطرح کرده است (مواد ۳ و ۴ قانون ۱۳۴۸) و بعضی حقوقدانان آن را حقوق اخلاقی می‌نامند، حقوق معنوی بر اساس مبانی فلسفی و ارتباطی است که بین شخصیت پدید آورنده اثر با آن وجود دارد و به تعبیری شاعرانه بخش جاودانه وجود پدید آورندگان آنهاست.

قانونگذار ایران تعریفی از این حقوق به دست نداده است.^۲ ولیکن با توجه به مواد مختلف قانون ۱۳۴۸ ش و استفاده از حقوق تطبیقی اقسام این حقوق چنین است:

الف) اقسام حقوق معنوی پدید آورنده^۳

حقوق معنوی پدید آورنده عبارتست از: حق انتشار اثر، حق حرمت نام و عنوان مؤلف، حق حرمت اثر و حق عدول یا استرداد اثر. حال به توضیح هر یک می‌پردازیم:

۱- حق انتشار اثر: ماده ۳ قانون ۱۳۴۸ در این باره می‌گوید:

حق پدید آورنده، شامل: حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر است.

منظور از این ماده این است که مؤلف، منحصرأ حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر خود را دارد و نمی‌توان او را مجبور به انتشار اثرش کرد. در واقع انتشار اثر بر خلاف میل و رضای پدید آورنده تجاوز به شخصیت اوست. و پس از مرگ صاحب اثر نیز

1- Doit Mozal

۲- در فصل اول همین نوشته ذیل عنوان «حقوق معنوی» به بررسی این حقوق پرداخته شده است.

۳- صفایی، همان، صص ۸۴-۸۶؛ السنه‌وری، همان، صص ۴۰۹-۴۲۰؛ آیتی، همان، صص ۱۸۳-۱۴۳؛ عبادی،

همان، صص ۹۰-۹۱؛ حضرتی شاهین‌دژ، همان، ۱۶۸-۱۷۴؛ عباس سعیدی فر، همان، ص ۵۶.

چنانچه وی در زمان حیات انتشار اثر را منع نکرده باشد، جانشینان قانونی‌اش مبادرت به نشر اثر خواهند کرد. در حقوق فرانسه نه تنها به موجب ماده ۱۹ قانون ۱۹۵۷م برای پدیدآورنده حق تصمیم درباره انتشار یا عدم انتشار اثر، در صورتی که حق نشر آن را به دیگری واگذار نکرده باشد، قائل شده‌اند، بلکه حتی به پدیدآورنده حق می‌دهند که با وجود داشتن قرارداد با دیگری و بر خلاف اصل اجباری بودن قرارداد، از تحویل اثر خودداری کند و دلیل این امر را هم احترام به شخصیت پدیدآورنده و عدم اجباری وی به نشر اثرش می‌دانند.

در حقوق ایران چنین نصی دیده نمی‌شود ولی با توجه به قواعد عمومی معاملات و اصل لزوم قراردادهای، نمی‌توان به پدیدآورنده حق داد که پس از تکمیل اثر از تسلیم آن بر خلاف قرارداد خودداری کند و در صورت امتناع از تسلیم متعهدله می‌تواند اجبار او را به تسلیم از طریق قانون درخواست کند.^۱

۲- حق حرمت نام و عنوان مؤلف: ^۲ برخی حقوقدانان از این حق به عنوان، حق انتساب اثر، حق ابوت یا ولایت بر اثر ^۳ نام می‌برند، شاید بدان دلیل که همان‌گونه که پدر حق دارد نام خود را بر فرزندش بگذارد، پدیدآورنده نیز حق دارد نام خود را بر روی اثرش بگذارد. نیز از آن جهت که حق ولایت از حقوق شخصیه‌ای است که حق مادی نیز دربردارد؛ از قبیل حق ارث و حق نفقه. حق معنوی مؤلف نیز از حقوق شخصیه و مقترن به حق مادی است که همان بهره‌برداری و انتفاع مالی و مادی از اثرش است. به موجب این حق پدیدآورنده می‌تواند حق انتشار اثر را با نام و عنوان خود بخواند. در واقع نام و عنوان پدیدآورنده جزئی از شخصیت اوست و تجاوز به این حق تجاوز به شخصیت پدیدآورنده محسوب می‌شود. ماده ۱۸ قانون ۱۳۴۸ می‌گوید:

۱- حضرتی شاهین‌دژ، همان، ص ۱۶۹؛ صفایی، همان، ص ۷۴.

2- Droit á La paternité.

۳- در حقوق فرانسه حق ولایت بر اثر نامیده می‌شود:

Droit á La paternite de l'oeuvre.

انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

بنابراین نشر اثر بدون نام پدیدآورنده یا با نام دیگری بدون موافقت پدیدآورنده ممنوع و قابل مجازات است.^۱

۳- حق حرمت اثر:^۲ نه تنها نام و عنوان پدیدآورنده محترم است و همواره باید همراه اثرش ذکر شود، بلکه اثر منتسب به شخصیت وی نیز محترم است و هیچ کس حق ندارد یک اثر ادبی یا هنری را بدون موافقت پدیدآورنده تغییر دهند، اگرچه تغییر اندک باشد. تعریف یا ذکر صریحی از حق حرمت اثر در قانون ایران به چشم نمی‌خورد هر چند آن را پذیرفته و پدیدآورنده را از مزایای آن بهره‌مند ساخته است.

ماده ۱۹ قانون ۱۳۴۸ بیانگر همین امر است:

هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.

ولی ماده ۶ قانون ۱۹۵۷ م فرانسه به حق احترام تصریح کرده و می‌گوید: پدید آورنده از حق احترام نسبت به اثر خود بهره‌مند می‌شود، در واقع، اثر پدیدآورنده، بیان‌کننده شخصیت وی است و اشخاص ثالث بدون رضایت او، نمی‌توانند تصرفاتی در اثر او نمایند در ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن نیز به حق احترام اشاره شده است. حق احترام دارای دو وجه ایجابی و سلبی است. درباره وجه ایجابی باید گفت که منحصرأ، شخص پدیدآورنده حق دارد در اثر خود تغییراتی بدهد، بخشهایی از آن را حذف

۱- بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون ژنو درباره رعایت حق معنوی مؤلف مقرر می‌دارد: «عنوان اصلی و نام مؤلف اثر، در روی تمامی نسخ ترجمه شده، چاپ خواهد بود».

یا جابه‌جا کند و حتی نظریه‌هایی کاملاً مخالف با نظریه‌های قبلی عرضه کند. و وجه سلبی حق حرمت اثر متضمن حق بازدارندگی دیگران از تغییر و تحریف برای پدیدآورنده و دفاع از تمامیت اثر است. و در این راستا قانونگذار برای اینکه صاحب اثر در برابر هرگونه تعدی و تجاوز، ابزار دفاعی لازم در اختیار داشته باشد، برای متجاوزان مجازات‌هایی پیش‌بینی کرده است.

۴- حق عدول یا استرداد اثر:^۱ در حقوق فرانسه علاوه بر حقوق مذکور حقی برای پدیدآورنده شناخته شده است که در کشورهای دیگر کمتر نظیر دارد. در ماده ۳۲ قانون ۱۹۵۷م این امر پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده پدیدآورنده می‌تواند علی‌رغم قرارداد انتقال بهره‌برداری از اثر به دیگری و حتی بعد از انتشار از تصمیم خود عدول کند و اثر را پس بگیرد، مشروط بر اینکه خسارت منتقل‌الیه را جبران نماید و در صورتی که پدیدآورنده دوباره تصمیم به نشر اثر بگیرد منتقل‌الیه سابق حق تقدم خواهد داشت.^۲

در حقوق ایران این حق به رسمیت شناخته نشده است و با عنایت به موانع زیر نمی‌توان با استناد به سکوت قانون چنین حقی را برای پدیدآورنده قائل شد: ۱- اصل لزوم قراردادها؛ ۲- قدرت اجباری عقود که هر دو از قواعد عمومی معاملات به شمار می‌روند.

ب) خصوصیات حقوق معنوی پدیدآورنده

۱- غیرقابل انتقال بودن: حق معنوی غیر قابل انتقال است یعنی انتقال این حق به موجب قرارداد جایز نیست. طبیعت و هدف این حقوق اقتضاء می‌کند که همانند دیگر حقوق شخصی و مرتبط به شخصیت غیرقابل نقل و خارج از قلمرو داد و ستد باشد.

ماده ۴ قانون ۱۳۴۸ش نیز به این امر اشاره دارد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا معنای غیر قابل انتقال بودن حق معنوی، انتقال حق مذکور از طریق ارث و وصیت را هم در برمی‌گیرد؟ ابتدا باید گفت:

1- Droit de repentir ou de retrait

۲- صفایی، همان، ص ۸۵.

در حقوق فرانسه مقرر شده است که حقوق معنوی پدید آورنده پس از مرگ وی، به کسی که به موجب وصیت برای اعمال این حقوق و در واقع برای حفظ حرمت پدید آورنده و اثر او تعیین شده است، منتقل می‌گردد. و در صورتی که کسی به موجب وصیت تعیین نشده باشد این حقوق به ورثه پدید آورنده منتقل می‌شود.^۱

حقوقدانان در این باره نظرات متفاوتی ابراز داشته‌اند، استاد صفایی معتقد است:

این تفسیر از ماده ۴ درست نیست [استفاده از ظاهر ماده و رد انتقال حقوق معنوی از طریق وصیت وارث] زیرا: اولاً، حمایت از شخصیت پدید آورنده اقتضا می‌کند که حقوق معنوی او بعد از مرگ بوسیله کسانی که قائم مقام او هستند اعمال گردد. ثانیاً، ماده ۴ قانون مذکور این حقوق را محدود به زمان ندانسته و از این رو این حقوق نباید با فوت پدید آورنده از میان برود. ثالثاً، از ماده ۲۶ قانون که برای وزارت فرهنگ و هنر [وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی] بعد از سپری شدن مدت حق مادی پدید آورنده، عنوان شاکی خصوصی در صورت تجاوز به حقوق معنوی او قائل شده استنباط می‌شود که اعمال حقوق معنوی بعد از فوت پدید آورنده با کسانی است که وارث حقوق مادی او هستند و بعد از پایان مدت حمایت از حقوق مادی وزارت فرهنگ و هنر قائم مقام پدید آورنده در خصوص حقوق معنوی خواهد بود.

ایشان در ادامه، اختیارات مربوط به بعضی از حقوق معنوی را، که به ورثه منتقل شده، از آنچه خود پدید آورنده داشته، محدودتر دانسته است و اضافه می‌کند که امتیازات معنوی پدید آورنده باید در راه مصلحت معنوی متوفی به کار رود نه در خدمت ورثه، لذا بعضی از علمای حقوق گفته‌اند اگر ورثه دارای حق ولایت بر اثر و حق حرمت نام و عنوان پدید آورنده و اثر هستند، حق انتشار آنان مطلق نیست.

در زمینه پاسخگویی به سؤال مذکور نظر دیگری بدین شرح مطرح شده است:

باید دانست که حق مؤلف به دو حق ممتاز تحلیل می‌شود: ۱- حق بر انتشار و بهره‌برداری از تألیف که جنبه مالی دارد و در شمار سایر اموال مؤلف به

بازماندگان او می‌رسد؛ ۲- حق معنوی بر تألیف که خاص نویسنده است و در واقع جزئی از شخصیت او به شمار می‌رود. حق معنوی بر تألیف را وارثان چنان که هستند می‌توانند اجرا کنند ولی اصل حق به ایشان منتقل نشده است. چنان که مؤلف می‌تواند نوشته خود را به کلی دگرگون سازد، نظریه‌های مخالف گذشته بدهد یا آن را از بین ببرد، ولی بازماندگان او چنین اختیاری ندارند.^۱

به نظر می‌رسد هر دو نظر مذکور، در اینکه آنچه به ورثه منتقل می‌شود اصل حق معنوی نیست، ورثه ادامه دهنده شخصیت و حافظ احترام پدید آورنده هستند، آنان وظیفه دارند از میراث خویش حفاظت کنند و با استفاده از وسایل اجرایی حق از مزایای آن برخوردار شوند، مشترک‌اند و می‌توان گفت حق معنوی مؤلف به صورت یک تکلیف به بازماندگان او می‌رسد. پس هر دو نظر به یک امر اشاره دارند.

شاید بتوان گفت کاربرد واژه حق نیز در اینجا مسامحی است؛ چراکه حقوق غیرمالی، حقوق مربوط به شخصیت و روابط خانوادگی مانند حق ابوت، بنوت، حضانت و ولایت و آزادی و... قابل واگذاری به دیگری نیست این‌گونه امتیازها در زمره احکام است. برخی از حقوقدانان نیز معتقدند که ماده ۴ فقط ناظر به انتقال از طریق قرارداد بین زندگان است. از این رو، حقوق معنوی پدید آورنده را قابل انتقال از طریق ارث و وصیت می‌دانند.^۲

برخی دیگر از جنبه فقهی این مسأله را بررسی کرده و متذکر می‌شوند:

«از جمله احکام حق انتقال قهری آن به وارث است، در صورت فوت صاحب حق، چنانچه در انتقال قهری صاحب حق شک کنیم، در این صورت اگر دلیل خاص یا عامی که مطابقاً یا تضمناً یا التزاماً بر قابلیت حق برای انتقال دلالت کند، وجود داشته باشد. بدون تردید باید به انتقال حق به ورثه حکم کرد.

۱- کاتوزیان، همان، ص ۳۲۱.

۲- جعفری لنگرودی، حقوق اموال، ص ۳۲۳.

در غیر این صورت، مقتضای اصل، عدم انتقال به ورثه است.^۱

۲- محدود نبودن به زمان و مکان: طبق ماده ۴ قانون ۱۳۴۸ حقوق معنوی پدید آورنده محدود به زمان و مکان نیست؛ یعنی دائمی است و به مانند حق مادی موقتی نیست.^۲ به مرور زمان ساقط نمی‌شود و محدود به محل اقامت پدید آورنده یا هر مکان دیگری نیست. نکته‌ای که از این خصوصیت استفاده می‌شود این است که قانون ایران از حقوق معنوی اثرهایی که برای نخستین بار در ایران منتشر نشده‌اند نیز حمایت کرده است و به اشخاص اجازه نداده که به حقوق معنوی پدید آورندگان این آثار تجاوز کنند؛ هرچند حقوق مادی آنان را حمایت نکرده است. در پایان این قسمت باید به اختصار متذکر شویم که در حقوق ایران همانند حقوق کشورهای پیشرفته دیگر، برای تخلف از مقررات قانون و تجاوز به حقوق مادی و معنوی پدید آورنده مجازات‌های مدنی و جزائی مقرر شده است. که فصل چهارم قانون ۱۳۴۸ از ماده ۲۳ به بعد در این زمینه وضع گردیده است.

ضمانت اجرای حقوق مادی و معنوی پدید آورنده شامل چند چیز است: ۱- مجازات جزئی (۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۳۱ قانون)؛ ۲- مسئولیت مدنی (ماده ۲۸ قانون)؛ ۳- درج مفاد حکم در روزنامه (ماده ۲۷ قانون)؛ ۴- جلوگیری از نشر و پخش و عرضه اثر (ماده ۲۹ قانون).^۳

۱- گرجی، «حقوق معنوی و حکم آن»، ص ۳۳.

۲- السنهوری، همان، ص ۴۰۸.

۳- صفایی، همان، صص ۸۸-۸۹.

مالکیت‌های صنعتی و تجاری^۱

گفتار اول

کلیات (پیشینه تاریخی در جهان و ایران)

برخی حقوقدانان تاریخ پیدایش این حقوق را در گذشته‌های بسیار دور جستجو می‌کنند و معتقدند از زمانی که انسان اجتماعی شده است در مراودات تجاری خود با یکدیگر در صدد شناساندن و مشخص کردن کالاها و آنچه به خود متعلق می‌دانسته، بوده است. در پایان قرون وسطی حمایت حقوقی از مخترع به صورت استفاده انحصاری از یک فکر تازه صنعتی بود که در قالب اعطای امتیازها به وقوع پیوست. در سرزمین انگلستان پادشاه از دیرباز به افراد امتیاز انحصاری برای امتعه خاص تجاری و کارخانه‌ای می‌داد. حق اعطای امتیازهای تجاری و صنعتی جزء اختیارهایی بود که وی از آن خویش می‌شمرد.^۲ در آلمان از سده پانزدهم امپراتوران به فرد مخترع «برگ استحقاق» می‌دادند. این سند

1- La propriété industrielle llé et commerciale به فرانسه

Industrial and commercial property به انگلیسی

۲- تقی لطفی، همان، ص ۱۰۷.

استفاده انحصاری را از اثر برای مخترع تضمین می‌کرد.^۱

در سال ۱۶۲۴م شکل جدید حمایت از اختراعات در انگلستان جایگزین شیوه سنتی، که همان اعطای امتیاز و پاداش به مخترع بود، گردید. در واقع انگلستان اولین کشوری بود که قانون جدید اختراعات در آن تدوین گردید که با گذشت زمان اجرای این قانون منجر به تحولات صنعتی و اقتصادی گسترده‌ای در این کشور شد. در سال ۱۷۸۹م مقررات قانونی در مورد طرح و ترسیمات تحت عنوان قانون تشویق هنرهای طراحی و چاپ روی پارچه‌های کتان، پنبه‌ای، و چیت از طریق اعطاء حقوق مالکیت طرح و چاپ به طراحان و متصدیان چاپخانه و سایر مالکین برای یک مدت محدود به تصویب رسید.^۲

با توسعه و تکامل صنعت در قاره اروپا و گسترش آن در سایر کشورها، موضوع صنعت و تجارت و اختراعات به طور وسیع مورد توجه کشورها قرار گرفت. به منظور حفظ حقوق صاحبان صنعت (صنعتگران) و تجار و مخترعین، کشورها به تدریج مقرراتی برای خود وضع کردند. حقوقی که ارباب صنعت و تجارت به تازگی تحصیل کرده بودند، نوع جدیدی از مالکیت را مطرح کرد که به آن مالکیت صنعتی اطلاق می‌شد. از آنجا که موضوعات صنعتی و تجارتي در اغلب کشورها یکسان بود، اقتضاء داشت که مقررات کشورها نیز مضمون متحدی داشته باشد تا در روابط تجاری بین‌المللی از قوانین تقریباً یکسان و یکنواخت استفاده شود.

چنان‌که ذکر شد نیاز به حمایت بین‌المللی از حقوق مالکیت‌های معنوی زمانی آشکار شد که خارجی‌ان از حضور در نمایشگاه بین‌المللی اختراعات در وین به سال ۱۸۷۳م خودداری کردند؛ چون از این بابت که امکان داشت ایده‌هایشان به سرقت برود و در سایر کشورها در تجارت مورد بهره‌برداری قرار بگیرد، شدیداً نگران بودند.^۳

۱- همان، ص ۱۰۹.

۲- هرمز فروحی، «حق مالکیت علامت (تجارتی و صنعتی) در حقوق بین‌الملل حمایت مالکیت صنعتی»،

پایان‌نامه، صص ۱۵-۲۴.

سال ۱۸۸۳م سال تولد کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی بود. کنوانسیون مذکور اولین معاهده بین‌المللی بود که به موجب آن مردم یک کشور می‌توانستند از حمایت از تراوشها و خلاقیت‌های فکری خود، به شکل حقوق مالکیت صنعتی، در سایر کشورها نیز بهره‌مند شوند. حقوق مالکیت‌های صنعتی عبارت بودند از: اختراعات، علائم تجارتي و طرح‌های صنعتی. کنوانسیون پاریس در سال ۱۸۸۴م با عضویت ۱۴ کشور منعقد شد و رسمیت یافت. کشورهای مذکور یک دفتر بین‌المللی را تشکیل دادند که وظیفه آن اجرای امور اداری از قبیل سازماندهی جلسات کشورهای عضو بود.^۱

این کنوانسیون در سال‌های بعد بارها بازنگری و اصلاح شد.^۲ علاوه بر کنوانسیون پاریس، قراردادهای دیگری نیز در حمایت از مالکیت صنعتی وجود دارد که با توجه به نیازهای هر زمان تشکیل یافته‌اند: ۱- موافقت‌نامه مادرید برای جلوگیری از نصب اسامی مبدأ نادرست و فریبنده بر کالاها؛ ۲- معاهده نایروبی برای حمایت از سمبل المپیک (۱۹۸۱م)؛ ۳- معاهده واشنگتن در مالکیت معنوی در خصوص مدارهای یکپارچه (۱۹۸۹م)؛ ۴- معاهده قانون علائم تجارتي «TLT» (۱۹۹۴م).^۳

با اتحاد کنوانسیون‌های پاریس و برن دفتر بین‌المللی متحد برای حمایت از مالکیت معنوی، که در فرانسه^۴ BIRPI نامیده می‌شد، تشکیل گردید که در سال ۱۹۷۰م،^۵ WIPO یا سازمان جهانی مالکیت معنوی جایگزین آن شد.

«در سال ۱۸۹۸م بیرپی (BIRPI) تنها چهار معاهده بین‌المللی را اجرا می‌کرد. یک قرن پس از آن در سال ۱۹۹۸م جانشین آن یعنی WIPO، ۲۳ معاهده را اجرا می‌کند».^۶

1- That, P.3-4.

۲- در فصل دوم از بخش اول این نوشته به این اصلاحات اشاره شده است.

3- That, p.6.

۴- اختصار فرانسوی برای: دفتر بین‌المللی متحد برای حمایت مالکیت معنوی

5- World International Property Organization

6- General In formation, P.6

در حالی که سنگ بنای سیستم‌های معاهدات WIPO همچنان کنوانسیون‌های پاریس و برن هستند، کنوانسیون‌هایی که بعد از آنها به وجود آمدند، حمایت از آنها را گسترده‌تر و عمیق‌تر ساخته‌اند. مجموعه‌ای از چهار معاهده WIPO در خصوص اختراعات، علائم تجارتي و طرح‌های صنعتی، تضمین می‌کنند که یک اظهارنامه ثبت یا ثبت بین‌المللی در هر یک از کشورهای عضو دارای اعتبار خواهد بود. معاهده همکاری اختراعات^۱ (PCT) (۱۹۷۰م)، معاهده بوداپست در مورد شناسایی بین‌المللی میکروارگانیسم‌ها به منظور استفاده در مراحل ثبتی اختراعات (۱۹۷۷م)، موافقت‌نامه مادرید در مورد ثبت بین‌المللی علائم (۱۸۹۱م)، موافقت‌نامه لیسبون برای حمایت از اسامی مبداء و ثبت بین‌المللی آنها (۱۹۵۸م) و موافقت‌نامه لاهه در مورد ثبت بین‌المللی طرح‌های صنعتی (۱۹۲۵م).^۲

در جمهوری اسلامی ایران اولین قانون راجع به مالکیت صنعتی در سال ۱۳۰۴ ش مطرح شد که از سال ۱۳۰۵ ش به مرحله اجراء درآمد. اداره ثبت علائم تحت نظر وزارت فلاح و فوائد عامه انجام وظیفه می‌کرد و علائم ثبت شده در مجله‌ای به نام مجله فلاح (که از اول شهریور ۱۳۰۷ شمسی منتشر شد) به ترتیب شماره ثبت درج و منتشر می‌شد. اداره ثبت در سال ۱۳۰۹ ش در وزارت اقتصاد ملی تمرکز یافت و مشهور به اداره کل امور اقتصاد دفتر علائم تجارتي و صنعتی بود.^۳

در سال ۱۳۱۰ ش قانون مفصلی در ۵۱ ماده تحت عنوان قانون ثبت علائم و اختراعات به تصویب رسید و آیین‌نامه آن در ۶۷ ماده در سال ۱۳۷۷ ش وضع شد و به موجب ماده ۵۰ این قانون، قانون راجع به علائم تجارتي و صنعتی مصوب ۹ فروردین ۱۳۰۴ منسوخ اعلام گردید.^۴

1- Patent Cooperation Trady.

2- That, p.8

۳- سازمان ثبت اسناد و املاک، سمینار ملی نقش مالکیت صنعتی در توسعه اقتصادی، تهران: ۲۰ شهریور ۱۳۷۴، سیستم مالکیت صنعتی ایران وضعیت فعلی دورنمای آینده، نصرت‌الله دوستی.

۴- امامی، «حقوق مالکیت‌های فکری»، ص ۱۹۹.

در سال ۱۳۳۸ش دولت ایران به صورت قطعی به کنوانسیون بین‌المللی پاریس تا اصلاحات ۱۹۳۴ لندن ملحق گردید.^۱

با پیوستن ایران به قرارداد مزبور مندرجات این قرارداد به موجب ماده ۹ قانون مدنی و اصل ۷۷ قانون اساسی در حکم قانون داخلی بوده و لازم‌الرعايه است.

همچنین در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۳ش در مواد ۱ و ۸ از مال، حیثیت و شهرت تجارتي حمایت گردیده و متخلف به پرداخت خسارت مادی و معنوی محکوم شده است. در سال ۱۳۳۸ش آیین‌نامه‌ای در هشت ماده به تصویب هیأت وزیران رسید که بر اساس آن نصب و ثبت علائم در مورد کالاهایی که مصرف بهداشتی و غذایی دارند اجباری اعلام گردید.

از لحاظ حمایت کیفری در قانون مجازات عمومی سابق و قانون تعزیرات پیشین و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ش برای سوء استفاده‌کنندگان از اختراعات و نامهای تجارتي و جعل و تقلید علائم تجارتي مجازاتهایی مقرر گردیده است.

به نظر می‌رسد که قانون جامع و مستقلى درباره مالکیت‌های صنعتی و حمایت از این نوع مالکیتها و حقوق متعلق به آن وجود ندارد، ضرورت این امر مسئولان را بر آن داشته تا با تشکیل هیأتی از متخصصان و علمای حقوق، که به طور مرتب در سازمان ثبت اسناد تشکیل جلسه می‌دهند، به تدوین قانونی جامع و مترقی در حمایت از مالکیت صنعتی بپردازند، که انتظار می‌رود در آینده‌ای نزدیک پیش‌نویس قانون تنظیم و از طریق مراجع ذیصلاح تصویب و لازم‌الاجرا گردد و موجبات رشد و پیشرفت کشور را در زمینه‌های صنعتی فراهم آورد.

۱- «قرارداد پاریس با تجدیدنظرهایی که تا سال ۱۹۳۴م لندن صورت گرفته بود به مجلس تقدیم شد و...

پیشنهادکنندگان قانون به اصلاحیه اکتبر ۱۹۵۸ توجه نداشتند»، امامی، حق مخترع، ص ۱۴.

مبحث دوم: ماهیت حقوقی مالکیت صنعتی و تجارتي^۱

همچنان که در صفحات پیشین ذکر شد در مورد ماهیت حقوقی مالکیت‌های فکری عقاید و نظرات مختلفی بیان شده است که در مورد ماهیت حقوقی مالکیت ادبی و هنری مطالبی ذکر شد و اکنون به اختصار به بررسی ماهیت حقوقی مالکیت صنعتی می‌پردازیم. همانند مالکیت ادبی و هنری، راجع به مالکیت صنعتی این نظرات ابراز شده است: ۱- حق شخصی؛ ۲- مالکیت غیر مادی (مالکیت معنوی)؛ ۳- حق اخلاقی.

کسانی که حق مالکیت صنعتی و تجارتي را حق شخصی می‌دانند اظهار می‌دارند: همان‌طوری که اشخاص حقی بر نام خانوادگی خود داشته و حق انحصاری استفاده از نام خانوادگی مختص به شخص اوست، صاحبان حقوق مالکیت صنعتی و تجارتي نیز حق شخصی بر اثر و نتیجه فعالیت خود داشته و دیگران نمی‌توانند به آن تجاوز کنند ولی این تعبیر کافی نیست. زیرا حق شخصی اصولاً قابل خرید و فروش و معامله نیست در صورتی که حق مالکیت صنعتی و تجارتي قابل نقل و انتقال بوده و آثار مادی بسیاری بر آن مترتب است.

برخی از این حقوق را حق اخلاقی^۲ می‌دانند و در تقسیم‌بندی عمومی که از حقوق ذکر شده است، حقوق اخلاقی را نیز ذکر کرده‌اند و آن را عبارت می‌دانند از مجموعه حقوقی که هدف آن حرمت شخصیت انسانی است؛ مثل حق جوابگویی در مطبوعات. ایشان معتقدند که صاحب حق بر اساس این حق است که می‌تواند دیگران را از بهره‌برداری از پدیده محروم سازد و یا قدرت مادی قانون مانع انتفاع اشخاص شود. این نظریه نیز قابل قبول نیست زیرا مفاهیم این حقوق مشخص نیست و عبارت شخصیت انسانی دارای چنان مفهوم عمیقی است که صاحبان این نظریه به درستی نتوانسته‌اند این حق را در دایره حقوق اخلاقی توجیه کنند.

۱- همان، صص ۲۲-۲۷؛ حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج ۱، صص ۸۴-۸۵؛ ذبیح‌الله اولاد، مفاهیم

اساسی حقوق مؤلف و حقوق وابسته به آن، ص ۶.

عده‌ای نیز معتقدند به طور کلی سه نوع مالکیت وجود دارد: یک نوع مالکیت مشتمل بر اشیاء منقول است، مانند مالکیت اتومبیل یا لوازم منزل که در برخی از سیستم‌های حقوقی مالکیت منقول^۱ نام دارد و هیچ کس به جز صاحب یا مالک شیء نمی‌تواند از آنها استفاده کند که به این حقوق قانونی حقوق انحصاری می‌گویند؛ نوع دوم مالکیت غیر منقول^۲ است یا مالکیت بر اشیاء غیر منقول یعنی اشیایی که قابل حرکت دادن و جابجایی نیستند (یا جابه‌جایی آنها مستلزم ایراد خسارت است)؛ نوع سوم مالکیت معنوی یا فکری است که از خلاقیت‌های ذهن بشر و ابتکارات وی حمایت می‌کند. حق مالکیت صنعتی و تجارتي نوع جدیدی از مالکیت است که نه حق عینی است و نه حق دینی بلکه حق معنوی یا فکری است که دارای آثار مادی می‌باشد؛ مثلاً صاحب علامت یا مخترع مانند مصنف و مؤلف و هنرپیشه نسبت به آثار خود دارای دو نوع حق مالکیت است: یکی مالکیت مادی که بر اثر خود دارد، یعنی دستگاهی که ساخته یا ماشینی که اختراع کرده ملک اوست؛ و دیگری حق معنوی که به صورت حق تصنیف و انتشار و... که همیشه به نام او باقی می‌ماند که قابل لمس نیست و حق انحصاری است و دیگران نمی‌توانند بدون اجازه او مبادرت به تکثیر و انتشار اثر او کنند. حق انحصاری که مؤلف یا مخترع یا صاحب علامت نسبت به اثر خود دارد حق تحدیدی است که مانع از آن می‌شود که اشخاص دیگر از آن تقلید یا از آن استفاده کنند (بدون اجازه وی). و این حق تحریمی عنصر اصلی حق مالکیت صنعتی و تجارتي است که مالک آن را در مقابل تجاوز اشخاص دیگر حمایت می‌کند.

خصوصیت دیگر حق مالکیت صنعتی و تجارتي - بر خلاف مالکیت‌های دیگر که اصولاً مختص به مالک است و هرچه مالک بیشتر و منحصراً از آن بتواند استفاده کند مفیدتر جلوه می‌کند - این است که هر چه دیگران بیشتر از آن استفاده کنند - البته با اجازه مالک - حق مزبور ارزش بیشتری پیدا خواهد کرد و تنها در این صورت است که جنبه مادی برای مخترع مالک پدید خواهد آمد.

1- movable property

2- immovable property.

مفاهیم کلی مالکیت‌های صنعتی و تجاری

در این قسمت به تعریف و توضیح مفاهیم مطروحه در مالکیت‌های صنعتی و تجاری می‌پردازیم:

۱- مایه تجاری (کارمایه)^۱

مایه تجاری عبارتست از مجموعه اموال مادی و غیرمادی که برای تجارت مؤسسه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.^۲ عده‌ای آن را سرقتی و برخی تجاری نامیده‌اند. ولی چنان‌که ذکر شد سرقتی یکی از اجزاء مایه تجاری است و حق تجاری هم حق مشخص و معینی نیست. هر کدام از اجزاء مایه تجاری مشمول تعریف حق تجاری می‌شوند.

عوامل مادی مایه تجاری عبارت‌اند از: اثاثیه، ابزار کار، مواد اولیه کالاهای بازرگانی و عناصر معنوی آن شامل موقعیت و جذب مشتری، علامت تجاری، نام تجاری، امتیازنامه‌های اختراع، علامت کارخانه شهرت تجاری، ترسیمها و مدلها و... است.^۳ مبنای مایه تجاری عبارتست از حقی که تاجر در اثر کوشش و فعالیت خود به دست

1- fonds de Commerce.

۲- حسن ستوده تهرانی، همان، ص ۸۷.

۳- حسینقلی کاتبی، حقوق تجارت، ص ۲۶. «ایشان اصطلاح فرانسوی فوق را «کارمایه بازرگانی» ترجمه

کرده‌اند.»

می‌آورد و مخصوصاً حق معنوی است که تاجر در اثر معروفیت و شهرت خود کسب کرده، عده‌ای مشتری پیدا می‌کند و بالطبع سود او نیز از قبل فروش محصولات افزایش می‌یابد. بنابراین ارزش مایه تجارتي بستگی به موقعیت و تشکیلات و پشتکار و فعالیت تاجر دارد و به همین دلیل این ارزش هیچ وقت ثابت نیست و همواره در تغییر است. اگر شهرت تاجر لکه‌دار شود و اطمینان مشتری از او سلب گردد ارزش آن نقصان خواهد یافت.

در تکمیل این قسمت باید گفت که در هر مؤسسه بازرگانی لازم نیست همه عناصر و عوامل کارمایه بازرگانی وجود داشته باشد. همین که یک یا چند عنصر از عناصر مزبور موجود باشد کافی است.^۱

۲- اسم تجارتي^۲

تجار برای شناساندن خود تحت اسم و عنوان معینی فعالیت می‌کنند. تاجر ممکن است فعالیت تجارتي خود را تحت نام خانوادگی خود اجرا کند؛ مانند داروخانه «دکتر حقیقت» که در این صورت نام خانوادگی تاجر و اسم تجارتي وی یکی خواهد بود و یا ممکن است تاجر برای فعالیت خود نام دیگری انتخاب کند؛ مانند مؤسسه «بازرگانی صداقت» و بنابراین اسم تجارتي نامی است که بازرگان تحت آن نام تجارت می‌کند و در حقیقت نام تجارتخانه و مؤسسه بازرگانی است. این اسم در صورت ثبت از طرف قانون حمایت می‌شود.

نکته‌ای که ذکر آن ضروری است این است که اسم تجارتي و ثبت آن نباید با ثبت تجارتي اشتباه شود زیرا: اولاً، ثبت تجارتي ثبت نام خود تاجر است و حال آنکه اسم تجارتي نام تجارتخانه است و چنان که گفته شد گاهی ممکن است هر دو یک نام داشته باشند؛ ثانیاً، ثبت تجارتي با فوت یا حجر بازرگان یا تاجر تغییر پیدا می‌کند ولی اسم تجارتي ممکن است سالها و قرن‌ها وجود داشته باشد و تجارتخانه یا مؤسسه بازرگانی تحت آن اسم به تجارت

۱- همان، ص ۲۷.

2- Raison Commrciale (به فرانسه - در مورد تجار)

Raison sociale (به فرانسه - در مورد شرکتها)

بپردازد؛ ثالثاً، اسم تجارتي که شهرت و معروفیت پیدا می‌کند و موجب جلب مشتریان به تجارتخانه یا مغازه می‌شود دارای ارزش تجارتي خواهد بود ولی ثبت تجارتي چنین مزیتی ندارد.^۱

قانون تجارت ایران چند ماده به اسم تجارتي اختصاص داده است (مواد ۵۷۶ تا ۵۸۲). ولی چون ماده ۵۸۲ ثبت اسم تجارتي را موکول به آیین‌نامه‌ای کرده است که وزارت دادگستری باید تهیه کند و آیین‌نامه مزبور تا به حال به تصویب نرسیده است. در حال حاضر ثبت اسم تجارتي در ایران ممکن نیست و در نتیجه اشخاصی که می‌خواهند نام تجارتي آنها مورد حمایت قرار گیرد اغلب آن را به عنوان علامت تجارتي به ثبت می‌رسانند.

۳- علائم صنعتی و تجارتي^۲

علامت تجارتي نسبت به سایر فصول مالکیت صنعتی از قدمت تاریخی و گسترش بیشتری برخوردار است. به موجب ماده اول قانون علامت تجارتي فرانسه مصوب ۲۳ ژوئن ۱۸۵۷ علامت کارخانه یا تجارتي اختیاری است در این ماده علامت تجارتي تعریف نشده است.^۳

علامت تجارتي وسیله‌ای است که به تاجر یا تولیدکننده جنس اجازه می‌دهد اجناس خود را از جنس سایرین مشخص سازد، به موجب ماده ۱ قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات مصوب ۱ تیرماه ۱۳۱۰ علامت تجارتي عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غیر آنکه برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی، تجارتي یا فلاحتی اختیار می‌شود. ممکن است یک علامت تجارتي برای تشخیص محصول جماعتی از زارعین یا ارباب صنعت یا تاجر و یا محصول یک شهر و یا یک ناحیه از مملکت اختیار شود.

۱- ستوده تهرانی، همان، ص ۹۷؛ کاتبی، همان، صص ۱۹-۲۰.

2- Trade Mark (علامت صنعتی) Marque de fabrique (علامت تجارتي) Marque de commerce

۳- امامی، حق مخترع، ص ۳۰.

در اینجا شایع‌ترین علامت‌های تجارتي که کلمه باشد و جای آن بین حرف و عبارت است در قانون ذکر نشده است.^۱

با توجه به تعریف فوق، علامت تجارتي یا مارک معرف کالا و محصول تجارتي و صنعتي و فلاحتي است. در حقيقت علامت صنعتي و تجارتي برای شناساندن جنس از لحاظ کيفيت آن است و به عبارت ديگر وسيله‌ای است که در رقابت تجارتي، تجار با توسل به آن، نوع، جنس و متاع خود را به خريدار عرضه و در واقع مرغوبيت جنس را ضمانت می‌کنند. و بالاخره، علامت تجارتي نشانه‌ای است که به کمک آن خريدار، سازنده جنس و کميت و کيفيت کالا را درک می‌کند و به اين وسيله همواره همان کالایی را می‌خرد که علامت مورد نظر را دارد. موضوع علامت تجارتي می‌تواند محصول یا خدمت باشد. علامت محصول علامتی است که برای تشخيص محصولی از محصول مشابه به کار می‌رود و علامت خدمت علامتی است که برای مشخص کردن خدمتی از خدمت مشابه استعمال می‌شود.^۲ در قانون ما از خدمات ذکرى نشده است اما در آيين‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات مصوب تيرماه ۱۳۳۷ طبقه ۳۵ از جدول طبقه‌بندی علائم صنعتي و تجارتي به علائم مخصوص خدمات اختصاص داده شده است. به نظر می‌رسد ارزش علائم خدمات مندرج در آيين‌نامه اصلاحی از نظر قانونی مورد تردید است؛ چرا که با توجه به ماده اول و صراحت ماده ۲۳ این قانون که آيين‌نامه اصلاحی را منحصر به اجرای مقررات مذکور در قانون کرده است، وضع علائم خدمات، اضافه‌ای که در متن قانون پیش‌بینی نشده است، خارج از اختیار مرجع تصویب آيين‌نامه بوده است.

ویژگی‌های علامت تجارتي قابل ثبت عبارتند از: ۱- علامت تجارتي باید تازگی داشته باشد و برای جنسی که به کار می‌رود جدید باشد؛ ۲- علامت باید وجه تمایز داشته، ابتکاری باشد؛ ۳- علامت تجارتي نباید گمراه‌کننده باشد. بنابراین علامت تجارتي باید

۱- کاتبی، همان، ص ۲۲.

۲- امامی، همان، ص ۳۳.

اصیل و تازه باشد که این دو حاصل نمی‌شود مگر با ابتکار.^۱

مطابق ماده ۵ قانون ثبت علائم و اختراعات، ثبت علامات زیر ممنوع است:

- ۱- علائم دولتی و مملکتی و رسمی.
- ۲- علائم منافعی نظم و عفت عمومی.
- ۳- علائمی که قبلاً خود یا شبیه آن - شبیهی که مصرف‌کننده عادی را به اشتباه اندازند - از طرف دیگری به ثبت رسیده باشد.
- ۴- علائمی که اسم و عبارت عمومی و مورد استعمال همگانی باشد. مثلاً اگر کالا پارچه است نمی‌توان خود کلمه پارچه یا انواع آن از کتان و پنبه و پشم و... را علامت تجارتي قرار داد.

مطابق تبصره ماده ۱ قانون ثبت علائم و اختراعات، داشتن علامت تجارتي اختیاری

است مگر در مواردی که دولت آن را الزامی قرار دهد.^۲

۴- حق اختراع^۳

اختراعات راه‌حلهای جدیدی برای مشکلات فنی هستند. البته این یک تعریف رسمی نیست. در اغلب قوانینی که حمایت از اختراعات را به عهده دارند مفهوم اختراعات تعریف نشده است. قانون نمونه WIPO (۱۹۷۹م) برای کشورهای در حال توسعه راجع به اختراعات متضمن این تعریف است: «اختراع به معنی ایده یک مخترع است که در عمل راه حلی برای یک مشکل بخصوصی در زمینه تکنولوژی، ارائه می‌کند». قانون ثبت اختراعات ژاپن یکی از نادر قوانینی است که حاوی تعریفی در این مورد است. مطابق آن اختراع عبارت است از: «به وجود آوردن ایده‌های تکنیکی پیشرفته که از طریق آن قانون طبیعت مورد

۱- تهرانی، همان، صص ۱۰۱-۱۰۳؛ کاتبی، همان، صص ۲۳-۲۴.

۲- در اجرای این تبصره تصویب نامه مورخ ۲۸/۲/۳ هیأت وزیران ثبت علائم کالاهای زیر را اجباری کرده

است: ۱- داروهای اختصاصی؛ ۲- مواد غذایی که در لفاف و ظرف مخصوص باشد؛ ۳- مشروبات و آبهای

گازدار؛ ۴- لوازم آرایش که برای استعمال مستقیم بر روی پوست انسان به کار می‌رود.

استفاده قرار می‌گیرد.^۱ حق اختراع عبارتست از: «حق انحصاری که مخترع برای مدت محدودی برای استفاده انحصاری از اختراع خود دارد». حق اختراع نتیجه کار و زحمت و فعالیت مخترع است؛ زیرا کالای جدیدی به بازار عرضه کرده است. و مخترع نسبت به اختراع خود دو نوع حق مادی و معنوی اخلاقی دارد. حق اخلاقی مخترع، باقی ماندن همیشگی اختراع به اسم اوست و کسی حق ندارد آن را عوض کند و از نظر مادی باید گفت این حق محدود است و اغلب قانون هر کشوری آن را معین می‌کند. مدت حق استفاده انحصاری از اختراع در کشورها اغلب از ۱۶ تا ۲۰ سال است و در قانون ایران مدت آن ۲۰ سال است.

در بعضی موارد نیز اصلاً ثبت اثر به عنوان اختراع مورد قبول نیست و قانون اجازه نمی‌دهد که فردی انحصاراً از آن استفاده مادی کند چنانچه ماده ۲۸ قانون مذکور می‌گوید:

برای امور زیر نمی‌توان تقاضای ثبت نمود: ۱- نقشه‌های مالی؛ ۲- هر اختراع یا اکتشاف که مخالف انتظامات عمومی یا برخلاف عفت عمومی باشد و یا مخالف حفظ الصحه عمومی (عفت عمومی) باشد؛ ۳- فرمولها و ترتیبات دارویی.^۲

در توصیف ماهیت اختراع باید گفت که در مبحث اختراع اساساً از تکنیک گفت‌وگو می‌شود و به عبارت دیگر در اختراع قابلیت تحقق فنی و تکنیکی مورد نظر است نه صورت

۱- سازمان ثبت اسناد و املاک، سمینار ملی نقش مالکیت صنعتی در توسعه اقتصادی، همان، سخنرانی سید یحیی مدنی تحت عنوان «نقش اداره مالکیت صنعتی و خدمات آن به صنعت بازرگانی»؛ نیز سند تنظیمی توسط دفتر بین‌المللی WIPO اشاره شده در همین سمینار تحت عنوان: «مفاهیم اساسی حمایت از مالکیت صنعتی».

۲- طبق بند ۳ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات آنچه ثبت آن ممنوع گردیده، فرمولها و ترتیبات دارویی است نه ترکیبات دارویی، برای اطلاع ر.ک: مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، حقوقی، ۱۳۲۸-۱۳۷۷، تدوین فرج‌الله قربانی، تهران: فردوسی ۱۳۷۷ش، ص ۷۸۱، رأی وحدت رویه شماره ۶۱۵، مورخه ۱۳۷۶/۱/۱۹.

خارجی یک شیء که می‌تواند خصوصیات طرح و مدل و اختراع را با هم دارا باشد؛ مثلاً اگر تکنیک فرمان هیدرولیک در یک اتومبیل عمل راهنمایی را به ترتیب خاص و سهل‌تری عملی کند، می‌توان آن را اختراع دانست ولی شکل ظاهری اتومبیل از قبیل شکل اتاق، وضع چراغها، شکل فرمان، انحنای گلگیرها و... مشمول عنوان طرح یا مدل قرار می‌گیرد.

مطلبی که در اینجا پرداختن به آن ضروری است، توضیحی پیرامون واژه patent است که در کتب و مقالات به ورقه اختراع و تصدیق اختراع ترجمه شده است. در حالی که به نظر می‌رسد ترجمه آن به حق ثبت اختراع نیز صحیح باشد، در توضیح ترجمه‌های فوق باید گفت که واژه patent در زبان انگلیسی به دو معنی به کار برده می‌شود، معنی اول سندی است که به آن ورقه اختراع یا تصدیق اختراع گفته می‌شود و معنای دوم عبارت از محتوا و مضمون حمایتی است که در اثر ثبت اختراع به وجود می‌آید.

طبق معنای اول وقتی شخصی به زعم خود اختراعی کند اگر برای شرکتی (مثلاً) کار کند، آن شرکت، با درخواست از اداره ثبت اختراعات از دولت می‌خواهد به وی (مخترع) سندی بدهد که در آن اختراع مورد نظر و مالکیت وی اظهار شده است این سند توسط مقامات دولتی صادر می‌شود و سند ثبت یا ورقه اختراع نامیده می‌شود. در معنی دوم واژه Patent یا حق ثبت چنین تعریف شده است:

حقی را گویند که به واسطه اختراعی که یک فرد انجام داده است به طور انحصاری به وی اعطاء می‌شود. این ابداع یا اختراع محصول یا فرآیندی است که شیوه جدیدی را برای انجام این کار ارائه می‌کند و یا راه حل فنی تازه‌ای را برای حل یک مسأله پیشنهاد می‌کند.^۱

حق ثبت مالک یا صاحب یک اختراع را در ارتباط با اختراعاتش مورد حمایت قرار می‌دهد. مدت زمان این حمایت محدود و عموماً ۲۰ سال است. حمایت از حق ثبت به این معنی است که بدون موافقت مالک آن، امکان ساخت تجاری، استفاده، توزیع یا فروش آن وجود ندارد. مالک حق ثبت، حق تصمیم‌گیری در مورد انحاء و افراد استفاده‌کننده از اختراع خود را در مدتی که تحت حمایت است داراست.

ویژگی‌های موضوع اختراع برای دارا شدن حق ثبت اختراع بدین قرار است: ۱- اختراع باید دارای استفاده علمی باشد؛ ۲- از تازگی برخوردار باشد؛ ۳- کاربرد صنعتی داشته باشد؛ ۴- دارا بودن قابلیت ثبت: یعنی دارای جهات قانونی عدم قابلیت ثبت نباشد. همانند نقشه‌های مالی که ذکر آن گذشت. نیز ترتیبات دارویی و امور درمانی که طبق قوانین برخی کشورها از جمله فرانسه (قانون ژوئیه ۱۸۴۴ فرانسه) و آلمان و ایتالیا، مگر در موارد خاص، غیر قابل ثبت است. مورد دیگر اختراع مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه است که غیر قابل ثبت است.^۲

۵- حق امتیاز^۳

در عرف رویالتی به آنچه در قبال دادن امتیازی عاید امتیاز دهنده یا صاحب امتیاز می‌شود، اطلاق می‌گردد. در قراردادهای امتیاز، رویالتی مقطوعاً، یکجا و یا به تدریج و یا به صورت درصد از طرف امتیاز گیرنده به امتیاز دهنده پرداخت می‌شود. امتیاز دهنده یا امتیاز گیرنده ممکن است شخص خصوصی یا دولت باشند؛ مثلاً مخترع یا مؤلفی می‌تواند امتیاز بهره‌برداری از اختراع و یا تألیف را جزءاً یا کلاً طبق قرارداد به دیگری واگذار و حق امتیازی دریافت نماید.^۴

۱- ماشینها و ابزار و وسایل مخصوص کشاورزی می‌توانند قابلیت امتیاز اختراع را داشته باشد؛ زیرا در واقع صورت فنی و صنعتی دارد اما کشف و ابداع یک محصول تازه کشاورزی به علت آنکه فقط جنبه کشاورزی دارد، به عنوان اختراع قابل حمایت نیست، امامی، همان، ص ۶۵.

۲- امامی، همان، صص ۶۰-۷۶.

3- Royalty

۴- امامی، همان، صص ۴۶-۴۷.

۶- دانش فنی^۱

«نوهاو» مخفف the know-how do it و در انگلیسی مترادف trade secret است. در زبان فارسی معادل دقیقی برای آن نیست. به نظر می‌رسد کلمات دانش فنی، لم کاری، قلق کار، شرم تجارت، رمز کسب، اسرار تجاری تا حدودی مفهوم «نوهاو» را برسانند. تعریف دقیقی از این اصطلاح نیست، کمیسیون حمایت بین‌المللی مالکیت صنعتی اتاق تجارت بین‌المللی چنین تعریف است:

مجموعه مفاهیم، اطلاعات و تجربیات حرفه‌ای یا تمهیدات لازم برای ساخت یک محصول.^۲

بنابراین «نوهاو» دارای ماهیتی غیر مادی است که ممکن است هیچ‌گاه شکل مادی به خود نگیرد.

باید دانست هر اطلاعاتی را نمی‌توان «نوهاو» دانست؛ مثلاً اطلاع از ارقامی که در یک قرارداد می‌آید یا میزان دستمزد کارمندان یا اعلام سیاست دولت در فلان تاریخ. بلکه «نوهاو» با نوآوری و ابتکار همراه است. همانند ایده‌هایی که شخص درباره تولید یا فروش کالاها و یا سایر عملیات تجارتي دارد. سؤالی که مطرح است این است که آیا نوهاو می‌تواند فعالیت اختراعی به شمار آید؟

به نظر می‌رسد جواب منفی است زیرا اولاً، به خلاف اختراع تحقق این رموز در صنعت ضرورت ندارد؛ ثانیاً، در اختراع مختلف می‌کوشد اسرار مربوط به اختراع را تا تاریخ تسلیم تقاضانامه مکتوم نگه دارد و حال آنکه «نوهاو» باید در هر حال پوشیده و مکتوم باشد. دو فصل «رویال‌تی» و «نوهاو» تاکنون به قرارداد پاریس راه نیافته‌اند.

۷- طرح‌ها و ترسیمات صنعتی

بعضی اوقات مبتکرین، ابتکارات جدیدی را به وجود می‌آورند که به وسیله آن محصول را بهتر معرفی می‌کنند و در حقیقت محصول سابق را با فرم جدیدتری به بازار عرضه می‌کنند و چون این طرح‌ها در نتیجه ابتکار و خلاقیت افراد به وجود می‌آید، لذا بایستی مورد حمایت قانون قرار گیرد؛ مثلاً طرح مدل‌های مخصوص لباس‌های زنانه یا اشکال متنوع و مختلف شیشه‌های عطر و... که علی‌القاعده باید مورد حمایت قرار گیرند و به طور قطع چنین اشکالی نباید با طرح‌های موجود در طبیعت شباهت داشته باشد چرا که در این صورت ابتکاری نخواهد بود. حتی جنبه اختراع هم می‌تواند به خود بگیرد؛ همانند طرح‌های مختلف لاستیک اتومبیل برای جلوگیری از لغزش ماشینها.

به علاوه ممکن است آن را به صورت علامت تجارتي نیز به ثبت رساند. به طور کلی می‌توان گفت طرح‌ها و ترسیمات صنعتی حالت تزئینی و زیبایی کالاهای مصرفی را تشکیل می‌دهد و برای قابل حمایت بودن باید نو و ابتکاری و اصلی باشد.

وجوه عمده کنوانسیون بین‌المللی پاریس و موافقت‌نامه TRIPS

مبحث اول: وجوه عمده کنوانسیون بین‌المللی پاریس^۱ (سند استکهلم)

مقررات کنوانسیون پاریس را می‌توان به چهار مقوله عمده تقسیم کرد:

- ۱- دسته اول، حاوی قواعد حقوقی ماهوی است که حقی اساسی را تضمین می‌کند که به حق رفتار ملی در هر یک از کشورهای عضو مشهور است.
- ۲- دسته دوم، تثبیت‌کننده حق اساسی دیگری است که به عنوان حق تقدم شناخته می‌شود.

- ۳- دسته سوم، به تعریف تعدادی قواعد خاص در زمینه حقوق ماهوی می‌پردازد که هم شامل حقوقی است که موجد حق و مسئولیت است و هم قواعدی را در بر می‌گیرد که کشورهای عضو را ملزم یا مجاز می‌شمارد که با تبعیت از آن قواعد به قانونگذاری بپردازند.
- ۴- دسته چهارم، مقرراتی را شامل می‌شود که راجع به چهارچوب اداری هستند که برای اجرای کنوانسیون مقرر شده و شامل مواد نهایی کنوانسیون است.

۱- امامی، و دیگران، درباره قرارداد پاریس راجع به حقوق مالکیت صنعتی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، همایش ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران و جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین‌الملل، تهران: ۲۶ و ۲۷ آذر ۱۳۷۵ سخنرانی دکتر هاینس باردل تحت عنوان «حمایت از مالکیت صنعتی تحت کنوانسیون‌های عمده...» - همان همایش، سند تهیه شده توسط اداره بین

المللی WIPO تحت عنوان «حمایت از مالکیت صنعتی تحت مقررات کنوانسیون پاریس...»

۱- اصل رفتار ملی

مفاد این اصل، در مواد ۲ و ۳ کنوانسیون آمده است. رفتار ملی به این معنی است که در مورد حمایت از مالکیت صنعتی، هر کشور عضو کنوانسیون پاریس موظف است که همان امتیازاتی را که در مورد حمایت از مالکیت صنعتی به اتباع خود می‌دهد، برای اتباع کشورهای عضو معاهده نیز قائل شود.

قاعده رفتار ملی یکی از قواعد زیر بنایی سیستم حمایت بین‌المللی است که کنوانسیون پاریس آن را ایجاد کرده است. این قاعده تضمین می‌کند که اتباع بیگانه، نه تنها مورد حمایت قرار می‌گیرند، بلکه هیچ‌گونه تبعیضی علیه آنها اعمال نخواهد شد. بدون این قاعده، غالباً کسب حمایت کافی از اختراعات، علائم تجاری و سایر موضوعات مالکیت صنعتی، در کشور خارجی بسیار دشوار یا حتی غیر ممکن خواهد بود. اگر اتباع کشورهای عضو کنوانسیون پاریس نیستند، ساکن یکی از کشورهای عضو کنوانسیون باشند یا اگر دارای مقر صنعتی یا تجارتی واقعی و مؤثر در آن کشور باشند، اصل رفتار ملی باید در مورد آنها نیز رعایت شود.

مطابق بند «۱» ماده ۲، قاعده رفتار ملی شامل تمام امتیازاتی می‌شود که قوانین مختلف داخلی به اتباع خود می‌دهند. این بدان معنی است که قانون داخلی، همان گونه که شامل اتباع یک کشور خاص عضو کنوانسیون است، باید شامل اتباع سایر کشورهای عضو نیز بشود.

۲- حق تقدم

ماده ۴ کنوانسیون شامل مقرراتی درباره حق تقدم است. حق تقدم بدین معناست که درخواست‌کننده (یا وارث یا جانشین قانونی آنها) بر مبنای اظهارنامه‌ای عادی برای حمایت از اختراع، مدل اشیای مصرفی، طرح صنعتی یا علامت تجاری، که به ادارات واجد صلاحیت یکی از کشورهای عضو می‌دهد، می‌تواند در زمانی مقرر (۶ تا ۱۲ ماه) حقوق خاصی را در موقع تقاضای حمایت در تمامی کشورهای عضو کنوانسیون دارا باشد. با این اظهارنامه‌های مؤخر به نحوی برخورد خواهد شد که گویی در همان تاریخ اظهارنامه اول

ثبت شده‌اند. این اظهارنامه‌های مؤخر از وضعیت تقدیم در ارتباط با کلیه اظهارنامه‌های مرتبط با همان اختراع که پس از تاریخ اظهارنامه اول به ثبت رسیده‌اند، برخوردار خواهند شد.

ماده ۴ (الف) به طور صریح می‌پذیرد که حق تقدم همچنین می‌تواند توسط قائم مقام قانونی درخواست کننده اول اقامه شود.

اظهارنامه مؤخر باید راجع به همان موضوع اظهارنامه اول باشد که حق تقدم آن ادعا شده است. به بیان دیگر، اختراع، نمونه اشیای مصرفی، علامت تجاری یا طرح صنعتی واحدی باید موضوع هر دو اظهارنامه باشد. با این وجود امکان دارد که از اظهارنامه‌ای برای گواهی اختراع، بر عنوان مبنای حق تقدم برای ثبت یک نمونه اشیای مصرفی استفاده کرد و برعکس.

اثر حق تقدم در ماده ۴ (ب) تابع مقرراتی شده است. خلاصه این اثر آن است که در نتیجه ادعای تقدم با اظهارنامه مؤخر باید به نحوی برخورد کرد که گویی در زمان ثبت اظهارنامه اول، که حق تقدم آن ادعا شده، در یک کشور عضو دیگر، اظهارنامه مؤخر قبلاً به ثبت رسیده بوده است.

طول دوره تقدم بر طبق انواع گوناگون حقوق مالکیت صنعتی متفاوت است. برای حق اختراع و نمونه‌های اشیای مصرفی، دوره تقدم ۱۲ ماه است. برای طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، این دوره شش ماه است.

۳- مقررات راجع به گواهی ثبت اختراع

الف - مستقل بودن گواهی ثبت اختراع: قاعده راجع به مستقل بودن گواهیهای ثبت اختراع در ماده ۴ مکرر گنجانده شده است. این اصل بدین معناست که گواهیهای اختراع اعطاء شده در کشورهای عضو به اتباع یا اشخاص ساکن در کشورهای عضو، باید مستقل از گواهیهای اختراعی تلقی شود که برای اختراعاتی مشابهی در کشورهای دیگر، از جمله کشورهای غیر عضو تحصیل شده‌اند.

این اصل در مفهوم وسیع‌تر بدین معناست که اعطای گواهی اختراع در یک کشور برای

اختراعی خاص، هیچ کشور عضو دیگر را ملزم نمی‌سازد که گواهی اختراعی را برای همان اختراع اعطا کند.

ب - حق مخترع بر ذکر نامش: قاعده مشترک و مهم دیگری که راجع به ذکر نام مخترع است موضوع ماده ۴ ثالث است. بر طبق قاعده مزبور مخترع باید این حق را داشته باشد که نامش به عنوان خالق اثر همواره در گواهینامه ثبت اختراع ذکر شود.

ج - وارد کردن، عدم استعمال اختراع و پروانه‌های اجباری: در ماده ۵-الف، کنوانسیون به موضوع استعمال نکردن یک اختراع دارای گواهینامه ثبت، وارد کردن اشیایی که تحت پوشش گواهی اختراع هستند و پروانه اجباری می‌پردازد.

ماده ۵-الف - ۱ بیان می‌کند که وارد کردن اشیای تحت پوشش گواهینامه اختراع که در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه ساخته شده، توسط دارنده گواهینامه اختراع به کشوری که در آن گواهینامه اختراع صادر شده منجر به سلب حق اختراع از او نخواهد شد.

ماده ۵ رابع مقرر می‌دارد هنگامی که یک محصول به یک کشور اتحادیه وارد می‌شود که در آن حق اختراعی موجود است که از طریق ساخت مذکور حمایت می‌کند، دارنده گواهی اختراع در ارتباط با محصول وارد شده از همان حقوقی بهره‌مند خواهد بود که معمولاً بر مبنای گواهی اختراع مربوط به آن طریق ساخت بر طبق قانون کشوری که محصول به آن وارد شده، در ارتباط با محصولات تولید شده در آن کشور به وی اعطا خواهد شد.

د - مهلت اضافی اعطا شده برای پرداخت هزینه‌های حفظ حقوق: ماده ۵ مکرر مهلتی اضافی را برای پرداخت هزینه‌های حفظ و ابقای حقوق مالکیت صنعتی مقرر می‌دارد و راجع به مورد پرداختن هزینه‌ها، مقرراتی برای تجدید اعتبار گواهیهای اختراع دارد.

این امر بدین خاطر است که در بیشتر کشورها، حفظ و ابقای حقوق معین مربوط به مالکیت صنعتی و عمدتاً حقوق مربوط به گواهیهای اختراع و علائم تجاری، تابع پرداخت دوره‌ای هزینه‌هاست.

ه- گواهیهای اختراع در حمل و نقل بین‌المللی: ماده ۵ ثالث راجع به جریان حمل دستگاهها و ماشینها در کشتیها، هواپیماها و یا وسایل نقلیه زمینی در داخل کشوری است که در آن برای آن دستگاه و ماشین، گواهی اختراع صادر شده است که مقرر می‌دارد در این‌گونه موارد مالک وسایل حمل و نقل مکلف نیست که تأیید پیشین یا پروانه‌ای از مالک

گواهی اختراع تحصیل کند. ورود موقت یا اتفاقی دستگاه‌ها و ماشین‌ها به یک کشور در موارد مذکور، باعث هیچ‌گونه نقص گواهی اختراع نمی‌شود.

و- اختراعات نمایش داده شده در نمایشگاه‌های بین‌المللی: ماده ۱۱ چنین مقرر می‌دارد که کشورهای عضو متعهد هستند که منطبق با قوانین داخلی‌شان، حمایتی موقت را به موارد زیر اعطا کنند: اختراعات قابل صدور (تحت حمایت) گواهی اختراع، نمونه‌های اشیای مصرفی، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در ارتباط با کالاهای نمایش داده شده در نمایشگاه‌های بین‌المللی رسمی یا به طور رسمی شناسایی شده که در هر کشور عضو برگزار می‌شوند.

۴- مقررات راجع به علائم تجاری

الف - استعمال علائم تجاری: در بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۵ «ج» به موضوع استعمال علائم پرداخته شده است. استعمال عموماً به معنی فروش یا پیشنهاد برای فروش کالاهایی تلقی شده که دارای علامت تجاری مورد نظر هستند، هرچند ممکن است قوانین ملی، مقررات موسع‌تری برای نحوه استعمال علامت تجاری را پیش‌بینی کنند.

ب - استعمال متقارن یک علامت تجاری توسط واحدهای تجاری مختلف: ماده ۵ «ج» (۳) کنوانسیون راجع به موردی است که در آن، علامت واحدی برای کالاهای یکسان یا مشابه توسط دو یا چند موسسه مورد استعمال قرار گرفته که آن مؤسسه‌ها به عنوان مالکین مشترک (مشاع) علامت تجاری تلقی شده‌اند. چنین مقرر شده که استعمال متقارن مزبور، مانع ثبت علامت تجاری یا باعث تقلیل حمایت در هیچ یک از کشورهای اتحادیه نخواهد شد، مگر در مواردی که استعمال مذکور منجر به گمراه کردن عموم مردم یا مخالف با منافع عمومی باشد و بویژه استقلال علائم تجاری دارای اظهارنامه ثبت شده یا علائم تجاری ثبت شده در کشور مبدأ از علائم تجاری دارای اظهارنامه ثبت شده یا علائم تجاری ثبت شده در سایر کشورهای اتحادیه است. همچنین قسمت اول ماده ۶ بیان‌کننده اصل رفتار ملی نسبت به ثبت اظهارنامه و ثبت علائم تجاری در کشورهای عضو کنوانسیون است.

ج- استقلال علائم تجاری: ماده ۶ بیانگر اصل مهم استقلال علائم تجاری در کشورهای

مختلف اتحادیه، و بویژه استقلال علائم تجاری دارای اظهارنامه ثبت شده یا علائم تجاری ثبت شده در کشور مبدأ از علائم تجاری دارای اظهارنامه ثبت شده یا علائم تجاری ثبت شده در سایر کشورهای اتحادیه است. همچنین قسمت اول ماده ۶ بیان‌کننده اصل رفتار ملی نسبت به ثبت اظهارنامه و ثبت علائم تجاری در کشورهای عضو کنوانسیون است.

د - علائم تجاری مشهور: کنوانسیون در ماده ۶ مکرر به علائم تجاری مشهور می‌پردازد. این ماده یک کشور عضو را متعهد می‌کند که از ثبت یک علامت تجاری خودداری کند یا ثبت مزبور را ابطال کند یا استفاده از آن علامت تجاری را ممنوع سازد. آن هم هنگامی که امکان دارد علامت تجاری مزبور باعث اشتباه گرفته شدن با علامت تجاری دیگری شود که قبلاً در آن کشور عضو برای کالاهای یکسان یا مشابه مشهور شده است.

اثر این ماده حمایت از علائم تجاری مشهور در یک کشور است، حتی اگر در آن کشور به ثبت نرسیده یا استعمال نشده باشد.

ه - نشانهای دولتی و رسمی و نشانهای سازمانهای بین‌المللی: ماده ۶ ثالث به علائم متمایز کشورها و سازمانهای بین‌المللی می‌پردازد. این ماده یک کشور عضو را متعهد می‌کند که در اوضاع و احوال معین، از ثبت علائم متمایز مشخص شده در ماده مذکور برای کشورهای عضو یا سازمانهای بین‌المللی بین‌الدولی معینی خودداری یا ثبت علائم مزبور را فاقد اعتبار گرداند و همچنین استعمال آنها را منع کند.

و - واگذاری علائم تجاری: ماده ۶ رابع کنوانسیون راجع به واگذاری علائم تجاری است. ماده ۶ رابع در وضعیتی مطرح می‌شود که واحدی تجاری یک علامت تجاری را در کشورهای گوناگون استفاده می‌کند و مطلوب است که واگذاری حق نسبت به علامت تجاری در یک یا چند کشور از کشورهای مزبور اجرا شود. این واگذاری علامت تجاری می‌تواند همراه با واگذاری مؤسسه تجاری و یا حق کسب پیشه‌ای که علامت تجاری متعلق به آن است باشد.

ز - علائم خدماتی: علامت خدماتی علامتی است که از سوی واحدهای تجاری ارائه‌کننده خدمات، مانند هتلها، آژانسهای مسافرتی، آژانسهای کرایه اتومبیل، خشک‌شوییها و... به منظور متمایز ساختن خدمات آنها از سایر واحدهای تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. که دارای همان کارکردهای علائم تجاری هستند.

ماده ۶ در سال ۱۹۵۸م در کنوانسیون درج شد که بر طبق آن کشورهای عضو متعهد می‌شوند که از علائم خدماتی حمایت کنند اما مکلف نیستند مقرراتی برای ثبت آن علائم فراهم کنند.

ح - علائم جمعی: علامت جمعی علامتی است که برای متمایز ساختن منشأ جغرافیایی، مواد، طریقه ساخت، کیفیت و سایر مشخصات متعارف کالاها و یا خدمات واحدهای تجاری مختلف از آن استفاده می‌شود.

ماده ۷ مکرر کنوانسیون راجع به علائم جمعی است. ماده مزبور یک کشور عضو را مکلف می‌کند مطابق با شرایط خاص مقرر آن کشور، علائم تجاری متعلق به اتحادیه‌ها (یا انجمنها) را برای ثبت اظهارنامه و حمایت از آنها بپذیرد.

۵- مقررات راجع به طرح‌های صنعتی، اسم‌های تجاری، نامگذاری کالا با اسم مکان تهیه تولید و مشخصات مبدأ کالا و رقابت مکارانه

الف - طرح‌های صنعتی: کنوانسیون پاریس در ماده ۵ خامس به موضوع طرح‌های صنعتی می‌پردازد. این ماده صرفاً بیانگر کلیه تعهدات کشورهای عضو برای حمایت از طرح‌های صنعتی است و هیچ مطلبی راجع به طرفی که حمایت باید فراهم آورده شود، بیان نشده است. از این رو کشورهای عضو می‌توانند از طریق تصویب قوانین خاص برای حمایت از طرح‌های صنعتی، تعهد فوق را اجرا کنند.

ب - اسم‌های تجاری: در ماده ۸ کنوانسیون به موضوع اسم‌های تجاری پرداخته شده است. این ماده مقرر می‌دارد که اسم‌های تجاری باید بدون تعهد به ثبت اظهارنامه یا ثبت اسم تجاری، در کلیه کشورهای اتحادیه مورد حمایت قرار داده شوند؛ خواه آنها بخشی از یک علامت تجاری باشند، خواه نباشند. تعریف یک اسم تجاری برای مقاصد مربوط به حمایت و طرق برخورداری از چنان حمایتی، موضوعاتی هستند که به قوانین ملی کشورهای ذینفع واگذار شده‌اند. از این رو حمایت می‌تواند ناشی از یک قانون خاص راجع به اسم‌های تجاری یا از قوانین عام‌تر درباره رقابت مکارانه یا حقوق مربوط به شخصیت باشد.

ج - نامگذاری کالا با اسم مکان تهیه و تولید و مشخصات مبدأ کالا: نامگذاری کالا با اسم

مکان تهیه و تولید و مشخصات مبدأ کالا در بین موضوعات گوناگون حمایت از مالکیت صنعتی در کنوانسیون پاریس (بند ۲ ماده ۱) گنجانده شده است. به هر دو موضوع فوق می‌توان تحت مفهوم وسیع‌تر ذکر مشخصات جغرافیایی اشاره کرد.

مشخصات مبدأ کالا می‌تواند شامل هر اسم، عامل تعیین‌کننده، علامت یا مشخصه‌ای باشد که به یک کشور مشخص یا مکانی واقع در آن اشاره می‌کند و اثر آن انتقال این مفهوم است که کالاهای دارای آن مطلب ذکر شده، دارای مبدأهایی در آن کشور یا محل هستند. مانند نام کشورها: ژاپن، آلمان و... یا نام شهرها: هنگ کنگ، پاریس و... کنوانسیون پاریس در مواد ۱۰ و ده مکرر حاوی مقرراتی درباره حمایت از مشخصات مبدأ کالا است. نامگذاری کالا با اسم مکان تهیه و تولید معمولاً دارای معنای محدودتری است و می‌توان آن را نوع خاصی از مشخصات مبدأ کالا تلقی کرد.

کنوانسیون کشورها را مکلف می‌کند که کالاهای دارای مطالب ذکر شده غیر منطبق با واقع را ضبط یا وارد کردن آنها را ممنوع کند یا به طرق دیگری هر اقدام و تدبیری را به منظور منع یا متوقف کردن استعمال چنان مشخصاتی اعمال کند.

د - رقابت مکارانه: کنوانسیون در ماده ده مکرر مقرر می‌دارد که کشورهای عضو ملزم هستند که برای اشخاص محق به بهره بردن و منتفع شدن از کنوانسیون، حمایت در مقابل رقابت مکارانه را تضمین کند. کنوانسیون از طریق اعطای حمایت را مشخص نمی‌کند و این امر را به قوانین موجود در هر یک از کشورهای عضو واگذار می‌کند.

ماده ده مکرر اقدامات رقابت مکارانه را به عنوان اعمالی تعریف می‌کند که شامل حداقل آن یعنی اقدامات رقابتی که مخالف رویه‌های شرافتمندانه و صادقانه که در موضوعات صنعتی یا تجاری است، می‌شود. علاوه بر این، ماده مذکور به برخی مثالهای نوعی اقدامات مکارانه اشاره می‌کند که به طور خاصی باید ممنوع شوند.

۶- مقررات راجع به ادارات مالکیت صنعتی

کنوانسیون پاریس در ماده ۱۲ به خدمات ملی مالکیت صنعتی از سوی کشورهای عضو می‌پردازد. هر کشور عضو متعهد است که یک مرکز خدمات یا اداره ویژه مرکزی برای

مالکیت صنعتی تأسیس کند که مسئول مطلع ساختن عموم مردم از گواهی‌های اختراع، نمونه‌های اشیاء مصرفی، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری خواهد بود. بدین منظور، مرکز یا اداره مذکور باید یک مجله رسمی دوره‌ای منتشر کند.

تعهد به تأسیس یک اداره ملی را می‌توان بر طبق یک طرح منطقه‌ای عملی ساخت آن هم در صورتی که چند کشور عضو، اداره مشترکی تأسیس کنند تا وظایف و خدمات ادارات ملی را برعهده بگیرد؛ همانند سازمان افریقایی مالکیت معنوی (OAPI) که در یوانده در کشور کامرون واقع است.

بخش‌های پایانی کنوانسیون پاریس (سند استکهلم) به مقررات اداری و مالی کنوانسیون می‌پردازد که شامل ارگان‌های اتحادیه پاریس مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵، بودجه و تامین مالی ماده ۱۶، همچنین اصلاحات و بازنگریها ماده ۱۸، موافقت‌نامه‌های ویژه (ماده ۱۹)، لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون با عضو شدن در آن (ماده ۲۱)، اعلام رد کنوانسیون برای خروج از آن (ماده ۲۶) است.

مبحث دوم - وجوه عمده موافقت‌نامه TRIPS^۱

مذاکرات چند جانبه دور اورگوئه، که در چهارچوب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) برگزار شد، در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ خاتمه یافت. نتایج مذاکرات مذکور،

۱- ر.ک: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، همان همایش، مقاله هاینس باردل تحت عنوان «مقررات کلی و اصول اساسی موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی TRIPS»؛ همچنین سخنرانی هاینس باردل تحت عنوان «حمایت از مالکیت صنعتی تحت کنوانسیون‌های عمده اداره شده توسط وایپو و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت مالکیت معنوی...»؛ همچنین سخنرانی سیف الله صادقی یارندی تحت عنوان «سیستم مالکیت معنوی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه موافقت‌نامه TRIPS...»؛ نیز سندی که اداره بین المللی سازمان جهانی مالکیت معنوی تحت عنوان «حمایت از مالکیت صنعتی تحت مقررات کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی» تهیه کرده است.

موافقت‌نامه ایجادکننده سازمان تجارت جهانی (WTO) بود که در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در مراکش به تصویب رسید. برای اولین بار در محدودهٔ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، مذاکرات انجام شده حاوی مباحثی دربارهٔ ابعاد حقوق مالکیت معنوی موثر بر تجارت بین‌المللی بود. نتیجهٔ مذاکرات مذکور، که در ضمیمه‌ای برای موافقت‌نامه WTO گنجانده شده، موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با حقوق مالکیت معنوی (موافقت‌نامه TRIPS) بود که از اول ژانویه ۱۹۹۵ قدرت اجرایی یافت. بدین ترتیب WTO جانشینی گات گردید و این موافقت‌نامه به عنوان جامع‌ترین موافقت‌نامه بین‌المللی دربارهٔ مالکیت معنوی مطرح شد.

این موافقت‌نامه جزء لاینفک نظام تجاری چند جانبه مورد حمایت سازمان تجارت جهانی و یکی از سه رکن عمدهٔ سازمان است که دو رکن دیگر عبارتند از: مقررات مربوط به تجارت کالاها؛ و موافقت‌نامه عمومی راجع به تجارت خدمات.

۱- مقررات کلی و اصول اساسی

یک اصل اساسی راجع به ماهیت و حدود تعهدات بر طبق موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت مالکیت معنوی این است که اعضا باید مقررات راجع به رفتار مقرر شده در موافقت‌نامه نسبت به اتباع کشورهای دیگر عضو را به مورد اجرا بگذارند و رفتار مزبور را در عمل محقق سازند که اعضا در تعیین روش مناسب برای اجرای مقررات موافقت‌نامه TRIPS در نظام و رویهٔ حقوقی خودشان آزادند.

الف) مالکیت معنوی: از نظر موافقت‌نامه، اصطلاح مالکیت معنوی به تمام مقوله‌های مالکیت معنوی که مشمول قسمتهای یک تا هفت بخش دو موافقت‌نامه هستند؛ یعنی به حق تکثیر (کپی رایت)، حقوق ناشی از شهرت، علائم تجاری، علائم اشاره‌کننده به محل‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق اختراع، طرح‌های ترسیمی کلی (توپوگرافی)، مدارهای یکپارچه شده و اطلاعات افشانشده اطلاق می‌گردد.

ب) ارجاع به کنوانسیونهای پاریس و برن: موافقت‌نامه تریپس بر مبنای اصول صد ساله‌ای ساخته شده که در کنوانسیونهای پاریس و برن برای حمایت از مالکیت صنعتی و ادبی و

هنری گنجانده شده است. راجع به مالکیت صنعتی، موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که اعضا، مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ کنوانسیون پاریس را در ارتباط با بخشهای دوم و سوم و چهارم موافقت‌نامه رعایت کنند. (بند ۱ ماده ۲) مواد مذکور حاوی کلیه مقررات ماهوی کنوانسیون پاریس است. در زمینه حقوق مؤلف و هنرمند (کپی رایت) اعضا ملزم شده‌اند که مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن و ضمیمه آن را رعایت کنند.

ج) اصل رفتار ملی: موافقت‌نامه ترپیس اصل رفتار ملی را اعلام و مقرر می‌دارد؛ که اعضا رفتاری را که در موافقت‌نامه مقرر شده، در مقابل سایر اعضا رعایت کنند و مفهوم اتباع سایر اعضا بر طبق مقررات کنوانسیونهای پاریس و برن و رم و معاهده آی. پی. آی. سی^۱ تعریف شده است (مواد ۳ و ۵).

د) اصل دولت کامله الوداد: این اصل مقرر می‌دارد که هر امتیاز، منفعت، مزیت یا مصونیتی که با یک عضو به اتباع هر کشور دیگری (خواه عضو باشد خواه نباشد) اعطاء شده، باید بی درنگ و به طور بی قید و شرط به اتباع کلیه اعضای دیگر همراه با مستثنیات معین و مشخص داده شود (مواد ۴ و ۵).

ه) حمایت از موضوع [حقوق مالکیت معنوی] موجود: این موافقت‌نامه حاوی مقررات مشخصی راجع به اثر موافقت‌نامه بر موضوع حقوق مالکیت معنوی است که در تاریخ اجرای موافقت‌نامه در کشور عضو موجود است. هر چند موافقت‌نامه، موجب تعهداتی در ارتباط با اقداماتی نیست که قبل از تاریخ اجرای موافقت‌نامه برای کشور عضو مورد نظر انجام شده‌اند (بند ۱ ماده ۷۰). اما در ارتباط با کلیه موضوعات موجود و حمایت شده در تاریخ اجرای موافقت‌نامه یا موضوعاتی که معیارهای موجود برای حمایت بر طبق مفاد موافقت‌نامه را برآورده می‌سازند یا اغلب امکان آن را فراهم می‌آورند موجب تعهداتی است (بند ۲ ماده ۷۰).

و) حق شرط: هیچ یک از اعضای سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند بدون موافقت اعضای دیگر، قید و شرطهایی در خصوص هر یک از مقررات موافقت‌نامه قائل شود (ماده ۷۲).

ز) استثنائات امنیتی: موافقت‌نامه استثنائاتی عام را برای مواردی مقرر می‌کند که برای

۱- معاهده واشنگتن راجع به مالکیت معنوی در ارتباط با مدارهای یک پارچه شده.

منافع امنیت ملی، ضروری و اساسی محسوب شوند. به طور خاص، در صورتی که یک کشور عضو، افشای اطلاعاتی را مخالف با علائق امنیت ملی اش بداند، ملزم نیست آن اطلاعات را در اختیار قرار دهد. علاوه بر این، وی می‌تواند هر اقدامی را که برای حمایت از علائق امنیتی اساسی اش در ارتباط با موارد زیر ضروری است انجام دهد: ارتباط با مواد قابل تجزیه، ارتباط با جابه‌جایی اسلحه، مهمات و تجهیزات جنگی و... (ماده ۷۳).

۲- استانداردهای راجع به در دسترس بودن، محدوده و استفاده از حقوق مالکیت معنوی

بخش دوم موافقت‌نامه تریپس، استانداردهای حداقلی را درباره در دسترس بودن حقوق مالکیت معنوی، محدوده حقوق مزبور و استفاده از آنها مقرر می‌دارد. این بخش دارای ۸ قسمت است که به ترتیب در ارتباط با حق تکثیر و حقوق مرتبط با آن، علائم تجاری، علائم اشاره‌کننده به محل‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق اختراع، طرح‌های ترسیمی کلی (توپوگرافی)، مدارهای یک پارچه شده، حمایت از اطلاعات افشا نشده و کنترل رویه ضد رقابتی در پروانه‌های قراردادی هستند. حال، استانداردهای راجع به قابلیت دسترسی، محدوده و استفاده از حقوق مالکیت معنوی در هر یک از موارد هشت‌گانه بدین قرار است:

الف) حق تکثیر و حقوق مرتبط با آن

- اعضاء باید مواد ۱ تا ۲۱ سند پاریس (۱۹۷۱م) کنوانسیون برن و در موارد قابل اعمال ضمیمه آن سند (شامل مقررات ویژه راجع به کشورهای در حال توسعه) را رعایت کنند (بند ۱ ماده ۹).

- حمایت از حق تکثیر باید به مطالب مصرح بیان شده گسترش داده شود و نه به بیان ایده‌ها و روش‌ها و شیوه‌های اجرا یا مفاهیم ریاضی به همان وضعیت موجود (بند ۲ ماده ۹).
- از برنامه‌های رایانه‌ای چه به شکل برنامه مادر یا به شکل کدهای عینی باید به عنوان کارهای ادبی برطبق کنوانسیون برن حمایت شود (بند یک ماده ۱۰).

- مدت حمایت برای کارهایی غیر از کارهای عکاسی یا کارهایی نظیر هنرهای کاربردی: هنگامی که دوره مزبور بر مبنایی غیر از عمر طبیعی یک شخص محاسبه می‌شود نباید کمتر از ۵۰ سال از سال انتشار مجاز باشد. یا اگر انتشار در طی ۵۰ سال از انجام کار محقق نشده

باشد، نباید کمتر از ۵۰ سال از سال ایجاد اثر باشد (ماده ۱۲).

- محدودیتها و استثنائات حقوق انحصاری، محدود به مواردی است که متعارض با بهره‌برداری عادی از اثر نباشد و به طور غیر متعارف به منافع مشروع دارنده حق صدمه نزنند (ماده ۱۳).

- مدت حمایت برای اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار حاوی صدای ضبط شده، دست کم پنجاه سال از پایان سال قطعی کردن اثر یا اجراست و برای پخش کنندگان برنامه، حداقل ۲۰ سال از پایان سال پخش برنامه است (بند ۵ ماده ۱۴).

ب) علائم تجاری

- هر علامتی که قابلیت متمایز ساختن کالاها یا خدمات یک شخص حقوقی از کالاها و خدمات شخص حقوقی دیگر را داشته باشد (بدین ترتیب علائم خدماتی نیز داخل در موضوع می‌شوند) به عنوان یک علامت تجاری قابل انتخاب برای ثبت خواهد بود (بند ۱ ماده ۱۵).

- قابلیت ثبت می‌تواند مشروط به قابل رؤیت بودن علامت و برای علائمی که ذاتاً متمایز و مشخص نیستند، مشروط به متمایز شدن از طریق استفاده باشد (بند ۱ ماده ۱۵).

- ماهیت کالاها و خدماتی که علامتی تجاری نسبت به آنها اعمال می‌شود نمی‌تواند مانع از ثبت علامت باشد (بند ۴ ماده ۱۵).

- اعضاء می‌توانند هر علامت تجاری را ثبت کنند و مهلتی متعارف برای درخواستهای ابطال ثبت علامت در نظر بگیرند و همچنین می‌توانند مهلتی برای اعتراض به ثبت منظور کنند (بند ۵ ماده ۱۵).

- حقوق معینی برای مالکین علائم تجاری و علائم خدماتی مشهور در نظر گرفته شده است (بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۶).

- مدت ثبت اولیه و تجدید ثبتهای علامت نباید کمتر از ۷ سال باشد و باید به طور نامحدود قابل تجدید باشد (ماده ۱۸).

- محدودیتهای معینی نسبت به استعمال علامت مجاز نیست (ماده ۲۰).

- اعطای اجباری پروانه برای علائم تجاری مجاز نیست (ماده ۲۱).

ج) مشخصات جغرافیایی

- مشخصات جغرافیایی به عنوان مشخصاتی تعریف می‌شوند که کالاهای مورد نظر را به عنوان کالاهایی معرفی می‌کنند که منشأ آنها در قلمرو یک کشور عضو، یا یک منطقه یا ناحیه‌ای در آن قلمرو است؛ آن هم در موردی که یک کیفیت، شهرت یا مشخصه دیگر کالا اساساً قابل انتساب به منشأ جغرافیایی کالا باشد (بند ۱ ماده ۲۲).

- اعضا باید امکانات حقوقی را برای طرفهای ذینفع فراهم کنند تا آنان از مشخصاتی استفاده نکنند که به طور گمراه کننده‌ای نشان دهنده این مطلب باشند که منشأ یک کالا در منطقه جغرافیایی غیر از منشأ واقعی آن است (جزء الف بند ۲ ماده ۲۲).

- اعضا باید از ثبت علامتی تجاری که شامل مشخصات گمراه کننده است خودداری کنند یا آن را ابطال نمایند (بند ۳ ماده ۲۲).

- تعهدی برای حمایت از مشخصات جغرافیایی که در کشور مبدأ از آنها حمایت نمی‌شود یا حمایت از آنها خاتمه یافته است و یا در آن کشور دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، وجود ندارد (بند ۹ ماده ۲۴).

- حمایت مرتبط با مشخصه جغرافیایی عضو دیگری که با اسم مشترکی برای کالاها یا خدمات دیگر یکسان است یا حمایتی برای مشخصه جغرافیایی محصولات ناشی از شراب، که آن مشخصه جغرافیایی یکسان با اسم عرفی برای گونه‌ای از انگور باشد که در قلمرو آن کشور موجود است از تاریخ به اجرا درآمدن موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی الزامی نیست (بند ۶ ماده ۲۴).

د) طرحهای صنعتی

- اعضا باید حمایتی را برای طرحهای صنعتی که مستقل ایجاد شده و دارای اصالت یا تازگی هستند، همچنین استانداردهای معینی را برای مجاز بودن تعیین قابلیت حمایت فراهم آورند (بند ۱ ماده ۲۵).

- حقوق انحصاری، شامل حق بازداشتن طرفهای ثالث از ساخت، فروش یا وارد کردن اشیای دارای یک طرح صنعتی حمایت شده یا حاوی آن برای مقاصد تجاری خواهد بود (بند ۱ ماده ۲۶)، مشروط به استثنائات معین مجاز (بند ۲ ماده ۲۶).

- مدت حمایت حداقل ده سال خواهد بود (بند ۳ ماده ۲۶).

ه) گواهی‌های اختراع

- گواهی‌های اختراع برای محصولات و طریقه‌های ساخت در کلیه زمینه‌های تکنولوژی در دسترس خواهد بود به این شرط که تازه، حاوی یک اقدام مخترعانه و قابل اجرای صنعتی باشند (بند ۱ ماده ۲۷).

- بدون تبعیض نسبت به محل اختراع، زمینه تکنولوژی و اینکه آیا محصولات وارد شده‌اند یا در داخل تولید شده‌اند، گواهی‌های اختراع باید در دسترس باشند و انتفاع از حقوق ناشی از گواهی‌های اختراع باید امکان‌پذیر باشد (بند ۱ ماده ۲۷).

- حقوق انحصاری برای محصولات شامل منع طرف‌های ثالث از ساخت، استعمال، پیشنهاد فروش یا وارد کردن محصولات دارای گواهی اختراع خواهد بود و حقوق انحصاری برای طریقه ساخت، شامل حق منع از استفاده، فروش یا وارد کردن محصولاتی خواهد بود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با استفاده از آن طریقه ساخت برای مقاصد مزبور تهیه شده‌اند (بند ۱ ماده ۲۸).

- مدت حمایت باید حداقل ۲۰ سال از تاریخ ثبت اظهارنامه باشد (ماده ۳۳).

و) طرح‌های همراه با جزئیات شکلی (توپوگرافی) مدارهای یک پارچه شده^۱

موافقت‌نامه تریپس تقریباً کلیه مقررات ماهوی معاهده (آی، پی، آی، سی) را با استثنائات محدودی، در خود جای می‌دهد. معاهده مزبور یک رژیم حمایت حقوقی برای طرح‌های همراه با جزئیات شکلی مدارهای یک پارچه شده را مقرر می‌کند و از جمله شامل مقرراتی درباره موضوعات قابل حمایت، شکل حقوقی حمایت، رفتار ملی، محدوده حمایت، بهره‌وری و استفاده، ثبت، افشا و مدت حمایت است.

- موافقت‌نامه تریپس شامل یک اقدام ممنوع شده اضافی نسبت به معاهده (آی پی آی

۱- مدارهای الکتریکی پیوسته در سطح وسیعی از تولیدات به کار برده می‌شوند که شامل کالاهای مصرفی روزمره، ساعت، تلویزیون، ماشین لباسشویی، اتومبیل، همچنین تجهیزات داده‌پرداز و غیره است. این مدارها در نتیجه پیشرفتهایی که در تکنولوژی مربوط به اجسام نیمه رسانا ظرف چند سال ممکن شده، حاصل آمده است.

سی) است؛ یعنی هر اقدام مرتبط با شیء ادغام شده در یک مدار یک پارچه، ولی فقط نسبت به اشیا‌یی که حاوی یک طرح همراه با جزئیات شکلی هستند که به طور غیرقانونی کپی شده‌اند.

ز) حمایت از اطلاعات افشا نشده: موافقت‌نامه تریپس مقرر می‌دارد که در تضمین حمایت مؤثر علیه رقابت مکارانه، به نحو مقرر شده در ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس، اعضاء باید از اطلاعات افشا نشده و داده‌های تسلیم شده به دولتها یا نمایندگیهای دولتی، مطابق با مقررات زیر حمایت کنند (بند ۱ ماده ۳۹):

- اشخاص حقیقی و حقوقی باید امکان جلوگیری از افشاء یا تحصیل یا استفاده بدون اجازه دیگران، از اطلاعاتی را داشته باشند که به طور قانونی تحت کنترل اشخاص مزبور است؛ آن هم در صورتی که اعمال مزبور به طریقی مخالف با رویه‌های شرافتمندانه و صادقانه انجام شوند (بند ۲ ماده ۳۹).

- چنان حمایتی برای اطلاعاتی که محرمانه هستند و بدین خاطر ارزش تجاری دارند و مشمول اقدامات متعارفی برای محرمانه نگاه داشتن هستند، مورد نیاز است. (بند ۲ ماده ۳۹).

ح) کنترل رویه‌های ضد رقابتی در پروانه‌های قراردادی: با شناسایی این امر که برخی رویه‌های اعطای پروانه یا شرایط مربوط به حقوق مالکیت معنوی که محدود کننده رقابت هستند می‌توانند آثار معکوسی بر تجارت داشته باشند و ممکن است انتقال و انتشار تکنولوژی را مانع شوند (بند ۱ ماده ۳۹). موافقت‌نامه تریپس مقرر می‌دارد که اعضاء می‌توانند در قوانین ملی‌شان رویه‌ها و شرایط اعطای پروانه را برای مواردی مقرر کنند که ممکن است در آن موارد، یک سوءاستفاده از حقوق مالکیت معنوی و دارای اثر معکوس و منفی بر رقابت در بازار مربوطه شود (بند ۲ ماده ۴۰).

۳- الزامات حقوق مالکیت معنوی

موافقت‌نامه تریپس مقرر می‌دارد که رویه‌های الزام کننده مشخصی در دسترس باشند تا در صورت لزوم بتوانند علیه هر فعالیت نقض کننده حقوق مالکیت معنوی، که تحت پوشش

موافقت‌نامه مزبور باشند، مورد استفاده قرار گیرند. این اقدامات شامل طرق جبرانی سریع برای بازداشتن از نقض و همچنین شامل طرق جبرانی ایجاد‌کننده مانع برای نقض‌های بعدی است (بند ۱ ماده ۴۱). در ضمن رویه‌های الزام‌باید عادلانه و منصفانه باشند و نباید به طور غیر ضروری، پیچیده یا پرهزینه باشند و همچنین نباید همراه با ضرب الاجل‌های غیر متعارف یا تأخیرهای شرط نشده باشند (بند ۲ ماده ۴۱). این الزامها بدین قرارند:

رویه‌ها و طرق جبرانی مدنی و اداری (مواد ۴۲ تا ۴۹)، تدابیر موقتی (ماده ۵۰)، مقتضیات خاص مربوط به تدابیر مرزی مواد ۵۱ تا ۶۰ و آیین رسیدگی کیفری. مواد پایانی موافقت‌نامه TRIPS راجع به مقررات کسب و ابقای حقوق مالکیت معنوی و رویه‌های مرتبط و همچنین اختلاف و حل و فصل آنها است.

نتیجه‌گیری

چنان‌که ذکر شد دولت ایران عضو قرارداد پاریس است. قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی و تجارتی در تاریخ ۱۳۳۷/۱۲/۱۰ به تصویب رسید و در روزنامه رسمی در شماره مورخ ۱۳۳۸/۳/۲۴ درج گردید. بدین ترتیب عضویت دولت ایران به کنوانسیون پاریس در تاریخ ۱۳۳۸/۹/۲۴ (۱۳ دسامبر ۱۹۵۹) قطعی شد.

دولت ایران در سال ۱۳۷۷ ش با تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان به آخرین اصلاحات این کنوانسیون یعنی اصلاحات ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹ استکھلم ملحق شد.^۱

نکته قابل توجه این است که با اینکه همه فصول مالکیت صنعتی (علامت تجارتي، طرح و مدل‌های صنعتی، اسم تجارتي، گواهی اختراع، رقابت مکارانه و...) در کنوانسیون پاریس مورد اشاره و حمایت قرار گرفته است، در کشور ما منحصرأ در خصوص اختراع، علامت

۱- دولت ایران در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۵۹ به قرارداد پاریس اصلاح شده ۱۹۳۴م لندن و در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۶۲ به قرار داد اصلاح شده در لیسیون ملحق شد. همچنین در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۱۷ با تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان در ۱۳۷۷/۸/۲۷ به اصلاحیه ۱۹۶۷ و ۱۹۷۹م استکھلم ملحق شد.

تجارتی و اسم تجارتي مقرراتي وجود دارد؛ و بدیهی است که با این وضعیت مشکلات فراوانی بروز کرده و خواهد کرد.

قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ش شامل مباحث زیر است:

- تعریف علائم صنعتی و تجاری.

- علائم غیر قابل ثبت.

- حمایت علامت به موجب ثبت.

- طریق تنظیم اظهارنامه.

- مرجع ثبت تقاضای علائم.

- طریقه ثبت.

- رسیدگی به علامت مورد تقاضا.

- انتقال علامت.

- مدت اعتبار.

- منع ورود محصولات با علائم تقلیدی.

- ثبت علائم اتباع خارجی.

- اجرای قراردادهای بین‌المللی.

- انتشار علائم صنعتی و تجاری.

با وجود نقائص موجود مخصوصاً در مقایسه با موافقت‌نامه TRIPS که موافقت‌نامه‌ای جامع است، و حتی مواردی اضافه بر کنوانسیون پاریس در آن مطرح و حمایت شده است، بایسته و ضروری است که دولت ایران با تدوین قانونی جامع و مطابق با کنوانسیونهای بین‌المللی در زمینه مالکیت‌های صنعتی و تجاری ضمن حذف زمینه‌های بروز مشکلات و سوء استفاده‌ها، راه را برای ابتکار و خلاقیت و پیشرفتهای صنعتی و تجاری هموار کند.

تبیین فقهی «مالکیت‌های فکری» و حقوق متعلقه

■ حقوق مالکیت‌های فکری در فقه امامیه

■ حقوق مالکیت‌های فکری در فقه عامه

... تذکری پدرانہ بہ اعضای عزیز شورای نگہبان می‌دهم کہ خودشان قبل از این گیرہا، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا کہ یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتناد و نوع تصمیم‌گیریہاست. حکومت فلسفہ عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند. و این بحثہای طلبگی مدارس کہ در چہارچوب تئوریہاست، نہ تنها قابل حل نیست کہ ما را بہ بن بستہایی می‌کشاند کہ منجر بہ نقض ظاہری قانون اساسی می‌گردد.

شما در عین اینکہ باید تمام توان خودتان را بگذارید کہ خلاف شرعی صورت نگیرد و خدا آن روز را نیاورد، باید تمام سعی خودتان را بنمایید کہ خدای نکرده اسلام در پیچ و خمہای اقتصادی و نظامی، اجتماعی و سیاسی متہم بہ عدم قدرت ادارہٴ جهان نگردد.

از بیانات حضرت امام خمینی (س)

صحیفہٴ امام، ج ۲۱، صص ۲۱۷-۲۱۸

فصل اول

حقوق مالکیت‌های فکری در فقه امامیه

در این فصل در طی مباحثی به بررسی ماهیت فقهی مالکیت‌های فکری و حقوق متعلقه بدانها در فقه امامیه می‌پردازیم و مشروعیت یا عدم مشروعیت این حقوق را مطالعه خواهیم کرد: در ابتدای این فصل تذکر این مطلب ضروری است که مسأله مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آنها جزء مسائل مستحدثه فقهی و حقوقی است. اگر چه در زمینه حقوقی مباحث و تحقیقات متعددی صورت گرفته، بحث و تحقیق جامع و مستقل فقهی در زمینه مالکیت‌های فکری وجود ندارد.

باید گفت که بحث وجود حق مؤلف - به عنوان مصداق اولیه مالکیت‌های فکری - در هیچ‌کدام از ابواب فقهی کتب فقهای قدیم یافت نمی‌شود. طرح نشدن موضوعی تحت عنوان حقوق مؤلف در بین فقها و آثار آنها شاید کاملاً طبیعی باشد از آن نظر که، تا موضوعی به عنوان مشکل و معضل یا مسأله‌ای مبتلا به در سطح جامعه مطرح نشود، عدم طرح آن در فتاوی مجتهدین و فقهای عظام امری طبیعی است. اما از زمانی که موضوعی به عنوان مشکل و مسأله مبتلا به در سطح جامعه مطرح می‌شود، فقیه برای رفع تحیر مکلفین و با درک شرایط زمان و مکان به تبیین مسأله و بیان حکم فقهی آن مبادرت می‌ورزد.

ماهیت فقهی «حق مالکیت فکری»

همان گونه که ذکر شد، از آنجا که بحث مستقل و جامعی در کتب فقهی پیرامون مالکیت‌های فکری مطرح نشده است، نمی‌توان مطالبی در زمینه ماهیت این نوع مالکیت‌ها یافت ولی از مجموع نظریات ارائه شده در مقالات و فتاوی و... می‌توان در مورد ماهیت فقهی حق مالکیت فکری، دیدگاه‌هایی را به شرح زیر احصاء کرد:

مبحث اول: نظریه فطری بودن مالکیت

مالکیت فکری که امری اعتباری است و عقلاء براساس انگیزه عقلایی آن را اعتبار می‌کنند، منشا فطری دارد یعنی از سرشت و نهاد انسان برمی‌خیزد. وقتی فردی زحمت کشید و کتابی تألیف کرد یا موفق به اختراعی شد کشش درونی او این است که این اثر در حیطه تصرف او باقی بماند و بتواند در آن تصرف و دیگران را از تصرف در آن منع کند. آیت‌الله شهید صدر در این زمینه می‌گویند:

برخی منشا مالکیت را در طول تاریخ زور گرفته‌اند و گفته‌اند سلطه و قلدری باعث ایجاد مالکیت شده است. اما اگر به عقل سلیم مراجعه نماییم خواهیم یافت: قبل از آنکه سلطه و زور بخواهد مالکیتی ایجاد کند، فطرت و وجدان وجود آن را امری انکارناپذیر می‌داند.^۱

مقصود از فطری بودن، اصل مالکیت است که فطری است نه همه مصادیق آن. مالکیت موضوع و متعلق دارد که عرفاً مال نامیده می‌شود. و چنان که ذکر شد مال چیزی است که مورد رغبت عقلاست؛ به گونه‌ای که حاضرند در مقابل آن عوضی بپردازند. باید گفت از ابتدای پیدایش انسان مسأله مالکیت هم پدید آمده است. اضافه‌ای که شخص به شیئی پیدا می‌کند مالکیت است و آن شیء به اعتبار اضافه‌ای که به شخص پیدا می‌کند مملوک می‌شود. مالکیت در عالم خارج وجود ندارد بلکه در عالم اعتبار موجود است و متعلق آن گاهی یک شیء خارجی است که آن را مالکیت مادی می‌نامند و گاهی متعلق آن در عالم خارج وجود ندارد و معلول فکر است که مالکیت معنوی یا فکری می‌گویند.^۱

کشش درونی و میل نفسانی فرد به باقی بودن اثر در حیطه تصرف خود با دلایل تجربی هم اثبات نمی‌شود و در واقع دلیل نمی‌خواهد چون وجدانی و یافتنی است؛ از همین رو هر امر اعتباری ممکن است ریشه فطری داشته باشد. مالکیت نیز از این مقوله است چون مالکیت از چنین زمینه‌ای نشأت گرفته است و عقلا آثاری بر آن مترتب می‌کنند.

استاد شهید مطهری بر این نظراند که

در ابتدا امر، حق مالکیت همان حق طبیعی و غریزی است و موجب آن نیز همان موجبات طبیعی و غریزی است. به عقیده ما موجب طبیعی و غریزی مالکیت دو چیز است: یکی کار و ایجاد به عبارت دیگر ارتباط فاعلی و دیگر تملیک و بخشش و به عبارت دیگر ارتباط غایی است.^۲

بنابراین بر طبق این نظریه مالکیت و تعلق اثر به مؤثر امری است که منشا فطری و غریزی دارد و بدیهی است در صحنه اجتماع بشری، غریزه و طبیعت برای تشخیص حدود و حقوق افراد کافی نیست بلکه مستلزم تهیه سلسله مقررات موضوعه و تدوین قوانین است.

۱- سید محمد موسوی بجنوردی، «میزگرد همشهری پیرامون کپی رایت».

۲- نظری به اقتصاد اسلام، ص ۵۳.

مبحث دوم: نظریه علم حصولی^۱

تحلیل دیگر از حق مالکیت فکری براساس علم حصولی است بدین شرح که علم حصولی در انسانها بر دو نوع است: علم فعلی مثلاً علم مخترع نسبت به اختراع خود؛ و علم انفعالی مثلاً علم اجراکننده اختراع و بیان کننده آن. به بیان دیگر علم مخترع یک دستگاه صوتی علم فعلی و علم کارگر سازنده آن دستگاه علم انفعالی است. تنها کارگر سازنده را نباید اساس ملکیت تلقی کرد. این کار جزئی از علت است؛ کار تنها فیزیکی نیست بلکه اندیشه‌ها و افکار انسان، عامل اصلی در جهان صنعتی امروز است. هر اختراع و اکتشافی که به وجود آمده، همیشه یک طرز تفکر و اندیشه‌ای وجود داشته که دیگران آن را اجرا کرده‌اند. بیشتر مالکیت‌های مادی آمیخته است با مالکیت فکری.

این در تجزیه است که این دو را تفکیک می‌کنیم. اما در تمام ابعاد جهان صنعت، در کنار مالکیت مادی، مالکیت فکری نیز داریم که این دو از هم قابل انفکاک نیستند. اساساً مالکیت یک اصل عقلایی است. اگر متعلق مالکیت یک شیء خارجی بود آن را اصطلاحاً مالکیت مادی می‌گویند. گاهی متعلق مالکیت در عالم خارج وجود ندارد - وجود خارجی ندارد - و معلول فکر و اندیشه فرد است. این نیز مالکیت است و هیچ تفاوتی میان نوع مالکیت که مالکیت فکری یا معنوی گفته می‌شود با مالکیت مادی وجود ندارد.

مبحث سوم: نقد نظریه «ارزش = کار»

یکی از نظریاتی که در باب منشا ارزش اشیاء ذکر شده است نظریه ارزش = کار است.^۲ یعنی ارزش هر چیزی به واسطه مقدار کاری است که بر روی آن صورت گرفته است. بنابراین اولاً، مالیت و ارزش، به واسطه کار پیدا می‌شود و ثانیاً، مقدار و میزان ارزش تابع مقدار و میزان کاری است که روی یک کالا صورت می‌گیرد.

۱- بجنوردی، همان، صص ۱۲-۱۱؛ آبتی، همان، ص ۴۵.

۲- این نظریه از آن علماء مکتب اقتصاد کلاسیک، امثال آدام اسمیت و ریکاردو است که کارل ماکس نیز از آنان در این نظر پیروی کرده است (به نقل از: استاد شهید مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، صص ۱۱۴-۱۱۶).

استاد شهید مطهری در رد این نظریه دلایل چندی اقامه می‌نمایند از جمله:

در نظریه «ارزش = کار» به کار فقط از جنبه مادی و صرف انرژی، و به عبارت دیگر از جنبه مشترک حیوانی و باربری توجه شده است. ارزش و اهمیت کارها متناسب با مقدار انرژی است که معمولاً برای ایجاد آنها لازم است در نظر گرفته شده است و به جنبه‌هایی که انسان با یک قدرت معنوی، یعنی با ابتکار و به واسطه هوش و استعداد و ذوق، آن را بهتر و عالی‌تر ایجاد می‌کند توجه نشده است.^۱

در ادامه ایشان اضافه می‌کنند:

آیا ارزش تألیفات و نقاشیها، خطاطیها، منبت‌کاریها، خاتم‌کاریها، کاشی‌سازیه‌ها، بستگی به مقدار کاری دارد که صرف آنها شده است؟ آیا اگر فی‌المثل حافظ و سعدی می‌خواستند از حق‌التألیف کتابهای خود استفاده کنند و ثروت سرشاری به دست می‌آوردند، به واسطه کار زیادی است که کرده‌اند یا به واسطه ابتکار و الهامی است که دریافته‌اند.^۲

از مجموع بیانات استاد استفاده می‌شود که ماهیت حق مالکیت فکری ترکیبی است از جنبه مادی و جنبه معنوی است. همان‌گونه که شرح تفصیلی آن در قسمت تبیین حقوقی آورده شد.

مبحث چهارم: نظریه اشتراکی بودن مالکیت

این نظریه قائل به مالکیت اشتراکی در مورد مالکیت‌های صنعتی به‌ویژه اختراعات است. مطابق این نظریه خود دانشمند و مخترع نمی‌تواند اختراع را در انحصار خود قرار دهد در توضیح این نظر چنین گفته شده است:

ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول ماشین را نمی‌توان محصول غیر مستقیم سرمایه‌دار دانست بلکه محصول غیر مستقیم شعور و

۱- مطهری، همان، ص ۱۲۴.

۲- همان.

نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد پس ماشینهای تولید نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد. اینها مسأله دیگری است. اینها نقض مالکیت فردی نیست. الغاء مالکیت خصوصی نیست، بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاصی است که موجبات آن اقتضاء می‌کند در آن موارد، مالکیت، اشتراکی و اجتماعی باشد، نه فردی.^۱

نظیر چنین موردی، مالکیت انفال است.^۲ اسلام نه با قبول مالکیت عمومی در مثل انفال، مالکیت فردی را به طور مطلق طرد کرده و نه با قبول مالکیت فردی، مالکیت عمومی را نفی کرده است. آنجا که پای کار افراد و اشخاص است مالکیت فردی را معتبر می‌شمارد و در آنجا که پای کار افراد و اشخاص نیست، مالکیت را جمعی می‌داند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که بنابراین مکتب اقتصادی اسلام چه تفاوتی با مکتب اقتصادی سوسیالیسم که قائل به مالکیت اشتراکی است دارد؟ در پاسخ چنین گفته شده است:

اسلام با اینکه طرفدار مالکیت جمعی بعضی سرمایه‌هاست، از آنجا که مالکیت اشتراکی در محصول کار افراد را نمی‌پذیرد مگر به رضایت و قرارداد آنها پس یک مسلک اشتراکی نیست نظیر سایر اشتراکیتها؛ و از آن جهت که سرمایه‌های طبیعی و صناعی را متعلق به شخص نمی‌داند به نوعی اشتراکیت قائل است. این است مقام اسلام در میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم.^۳

پس آن مقدار از سوسیالیسم از نظر منطق و از نظر اسلام قابل توجیه است که قسمتی از سرمایه‌ها، یعنی سرمایه‌های عمومی بالاشتراک باشد.

براساس این نظریه، مخترع ماشین خالق چیزی است که آن چیز خالق کار است و خالق ارزشی است. ماشین مولد است و خود به خود مبدا ثروت است همانند طبیعت. یعنی در اجتماع چیزی به وجود آمده است که مثل طبیعت قادر است با کار کم که صرف آن می‌شود

۱- همان، صص ۵۸-۵۹.

۲- در اسلام انفال جزء ثروتهای عمومی شمرده می‌شود.

۳- همان، ص ۵۹.

و احیاناً بدون کار ایجاد ارزش کند. علی‌هذا مخترع ماشین تنها محصول کار را نمی‌فروشد. بنابراین اختراع نمی‌تواند مملوک شخصی باشد و مبادله شود چرا که ماشین مظهر تکامل اجتماع است و هیچ فردی را نمی‌توان به تنهایی مخترع و مبتکر دانست. اجتماع بما هو اجتماع است که به صورت ماشینی در طول صدها قرن درآمد و کار می‌کند. اما در عین حال به مخترع باید پاداش داده شود زیرا به دست او چنین چیزی جاری شده است و در حقیقت براساس این نظریه می‌توان گفت حق مخترع همان پاداش است نه مال که مثل مالهای دیگر مبادله شود.

دلیل بر مالکیت اشتراکی نیز این امر بیان شده که آن چیز را فرد به وجود نیاورده است. طبیعت به وجود آورده، یا اجتماع آن را به وجود آورده و هیچ یک از این دو، به خاطر یک شخص معین هم به وجود نیاورده‌اند یعنی فرد نه با آن چیز رابطه فاعلی دارد و نه رابطه غایی.^۱

مبحث پنجم: نظریه ملکیت اعتباری^۲

ابتدا باید گفت ملکیت دارای مراتبی است:

۱- ملکیت حقیقی

عبارتست از سلطنت تام به نحوی که زمام امور مملوک حدوثاً و بقائاً در تمام امور به دست مالک است. این مرتبه از ملکیت مخصوص خداوند متعال است.

۲- ملکیت ذاتی

این نوع ملکیت میان شخص و نفس، عمل و ذمه‌اش حاصل می‌شود و مراد از ذاتی آن است

۱- همان، ص ۱۴۶.

۲- سید محمد صادق روحانی، المسائل المستحدثة، صص ۲۲۲-۲۲۵.

که تحقق آن بر امر خارجی منوط نباشد. نه ذاتی باب کلیات خمس و نه ذاتی باب برهان.^۱ این مرتبه از ملکیت پایین‌تر از ملکیت حقیقی است؛ و دلیل بر ذاتی بودن ملکیت شخص بر اعضاء و جوارح و اعمال و ذمه‌اش، سیره قطعیۀ عقلاییه و بلکه ضرورت و وجدان است که بر ملکیت انسان بر نفس و عملش حکم می‌کنند و بدیهی است که شارع مقدس نیز این نوع از سلطنت را امضاء کرده و مردم را از تصرف در نفس و عمل و ذمه خود منع نکرده است.

۳- ملکیت مقولیه (ملک فلسفی)

از آن به جده و له نیز تعبیر می‌کنند و آن را از مقولات نه گانه عرضی می‌شمارند و در تعریف آن می‌گویند: هیأتی است که برای جسم از احاطه جسمی دیگر پدید می‌آید به طوری که از حرکت مُحاط، محیط هم به حرکت در می‌آید؛ همانند: تلبُّس، تقمُّص.

۴- ملکیت اعتباری (ملکیت حقوقی)

عبارت است از اعتبار سلطنت و احاطه کسی (مالک) بر چیزی (مملوک). این قسم امری است اعتباری که عقلاء آن را برحسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی یا شخصیت‌های

۱- لازم به ذکر است که ذاتی در منطق در ۳ باب بحث می‌شود: ۱- باب ایساغوجی (کلیات خمس)؛ ۲- باب برهان؛ ۳- باب مقولات.

ذاتی باب ایساغوجی عبارتست از محمولی که ذات موضوع متقوم بر آن است و خارج از آن ذاتی نیست یعنی اینکه ماهیت موضوع فقط در آن متحقق می‌شود؛ بنابراین قوام موضوع به آن است. اما ذاتی باب برهان به محمولاتی اطلاق می‌شود که خارج از ذات موضوع بوده و از ذات انتزاع شود و تصور خود موضوع برای انتزاع صفت محمول کافی باشد و واسطه دیگری غیر از ذات موضوع نخواهد. و ذاتی باب مقولات آن نوع ذاتی است که نفس موضوع فی حد ذاته بدون نیاز به افزایش دیگری برای انتزاع محمول کافی است و تحقق آن منوط بر امر خارجی نیست. ر.ک: شیخ محمدرضا المظفر، المنطق، الجزء الاول، ص ۸۰.

حقوقی اعتبار کرده‌اند.

از ۴ مرتبه ملکیت تنها مرتبه آخر یعنی ملکیت اعتباری در این نوشته محل بحث است. با حفظ این مقدمه می‌گوییم:

هر کسی چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه‌اش بوده و بنابراین مالک و صاحب آن است و حق دارد دیگران را از هرگونه دخل و تصرفی در آن باز دارد، زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر حرمت انتفاع و تصرفات معنوی مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌تواند مطالبه حق کند!

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که چیزی تألیف می‌کند به اعتبار عقلاء یا عرف مالک و صاحب آن تألیف است پس چنان‌که اشاره شد منشأ اعتبار، عقلاء یا عرف است که در صفحات آتی به تفصیل در این باره بحث خواهد شد.

مبحث ششم: نظریه ملکیت تکوینی

مالکیت دو گونه است: مالکیت تکوینی و مالکیت اعتباری.

در مالکیت اعتباری رابطه بین فرد و شیء خارجی را عقلاء اعتبار می‌کنند و یک رابطه حقیقی بین مالک و مملوک وجود ندارد می‌گویند چون کتاب را بر اساس قرارداد خریدی، مالک می‌شوی. این اعتبار قطع نظر از جعل و تشریع شارع است. چرا که رابطه بین مالک و مملوک را شارع مشخص نمی‌کند، بلکه امری اعتباری است.

مالکیت تکوینی یا سلطه تکوینی مربوط به اعتبار نیست مثل اینکه شخصی مالک اعضاء و جوارح خودش است مالکیت فرد نسبت به دست و پا و جوارح یک امر اعتباری و جعلی نیست و کسی مالکیت فرد نسبت به اعضاء خود را جعل نکرده است بلکه به طور قهری و خواه ناخواه هرکسی بر دست و سایر اعضاء خود تسلط دارد. مضافاً بر اینکه اعضاء و جوارح و کارهایی را که از آنها سر می‌زند و نتایجی که بار می‌آورد نیز مملوک تکوینی فرد است. خواه اعمال فرد یدی باشد خواه فکری. قدرت ما بر حرکت دادن دست و پا و سایر جوارح

همچنین تفکر و تراوش فکری یک امر جعلی نیست بلکه یک امر تکوینی^۱ است.

با این توصیف مسائلی از قبیل حق اختراع و تألیف که نتیجه عمل و اندیشه و تفکر هر فرد است، بنا به مالکیت تکوینی بر اعضاء و جوارح و نتیجه مترتب بر آن تحت سلطه پدید آورنده آن است. و دیگران نمی‌توانند بر سلطه او خدشه وارد کنند و اگر حاصل کار فرد را دیگران منتشر کنند بدون اذن و طیب نفس او مال او را تصرف کرده‌اند؛ با این توضیح که این نظریه به سیره عقلاء کاری ندارد و به نصوص رجوع می‌کند و می‌گوید: لا یحل مال امرئ مسلم الا باذنه یا (الا بطبیعة نفس منه)^۲، طبق نص تصرف در مال دیگران بدون اجازه و رضایت صاحبان آن جایز نیست و با توضیح بالا مالکیت تکوینی نیز جزء اموال هر فرد است و علاوه بر مالکیت اعتباری، مالکیت تکوینی را هم شامل می‌شود چرا که هر فردی افکاری ساخته است که مبین شخصیت معنوی اوست و مالک آن است. مطالب کتاب و مفاهیم آن وابسته به شخصیت معنوی نویسنده است. و به مالکیت تکوینی و حقیقی، نه اعتباری متعلق به مالک آن است و به قول معصوم تصرف در مال دیگران جایز نیست.

این نظریه از اشکالاتی برخوردار است که آن را غیر قابل پذیرش می‌کند، از جمله اینکه مالکیت تکوینی محدود است؛ بدین‌گونه که هر کسی تا زمانی دارای مالکیت تکوینی بر اعضاء و جوارح و اعمال خود است و بر آنها تسلط دارد که از او جدا نشده باشد و الا به محض جدا شدن از وی، دیگر سلطه تکوینی بر آن ندارد و یک شیء خارجی می‌شود که هیچ سلطه و مالکیتی بر آن ندارد بلکه به محض جدا شدن نیاز به مالکیت اعتباری دارد و نمی‌توان آن را با مالکیت تکوینی توجیه کرد.

شخصی که مدل و طرح ساخت خانه‌ای را در ذهن خود دارد بر آن مالکیت تکوینی دارد، همچنان که بر اعضاء و جوارح خود مالکیت دارد. ولی همین که خانه را ساخت یا مدل و طرح را اجرا کرد، بین او و خانه و مدل و طرح، که به صورت عین خارجی درآمده، یک مالکیت اعتباری لازم است و مالکیت تکوینی را نمی‌توان بر آن تطبیق کرد.

۱- هوشنگ صادقی مقدم، همان، صص ۵۱-۵۲.

۲- الحر العاملی وسائل الشیعه (آل البیت)، ج ۱۴، ص ۵۷۲؛ الشیخ الامینی، الغدیر، ج ۸، ص ۱۲۹؛

ابن ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۲۲۲ و ج ۲، ص ۱۱۳، حدیث شماره ۳۰۹.

دیدگاه‌هایی در مشروعیت حق مالکیت فکری

در باب مشروعیت حق مالکیت فکری، گروهی از فقها استدلال‌هایی اقامه کرده‌اند که در صفحات آتی به تفصیل در این باره بحث خواهد شد. اما در مقابل نظریه کسانی که بر مشروعیت این حقوق استدلال کرده‌اند، نظریه دیگری است که معتقد است حکم به عدم مشروعیت این حقوق نیازمند استدلال و اقامه دلیل است. طرفداران این نظریه گویند:

حق در تقسیمی بردو قسم است: حق مادی و حق معنوی، چنانچه متعلق حق عینی از اعیان خارجی یا منفعتی از منافع اعیان و یا حق متعلق به آنها باشد حق مادی و چنانچه جز اینها باشد حق معنوی نامیده می‌شود همانند حق تصنیف، حق تحقیق، حقوق هنری برنامه‌ریزی [برنامه نویسی] و غیره. بدون شک این حقوق همه مشروع است و به نظر اینجانب حکم به عدم مشروعیت آن به دلیل نیاز دارد نه حکم به مشروعیت.^۱

دلایل این نظریه به شرح ذیل است:^۲

۱- حق شرعی تأسیسی بر فرض وجود بسیار نادر است، حقوق شرعی معمولاً امضاء حقوق عرفیه است؛ بدین معنی که در این‌گونه از امور شارع خود نظر خاصی ندارد و هرچه در روابط اجتماعی خود عرف می‌پسندد، اعم از گذشته و حال و آینده، همان مورد قبول شارع مقدس است؛ مگر اینکه به منع از آن تصریح کرده باشد. بلکه مقصود از العرف در آیه

۱- گرجی، مشروعیت حق و حکم با تاکید بر حق معنوی، ص ۱۲۲.

۲- همان، صص ۱۲۲-۱۲۴، با تصرف.

شریفه و امر بالعرف و المعروف در آیات امر به معروف همین معنی است یعنی چیزی که مورد پسند عموم است و شارع مقدس هم از آن منع نفرموده است.

۲- در بین روایات بسیاری که اهل سنت و شیعه در باب حقوق و غیرها نقل کرده‌اند روایاتی یافت می‌شود که به عموم و اطلاق بر تصویب عمل عموم دلالت دارد. اهل سنت از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند: *ما راه المسلمون حسناً فهو عند الله حسن*. شیعه هم در مواردی نظیر این‌گونه روایات را نقل کرده است در مورد عملی فرموده‌اند: مانند مردم عمل کنید. بنابراین بر مبنای عموم و اطلاق این‌گونه روایات حقوق مستحدثه هم مورد امضاء شارع است.^۱

۳- روایات خاصه ابواب حقوق که از حد تواتر گذشته است، به موارد خاص اختصاص ندارد بلکه مصادیقی است از حقوق عرضی عمومی که بر اخلاق و قوانین و مانند آنها مبتنی است و به زمان خاصی اختصاص ندارد.

۴- بعضی از عمومات که در موارد خاص به آنها استناد می‌شود، قطعاً به آن موارد اختصاص ندارد، بلکه بدون اشکال شامل مانحن فیه هم می‌شود؛ مثلاً: آیه شریفه: *أوفوا بالعقود* به یقین مقصود از عقود در آن، عقود در مقابل ایقاعات، که اصطلاحی است بسیار متأخر از زمان نزول آیه، نیست. مقصود تعهدات ناشی از ارتباطات شدید است اعم از اینکه از ناحیه خداوند نسبت به بنده باشد، مانند عبادات یا بالعکس مانند عهد و نذر یا بندگان با هم مانند عقود و ایقاعات.

بنابراین کلیه حقوق اعم از مادی و معنوی، خصوصی و عمومی، داخلی و بین‌المللی همه مورد امضاء شارع است مگر حقوقی که احیاناً صریحاً از آن منع شده باشد.

نیز در دفاع از این نظریه گفته شده است:

در باب ملکیت لازم نیست دلیل بر ثبوت آن قائم شود، بلکه مجرد عدم قیام دلیل بر عدم ملکیت کافی است برای ثبوت شرعی....^۲

۱- گرجی، همان ص ۱۲۳.

۲- محمدفاضل لنکرانی، فصلنامه رهنمون، ص ۲۱۰.

مستندات فقهی مشروعیت حق مالکیت فکری

همان گونه که در صفحات قبل گذشت گروهی از فقها قائل به مشروعیت حق مالکیت فکری هستند و در مقام استدلال، هریک به دلیلی استناد می کنند. آنچه در ذیل می آید مستندات و استدلالهای فقهی مبنی بر مشروعیت حق مالکیت فکری است که به ترتیب توضیح و نقد خواهد شد.

مبحث اول: بنای عقلاء (ارتکاز یا سیره عقلاء)

بناء عقلا هم در فقه پایه استدلال برای احکام و قواعد فقهی است و هم در اصول به عنوان یکی از منابعی که در طریق استنباط احکام شرعی قرار می گیرد، جایگاه خاصی دارد. در اینجا ابتدا نحوه استدلال فقها به بنای عقلاً و سپس تحلیل بنای عقلا و مبنای حجیت آن بررسی می شود.

۱- نحوه استدلال فقها

یکی از دلایل برای اثبات مشروعیت حق مالکیت فکری بنای عقلاست که فقها چنین استدلال کرده اند:

حقوقی که از نظر عقلا حق شناخته می شود و آثاری بر آن مترتب می کنند تا دلیل شرعی بر

نفی حق بودن آنها قائم نشود نمی‌توان آنها را نفی کرد و از ترتب آثار آنها جلوگیری نمود.^۱ یا بدین استدلال: «مالیت و ارزش از اعتبارات عقلایی است و تحدیدی از ناحیه شارع مقدس اسلام وجود ندارد. بنابراین در مسأله فوق، حقوق مذکوره شرعاً معتبر و لازم‌الرعايه می‌باشند»^۲.

نیز چنین استدلال شده است:

درباره حق تألیف و حق امتیاز و مشابه آنها یادآور می‌شویم: «هرنوع عملی که در نظر عرف و عقلاً منشا حقوق باشد، رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم است و شرعاً حرام می‌باشد»^۳. و بیانات دیگری که از آنها در مجموع چنین استفاده می‌شود که اگر عقلاً برای چیزی ارزش قائل باشند و آن را حق یا منشا حقی بدانند تا زمانی که رد و ردع شرعی بر آن وارد نشده، این اعتبار عقلایی معتبر و لازم‌الرعايه است.

۲- مبنای حجیت بنای عقلاء و سیره‌های جدید عقلاً

در مبنای اعتبار بنای عقلاء دو نظریه مطرح و بحث می‌شود: ۱- بناء عقلاً براساس سنت؛ ۲- بناء عقلاً براساس عقل.

۲-۱- بناء عقلاً براساس سنت

آنچه مشهود است و اکثر قریب به اتفاق فقهاء و اصولیون گفته‌اند این است که اساس حجیت بناء عقلاء سنت است؛ یعنی اعتبارات عقلایی تا از پشتوانه امضای شارع برخوردار نباشد نمی‌تواند منبع حکم شرعی شناخته شود. این امضاء می‌تواند از این طریق باشد که مشمول نصوص و اطلاعات لفظی باشد و ممکن است از راه تقریر معصومین عملی شود. و در این زمینه گفته می‌شود: همین که آنها نسبت به این اعتبارات و توافقه‌های عرفی و عملی سکوت

۱- محمدفاضل لنکرانی، ص ۲۱۰.

۲- محمدحسن مرعشی‌شوشتری، فصلنامه رهنمون، همان.

۳- جعفر سبحانی، فصلنامه رهنمون، ص ۲۰۷.

کرده و آن را نفی نکرده باشند، خود کاشف از تقریر و امضاء است؛ زیرا سکوت در برابر سیره عملی، که در شرع صحیح نیست، با رسالت ارشاد و ابلاغ احکام الهی، که آنان بر عهده دارند، موافق نیست.

بنابراین، روش‌های عقلایی که مستحدث بوده و در زمان شارع سابقه نداشته است نیز، اگر مشمول اطلاق یا عموم لفظی باشد که از طرف شریعت به ما رسیده است، مانند شمول حکم کلی اوفوا بالعقود نسبت به قراردادهای جدید، به این طریق اعتبار پیدا می‌کنند و این امضاء خواهد بود. اما اگر چنین نصی، وجود نداشته باشد و سیره عملی را بخواهیم از راه سکوت و تقریر امام و امضایی که از این طریق به دست می‌آید، تمام شده قلمداد کنیم، این قسم نسبت به اعتبارات عقلایی جدید، معنی نخواهد داشت، زیرا در عصر امام (ع) وجود خارجی نداشته تا گفته شود سکوت نسبت به آن، با رسالت او در هدایت مردم ناسازگار است؛ و بنابراین، دلالت بر امضاء دارد و بر همین اساس است که اکثر قریب به اتفاق محققین معاصر در حجیت بنای عقلاء کاشفیت آن را از نظر شارع لازم می‌دانند.

در عین حال چند راه برای اعتبار شرعی بنای جدید عقلاء بیان می‌شود که دو طریق آن براساس همین مبنا است که بناء عقلاء مستند به سنت است: الف - امضاء اعتبارات جدید عقلایی با لحاظ ابدی بودن دین؛ ب - واگذاری اعتبار امور عقلایی به عقلاء.^۱

الف) امضاء اعتبارات جدید عقلایی با لحاظ ابدی بودن دین: همان‌طور که رسالت معصومین (ع) در مورد ابلاغ احکام الهی ایجاب می‌کند که اگر برخلاف سیره و روش عملی رایج میان عرف، در زمان خودشان، نقطه‌نظری دارند آن را بیان کنند و با سکوت خود بر آنچه خلاف نظر شارع است صحنه نگذارند، لذا منع نکردن از آن نشان دهنده هماهنگی شرع و عرف است. این استدلال در اعتبارات عرفی و عقلایی، که با تحولات اجتماعی به وجود می‌آید و جزء ارتکازات عمومی است، نیز جریان دارد؛ زیرا از طرفی رسالت پیشوایان دین مقطعی نیست و زمان و مکانی نمی‌شناسد و از طرفی دیگر، آنها در حجاب

۱- محمود عبداللّهی، «بناء عقلاء»، به نقل از: مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی،

زمان و مکان نیستند و مانعی برای آگاهی از آینده و تحولاتی که به وجود می‌آید ندارند و بنابراین، کرسی تشریع و ابلاغ احکام الهی، ایجاب می‌کند که اگر انحرافی در ارتکازات و سیره عملی آیندگان پیش‌بینی می‌کنند آن را یادآور شوند.

حضرت امام خمینی در زمینه رجوع جاهل به عالم در مسأله تقلید که از ارتکازات عقلایی است ضمن برشمردن اشکالی چنین پاسخ می‌دهند:

ائمه^(ع) می‌دانستند که علماء شیعه بعد از غیبت امام زمان^(ع) با توجه به محروم شدن از دریافت احکام به شکل حضوری چاره‌ای نخواهند داشت جز اینکه به کتابهای خبری مراجعه کنند و عوام نیز طبعاً برحسب یک امر ارتکازی و عقلایی که جاهل به عالم مراجعه می‌کند به آنها مراجعه کرده و احکام را از آنان دریافت می‌کنند بنابراین، اگر این روش، از نظر ائمه^(ع) اشکال داشت می‌بایست یادآور شده و تذکر داده باشند، زیرا بین این سیره و بناء عملی عقلا (که متصل و هم‌عصر آنها باشد) و دیگر سیره‌ها، تفاوتی وجود ندارد.^۱

بنابراین با در نظر گرفتن دو ویژگی: ابدی بودن دین و آگاهی معصومین^(ع) از آینده باید گفت سیره‌های عملی و اعتبارات جدید عقلاء، براساس ارتکاز در روابط اجتماعی خود، اگر ممنوعیتی نسبت به آن نرسیده باشد، امضاء شده و معتبر قلمداد می‌شود. در مورد این نظریه به اشکالات زیر باید پاسخ داده شود:

۱- ممکن است از طرف شارع نسبت به چنین سیره‌هایی منع وارد شده باشد. ولی به این دلیل که محل ابتلا نبوده و به مخیله احدی نمی‌رسیده، به ما نرسیده و مخفی مانده است؛ بنابراین راهی برای کشف اینکه شارع آن را امضاء کرده است وجود ندارد.

۲- این امر که بر رهبران دینی لازم باشد که اگر منعی در سیره عقلایی، که ده قرن بعد پیش خواهد آمد، پیش‌بینی کرده و با استفاده از علم غیب آن را بیان کنند، روشن نیست و مثال ذکر شده (رجوع جاهل به عالم) بر مقصود که اعتبار بخشیدن به تمام سیره‌های امروزی عقلاء است، کافی و واضح نیست.

ب) واگذاری اعتبار امور عقلایی به عقلاء: راه دیگر بر یافتن اعتبار شرعی برای بناهای

عقلایی جدید، با حفظ همین مبنا، که باید بناء عقلا به امضاء و تقریر معصوم^(ع) برسد، این است که استقراء نشان می‌دهد در عصر پیامبر^(ص) و ائمه معصومین^(ع) سیره‌های زیادی در روابط اجتماعی عقلاء وجود داشته که همه آنها امضاء شده است. مانند پذیرفته شدن اقرار اشخاص علیه خویش، تسلط حقوقی افراد بر آنچه مالک هستند، لزوم پای‌بندی افراد به قراردادهای وجود حق به هم زدن قراردادها در یک سلسله از شرایط همانند غبن، تخلف و صف، که پذیرفته شدن این امور در شرع، نشان می‌دهد که به طور کلی آنچه را که عقلاء نه بر پایه رسوم خاص، جغرافیا، فرهنگ ویژه و یا عواطف بلکه عقلاء بماهیم عقلاء بر آن توافق کرده و اعتبار می‌کنند، شارع امضاء کرده است. و به عبارت دیگر اعتبار این امور که از امور تبعیدی نیستند را به خود آنها واگذار کرده است. بنابراین، دیگر سیره‌های معاصر امام معصوم خصوصیتی نخواهد داشت، بلکه امضای آنها را باید امضای کلی از اعتبارات عقلایی تلقی کرد.

اما اشکال وارده بر این نظر چنین است: بر فرض که چنین امری با استقراء کاملی به دست بیاید، باید توجه داشت که امضاء بناء عقلاء در هر زمان همراه با محدودیتهایی بوده است. لذا این احتمال وجود دارد که اگر سیره‌های عملی امروز در آن زمان وجود داشت، با محدودیت و تغییر و تصحیح امضاء می‌شد؛ در نتیجه نمی‌توان، به طور مطلق سیره‌ها و اعتبارات عقلایی جدید را با استدلال فوق پذیرفت و معتبر دانست.

۲-۲. بناء عقلاء بر اساس عقل

در مسأله حجیت بناء عقلا، نظریه دیگر این است که روش عملی عقلاء نه خود موضوعیت دارد و نه بدین جهت که به سنت برمی‌گردد معتبر است بلکه مستند آن حکم بدیهی عقل است؛ عقلی که در کنار کتاب و سنت یکی از منابع استنباط احکام شمرده می‌شود و باید گفت که حکم قطعی عقل تنها در موضوعاتی است که از مسائل ضروری و بدیهی (مثل حسن و قبح) باشد و بدین صورت با ملازمه حکم عقل و شرع، اعتبار شرعی پیدا می‌کند. آیت‌الله بروجرودی از فقهای معاصری است که حداقل در برخی موارد، بناء عقلاء را

این‌گونه تحلیل کرده است.^۱ مرحوم میرزا حسن آشتیانی در حاشیه بر رسائل در طی عبارات مفصلی، همین مبنا را در مطلق بناء عقلا تبیین کرده است. او بر خلاف مرحوم شیخ و سایر اصولیون می‌گوید:

اعتبار بناء عقلاء به حکم عقل پیوند دارد و البته حکم عقل نیز باید به مهر و امضای شارع رسیده باشد. اما از باب تلازم بین حکم عقل و شرع، نه از جهت نیاز به تقریر معصوم و سنت.^۲

این تحلیل طبق مبنای دوم در عموم اعتبارات عقلایی مطرح می‌شود. در قاعده‌ی ید، اصالة الصحه، اصالة الزوم و... در مورد حق مالکیت فکری براساس این مبنا چنین می‌توان استدلال کرد که در روابط اجتماعی امروز عرف و عقلا برای کارهای فکری مثل تألیف کتاب، فیلم و... حق و امتیاز قائل است و این اعتبار عقلایی بر این اساس است که نادیده گرفتن آن موجب اختلالات مختلف فرهنگی - اقتصادی در جامعه می‌شود و عقل در این زمینه حکم بدیهی دارد بر قبح و محکومیت عملی که اختلال نظام را به دنبال دارد و با قاعده ملازمه، حکم شرع نیز چنین است.

در مورد توضیحات فوق، اشکالات زیر باید بحث و بررسی شوند:

الف - در اینکه یک دسته از سیره‌های عقلایی قابل برگشت به حکم بدیهی عقل و حسن و قبح عقلی است، تردیدی نیست ولی آیا این مطلب در مورد تمام سیره‌های عقلایی صادق است؛ مثلاً، یکی از ادله صحت معاطات سیره عقلاست که عقلا در عموم جوامع، معاملات خود را بدون اجرای صیغه عقد انجام می‌دهند و منعی هم از طرف شارع نرسیده است پس دلیلی است بر صحت معاطات. ولی آیا می‌توان مبنای این روش عقلایی را به حسن و قبح عقلی تحلیل کرد که مثلاً لازم دانستن اجرای صیغه عقد موجب اختلال نظام اقتصادی و اجتماعی می‌شود و عقل حکم بدیهی و قطعی بر لزوم اجتناب از آن دارد.

۱- آشتیانی، بحرالنفوذ، ۱۳۱۵ق، ج ۱، صص ۵۲ و ۵۳.

۲- «... الوجه فی اعتبار بناء العقلاء فی المقام علی فرض تحققه بل فی کل مقام هو کشفه عن حکم العقل...»

برای توضیح بیشتر: ر.ک: شیخ مرتضی انصاری، کتاب مکاسب، ص ۸۳.

ب - اعتبارات عقلایی معلوم نیست همیشه در همان چهارچوب واحدی قرار گیرد که فساد نظام باشد و عقل فراهم آوردن موجبات آن را تقبیح و محکوم کند؛ به عنوان مثال نادیده گرفتن حق تألیف و به طور کلی حقوق فکری، موجب اختلالات مختلف می‌گردد و با حکم بدیهی عقل به ناپسندی و لزوم اجتناب از آن، عقلاً برای به وجود آورنده این آثار، امتیاز و حقوقی اعتبار می‌کنند که این اعتبار همیشگی است در صورتی که اگر مثلاً، برای به وجود آورنده اثر ده یا بیست سال حق اعتبار کنند و بعد از آن اجازه نشر و تکثیر آن را به دیگران بدهند معلوم نیست دیگر اختلال نظام به وجود آید و بناء عقلاً در این مرحله که زاید بر مرز اختلال نظام است، پشتوانه‌ای برای حجیت از عقل ندارد.

بنابراین می‌توان گفت، تنها آن دسته از بناهای عقلایی که به طور روشن به حکم قطعی عقل برمی‌گردد در همان حدی که حکم بدیهی عقل بر منع و ردع آن است می‌تواند از اعتبار شرعی برخوردار شود و نیازی به شمول اطلاق لفظی یا امضاء شارع ندارد و خارج از این حد و مرحله اگر چه اعتبار عقلایی به شمار آید، ولی حجیتی نخواهد داشت.

مبحث دوم - عرف

الف) نحوه استدلال فقها

یکی دیگر از مستندات اقامه شده بر مشروعیت حق مالکیت فکری، استناد و استدلال به عرف است. در این زمینه چنین اظهار نظر شده است:

ما همواره موضوعات را از عرف می‌گیریم و احکام را از شرع، مثلاً وقتی می‌گوییم قمار حرام است، حکم تحریم از قرآن و احادیث اسلامی گرفته شده است؛ اما موضوع قمار چیست؟ بسته به تشخیص عرف است.^۱

در مورد مالکیت‌های فکری نیز مسأله همین‌گونه است. اسلام می‌گوید ظلم و ستم و تجاوز به حق دیگران حرام است. این حکم از اسلام گرفته شده است، اما موضوعش یعنی ظلم و ستم و تجاوز به حق، موضوعی است که از عرف گرفته می‌شود. و امروزه تقریباً همه عقلای

دنیا، این مسأله را به عنوان یک حق شناخته و سلب آن را ظلم می‌دانند. همچنین گفته شده است:

کسی حق ندارد در ملک دیگری بدون رضای او تصرف کند. این حکم نیز، از اسلام گرفته شده است، اما موضوعش که انواع مالکیت است، از عرف گرفته می‌شود.^۱

در توضیح این استدلال باید گفت که جایگاه و نقش عرف در استنباطات فقهی شامل موارد زیر است:

فهم ظهورات از طریق برطرف کردن ظهور لغوی. تشکیل مدلول التزامی، تعیین مراد جدی متکلم، تبیین مفهوم عناوین شرعی، تطبیق مفاهیم بر مصادیق، توسعه مصداقی موضوع دلیل، کشف حکم شرعی و بالاخره تعیین موضوع حکم شرعی است که در استدلال فوق مورد توجه قرار گرفته بود.^۲ برای تبیین این کارکرد عرف که در این مقال بیشتر مورد نظر است به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

«مبیع اگر معیوب باشد مشتری اختیار فسخ دارد. مرجع تشخیص عیب دار بودن بیع، عرف است. ربای معاملی در اموالی که مکیل و موزون است حرام می‌باشد ولی در اموالی که عددی معامله می‌شوند جایز است. عرف مشخص می‌کند که چه مالی مکیل و موزون است. بیع آلات قمار، حرام است. داوری در اینکه چه چیزهایی آلات قمار محسوب می‌شوند با عرف است».^۳

همان‌طور که در موارد مذکور ملاحظه می‌شود، نقش عرف تنقیح موضوع احکام شرعی

۱- همان، ص ۲۱۱.

۲- برای اطلاع بیشتر از جایگاه و نقش عرف در فقه و استنباطات فقهی به کتب فقهی از جمله منابع ذیل مراجعه شود: بحوث فی علم الاصول، شهید صدر؛ الاصول العامه للفقهاء المقارن، سید محمدتقی حکیم؛ مفتاح الکرامه، جواد الحسین العاملی؛ اجواد التقريرات، آیت‌الله خویی و...

۳- احمد واعظی، «نقش عرف در استنباط فقهی»، به نقل از مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، ص ۴۳.

به نحو ثبوتی است. یعنی شارع مقدس تشخیص نحوه موضوع را به عرف موکول کرده است؛ نه اینکه زمام امر موضوعاتی از این قبیل و میزان و حدود آنها به دست شارع باشد و عرف تنها طریق اثباتی درک آنها باشد. پس در این موارد احتمال خطای عرف و رویه عقلا و تخلف آنها از مراد شارع اساساً تصور نمی‌شود و موضوع ندارد.

مرحوم شهید صدر صورتی را تصویر می‌کنند که عرف در تنقیح موضوع به نحو اثباتی سهیم است نه ثبوتی. مثال ایشان این است که در دلیل شرعی «المؤمنون عند شروطهم» مؤمنین موظف به رعایت شروط خود شده‌اند. اعم از اینکه به این شروط در ضمن عقد تصریح کنند و یا به نحوی دیگر، لزوم رعایت آن شرط مورد التفات طرفین باشد.^۱

در توضیح می‌توان گفت که ما از تبانی عقلا و سیره ایشان بر اینکه راضی به غبن نیستند کشف می‌کنیم که ظاهر حال عقلا این است که در هر معامله‌ای، به نحو ضمنی شرط کرده‌اند که تفاوت فاحش در مالیت، بین عوض و معوض نباشد و اگر باشد طرف مغبون راضی به معامله نیست. در اینجا مشاهده می‌کنیم که بنای عرفی و سیره عقلایی به عنوان طریق کشف از وجود واقعی شرط، ایفای نقش کرد.

تفاوت این قسم با قسم اول (تنقیح موضوع ثبوتاً) این است که در قسم اثباتی شخص می‌تواند خود را از تحت سیره خارج کند، مثلاً تصریح کند که چنین شرط ختمی را ندارد و تفاوت در مالیت برای او چندان مهم نیست لذا نمی‌توان به سیره تمسک کرد و وجود شرط از طرف او را اثبات کرد، پس خیار غبن برای چنین کسی ثابت نمی‌شود.

اما در قسم اول اگر چه شخصی تصریح کند که من تلقی عرف را ندارم و خود را از سیره عقلایی رد این مورد خارج می‌کنم، حکم بر او ثابت است. مثلاً نفقه را باید بر طبق عرف رایج پرداخت کند. شیئی را که عرف آلت قمار می‌داند واقعاً آلت قمار است و لذا او خود را همسو با عرف نداند و سر مطلب آن است که موضوع حکم ثبوتاً و واقعاً در گرو تلقی عرف است.

ب) عرف و مبنای حجیت آن

عرف در لغت به معنای امر شناخته شده، کاکل اسب، تاج خروس، بلندای کوه، موج دریا، نیکویی، سخاوت و جوانمردی و...^۱ آمده است. در المعجم الوسیط چنین آمده است:

العرف: المعروف و هو خلاف النکر، و ما تعارف علیه الناس فی عاداتهم و معاملاتهم.^۲

لسان العرب ماده عرف را این‌گونه تعریف کرده است:

والعرف والعارفة والمعرف واحد ضد النکر، و هوکل ما تعرفه النفس من الخیر و تطمئن الیه.^۳

در اصطلاح عرف چنین تعریف شده: عرف آن چیزی است که عقلای جامعه از سنن و سیره‌های نیکو در میان خود جاری می‌دانند، برخلاف آنچه که عقل اجتماعی آنها را انکار می‌کند.^۴

مرحوم فیض کاشانی می‌گوید:

عرف دستوری است که عامه مردم، میان خود وضع کرده باشند و برخود لازم و واجب ساخته که به آن عمل نمایند و مخالف آن را قبیح شمرند...^۵

به نظر می‌رسد معنای اصلی عرف امر شناخته شده و معروف در مقابل نکر باشد و معانی دیگر، مصادیق آن هستند و اغلب تعاریف شرح‌الاسمی است. قدر جامع بین همه تعاریف عنصر تداول و شیوع و اطراد یک عمل و رفتار است. اما باید

۱- رشید شرتونی، اقرب الموارد، ذیل عرف.

۲- المعجم الوسیط، ذیل عرف.

۳- ابن منظور، لسان العرب، ذیل عرف.

۴- محمد حسین طباطبائی، تفسیرالمیزان، ج ۸، ص ۸۹، «العرف هو ما يعرفه عقلاء المجتمع من السنن و السیر الجمیلة الجاریة بینهم، بخلاف ما ینکره العقل الاجتماعی من الاعمال النادرة الشاذة».

۵- آیینة شاهی، (ضمیمه بقاء و زوال دولت)، ص ۲۳۷.

دانست عناصر زیر داخل در مفهوم عرف است: ۱- در مستحسن بودن؛ ۲- الزام آور بودن؛ ۳- شیوع و اطراد. و نیز مراد از عرف در اینجا عرف عملی است که اعم از عرف عام و خاص است.^۱

آنچه در تعریف و توضیح عرف آمد شاید القاء‌کننده این امر باشد که عرف مرادف بناء یا سیره عقلاست. در ابتدا در تعریف سیره عقلایید گفت: پای‌بند بودن عقلای را، از آن روی که عاقلند به روش ویژه‌ای، بنای عقلای می‌نامند و اگر این پای‌بندی در امور دینی باشد غالباً بدان سیره متشرعه می‌گویند و مقصود از عقلاء نیز تمام عقلاست؛ بما هم عقلاء. مرحوم نائینی در تعریف سیره عقلاء گویند:

و اما طريقة العقلاء فهی عبارة عن استمرار عمل العقلاء بما هم عقلاء علی شئ سواء انتحلوا الی ملة او دین...^۲

و اما طريقة عقلا عبارتست از استمرار عمل عقلا از آن روی که عاقل هستند در موردی که به قوم یا دین و آیینی اختصاص نداشته باشد. شهید صدر نیز گوید:

سیره العقلاء عبارة عن میل عام عند العقلاء - المتدینین و غیرهم - نحو سلوک معین دون ان للشرع دور ایجابی من تکوین هذا المیل، و مثال ذلك المیل العام لدى العقلاء نحو الاخذ بظهور کلام المتکلم.^۳

۱- برای اطلاع بیشتر از تقسیمات عرف به منابع زیر مراجعه کنید:

الف - سید محمد تقی حکیم، اصول العامة للفقهاء المقارن، صص ۴۱۷-۴۲۶.

ب - امام خمینی، الرسائل، صص ۱۲۳-۱۳۲.

ج - وهبه الزحیلی، اصول الفقه الاسلامی، ج ۲، صص ۸۲۸-۸۳۷.

د - محمود سلجوقی، نقش عرف در حقوق مدنی ایران.

ه - سید محمد باقر صدر، مباحث الاصول، تقریر سید محمد کاظم حسینی حائری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی،

۱۴۰۷ق، صص ۱۹۳-۱۳۵.

۲- فوائداصول، تقریر شیخ محمد علی کاظمی، ج ۳، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۳- المعالم الجديدة الاصول، ص ۱۶۸.

بناء و سیره عقلاء عبارتست از گرایش و میل عام عقلا از متدینین و غیر آنها مانند داشتن روش معین و ویژه‌ای بدون اینکه شرع نقش تعیین کننده‌ای در پیدایش این گرایش داشته باشد. همانند اخذ به ظهور کلام در میان عقلاء.

حال در وجوه تمایز عرف و بنای عقلاء می‌گوییم: عرف در تقسیمی دو قسم است عرف خاص و عرف عام، عرف خاص عبارتست از عرف متداول در محل معین و یا بین طبقه و صنف معینی نظیر عرف تجار و...؛ و عرف عام عبارتست از عرف متداول بین گروهی از مردم که جهت جامع صنفی و دسته‌ای نداشته باشند. نظیر عرف یک محل معین.

عرف خاص را نمی‌توان عرف عقلا نامید اما به معنای وسیعی می‌توان عرف عام را عرف عقلاء نامید. البته نمی‌توان آن را با بنای عقلاء یکی دانست زیرا بناات عقلایه اموری هستند که هر عاقلی بر آن معترف است و اختصاص به مذهب و مملکت و محل خاصی ندارد لذا دارای دو ویژگی همیشگی و همه جایی بودن است. پس بناات عقلایه را می‌توان نوعی عرف عقلاء - به معنای وسیع آن - قلمداد کرد ولی با عرف متعارف یکی نیست.

نظر علامه طباطبایی در تفاوت عرف و سیره عقلاء چنین است:

موضوع سیره عقلاء همیشه احکام کلی است که از فطرت اجتماعی عقلاء سرچشمه می‌گیرد به گونه‌ای که جامعه از آن احکام بی‌نیاز نیست پس بناء عقلاء در حکمی محقق می‌شود که به چیز دیگری غیر از خود مستند نباشد....^۱

بنابراین مسائلی از قبیل عمل به ظواهر کلام، عمل به خبر ثقه، تقدیم خاص بر عام، رجوع جاهل به عالم و... از مصادیق سیره عقلاء است اما احکام جزئی همانند انصراف لفظ به معنای غیر لغوی و امثال اینها از مصادیق عرف به شمار می‌آید. چراکه ویژگی بناء و سیره عقلاکلیت و عموم و شمول آن در میان کل عقلاء است نه جمعی و قومی و ملتی.

بحثی که ذکر آن در اینجا ضروری است مسأله حجیت عرف و بویژه عرف جدید است. در نظر فقهای عامه عرف به عنوان دلیل مستقل در کنار سایر ادله مانند کتاب و سنت،

کاشف از حکم شرعی است.^۱ ولی این دیدگاه مورد قبول فقهای امامیه نیست. عمده فقهای شیعه، حجیت عرف را مشروط به امضاء یا عدم ردع از ناحیه معصوم^(ع) می‌دانند و عرف را به خودی خود حجت نمی‌دانند. علت نیازمندی به امضاء یا عدم ردع از جهت حجیت عرف و همچنین بنای عقلا «این است که بنای عرف و عقلا از جمله حجت‌های قطعی در مقام کشف واقع نیست، زیرا ممکن است شارع راهی را که اینها می‌پیمایند خطا بداند و فرق میان عرف و حکم عقل این است که عقل با توجه به اینکه بر مصالح و مفاسد واقعی اطلاع دارد می‌تواند در آن موارد حکم صادر کند ولی در بناهای عرف و عقلا اطلاع بر مصلحت و مفسده واقعی شرط نیست... بسیاری از مسائل اجتماعی از بناهای عرف سرچشمه گرفته است. ولی در عین حال، کاشف از واقع نیست... ولی با تقریر و امضای معصوم^(ع) یا عدم ردع آن، مکلف قطع به حجیت آن و تکلیف الهی خویش پیدا می‌کند».^۲

بدیهی است که این معیار حجیت تنها در مورد عرف‌هایی معتبر و جاری است که در زمان شارع بوده و شارع آنها را امضاء کرده یا در مرئی و مسمع ائمه^(ع) بوده است و با تقریر یا عدم ردع آنها حجت می‌شوند اما تحولات سریع در جوامع بشری و تغییرات بی‌سابقه در ابعاد مختلف زندگی انسان، سبب ایجاد سیره‌های عملی مستحدث و متناسب با نیازهای جدید زندگی انسانها می‌شود. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که برای احراز موافقت شارع در مورد روشها و سیره‌های مستحدث و رویه‌های عرفی جدید همانند حق مؤلف و حق ابتکار چه طرقی را فقها و اصولیین پیش‌بینی کرده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال اساسی، چند نظریه مطرح و نقد می‌شود:

الف) تمسک به قرآن: در سوره اعراف آمده است: «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین»^۳ عده‌ای کلمه عرف در این آیه شریفه را ناظر به سنت‌هایی که عقلا در میان خود برای حفظ نظامشان متداول کرده‌اند، می‌دانند و این تفسیر از عرف را به اغلب مفسرین اهل

۱- ابن عابدین، مجموعه رسائل ابن عابدین، ص ۱۱۳.

۲- حکیم، اصول العامه للفقهاء المقارن، ص ۱۹۸.

۳- اعراف (۷): ۱۹۹.

سنت و برخی از مفسرین شیعه از جمله شیخ طبرسی و علامه طباطبایی نسبت می‌دهند. شیخ طبرسی در ذیل آیه می‌گوید:

عرف عبارتست از هر روش و خصلتی پسندیده که عقول مردم، خوبی و درستی آن را تشخیص دهند و نفوس مردم در پرتو آن آرامش می‌یابند.^۱

و نظر علامه طباطبایی نیز چنان که ذکر شد عرف را عبارت از سنتها و سیره‌های خوبی می‌دانند که در میان عقلا متداول است.

همان گونه که اشاره شد عرف و معروف استعمال وسیعی دارد و شامل اخلاقیات مقبول و رایج بین مردم، عادات و سنن اجتماعی لازم‌الرعایه، بنائات و اعتبارات رایج در ابواب معاملات و سیره‌های عام عقلایی به منظور حفظ نظام اجتماع نیز می‌شود. پس باید دید مراد از واژه عرف در آیه شریفه چیست؟

آیه ۱۹۹ سوره اعراف آیه‌ای اخلاقی و حاوی سه پند اخلاقی است، و جمله و أمر بالعرف در میان دو جمله‌ای واقع شده است که مسلماً حاوی پندی اخلاقی است. پس نمی‌توان از کلمه عرف اطلاق گرفت و آن را شامل تمامی موارد استعمال عرف یا همه گسترده‌گی آن دانست. و شاهد بر این روایت مشهور نبوی است که اغلب مفسرین در ذیل این آیه نقل کرده‌اند:

قال رسول الله (ص)

«إِنَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَتَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَتُعْطِيَ مَنْ حَرَمَكَ» ثُمَّ تَلَا النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ».

ترجمه: اخلاق شایسته و نیکو نزد خداوند این است که کسی را که به تو ظلم کرده عفو کنی؛ با کسی که از تو قطع ارتباط کرده صله رحم نمایی و به کسی که تو را محروم کرده عطا و بخشش نمایی سپس پیامبر (ص) آیه فوق را تلاوت فرمودند.

ب) تمسک به دلیل انسداد: گروهی مدعی شده‌اند که، اگر دلیل انسداد باب علم مورد توجه

قرار گیرد، حجیت و اعتبار عرفهای مستحدث اثبات می‌شود. نتیجه توجّه به دلیل انسداد حجیت ظن مطلق است؛ یعنی ظن به حکم شرعی از هر منبع و مأخذی.

دلیل انسداد شامل چند مقدمه است که نتیجه فوق را به دنبال دارد. این مقدمات به اختصار چنین‌اند: مقدمه اول، علم اجمالی به ثبوت تکالیف زیادی در شریعت داریم؛ مقدمه دوم، علم قطعی پیدا کردن بر معظم آن احکام برای ما مقدور نیست و به اصطلاح باب علم نسبت به آنها منسد و مسدود است. از طرفی باب علمی نیز منسد است. مراد از باب علمی راه و طریقه‌ای است که گرچه به لحاظ واقع برای ما علم آور نباشد، اما شارع تعبداً آن را به عنوان طریق تحصیل علم به احکام شریعت پذیرفته باشد؛ مقدمه سوم، نمی‌توان نسبت به این تکالیف اجمال کرد و خود را فارغ از تکالیف شرعی دانست و نیز نمی‌توان در همه موارد احتیاط کرد؛ مقدمه چهارم، اموری وجود دارند که موجب ظن به حکم شرعی می‌شوند. پس لازم است این امور مورد توجّه قرار گیرند بنابراین مطلق امور ظن آور مادامی که از آنها نهی نشده باشد حجت است.

براین اساس «هرچه موجب ظن به حکم شرعی شود معتبر خواهد بود ولو سیره عرفی باشد که کاملاً مستحدث است. گاهی دلیل انسداد به گونه‌ای تقریر می‌شود که فقط حجیت و اعتبار ظن خاصی را به دنبال دارد که به آن انسداد صغیر گفته می‌شود و گاهی برای اثبات حجیت مطلق ظن به حکم شرعی در جمیع حیثیات و جهات دخیل در استنباط حکم شرعی به دلیل انسداد متمسک می‌شویم که در این صورت انسداد کبیر نامیده می‌شود. آنچه به کار اثبات حجیت سیره‌های مستحدث می‌آید، اثبات انسداد کبیر باب علم است نه انسداد صغیر». ^۱ گفتنی است که همه جوانب تمام مقدمات دلیل انسداد در کتب اصولی مطرح و بررسی شده که ذکر همه آن مباحث در اینجا ما را از غرض این نوشتار دور می‌کند. تنها دو اشکال را که به مقدمات دلیل انسداد وارد شده مطرح می‌کنیم: اشکال اول، این است که این علم اجمالی که در مقدمه اول به آن اشاره شده به واسطه مجموع دلایلی که در فقه بر احکام شرعی اقامه شود، منحل و بر اثر این انحلال محدوده علم اجمالی شامل کل افعال و کل موارد مشکوک‌الحکم نیست بلکه این علم اجمالی کبیر جای خود را به علم اجمالی

محدودتری می‌دهد یعنی علم اجمالی به وجود تکالیف شرعی واقعی در دایرهٔ مواردی که اماره‌ای بر حکم اقامه شده است و در غیر این موارد صرفاً شک به وجود حکم واقعی است؛ نه علم اجمالی به وجود حکم و در این صورت در محدودهٔ علم اجمالی صغیر می‌توان به مقتضای امارات عمل کرد. حتی احتیاط کرد و عسر و حرجی نیست و خارج از دایرهٔ علم اجمالی یعنی در موارد شک، نیز می‌توان اصول عملیه را رعایت کرد، بدون هیچ مشکلی. پس محلی برای حجیت مطلق ظن باقی نمی‌ماند.

اشکال دوم، به مقدمهٔ دوم است؛ در اینکه باب علم به احکام بسته است، شکی نیست ولی باب علمی و حجت تعبدی بسته نیست. ما حجیت، لااقل، دو امارهٔ مهم یعنی ظهورات و خبر واحد ثقه را اثبات می‌کنیم و این دو حجت شرعی معظم فقه را پوشش می‌دهند. پس از این طریق و طرق دیگر به معظم مسائل فقهی یا علم داریم یا علم تعبدی و حجت شرعی. (ج) عهد و عقد بودن سیره‌های عرفی^۱: از آیاتی نظیر اوفوا بالعقود^۲ و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا^۳ استفاده می‌شود که آنچه عرفاً عقد و عهد تلقی می‌شود شرعاً معتبر و لازم‌الوفاء است. موضوع این حکم یعنی عقد و عهد عرضی، اطلاق دارد و صرفاً مختص آن مواردی نیست که در زمان نزول آیات یا در صدر اسلام به عنوان عهد و عقد شناخته شده‌اند، بلکه شامل انواع عقدهای عرفی که مستقیماً مورد نهی شارع قرار نگرفته‌اند، می‌شود.

بنابراین، عقدها و قراردادهای مستحدث که به مرور زمان در میان جامعه رواج پیدا می‌کنند داخل در موضوع این آیات هستند و لزوم وفا دارند. با توجه به این، می‌توان گفت که حق مؤلف نزد عرف مال محسوب می‌شود و بنای عرف بر احترام این حق است که باعث مشروعیت دریافت وجه مؤلف در قبال خود می‌شود. پس بنا و سیرهٔ عرف، پشتوانهٔ صحت معاملات واقع شده بر حق مؤلف است.

۱- گرجی، مشروعیت حق...، ص ۱۲۲؛ امیر صادقی نشاط، حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار کامپیوتر، ص ۲۹؛ واعظی، همان، ص ۷۰؛ سیدکاظم حسینی حائری، فقه‌العقود، ص ۱۶۵.

۲- مائده (۵): ۱.

۳- بقره (۲): ۱۷۷.

بنائات عرفی و سیره‌های عقلایی، در واقع نوعی عقد و عهد و قرارداد اجتماعی هستند و مانند سایر عقود که بین دو طرف منعقد می‌شوند مشمول ادله لزوم وفا به عهد و عقد هستند.

اشکالی که به این نظریه وارد شده این است که اگر چه شرع معمولاً امر تشخیص مال بودن یا نبودن امور را به عرف موکول کرده است و آنچه نزد عرف مال است نزد شرع نیز مال خواهد بود، اما این مطلب در جایی است که عرف صرفاً به عنوان کاشف و طریق نگریسته شود، نه جعل کننده و اعتبار کننده مالیت و در موارد مذکور عرف معتبر و جاعل حق است. در این صورت باید دید که آیا شرع نیز چنین حقی برای مؤلف یا مخترع قائل است یا نه؟ (د) مرجعیت عرف در امور اجتماعی و عقلایی^۱: نظریه دیگر درباره اعتبار سیره‌های مستحدث، بر این نکته تکیه دارد که شرع مقدس دست عرف و عقلا را در امور مربوط به تمثیت امور اجتماعی و اقتصادی باز گذاشته است. و در امور معاملات و معیشتی، کمتر دیدگاه تأسیسی دارد و بیشتر امضاء کننده است. از آنجا که مسئولیت شرع بر اظهار نظر درباره امور عقلایی ۲۵۰ سال اول اسلام خلاصه نمی‌شود و اسلام برای همه زمانهاست، لذا این دیدگاه امضائی بایستی در تمام قرون و اعصار حاکم باشد، مگر آنکه در جایی خاص، از رویه‌ای عقلایی منع و ردع کرده باشند.

طرفداران این نظریه به سه دسته تقسیم می‌شوند: برخی از ایشان مسأله نظارت شارع بر سیره‌های عقلایی مستحدث را مبهم می‌گذارند و دقیقاً مشخص نمی‌کنند از چه طریقی می‌توان فهمید که شارع مقدس عرفی را تخطئه یا امضاء کرده است. نقطه برجسته در کلام این افراد، تکیه بر آزادی انسان و عرف در ساماندهی اموری است که شرع در آن امور دخالت آشکار نکرده است؛

گروه دوم، به نص شرعی و اصول مسلمة اسلام توجه کرده و آن را محک و میزان سنجش اعتبار امور مستحدثه عقلایی می‌دانند؛ و گروه سوم، کسانی هستند که وضع یک

۱- محمدصادق کاملان، «نقش و قلمرو عرف در فقه»، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام

سری قواعد و قوانین کلی اسلامی را شاخص رد و قبول سیره‌های مستحدث می‌دانند. شکی نیست که اسلام، مؤسس ابواب مختلف معاملات نظیر بیع، اجاره، صلح و هبه نیست بلکه پیش از اسلام هم نکاح، طلاق، قضا، شهادت و اقسام معاملات عرفی و عقلایی در جوامع بشری وجود داشته است. و از طرفی اسلام با این امور عقلایی برخورد مثبت کرده و بسیاری از آنها را امضاء کرده است اما این همه باعث نمی‌شود که ما معتقد شویم در حوزه‌هایی که بیان صریحی از شرع نداریم کار یکسره به دست عرف است و آنچه او تنظیم و تدبیر کند، کاملاً مشروع است. زیرا نمی‌توانیم در این میان نقش اطلاقات و عمومات ادله شرعیه را نادیده بگیریم. همین امر - یعنی نادیده نگرفتن اطلاقات و عمومات ادله - باعث می‌شود که نتوانیم صرفاً جانب نصوص شرعی و مسلمات فقهی را رعایت کنیم و در نتیجه نظر دسته دوم پذیرفتنی نیست و نمی‌توان فقط نصوص شرعی را معیار رد یا قبول سیره‌ها قرار داد.

در مورد نظرات دیگر اگر منظور این باشد که بنا و سیره‌ای با هیچ اصل و حکمی از احکام شریعت مزاحمتی نداشت، حجت است و معتبر، و عمل بر طبق آن جایز خواهد بود، این مطلب را احدی از فقهای معتقد به اصالة البرائه منکر نیست.

حاصل تحقیق در مورد عرف عملی عام و بنائات و سیره‌های عقلایی این شد که مادام به نحوی رضایت شارع را کشف نکنیم، نمی‌توانیم به اعتبار و حجیت آنها حکم کنیم و هیچ سند و دلیلی در کار نیست که ما را ملزم به پذیرش مطلق عرف عام و سیره‌های عقلایی کند و حکایت از امضای کلی و عام سیره‌ها داشته باشد.

به طور مشخص، آنچه مورد انکار واقع شد تلقی عرف به مثابه یکی از منابع استنباط حکم شرعی بود. البته این به معنای ناسازگاری تمام شرع با سیره‌های مستحدث و طرد و عدم مشروعیت همه آنها نیست. بلکه در فقه شیعه راههایی وجود دارد که به کمک آنها می‌توان بخش وسیعی از سیره‌های مستحدث را مورد اعتنا قرار داد.

در اینجا به اختصار راههای موجود برای اعتبار بخشیدن به این سیره‌ها را برمی‌شماریم:
 ۱- برخی از سیره‌ها در واقع، عقود جدید عقلایی هستند، نظیر: حق بیمه، انواع جدیدی از شرکت و مضاربه، که با توجه به توقیفی نبودن ابواب معاملات و وجود عموماتی نظیر اوفوا بالعقود، أحل الله البيع و المومنون عند شروطهم. تمامی اینها، در این عمومات مندرج

می‌شوند و مشروع خواهند بود.

۲- به واسطه شرط ضمن عقد می‌توان التزام به برخی سیره‌ها را عملی ساخت، به عنوان مثال مجموعه قوانین پست و تلفن که حجم زیادی از قوانین را در خود جا داده است، کاملاً مستحدث است و هیچ یک از این قوانین، مستنبط از منابع شرعی نیست و واضح آنها عقلاینه است. لکن در ضمن عقد واگذاری تلفن یا اجیرکردن شرکت برانجام عملیات پستی، طرفین نسبت به اجرا و عمل به قوانین مذکور به واسطه اشتراط ملتزم می‌شوند.

۳- برخی از قواعد و قوانین عقلایی مستحدث را -که واضع آنها عقلا می‌باشند نه شارع- می‌توان از باب امتثال ادله شرعی دعوت‌کننده به نظم و انتظام امور پذیرفت. به عنوان مثال، مجموعه قوانین و قواعد راهنمایی و رانندگی تماماً به واسطه عقلاء وضع شده است و به طور مستقیم جنبه شرعی ندارد اما چون نظم در امور مطلوب شرع است، لذا اجرا و صیانت این قوانین مشروع می‌شود.

۴- برخی از بنائات عقلایی نظیر حقوق دریاها و حقوق مرزهای بین‌المللی، جنبه بین‌المللی دارند. این قواعد عقلایی با واسطه قرارداد و التزامی که هر دولت نسبت به رعایت کردن آنها می‌سپارد، لزوم اجرا پیدا می‌کند و دولت اسلامی نیز از باب وفا به عقد ملتزم به این قواعد می‌شود.

۵- ابتکار و انقلاب فقهی حضرت امام خمینی در لزوم مصلحت‌اندیشی در نظام حکومتی اسلام و اینکه احکام حکومتی نظام اسلامی که بر پایه رعایت ضرورت حفظ نظام و رعایت مصلحت اسلام و مسلمین پی‌ریزی می‌شود، فراتر از چهارچوب احکام فرعیه است که زمینه پذیرش را، برای آن دسته از سیره‌ها و بنائاتی که با برخی ظواهر شرعی ناسازگار است را فراهم می‌کند. البته به این شرط که حاکم اسلامی تشخیص دهد: اعتناء به این بنائات و عرفیات، به مصلحت نظام و مسلمین است. باید گفت که فقهای که حق مؤلف را حقی شرعی نمی‌دانند در نهایت امر، مشروعیت آن را از این طریق یعنی حکم حاکم اسلامی و ولی فقیه مشروع می‌دانند که در هر دوره‌ای با توجه به مصالح جامعه اسلامی حکم به مشروعیت و لزوم رعایت این حقوق می‌نماید.^۱ پس با توجه به این مباحث به نظر

می‌رسد که می‌توان حقوق مؤلف و به طور کلی مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن را حقی شرعی دانست و آن را به عنوان سیره مستحدث و بناء عقلاء در عصر حاضر تلقی کرد و از طرف مذکور به اثبات مشروعیت و اعتبار شرعی آن پرداخت.

مبحث سوم: حکم عقل

الف) نحوه استدلال فقهاء

«ما می‌بینیم عقلاء بماهم عقلاء، با قطع نظر از مکاتب، مذاهب، ادیان، عواطف، عادات و رسوم، نسبت به یک رشته مسائل باید می‌گویند و به یک رشته مسائل نباید می‌گویند. یا نسبت به مسائلی می‌گویند سزاوار است موجود بشود و مسائلی را می‌گویند سزاوار است موجود نشود. این باید‌ها و نباید‌ها جزء آرای محموده و تأدیبات صلاحیه^۱ و مؤدای عقل عملی است و بنا بر قاعده کلمات حکم به العقل حکم به الشرع هرگاه حکم عقل به تحقیق عقلاء بماهم عقلاء وارد شد، شارع مقدس نیز همان را می‌گوید و تخطی نمی‌کند»^۲

امروز در تمام جوامع عقلایی و نظام‌های حقوقی دنیا مسأله مالکیت‌های فکری جزء حقوقی است که برای آن ارزش قائل هستند و مختص به ذی حق است به طوری که غیر از او کسی حق استفاده از این حق را ندارد مگر با اجازه او. و راجع به این سؤال که آیا شارع مقدس هم این حق (حق طبع، حق انتشار، حق اختراع و...) را پذیرفته است؟ گفته شده است:

۱- استاد مظفر درک عقلی حسن و قبح را در قضایای مشهوره منحصر دانسته است. او قضایای مشهوره یا تأدیبات صلاحیه را قضایایی می‌داند که همه عقلا بماهم عقلا بدان اعتراف دارند و بدان حکم می‌کنند.

قضایای محموده یا تأدیبات صلاحیه قضایایی هستند که به خاطر حفظ مصلحت‌های عمومی و حفظ نظام اجتماعی و بقاء نوع انسانی مورد پذیرش آراء بشری است مانند حسن عدل و قبح ظلم. (مظفر، المنطق، ص ۳۳).

۲- موسوی بجنوردی، فصلنامه رهنمون، صص ۲۱۰-۲۱۳ با تصرف.

اگر مقصود از پذیرفتن شرع مقدس، خود شخص رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - و یا ائمه اطهار - علیهم السلام - است که این مسأله را امضاء کرده باشند این امر در زمان آن بزرگواران مرسوم نبوده است که حالا ما بیایم مطرح کنیم: آیا این حقوق را امضاء کرده‌اند یا نه؟ بلکه این یک مسأله حقوقی است که موضوع آن جدید است و چیزی که ما می‌دانیم این است که عقلاء بما هم عقلاء در تمام جوامع اسلامی، مسیحی، یهودی، زردشتی، جوامع الهی و غیر الهی متفقاً برای حق طبع، حق انتشار، حق اختراع و سایر حقوق مشابه ارزش قائل هستند و این مسأله را مختص به ذی حق می‌دانند.^۱

در موضوعاتی که صرفاً عقلایی است شارع مقدس همیشه در مسیر عقلاست و شارع در این مورد چیزی جز عقلاء نمی‌گوید. علت آن فطرت آنهاست؛ فطرت در انسانها مراد است به ارادهٔ تکوینی ذات باری تعالی. هر انسانی هم به فطرت متولد می‌شود کل مولود یولد علی الفطرة، فطرة الله التي فطر الناس علیها^۲؛ هر آنچه عقل سلیم حکم می‌کند شرع هم باید به آن حکم کند و اگر نکند نشانهٔ این است که العیاذ بالله ذات باری تعالی از ارادهٔ تکوینی عدول کرده است.^۳

(ب) حکم عقل و مبنای حجیت آن^۴

قضایای عقلیه بردو قسمند: ۱- مستقلات عقلیه؛ ۲- غیر مستقلات عقلیه منظور از مستقلات عقلیه اموری است که حاکم علی الاطلاق در آنها عقل است؛ یعنی

۱- همان، ص ۲۱۲.

۲- روم (۳۰): ۳۰.

۳- موسوی بجنوردی، «میزگرد همشهری پیرامون حقوق آفرینشهای فکری»، روزنامه همشهری.

۴- حکیم، «دلیل العقل»، الاصول العامة للفقهاء المقارن، صص ۲۶۵-۲۸۶؛ موسوی بجنوردی، «عقل یکی از ادلهٔ اربعه»، علم اصول، صص ۳۳۵-۳۱۲؛ محمدجواد حیدری، «رابطهٔ عقل و دین با زمان و مکان»، مجموعه آثار کنگرهٔ بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، ج ۱۰، ص ۳۶۱؛ محقق اصفهانی، نه‌ایة الدرایة، ج ۲، صص ۳۲۶-۳۳۹؛ ج ۳، مباحث التجری؛ صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۵۷.

صغری را عقل درک می‌کند و حاکم به کبری هم عقل است. این قسم منحصر به یک باب است و آن باب حسن و قبح عقلی است و منظور از غیر مستقلات عقلیه عبارتند از اموری که حاکم علی‌الاطلاق در آنها عقل نیست بلکه صغری را با استعانت از شرع درست می‌کند و کبرای کلی را خود عقل ادراک می‌کند و سپس حکم شرعی را نتیجه می‌گیرد؛ فی‌المثل شارع فرموده: حج واجب است. عقل می‌گوید: کل فعل واجب شرعاً يلزمه عقلاً وجوب مقدماته شرعاً و نتیجه می‌گیرد: پس مقدمات حج نیز واجب شرعی است. که این قسم شامل ۵ مسأله اجزاء، مقدمه واجب، مسأله ضد اجتماع امر و نهی و دلالت نهی بر فساد و بطلان منهی عنه است.

در اینجا بحث از مستقلات عقلیه است و گفتنی است که در بخش مستقلات عقلیه عقل دو شعبه دارد: ۱- عقل نظری؛ ۲- عقل عملی. مقصود از عقل نظری عبارتست از ادراک اموری که ینبغی أَنْ یُعْلَمَ است یعنی از نوع دانستنیهاست مانند الکمل اعظم من الجزء و اجتماع تقيضین محال و... و منظور از عقل عملی عبارتست از ادراک اموری که از نوع عمل کردن و به کار بستن و به عبارتی ینبغی أَنْ یُفْعَلَ است. همانند العدل حسن و الظلم قبیح.

در واقع تقسیم مذکور به اعتبار مدرک است زیرا نفس عقل به دو قسم تقسیم نمی‌شود، عقل جوهره مجردی است که مدرک کلیات است و دارای دو قوه مدرکه نیست بلکه یک عقل و یک قوه است، منتهی مدرکات و معلومات آن دو نوع است.

پس از ذکر این مقدمه می‌گوییم: احکام شرعیه تابع مصالح و مفاسد هستند یعنی شارع مقدس خود در رتبه سابقه و پس از کشف اینکه در متعلق یک شیء مصلحت و جوبی هست می‌گوید که این واجب است و پس از کشف مفسده ملزمه می‌گوید: این حرام است. در نتیجه احکام شرعیه تابع مصالح و مفاسدند. بنابراین چنانچه عقل ما علت و جوب را درک کرد و گفت مصلحت ملزمه دارد، ما در آن باب قائل به جوب می‌شویم و اگر علت حرمت را درک کرد که همان مفسده ملزمه باشد قائل به حرمت می‌گردیم. حال این سؤال مطرح می‌شود که عقل از چه طریقی به مصلحت و مفسده اشیاء می‌رسد؟

شیعه عدلیه معتقد است که ما احکام گزاف (بیهوده) نداریم احکام تابع مصالح و مفاسدند و وجود مصلحت و مفسده در متعلق شیء به یکی از صور پنجگانه زیر است: اگر در متعلق یک شیء مصلحت ملزمه بود شارع مقدس در آنجا جعل جوب می‌کند و اگر در

متعلق آن مفسده ملزمه بود شارع مقدس جعل حرمت می‌کند و چنانچه در متعلق شیء مصلحتی بود نه به طور ملزمه، شارع مقدس جعل استحباب می‌کند و اگر در متعلق یک شیء مفسده ملزمه بود شارع در آنجا جعل کراهت می‌کند و سرانجام اگر امری لا اقتضاء بود از مصلحت و مفسده، شارع مقدس در آنجا جعل اباحه می‌کند. پس احکام خمسۀ تکلیفیه تابع مصالح و مفاسدی هستند که در متعلق آنهاست.

در جایی که شارع مقدس حکم به وجوب شیء می‌کند ما کشف می‌کنیم که در متعلق شیء مصلحت ملزمه است و اگر چیزی را شارع حرام کرد کشف می‌کنیم که متعلق این شیء مفسده ملزمه دارد. این کشف انی است (پی بردن از معلول به علت). برعکس اگر ما با وسیله عقل به این معنی رسیدیم که در متعلق یک شیء مصلحت ملزمه هست این کشف لمی است (پی بردن از علت به معلول) پس حرکت از دو طرف است.

در مقابل این نظر، اشاعره معتقدند احکام تابع مصالح و مفاسد نیستند یعنی ممکن است شارع مقدس به چیزی که در آن مفسده وجود دارد امر کند لکن پس از امر مطلب ذوالمفسده، ذوالمصلحه می‌شود. نتیجه اینکه الحسن ما امر به الشارع و القبیح مانهی عنه که نقد و بررسی این نظر در کتب مربوطه آمده است و ذکر آن در اینجا ضرورتی ندارد.

گفتنی است که عقل نظری استقلالاً و بدون وساطت ملازمه نه قدرت ادراک نفس احکام شرعیه را دارد و نه قدرت درک ملاکات احکام را، که همان مصالح و مفاسد باشند، داراست. اصولیون مدعی هستند که عقل نظری از طریق ملازمه می‌تواند حکم شرعی را استخراج کند و چنین حکم عقلی‌ای حجت است؛ مثلاً در باب مستقلات عقلیه ابتدا عقل عملی حُسن عدالت و قُبْح ظلم را ادراک می‌کند سپس عقل نظر می‌گوید: کَلَّمَا یَحْسَنُ فَعَلَهُ عَقْلاً یَلْزَمُهُ عَقْلاً وَ قُبْحُ فَعَلِهِ عَقْلاً یَلْزَمُهُ عَقْلاً تَحْرِیمُهُ شَرْعاً و از این دو مقدمه نتیجه می‌گیرد فَالْعَدْلُ وَاجِبٌ شَرْعاً یا فَالظَلْمُ حَرَامٌ شَرْعاً...

همان گونه که اشاره شد حق طبع و حق ابتکار و به طور کلی حق مالکیت فکری نیز در این محدوده قابل بررسی است و می‌توان حجیت و اعتبار این حقوق را با استفاده از درک حُسن آن با عقل عملی و ملازمه عقل نظری اثبات کرد. و ملازمه نیز قابل انکار نیست چرا که وقتی عقل درک کرد که در امری مصلحت ملزمه هست و درک کرد که این امر جزء آرای محموده است و تطابق آرای عقلاء بود، چطور می‌توان گفت که شارع با این مخالفت

می‌کند؟ چطور شارع مقدس که خود رئیس العقلاء و خالق آنهاست و بر وفق فطرت جعل قانون می‌کند و تشریع می‌کند به مخالفت می‌پردازد؟ چنین نیست، بلکه می‌آید و طبق همان حکم عقلاء که ملهم از ارادهٔ تکوینی ذات باری تعالی است حکم می‌دهد؛ به عبارت دیگر ارادهٔ تشریعی ذات باری تعالی نمی‌تواند برخلاف ارادهٔ تکوینی او در انسانها - که همان فطرت است - باشد. ذکر این نکته ضروری است که موارد استکشاف حکم عقلی از حکم شرعی به قاعدهٔ ملازمه در موقعی است که حکم عقل در سلسلهٔ علل احکام شرعیه واقع گردد و چنانچه حکم عقل در سلسلهٔ علل امر قرار نگیرد بلکه در سلسلهٔ معالیل امر قرار گیرد نمی‌توان قاعدهٔ ملازمه را جاری ساخت و استکشاف حکم شرعی کرد. چرا که اگر حکم عقل پس از جعل و تشریع شارع پدید آید، ارشادی خواهد بود. در توضیح این نکته می‌توان گفت: «هر آنچه از خود امر متأخر باشد یا به تعبیر دیگر هر حکم عقلی که پس از جعل و تشریع شارع مقدس پدید می‌آید، پس از آنکه شرع مقدس جعل قانون کرد کیفیت امتثال و انجام آن برعهدهٔ خود مکلف است اوست که باید غرض مولی را تحصیل نماید بدین ترتیب در این قبیل موارد حکم عقل هشدار به اطاعت می‌دهد و بنابراین هر حکم شرعی که در کیفیت امتثال و اطاعت از امر خود وارد گردد ناگزیر آن حکم محمول بر ارشاد محض است».^۱ مثلاً در اطیعوا الله و اطیعوا الرسول در رتبهٔ سابق بر این امر شارع تطابق عقلاست بر لزوم اطاعت از مولی و شکر منعم. پس این امر ارشادی است. بنابراین حکم عقل باید در رتبهٔ سابق بر حکم شرعی قرار گیرد تا بتوان ملازمه برقرار کرد.

بدین ترتیب وجه حجیت عقل به طور خلاصه این است که بعد از اینکه ما قطع به ملزوم پیدا کردیم - در مستقلات عقلیه حکم عقل است و در غیر مستقلات عقلیه حکم شرع - و پس از اینکه قطع به ملازمه بین حکم شرعی با حکم شرعی دیگر یا حکم عقلی با حکم شرعی پیدا کردیم، بدون تردید قطع به لازم که همان حکم شرعی باشد پیدا خواهیم کرد و وقتی قطع آمد حجیت آن ذاتی است و هر قطعی از هر راهی و برای هر کسی و در هر مکانی حاصل شود حجت و لازم الاتباع است.

مبحث چهارم: تحول حقوق خصوصی (حقوق الناس محض)

حقوق الناس محض چنان که به آن اشاره شد، حقوقی را می‌گویند که شارع مقدس آنها را به طور خصوصی برای افراد جامعه وضع کرده است. منشأ چنین تأسیس حقوقی این است که هر فردی در جامعه‌ای زندگی می‌کند، همان‌طوری که از حقوق اجتماعی باید بهره‌مند شود از حقوقی که لازم است اختصاص به وی داشته باشد نیز بهره‌مند شود. این حقوق در هر زمانی می‌توانند، به صورت و شکل خاصی متبلور گردند. به عنوان مثال: «حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع گذشته وجود نداشته است، زیرا مؤلفان در تألیفات و نوشته‌های خود منافع شخصی خود را در نظر نمی‌گرفتند و وقتی کتابی را تألیف می‌کردند. فقط منافع معنوی و فردی آن را لحاظ می‌کردند اما پس از آنکه کتاب وسیله‌ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود در مرحله اول خودش استفاده کند؛ زیرا کتابی را که تألیف کرده است، ساخته و پرداخته خود اوست و منطقی به نظر نمی‌رسد که، کسی دیگر از نوشته و اثر او صاحب میلیون‌ها پول گردد. اما خودش در حال فقر و احتیاج به سر برد. فلذا در شرایط کنونی مؤلف این حق را پیدا کرده که از منافع مادی کتاب خود نیز استفاده کند و استفاده دیگران را مشروط به موافقت خود گرداند.»^۱

امروز، نمی‌توان گفت کسی که کتابی را خرید و مالک آن شد، طبق قاعده الناس مسلطون علی اموالهم اجازه دارد کتاب را بدون اجازه مؤلف و ناشر چاپ کند. زیرا قاعده تسلیط فقط اجازه می‌دهد که انسان بر اموالی تصرف کند اما مجاز نیست در حقی که مؤلف و ناشر از آن خود می‌دانند، و کتاب را به شرط آنکه حق انتشار برای آنان محفوظ باشد، به او فروخته‌اند و حق طبع آن را برای خود محفوظ دانسته‌اند، تصرف کند.

اگر چنین حق خصوصی را از مؤلف و ناشر سلب کنیم، حقوق بسیاری از آنها تضییع شده و ضررهای جبران‌ناپذیری بر آنها وارد می‌آید و هرج و مرج بسیاری در انتشارات به وجود خواهد آمد که قابل پذیرش از نظر شرع و عقل و عقلاء نیست.

«حقوق خصوصی در هر زمان قابل تغییر و تبدیل می‌باشند و... منشأ این امر این است که جامعه در حال تکامل است و همیشه پیدایش حقوق ابتدا از طرف عرف و عقلا بوده و وقتی عرف و عقلا حقی را مفید دانست و آن را به مصلحت افراد جامعه تشخیص داد و منع شرعی نسبت به آن نیز وجود نداشت، می‌توان آن را حق شرعی دانست، بدون اینکه نیازی به امضای شارع داشته باشد».^۱

مبحث پنجم: تمسک قاعده «لاضرر ولاضرار»^۲

طریق پنجمی که برای اثبات مشروعیت حق مالکیت فکری ارائه شده، تمسک به قاعده لا ضرر و لا ضرار است. استفاده از اثر و نتیجه خلاقیت و ابتکار فرد دیگر، که سالها عمر خود را صرف آفرینش آن کرده است در حقیقت اضرار به غیر است و طبق قاعده لا ضرر، این امر نهی شده است.

اشکالی که به این نظر وارد شده این است که ضرر در باب اموال و حقوق چیزی جز سلب حق و مال نیست و صدق آن متوقف بر تمام بودن ملکیت مال و حق است و این اول کلام است و اثبات حق و ملکیت در این مقام با ارتکاز و سیره عقلا و عرف به نظریه بناء عقلا و عرف رجوع می‌کند که باید در آنجا ثابت شود و نیازی به استناد به قاعده لا ضرر پدید نمی‌آید. و دیگر اینکه قاعده لا ضرر و لا ضرار نفی حکم ضرری است و خود مشرّع نیست.^۳

مبحث ششم: تمسک به قاعده تسلیط (سلطنت)^۴

هرکس چیزی تألیف کند، آن نتیجه کار فکری و اندیشه‌اش بوده و بنابراین مالک و صاحب

۱- همان، ص ۲۳۹.

۲- سیدکاظم حسینی حائری، فقه العقود، ص ۱۶۴.

۳- موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، صص ۲۶۵-۲۶۶.

۴- روحانی، المسائل المستحدثه، صص ۲۲۳-۲۲۴.

آن است و حق دارد دیگران را از هرگونه دخل و تصرفی در آن باز دارد زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند؛ البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر انتفاع و تصرفات معنوی مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌تواند مطالبه حق کند. اگر اثری چاپ و نشر شده و رضایت مؤلف در کار نبوده، در این حالت دو نوع مالیت تحقق یافته: حق ناشر و حق مؤلف. چنانچه در این مورد توافقی میان ناشر و مؤلف صورت نگیرد باید با آن معامله مال مشترک گردد. اگر مؤلف ابتدا اجازه چاپ بدهد و بعد از نظرش عدول کند باید ضرر و زیان ناشر را جبران نماید.

در قرآن کریم آمده است: لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ هر چیزی معلول کار انسانها باشد متعلق به صاحب کار است و اگر این جمله را قرآن هم نمی‌گفت عقل انسان آن را می‌گوید و تأیید می‌کند.^۱

مؤیداتی بر مشروعیت حق مالکیت فکری

در این مبحث چند روایت و حدیث به عنوان نمونه ذکر خواهد شد که از مجموع آنها می‌توان تأیید مشروعیت حق تألیف و حق ابتکار را استفاده کرد:

الف - علی بن ابراهیم عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن منصور بن يونس، عن ابي بصير قال، قلت لابي عبد الله^(ع) قول الله جل ثناؤه: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ^۱ قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَسْمَعُ الْحَدِيثَ فَيَحَدِّثُ بِهِ كَمَا سَمِعَهُ لَا يَزِيدُ فِيهِ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ^۲ در این روایت مراد از «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» کسانی دانسته شده‌اند که حدیثی را می‌شنوند و بدون زیاده و نقصانی آن را نقل می‌کنند یعنی در آن دخل و تصرف و تحریف نمی‌کنند.

ب - عنه بأسناده عن احمد بن عمر الحلال قال: قلت لابي الحسن الرضا^(ع): الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يُعْطِيهِ الْكِتَابَ وَلَا يَقُولُ: أَرُوهُ عَنِّي. يَجُوزُ لِي أَنْ أَرُوهُ عَنْهُ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِذَا عَلِمْتَ أَنَّ الْكِتَابَ لَهُ فَأَرُوهُ عَنْهُ^۳

مردی از اصحاب ما کتابی به من داد و گفت که از من روایت کن. آیا جایز است از او

۱- زمزم (۳۹): ۱۸

۲- محمد یعقوب کلینی، اصول کافی، الجزء الاول، کتاب فضل العلم - باب رواية الكتب والحديث، روایت اول، ص ۵۲.

۳- همان، روایت ش ۶.

روایت کنیم؟ گفت اگر می‌دانی که آن کتاب از اوست، از او روایت کن.

ج- علی بن ابراهیم، عن ابیه و عن احمد بن محمد بن خالد، عن النوفلی، عن السکونی، عن ابی عبدالله^(ع) قال: قال امیر المؤمنین^(ع): اذا حَدَّثْتُم بِحَدِيثٍ فاسندوه الى الذی حَدَّثَکُم فان کان حقاً فلکم وإن کان کذباً فعلیه؛^۱

از امیرالمؤمنین^(ع) روایت شده که ایشان فرمودند اگر حدیثی و سخنی را از کسی نقل می‌کنید، به نام گوینده استناد کنید چرا که در این صورت اگر دروغ بود برعهده‌گوینده است و اگر راست بود که از شماست.

د- عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد البرقی، عن بعض اصحابه عن ابی سعید الخیرری عن المفضل بن عمر، قال: قال لی ابو عبدالله^(ع): اُکْتُبْ وَبِتَّ عِلْمَکَ فِی اِخْوَانِکَ، فَاَنْ مِثَّ فَاَوْرُثَ کُتُبِکَ بَنِیْکَ، فَاَنَّهُ یَأْتِی عَلَی النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ لَایَأْتِشُونَ فِیهِ اِلَّا بِکُتُبِهِمْ؛^۲

امام صادق^(ع) فرموده‌اند: علم و دانشت را مکتوب کن و در میان برادرانت نشرده، و اگر مُردی فرزندان نوشته‌هایت را به ارث می‌برند چرا که زمانی بر مردم می‌آید که در آن جز با کتابهایشان اُنس نمی‌گیرند.

ه- و بهذا الاسناد، عن محمد بن علی رفعه قال: قال ابو عبدالله^(ع): اِیاکم و الکَذِبَ الْمُفْتَرَعُ، قِیلَ لَهُ، و مَا الکَذِبُ الْمُفْتَرَعُ؟ قال: اَنْ یُحَدِّثَکَ الرَّجُلُ بِالْحَدِیْثِ فَتَشْرُکَهُ وَ تَرُوْیَ عَنِ الذِّی حَدَّثَکَ عَنْهُ؛^۳ پرسیده شد که کذب مفتزع چیست؟ ایشان فرمودند: اینکه فردی سخنی برای تو نقل کند و تو او را رها کرده و آن را از کسی که برای تو گفته نقل کنی (یعنی ناقل اصلی نادیده گرفته شود و از واسطه نقل شود) در این روایت نسبت سخن به کسی غیر از نقل کننده آن کذب مفتزع خوانده شده است.

از مجموع این روایات و روایات دیگر موجود در کتب حدیثی^۴، چنین مستفاد می‌شود

۱- همان، روایت شماره ۷.

۲- همان، روایت شماره ۱۱.

۳- همان، روایت شماره ۱۲.

۴- از جمله: «لایحُل مال امرء مسلم الا بطیب نفس»، ر.ک: الحر العاملی، وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ۱۴،

ص ۵۷۲؛ الشیخ الامینی، الغدیر، ج ۸، ص ۱۲۹.

که شرع مقدس اسلام برای آثار و تألیفات نویسندگان، محدثین، مؤلفان و... اهمیت زیادی قائل است؛ هرچند نمی‌توان به روشنی از این روایات، حقوق مادی مؤلفان و لزوم رعایت آنها را استنباط کرد، ولیکن، رعایت حقوق معنوی مؤلفان و پدیدآورندگان به صراحت در این روایات آمده است. به خصوص در روایت اول که فردی که حدیث و سخنی را می‌شنود و بی‌زیاده و نقصی آن را نقل می‌کند، مصداق آیه شریفه: الذین یستمعون القول و یتبعون أحسنه دانسته شده است. و نیز روایت دوم که این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که نقل مطلبی از کتاب مورد نظر و اسناد آن به فردی که آن کتاب را از وی گرفته ممکن است اسناد مطلبی به غیر مؤلف و دخل و تصرف در اثر مؤلف را به دنبال داشته باشد در نتیجه امام(ع) به شناسایی مؤلف و سپس نقل مطلب توصیه می‌فرمایند و همین گونه است در روایتهای سوم و پنجم.

و روایت چهارم نیز که از آن لزوم مکتوب کردن علوم در قالب اثر برای بهره‌برداری عموم مستفاد می‌شود در ضمن اشاره شده است که «فان میت کتبتک بنیک» که کتب نیز به مانند اموال به ورثه به عنوان ارث منتقل می‌شود.

در مجموع می‌توان از این روایات و روایات مشابه به عنوان مؤیداتی بر مشروعیت و اعتبار شرعی حقوق مؤلفان و پدیدآورندگان استفاده و به آنها استناد کرد.

تبیین دیدگاه حضرت امام خمینی

در این قسمت به تبیین دیدگاه حضرت امام خمینی در مورد حق مالکیت فکری بالاخص حقوق مؤلف و مصنف می‌پردازیم. در کتب و رساله‌هایی که در مورد حقوق مؤلف و مصنف و هنرمند نوشته شده است، نظر امام خمینی به عنوان دیدگاه مخالف در مشروعیت این‌گونه حقوق مورد بحث قرار گرفته است. اما در طی مباحث آتی ثابت خواهیم کرد که حضرت امام، حقوقی را برای مؤلف و مصنف قائل است و مؤلف را در قبال تحریفها و انتسابات ناروا و دفاع از اثر خویش صاحب حق می‌داند.

در گفتارهای آینده نظر حضرت امام و سپس مستندات و دلایل نظر ایشان را می‌آوریم و در ادامه به توضیح و تبیین نظر ایشان خواهیم پرداخت.

مبحث اول: دیدگاه حضرت امام خمینی

امام خمینی در کتاب تحریر الوسیله ضمن بیان مسائل مستحدثه در طی چند مسأله به حق طبع اشاره کرده و می‌فرماید:

الثالث: ما یسمی عند بعض بحق الطبع لیس حقاً شرعياً، فلا یجوز سلب تسلط الناس علی أموالهم بلا تعاقید و تشاؤط، فمجرد طبع کتاب و التّسجیل فیہ بأن حق الطبع و التّقلید محفوظ لصاحبه لا یوجب شیئاً، ولا یعدّ قراراً مع غیره، فجاز لغيره الطبع و التّقلید، ولا یجوز لأحد منعه

عَنْ ذَلِكَ؛^۱

آنچه نزد بعضی حق طبع نامیده می‌شود حق شرعی نیست، و سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون هیچ‌گونه عقد و شرطی جایز نیست. بنابراین مجرد طبع کتاب و نوشتن در آن به اینکه حق طبع و تقلید برای صاحب آن محفوظ است، چیزی را موجب نمی‌شود. و این قرار با غیر شمرده نمی‌شود، پس برای غیر او طبع و تقلید جایز است و برای کسی جایز نیست که او را از آن منع نماید.

چنان که ملاحظه شد، ایشان حق طبع را حق شرعی ندانسته و اینکه روی کتابی یا اثری عبارتی بدین مضمون که حق چاپ و تقلید محفوظ است، نوشته شود باعث پدید آمدن هیچ حقی برای مؤلف و ناشر نمی‌شود. منظور از حق طبع در مسأله فوق اعم از حق چاپ برای مؤسسه انتشاراتی و ناشر و چاپخانه است. این امر در جمله اول آشکار نیست اما در دنباله کلام ایشان آنجا که سخن از تقلید به میان آورده است مشخص می‌شود؛ علاوه بر این، تصور اینکه نظر ایشان صرفاً حق طبع برای مطبوعه و یا مؤسسه انتشاراتی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر که اقدام به چاپ کند، باشد بعید به نظر می‌رسد چرا که مقدمه بحث و اظهار نظر پیرامون حق طبع منوط به بحث راجع به حق مؤلف است. پس بایستی اطلاق کلام مذکور را بر هر دو طرف یعنی حق طبع برای چاپ کننده و حق مؤلف برای پدید آورنده، حمل کنیم. یعنی اینکه در اثر طبع حقی برای چاپ کننده پدید آید و در اثر پدید آوردن اثر حقی برای مؤلف و پدید آورنده، که هر دو انکار شده است. امام خمینی پس از بیان دیدگاه خویش در باب عدم مشروعیت و اعتبار شرعی حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، در ادامه نظر خویش را به شرح زیر درباره حقوق مالکیت‌های صنعتی و تجارتي بیان می‌نماید:

الرابع: ما تَعَارَفَ مِنْ ثَبَتِ صَنْعَةٍ لِمَخْتَرَعِهَا وَمَنْعَ غَيْرِهِ عَنِ التَّقْلِيدِ وَالتَّكْثِيرِ لِأَثَرِ لَهُ شَرْعاً، وَلَا يَجُوزُ مَنْعُ الْغَيْرِ عَنِ تَقْلِيدِهَا وَالتَّجَارَةِ بِهَا وَلَيْسَ لِأَحَدٍ سَلْبُ سُلْطَانَةِ غَيْرِهِ عَنْ أَمْوَالِهِ وَنَفْسِهِ؛^۲

آنچه معمول است از ثبت صنعت برای مخترع آن و منع دیگری از تقلید و تکثیر آن،

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، ص ۵۹۶.

۲- همان.

شرعاً اثری ندارد و منع دیگری از تقلید آن و تجارت به آن، جایز نیست و کسی حق ندارد سلطهٔ دیگری را از اموال او و خود او سلب کند.

در این بند نیز امام خمینی به عدم اعتبار شرعی حقوق مالکیت‌های صنعتی به‌ویژه حق مخترع در انحصار اختراع اشاره می‌کنند.

در بند دیگر ایشان در مورد حصر تجارت می‌فرمایند:

الخامس: مَا تَعَارَفَ مِنْ حَصْرِ التَّجَارَةِ فِي شَيْءٍ أَوْ أَشْيَاءٍ بِمُؤَسَّسَةٍ أَوْ تِجَارٍ وَنَحْوِ هُمَا لَا أَثَرَ لَهُ شَرْعاً وَلَا يَجُوزُ مَنَعُ الْغَيْرِ عَنِ التَّجَارَةِ وَالصَّنْعَةِ الْمُحَلَّلَتَيْنِ وَحَصْرُهُمَا فِي أَشْخَاصٍ؛^۱

آنچه معمول است از حصر تجارت در چیزی یا چیزهایی به مؤسسه‌ای یا تجاری و مانند اینها شرعاً اثری ندارد و جلوگیری دیگری از تجارت و صنعت که حلال است و حصر آنها در اشخاص، جایز نیست. همچنان که ملاحظه شد امام خمینی هیچ نوع انحصاری را در زمینه استفاده از مالکیت‌های ادبی و هنری و صنعتی و تجارتی شرعی نمی‌دانند و برآنند که همگان می‌توانند از نتایج ابتکارات مخترعان و هنرمندان و صنعتگران استفاده کنند.

مبحث دوم: دلایل و مستندات فقهی نظر حضرت امام خمینی^۲

دلیل شرعی نبودن حق طبع، فقدان دلیل بر ثبوت حق مذکور دانسته شده است. و در ادامه چنین آمده است که حق طبع و تألیف از موضوعات مستحدثه فقهی است و از حقوقی نیستند که مورد ارتکاز عقلاء باشد و شارع به همین دلیل آن را تأیید و تقریر نمی‌کند و عقلاً بر این امر اتفاق نظر ندارند که به مجرد طبع کتاب به همت صاحب چاپخانه، اضافه بر کتابهایی که چاپ می‌شود و در خارج است، حقی نیز به وی تعلق بگیرد. همچنین توافق و اتفاق عقلاً بر منع مردم از تقلید و اقتباس ارتکاز پیدا نکرده است؛ برای اینکه طبیعت و فطرت مردم بر تقلید در همهٔ امور و اعمال و اختراعات و صنعتهاست و عقلاً تقلید در یکی از امور صنعتی و ساختن شیئی از اشیاء از روی نمونه موجود و احیاناً استفاده از نتیجهٔ تفکر

۱- همان.

۲- احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، کتاب الدیات و مسائل مستحدثه، صص ۱۸۶-۱۸۹.

گذشتگان و یا کارهای آنان را عرفاً تصرفی در حقوق دیگران، که متوقف بر اجازه صاحبان این صنایع و افکار و اعمال باشد، نمی‌دانند و طبع کتاب نیز از جریان این سیره عقلاء خارج نیست.

از جمله دوم در مسئله اول یعنی فلا يجوز سلب تسلط الناس على اموالهم بلا تعاقد و تشارط استفاده می‌شود که با وجود یک عقد شرعی و شرط در ضمن آن بین مؤلف و ناشر یا منتقل الیه طبعاً عمل به شرط یعنی عدم تکثیر بی‌اجازه مؤلف اولیه و ناشر مجاز از طرف مؤلف لازم است. اما بدون هیچ گونه عقد و شرطی بین مؤلف و ناشر و فروشنده کتاب با مردم که کتاب مذکور یا اثر را مالک می‌شوند، نمی‌شود مردم را ملزم به رعایت شرطی از جمله عدم چاپ و تکثیر بی‌اجازه مؤلف کرد و آنها که مالک و صاحب کتاب خریداری شده هستند می‌توانند هرگونه تصرفی در ملک خود کنند و تکثیر و چاپ اثر تصرف در ملک دیگری محسوب نمی‌شود. اگر عقد یا شرطی وجود داشته باشد، می‌توانیم آن را مشمول عموماً ادله وفا به عهد مانند اوفوا بالعقود یا شرط بدانیم.

در مورد اینکه آیا نوشتن جمله حق چاپ و تقلید محفوظ است، در کتابها برای خریدار ایجاد شرط الزامی می‌کند یا نه؟ باید گفت صرف نوشتن جمله مذکور برای خریدار عرفاً ایجاد شرط الزامی نمی‌کند. بر فرض کسی ادعا کند که خریدار هنگام خرید کتاب توجه دارد که کتاب را تنها می‌تواند مطالعه کند و استفاده متعارف ببرد اما نمی‌تواند در آن هرگونه تصرف دیگر از جمله تکثیر و چاپ کند؛ به عبارت دیگر مالکیت خریدار کتاب یک مالکیت محدود و سلطه ناقصی است، در پاسخ باید گفت اولاً، به طور عرفی خریدار کتاب آن را مشروط نمی‌خرد زیرا در ضمن خرید کتاب نه هیچ گونه شرطی با وی می‌شود و نه قریبه‌ای هست که دلالت بر وجود چنین شرطی کنند؛ ثانیاً، از خرید و فروش کتاب چنین مستفاد نمی‌شود که مالکیت خریدار، مالکیت محدودی باشد و سلطه او سلطه ناقصی است. این محدودیت و نقص دلیل می‌خواهد و صرف نوشتن حق چاپ و تقلید محفوظ است قرار دادن شرط در ضمن عقد بیع (فروش کتاب) نیست و محدود کننده مالکیت خریدار کتاب به شمار نمی‌رود.

در مورد دلیل مسئله رابع چنین بیان شده است که ثبت صنعتی برای مخترع آن از قبیل حیازت مباحات نیست و موجب حدوث حقی نمی‌شود. اقدام به این امر و شناسایی این حق

از طرف حکومتها امر مستحدثی است که در مرئی و منظر شارع در زمان رسول اکرم (ص) و نه در زمان ائمه (ع) نبوده است. پس از سیره‌های متصله به زمان حضور شارع نیست. در عین حال، چنان که گفته شد، سیره مستمره عقلا به عکس این مطلب است بلکه فطرت مردم بر تقلید و اقتباس در همه امور است و همه صنایع و اختراعات در نتیجه تقلید و اقتباس حاصل می‌شود پس وجهی بر اختصاص آن به شخص مخترع نیست.

و در مورد دلیل مساله خامس نیز آمده است: اقدام مؤسسه و تاجری به تجارت اشیاء خاصی یا صنعتی موجب حدوث حق اختصاصی شرعی برای او نمی‌شود و منع دیگران از تجارت آن تصرف در سلطنت و تجاوز به مالکیت مردم بر خود و اموالشان است که حرام است.^۱

مبحث سوم: تبیین دیدگاه حضرت امام خمینی

آنچه از متن مذکور در تحریرالوسیله مستفاد می‌شود، این است که حضرت درباره حقوق معنوی مؤلف اظهار نظری نکرده‌اند. علاوه بر نظر حضرت امام در تحریرالوسیله، در پی استفتائی^۲ از دفتر معظم له پاسخی صادر شده که از جهاتی قابل بحث و بررسی است. در پاسخ مذکور که ضمن تاکید بر مطالب تحریرالوسیله مبنی بر اینکه سلب تسلط مردم از اموالشان بدون تعاقد و تشارط جایز نیست، یکی از راههای حمایت از مؤلفان و هنرمندان انعقاد عقد بین مؤلف و ناشر و به طور کلی پدیدآورنده و منتشرکننده اثر بیان شده است. یکی از سؤالات مطرح شده در استفتاء، حقوق معنوی پدیدآورنده از قبیل حق انتساب اثر به مؤلف، و حق جلوگیری از تحریف مطالب کتاب و یا حق احترام است که در عبارتی چنین پاسخ داده شده است که:

۱- احمد مطهری، همان، ص ۱۸۸.

۲- هوشنگ صادقی مقدم، «حقوق مؤلف در ایران و کنوانسیونهای بین‌المللی»، پایان‌نامه متن استفتاء در بخش ضمائم آن آورده شده است.

تحریف کتاب و اسناد آن به مؤلف جایز نیست.^۱

نیز استفتاء دیگری در این زمینه در کتاب صحیفه امام خمینی نقل شده است و در آن امام بر غیر شرعی بودن نشر و تجدید چاپ بدون اطلاع و رضایت مؤلف تصریح دارند.^۲ از عبارات مذکور چنین برمی آید که کسی حق ندارد آثار دیگران را تحریف کرده و به مؤلف نسبت دهد. این امر به دلیل اینکه به شخصیت و حیثیت پدیدآورنده لطمه وارد می‌کند، موجب حرمت است. بنابراین دلیل بیان فوق در پاسخ استفتاء این است که ایشان تحریف کتاب و انتساب آن به مؤلف را هتک حرمت صاحب اثر و لطمه به شخصیت معنوی و موقعیت اجتماعی وی می‌دانند و این عمل از دیدگاه مکتب الهی اسلام که ارزش فراوانی برای انسان و انسانیت قائل است امری مذموم و قابل نکوهش است. بدین ترتیب حقوق معنوی پدیدآورنده محترم است.

اکنون که مشخص شد، برای پدید آورنده، حق جلوگیری دیگران از تحریف آثارش وجود دارد و تحریف اثر دیگران جایز نیست نکته دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه چه کسی می‌تواند در مورد انتشار یا عدم انتشار اثر متعلق به پدیدآورنده تصمیم بگیرد؟ نویسنده‌ای که سالها زحمت کشیده و یک اثر علمی یا ادبی و هنری پدید آورده است و هنوز آن را منتشر نکرده است، آیا دیگران می‌توانند پس از دسترسی به اثر - صرفنظر از نحوه دسترسی - آن را بدون اجازه پدیدآورنده منتشر کنند؟ در این باره چنین اظهار نظر شده است:

حضرت امام هم که فرمودند این حق شرعی نیست مسئله حق التألیف و حق النشر و حق الاختراع است اما اینکه من بیایم مطلب شما را از کتاب شما سرقت کنم و به نام خودم چاپ کنم یا یک تئوری شما را بردارم و به دروغ ادعا کنم مال من است امام هیچ گاه نگفته است که این حق شرعی نیست این مسئله اخیر حتماً خلاف و جرم است و مجازات کیفری دارد. این دیگر تخلف

۱- همان.

۲- متن کامل استفتاء مذکور در بخش ضمائم آورده شده است.

اخلاقی و ادبی و هنری نیست. جرم است.^۱

در بیان حضرت امام، همچنان که در متن هر دو استفتاء مذکور است، این عمل یعنی نشر و چاپ اثر دیگری به نام خود، امری غیر شرعی است. چرا که خدشه به شخصیت و حیثیت پدید آورنده و دخل و تصرف در ملک اوست و بالطبع کاری خلاف اخلاق و مذموم است. نکته دیگری که باید بررسی شود، این است که آیا شناسایی نوعی حق معنوی برای پدید آورنده اثر در نهایت منجر به شناسایی حق مالی برای وی خواهد شد یا نه؟ به عبارت دیگر شخصی که اثر دیگری را تحریف و اثر تحریف شده را به صاحب اثر منتسب کند و از این راه باعث ورود ضرر معنوی به وی شود و حرمت و حیثیت او را لکه‌دار سازد برای جبران ضرر وارده چه باید کرد؟ آیا این امر قابل تقویم به مال و مادیات است یا نه؟

ابتدا باید گفت ضرر عبارتست از ایجاد خلل و نقص در اموال یا فوت شدن منفعت یا ورود لطمه به حیثیت و عواطف شخص. و در تقسیمی ضرر دو قسم است: ضرر مادی و ضرر معنوی. ضرر مادی عبارتست از زبانی که در نتیجه از بین رفتن مال اعم از عین یا منفعت یا حق به دیگری وارد می‌آید؛ و ضرر معنوی عبارتست از صدمه و لطمه به شخصیت و شهرت و آبروی شخص و یا به آزادی و احیاناً به عواطف و احساسات او.

حقوقدانان زیان معنوی را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: گروه اول ضررهایی که به حیثیت و شهرت (سرمایه معنوی) شخص وارد می‌گردد و گروه دوم صدماتی که به عواطف و احساسات شخص وارد می‌گردد؛ نظیر تألم و تأثر روحی که از ملاحظه رنج و درد فرد دیگری حاصل می‌شود و... و دسته اول، همانند موردی که شهرت نویسنده یا هنرمندی خدشه‌دار شود یا با تحریف کتاب وی او را شخصی بی‌اعتقاد به مسائل مذهبی جلوه دهند. با توجه به مواد ۱ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و بند دوم از ماده ۹ آیین دادرسی کیفری و اصل ۱۷۱ قانون اساسی، جبران خسارت معنوی گروه اول و دوم قابل مطالبه است. بحثی که می‌ماند این است: در مورد اینکه خسارت معنوی را می‌توان به مال و امر مادی تقویم کرد و با توجه به تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات (که مقرر می‌دارد در موارد فوق شاکی (اعم از

۱- موسوی بجنوردی، «میزگرد همشهری پیرامون حقوق آفرینش‌های فکری»، روزنامه همشهری.

حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت کرد و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر کند. مجلس شورای اسلامی خسارات معنوی را قابل تعقیب در دادگاه صالحه دانسته اما در مورد حکم به جبران خسارت معنوی با مال در این قانون صراحتاً اظهار نظر نشده است.^۱

نظریه شورای نگهبان در خصوص عدم قابلیت تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی که با طرح قانون مطبوعات بیان شده چنین است:

... در تبصره یک ماده ۳۰ که طرح دعوی خسارت معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی آن شده، تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی مغایر با موازین شریعت است، البته رفع هتک و توهینی که به شخص شده به طریق متناسب با آن در صورت مطالبه ذیحق لازم است.^۲

اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز ضرر معنوی را پیش‌بینی کرده است و قاضی وارد کننده ضرر مادی و معنوی را که ضرر در اثر تقصیر یا اشتباه او متوجه کسی گردیده ضامن معرفی کرده است که بر طبق موازین اسلامی بایستی جبران شود.

خلاصه اینکه، هرگاه تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی و قوانین الهی باشد راه‌های دیگری برای جبران از قبیل اعاده حیثیت در نشریات و رسانه‌های گروهی و... باید در پیش گرفته شود.

با توجه به اینکه برای جلوگیری از هرج و مرج در اجتماع و حفظ نظم جامعه مقررات و ضوابطی لازم است حضرت امام در ادامه مسأله‌ای را مطرح می‌کنند که می‌تواند به عنوان راه حل نهایی مورد توجه قرار گیرد و آن:

السابع لِلْإمام عليه السلام والى المسلمين ان يعمل ما هو صلاح للمسلمين من تثبيت سعر

۱- هوشنگ صادقی مقدم، همان، صص ۳۷-۴۰، با تصرف.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۱۸۸۹ مورخ ۶۷/۹/۱۴.

اَوْصَنَةُ أَوْ حَصَرَ تِجَارَةً أَوْ غَيْرَهُمَا مِمَّا هُوَ دَخِيلٌ فِي النَّظَامِ وَصَلَاحٌ لِلْجَامِعَةِ.^۱
امام (ع) و والی مسلمین می‌تواند هر آنچه را که به صلاح مسلمین و جامعه اسلامی است از قبیل نرخ‌گذاری و امر صنعت و انحصار تجارت و غیره را اعمال کند. و علی‌الاصول این اختیار امام (ع) و والی مسلمین شامل امور مذکور و همه مسائل دخیل در نظام و اداره جامعه می‌شود.

علاوه بر صراحت مسأله فوق در تحریرالوسیله در ذیل پاسخی که دفتر معظم‌له در جواب استفتاء داده است نیز چنین آمده است:

ولی مسلمین می‌تواند در مواردی که صلاح مسلمین است و در اموری که دخیل در نظام و صلاح جامعه است اعمال ولایت کند.^۲

بنابراین می‌بینیم حضرت امام ضمن اینکه در مسأله قبل مبنایی بر وجود حق انحصاری برای پدیدآورنده نسبت به انتشار اثرش قائل نشدند، اما ضمن بیان لزوم حمایت معنوی از پدیدآورنده (در پاسخ استفتاء) راه را برای وجود مقررات و قوانین هموار کرده‌اند. با توجه به اینکه شورای عالی قضایی در مورخه ۱۳۶۰/۱۱/۲۵ از شورای نگهبان در مورد قوانین و مقررات گذشته، که برخلاف موازین اسلام است، کسب تکلیف کرده و شورای نگهبان نیز در مورخه ۶۰/۲/۸ ضمن تأکید بر صلاحیت فقهای شورای نگهبان در تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت کلیه قوانین و مقررات از دستگاه قضایی خواسته است که در صورت غیرشرعی دانستن مقررات آنها را از جهت بررسی و تشخیص مخالفت یا عدم مخالفت با موازین شرعی برای فقهای شورای نگهبان ارسال کند. و در این باره تاکنون هیچ اقدامی با قواعد و مقررات مربوط به حقوق مؤلف از جمله قانون ۱۳۴۸ صورت نگرفته است، این امر حکایت از عدم مغایرت این قوانین با شرع و موازین شرعی دارد.^۳ نیز عبارت حضرت امام

۱- امام خمینی، همان، ص ۵۹۶.

۲- هوشنگ صادقی مقدم، همان، ص ۴۳.

۳- برای اطلاع از متن سؤال شورای عالی قضایی و پاسخ شورای نگهبان: ر.ک: حقوق اساسی در جمهوری (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در متن استفتاء^۱ بدین مضمون که اگر دولت اسلامی مصلحت دید و مقرراتی در این باره وضع کرد مراعات آن لازم است، نیز دلیلی است علی‌الآقل بر مخالف شرع قانون ۱۳۴۸ که لزوم رعایت آن را در حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان می‌رساند.

نتیجه‌گیری

آنچه از مباحث مطروحه در بخش تبیین فقهی حقوق مالکیت فکری استفاده می‌شود در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱- مباحث فقهی پیرامون حق مالکیت فکری و حق مؤلف و هنرمند جزء مسائل مستحدثه‌ای است که در کتب فقه‌های متقدم هیچ‌ذکری از آنها به میان نیامده و تنها معدودی از فقه‌های متأخر بدان پرداخته‌اند.

۲- در مورد ماهیت فقهی مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن نظریات متفاوتی ابراز شده بود که به تفصیل بیان شد. به نظر می‌رسد، می‌توان براساس نظریه فطری بودن مالکیت و نیز نظریه ملکیت اعتباری به تبیین ماهیت فقهی مالکیت‌های فکری پرداخت. و سایر نظریه‌ها هریک دارای اشکالات مخصوص خود است که در ضمن توضیحات قبلی به برخی از آنها اشاره شده است. نظریه فطری بودن مالکیت‌های فکری را امری فطری و غریزی می‌داند که بشر فطرتاً قائل به آن است زیرا فردی که زحمت کشیده و کتابی تألیف می‌کند کسبش درونی و غریزی وی این است که این اثر در محدوده تصرف او باشد و منتسب به او باشد و بتواند از حقوق متعلق به آن استفاده کند.

و نظریه ملکیت اعتباری نیز مالکیت فکری را یک نوع مالکیت اعتباری دانسته که عقلاء آن را پدید آورده و بدان قائل شده‌اند و سیره و بنائات عقلایی همواره بر رعایت آن استوار

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اسلامی، سید جلال‌الدین مدنی، تهران: سروش، ج ۴، ۱۳۶۶، ص ۴۰۹؛ حسین مهرپور، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، صص ۲۳-۲۴.

۱- متن کامل آن در بخش ضmann درج شده است.

بوده است، و از طرفی مالکیت حقیقی هم نیست تا از ویژگی‌های آن برخوردار شود.

۳- در قسمت دیگری از مباحث، دلایل و مستندات فقهی مشروعیت و اعتبار شرعی مالکیت‌های فکری و حقوق مربوط به آنها بررسی شد و به حکم عقل، عرف، بناء یا سیره عقلاء و... اشاره شد که به نظر می‌رسد با استناد به این دلایل بویژه بناء یا سیره عقلاء به مشروعیت و اعتبار شرعی این نوع مالکیت‌ها و حقوق قابل تبیین است.

۴- راه حل نهایی که برای مشروع دانستن این‌گونه حقوق و مالکیت‌ها مطرح گردیده^۱ حکم امام(ع) و حاکم اسلامی است که می‌توان از آن به حکم حکومتی تعبیر نمود که برای جلوگیری از هرج و مرج و حفظ نظم اجتماع این‌گونه حقوق را بنا بر مصالح تأیید و تثبیت می‌کند.

در نظام جمهوری اسلامی قوانین پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، به نظر شورای نگهبان مبنی بر مغایرت یا عدم مغایرت آنها با شرع و قانون اساسی، بررسی می‌شود. در همین راستا با توجه به وجود قانون ۱۳۴۸، که نمایندگان مجلس شورای ملی آن را طرح و تصویب کرده بودند و دستور ولی فقیه زمان به شورای عالی قضایی بر ابطال کلیه قوانین مغایر با شرع انور اسلام و عدم تشخیص قانون ۱۳۴۸ به عنوان قانون مغایر با شرع، می‌توان به مشروعیت و اعتبار شرعی یا حداقل عدم مغایرت این قانون، که قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و پدیدآورندگان است، در نظام جمهوری اسلامی ایران پی برد.

۵- در این بخش به بررسی دیدگاه حضرت امام خمینی نیز پرداخته شد که ایشان معتقد بودند: انحصار حق طبع برای صاحب اثر و مطبوعه و حق مالکیت فکری حق شرعی نیست و دلایل آن نیز آورده شد. اما در ضمن مباحث به استفتائی که از معظم‌له صورت گرفته بود اشاره شد که به صراحت حقوق معنوی پدیدآورنده را به رسمیت می‌شناخت و حق دفاع از اثر را در مقابل تحریفات و انتسابات ناروا به صاحب اثر و پدیدآورنده اعطاء می‌کرد.

۶- دلیل حضرت امام در انکار حقوق مادی پدیدآورنده، انحصار استفاده و بهره‌برداری از کتاب یا دستگاه اختراعی در دست پدیدآورنده یا عده‌ای قلیل است. در حالی که آثار و نتایج تولیدات فکری چون از متن جامعه مایه گرفته است متعلق به جامعه است و همگان

باید بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

۷- در تحلیل و تبیین دیدگاه حضرت امام خمینی به نکاتی می‌توان اشاره کرد:

الف - فکر بدون شکل و مواد خام و اولیه اثر متعلق به جامعه و عموم مردم است ولی اثر ابتکاری و شکل یافته و طرح ریزی شده در قالبی خاص از آن مبتکر و مبدع است و همو می‌تواند از منافع مادی آن منتفع شود. و منافع معنوی آن نیز که بالطبع متعلق به اوست و اختلافی در آن نیست.

ب - این انحصار انتفاع، موقتی است و طبق قانون در هر کشوری محدود است - در ایران ۳۰ سال پس از فوت مؤلف است - و پس از انتفاع مادی، اثر از آن جامعه و عموم خواهد بود و همگان از آن منتفع خواهند شد.

ج - دیدگاه حضرت امام در غیر شرعی بودن حقوق مادی مؤلف - طبق فتوای ایشان در تحریرالوسیله - در حقیقت دیدگاه فقهی و مبتنی بر قواعد و طرق استنباط احکام فقهی است ولی همان گونه که ایشان به اعضای محترم شورای نگهبان تذکر داده‌اند - در ابتدای بخش سوم آورده شد - فقهای عظام می‌توانند با دیدی مصلحت نگر با توجه به واقعیتهای جامعه اسلامی و جهان حکم مطلوب را که همان مشروعیت این گونه حقوق و مالکیت‌هاست صادر کنند.

۸- نهایت امر اینکه حق مالکیت فکری - به تقریری که گذشت - حقی شرعی است و نظر اکثریت فقهای معاصر بر این امر قرار گرفته است. دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز به مشروعیت و اعتبار شرعی این گونه حقوق است. تنها نکته این است که در حکم به مشروعیت این گونه حقوق هریک از فقها دلایل و مستنداتی اقامه کرده‌اند. بدین گونه که یکی از طریق عرف، دیگری از طریق بناء یا سیره عقلاء، فقیه دیگری از طریق شرط ضمن عقد، شرکت، یا حکم حاکم اسلامی و... این حقوق و مالکیت‌ها را مشروع دانسته‌اند.

و چنان که ذکر شد نظر نگارنده بر این است که می‌توان با استناد به طرق مذکور بویژه بنائات و سیره‌های عقلایی، نیز حکم عقل به اثبات مشروعیت و اعتبار شرعی این گونه حقوق کرد؛ بدون اینکه حالت اضطرار در نظر گرفته شود که در صورت عدم پذیرش حقوق مادی و معنوی مؤلف چه نتایجی به بار خواهد آمد و از طریق مصلحت، اعتبار شرعی این حقوق و مالکیت‌ها را استنباط و استفاده کنیم. که البته در صورت عدم پذیرش دلایل و مستندات اشاره شده طریق مصلحت و حکم حاکم و والی مسلمین و در زمان حاضر ولی فقیه همچنان که تمام فقهای عظام بر آن تصریح دارند راه حل نهایی است.

حقوق مالکیت‌های فکری در فقه عامه

آخرین موضوعی که در این نوشتار پیرامون آن بحث می‌شود، بررسی حقوق مالکیت‌های فکری در فقه عامه است که ضمن بیان این مسأله دیدگاه هریک از مذاهب جداگانه مطرح خواهد شد و در پایان نظر چند تن از فقهای اهل سنت را ذکر خواهیم کرد:

گفتار اول

بررسی «حقوق مالکیت‌های فکری» از دیدگاه فقه عامه

هیچ یک از پیشوایان مذاهب فقهی یا فقیهان پیشین، این مسأله را به گونه موضوعی مورد بررسی عمیق و دقیق قرار نداده و به ریشه‌یابی موضوع نپرداخته‌اند. این تنها امام قُرافی مالکی است^۱ که سخنانی کم و کوتاه در این باره گفته و ما در کتابش الفروق به آنها دست یافته‌ایم.^۲

۱- امام شهاب‌الدین ابی العباس احمد بن ادریس المصری المالکی المشهور بالقُرافی (۶۲۶-۶۸۴ ق).

۲- فُتْحُ الدُّرَنِی، حق‌الابتکار فی الفقه الاسلامی فی المقارن، ص ۷: قُرافی مالکی، الفروق، الجزء الاول،

بحث از حقوق مؤلف، چنان که به نظر می‌رسد، در فقه عامه نیز جزء مسائل مستحدثه است. از این رو هنوز مبنای فقهی تمام و کمالی برای آن تبیین نشده است. مع‌هذا همانند فقه امامیه نظرات جسته و گریخته و مقالاتی را می‌توان در این زمینه یافت که در این نوشتار با استفاده از آنها مسأله مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

منظور از تولید فکری مبتکر آن صور فکری است که از آنها ملکه راسخه‌ای در روان دانشمند، ادیب و... حاصل آید و این ملکه راسخه ناشی از نوآوری آن مبتکر باشد رکسی براو در این نوآوری پیشی نجسته باشد.^۲

نکات زیر از این تعریف استفاده می‌شود:

۱- تولید مبتکر عبارت است از صور فکری. این صور فکری عینیت ندارد تا مانند کتاب و... در خارج عینیت یابد، ولی عینیت کتاب تجلی آن افکار است و وسیله‌ای برای استیفای منفعت این تولید است.

۲- این صور با قید ابداع مشخص شده‌اند تا صوری مکرر و مشابه با صور پیشین دیگر و یا صور ربوده شده از جای دیگری نباشد. در عین حال گفتنی است که شرط نیست که تمام تولید مبتکر پدیده نوینی باشد چرا که هر تولیدکننده فکری به ناچار با مباحث و معلومات و میراث‌های علمی پیشین در ارتباط است. بنابراین تولیدات فکری در کمیت و کیفیت نوآوری و مقدار زمانی که روی آن صرف شده با یکدیگر اختلاف دارند. براین اساس نوآوری نسبی است نه مطلق.

۳- صور فکری ابتکاری نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد آن ملکه راسخه دارد، ولی با وجود این عین آن ملکه نیست بلکه از آن گرفته و ناشی شده است.

۱- شنیده‌ها حاکی از آن است که سازمان کنفرانس اسلامی مطالعاتی در این خصوص انجام داده است.

۲- فتحی الدربنی، همان، ص ۹ «الصور الفکریه التي تفققت عنها الملكة الراسخة في نفس العالم أو الاديب و نحوه مما يكون قد ابدعه هو، ولم يسبقه اليه احد».

۴- در این تعریف قید دیگری غیر از عالم و ادیب را می‌توان افزود تا تعریف تعمیم یابد و سایر علوم و انواع مختلف مالکیت‌های فکری را فراگیرد.

از دید فقهی، تولید فکری مبتکر بسیار شبیه میوه است که از درختش جدا شده باشد و نیز شبیه فواید اعیان خارجی است، زیرا تولید فکری مبتکر از صاحبش جدا می‌شود تا در کتابی یا ظرفی خارجی جای گیرد و به این وسیله دارای وجودی مستقل و نمودی آشکار می‌شود، و به همین دلیل می‌بینیم که ابن تیمیّه این فایده را شبیه منفعت دانسته است؛ از این جهت که منفعت در صورت بقاء اصل آن قابل استیفاء است یعنی منفعت معنوی مانند میوه در صورت بقاء اصل، قابل بهره‌وری است. تولید فکری نیز که به میوه تشبیه شده در صورت بقاء اصل قابل بهره‌وری است با این تفاوت اساسی که میوه جدا شده از درخت دیگر هیچ رابطه‌ای با درخت ندارد در حالی که تولید علمی رابطه‌اش با مؤلف پایدار است زیرا ناشی از ابتکار و فکر و قوه عقلی و علمی مؤلف است.^۱

بدین ترتیب می‌توان دو ویژگی عمده برای تولید فکری مبتکر (اثر ابتکاری) برشمرد: یکی اینکه تولید فکری منعکس‌کننده شخصیت علمی مبتکر است و این حالت، ویژگی ذاتی تولید فکری است و بلکه در واقع، این انعکاس شخصیت، خود ذات معنوی است و منشأ رابطه تولید فکری مبتکر و مبنای مسئولیت وی در قبال تولید فکری است. شخصیت علمی مانند درختی است که میوه می‌دهد ولی این درختی معنوی است یا به عبارتی ملکه راسخه ذهنی جا یافته در روان انسان است که علماء اصول فقه از آن به عقل یا قریحه یاد می‌کنند.

ویژگی دوم این است که تولید فکری ره‌آورد و دستاورد تلاشهایی است که اعمال شده و از شخصیت معنوی که ریشه و اصل است جداگشته و محل و مکان یا منبع مادی مشخص گرفته است؛ به گونه‌ای که دارای وجودی مستقل شده که بهره‌وری کمی و کیفی از آن تنها از

همین محل و منبع ممکن است.

همه مالکیان و شافعیان و حنبلیان بر این قولند که تولید فکری و همه منافع هرگاه بهره‌وری از آنها مباح شرعی باشد اموالی هستند که مالیت در ذات آنها قوام دارد و در مالیت با اعیان یکسان است. بر همین اساس عقود ناقل ملکیت بر آنها مترتب است و غاصب این فواید و منافع ضامن است. فقهای پیشین حنفیه نیز در اجتهادشان منافع را به شرطی که بر آنها عقد جاری شود، مال دانسته‌اند. بدین‌سان، منافع مورد تعاقب مال متقوم خواهد بود چرا که به مقتضای رعایت مصلحت عامه و نیاز مردم به این منافع و فواید در زندگی روزمره این منافع مورد عقد قرار می‌گیرند. و نیز به دلیل اینکه در عرف معاملاتی مردم جای دارند و عرف هم مستند به مصلحت و نیاز عمومی جامعه است و در عرف نیز همواره مردم از وقوع در حرج پرهیز دارند که خداوند نیز همین را اراده کرده است که عسر و حرجی در امر دنیا و دین بر مردم نباشد.^۱

حال برای بررسی معیار مالیت اشیاء مادی و معنوی در اجتهادات پیشوایان مذاهب فقهی دیدگاه‌های هر یک از مذاهب اهل سنت را جداگانه در مبحث آینده مورد بحث قرار می‌دهیم.

مالکیت‌های فکری در پرتو مفهوم مال از دیدگاه مذاهب اربعه

همان گونه که ذکر شد فرآورده‌های ذهنی پس از انفصال از ملکه علم و استقرار در کتاب و یا عین خارجی شبیه منافع ثمرات است - از حیث انفصال - و نیز گفته شد: فقهای حنبلی، مالکی و شافعی و فقهای متقدم حنفی براین باورند که منافع همانند اعیان اموال به حساب می‌آید. حال در اینجا ضروری است که به صورت گذرا متعرض معیار مالیت اشیاء مادی و معنوی در عرصه اجتهادات مذاهب فقهی اسلامی و ادله مربوطه آن شویم تا بتوانیم بحث جامعی پیرامون حق مالکیت فکری و مالیت این گونه حقوق مطرح کرده باشیم:

مبحث اول: معیار مالیت اشیاء در فقه شافعی^۱

در قواعد زرکشی در تعریف مال براساس فقه شافعی چنین آمده است: *ان المال ما كان منتفعاً به... وهو اما اعيان أو منافع*؛ مال چیزی است که با آن انتفاع حاصل می‌شود و آن چیز یا عین است یا منافع. در این مذهب مال شامل اعیان و منافع می‌شود. امام سیوطی عنصر عرف را وسیله ارزیابی مالکیت دانسته و می‌گوید: *عرفاً اسم مال اطلاق نمی‌شود مگر بر چیزی که دارای قیمت است و با آن معامله می‌شود و متلف آن ضامن است*. از این تعریف معلوم

۱- فتحی الدربنی، همان، ص ۲۳ به بعد؛ محمدرضا ایروانی، «حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن»، ص ۲۲۰؛

صبحی محمضانی، النظرية العامة للموجبات العقود في الشريعة الإسلامية، الجزء الاول، ص ۹؛

محمودی ده چشمه، همان، ص ۱۴۲.

می‌شود که عرف اساس مالیت اشیاست و چون در عرف مالیت دارد متلف آن ضامن است و شیء باید دارای منفعت باشد زیرا آنچه نفع ندارد قیمت نیز نداشته و در نتیجه مال نیست. خلاصه اینکه منفعت اساس قیمت و اعتبار مالی اشیاست و به عبارت دیگر *إنّ المنافع هي المقصود الاظهر من جميع الاموال*؛ مقصود نهایی از جمیع اموال منافع است.

مبحث دوم: معیار مالیت اشیاء در فقه حنبلی^۱

تعریف فقه حنبلی از مال چنین است: *إنّ المال مافیه منفعة مباحة لغير حاجة أو ضرورة... أم ما لا نفع فيه كالحشرات و ما فيه نفع محرّم كالخمر و ما لا یباح الا لضرورة کالمیته فلیس مالاً؛ مال چیزی است که در شرایط عادی دارای منفعت حلال باشد، زیرا در وقت اضطرار هر چیزی حلال می‌شود و چیزهایی که نفعی ندارد مثل حشرات و یا نفع حرام دارد مثل خمر و یا هنگام اضطرار مباح می‌شود مانند میته مال نیست.*

نکات زیر از این تعریف قابل استفاده است:

- ۱- مالیت اشیاء به منفعت و اثر است نه به عینیت و مصادر، و محل‌های اشیاء ابزار استیفاء منفعت و حیازت و تقدیر آن است. بنابراین قیمت شیء به منفعت آن است.
- ۲- وقتی که مناط مالیت، منفعت باشد، طبعاً به هر جریان معاوضه عرفی که در آن نفع باشد قابل توسعه است و حتی چیزی که در گذشته منفعت نبوده و اکنون بر اثر اکتشافات علمی دارای منفعت شده، مثل خون انسان، مال محسوب می‌شود.
- ۳- براساس مناط مالیت در فقه حنبلی، وقتی که کرم‌ها برای منفعت محدودی که دارند (طعمه در راه صید پرندگان و یا ماهیها می‌شوند) مال به حساب می‌آیند، در این صورت منفعت خالصی مثل ابتکار ذهنی به طریق اولی مال خواهد بود.
- ۴- تولیدات و فرآورده‌های علمی از مصالح عمومی و ضروری بشر است، لذا از مقاصد قطعی شرع به شمار می‌آید که احراز آن واجب است و چون اساس شرع بر جلب مصالح و مفاسد است، بنابراین رعایت حقوق مبتکر در راستای تحقق مصلحت عامه و عدل شرعی

۱- الدربنی، همان، صص ۲۶-۲۸؛ ابن قدامه، المغنی با شرح کبیر، ج ۵، ص ۴۳۹؛ ایروانی، همان.

است و نفی حق مبتکر با روح شرع و عدل آن مغایر است که باید از آن اجتناب کرد.

مبحث سوم: معیار مالیت اشیاء در فقه مالکی^۱

در این مذهب نیز، مال مفهومی عرفی دارد که در آن مفهوم، اختصاص و منع غیر از تعدی و تصرف نهفته است. اعتبار شرعی ملاک مالیت اشیاء است. امام شاطبی در الموافقات می‌گوید:

المال ما يقع عليه الملك ويستند به المالك؛ مال چیزی است که ملک بر آن مترتب است (عرفاً) و مالک نسبت به آن سیطره دارد.

طبق این تعریف مفهوم مال بر یک امر اعتباری و یا وصف شرعی بار شده است؛ امری که در آن مفهوم اختصاص و منع غیر از تعدی نهفته است. در این تعریف اعتبار شرعی مناط مالیت اشیاء است، خواه مادی باشد یا معنی و حقوق که قوام آن براساس ملکیت است مال به حساب می‌آید زیرا جوهر حق اختصاص است و اختصاص جوهر ملک و حقیقت آن است. پس مال شامل عین و منفعت و حقوق می‌شود.

بعضی از فقهای مالکی گفته‌اند: چنانچه کلمه مال به صورت مطلق استعمال شود شامل عین و عرض می‌شود و عرض را چیزی می‌دانند که عقلاً امکان درک حسی آن وجود ندارد مگر اینکه به منیع آن توجه شود.

خلاصه اینکه، در این مذهب مال مفهومی عرفی دارد و هر چیزی که منفعتی داشته باشد و دارای قیمت باشد مال محسوب می‌شود و در هر حال مناط مالیت اشیاء امر اعتباری (اعتبار عرف) یا وصف شرعی (اعتبار شرع) است.

معیار مالیت اشیاء در فقه حنفی^۱

به بیان دکتر وهبة زحیلی حنفیه مصداق مال را در اشیاء و اعیان مادی حصر کرده‌اند و غیر حنفیه منافع و حقوق را نیز اموال فرض کرده‌اند زیرا چنان که ذکر شد مقصود از اشیاء منافع آن است نه ذاتشان و این رأی مورد عمل قانون و داد و ستد عرف می‌باشد.

حنفیه‌ها در مال دو عنصر را شرط می‌دانند: ۱- امکان حیازت و احراز؛ ۲- امکان انتفاع در شرایط عادی. بنابراین اموری مثل: علم و ذکا و شرف مال نیست چون امکان حیازت در آنها نیست همچنین هوا و حرارت خورشید و نور ماه به این دلیل که امکان سیطره در آن وجود ندارد مال نیست. همین طور گوشت میتة و غذای مسموم مال نیستند چون در شرایط عادی منتفع نیستند.

متقدمان حنفی منافع را در صورتی که عقد معامله در آن جاری شود از اموال متقوم - اموالی که انتفاع از آن شرعاً مباح - دانسته‌اند، زیرا مصلحت و مورد نیاز مردم بودن در آن جاری بوده و منع مردم از آنچه در عرف آنها معمول شده به معنای انداختن آنان در حرج است که از ناحیه شرع منع شده است و ما جعل علیکم فی الدین من حرج. کلام متقدمان یک استثناء (استحسان) از قیاس عامی است که در مورد مال دارند و مستند استحسان آنها مصلحت جامعه و حاجت جاری عرف است.

ولی فقهای متأخر حنفی با جمهور علما بوده و عنصر عینیت را از مقومات مفهوم مال نمی‌دانند. چنان که در نظر آنان: و یطلق المال علی القیمه؛ مال بر قیمت اطلاق می‌شود. بنابراین مناط مالیت قیمت است که با درهم و دینار ارزیابی می‌شود. و هرچه بین مردم قیمت داشته باشد شرعاً مال به حساب می‌آید. مردم نیز قیمت را براساس منافع ارزیابی

۱- وهبة الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۴، ص ۴۲؛ الدرینی، همان، صص ۴۱-۴۲؛ ایروانی، همان.

می‌کنند. به این ترتیب عرف، حرف اول را در مالیت امور می‌زند در صورتی که انتفاع مباح شرعی باشد و با این وجه حنفیها نیز با شافعیها و مالکیها و حنبلیها هماهنگ شده‌اند.

چنان که از مجموع مطالب استفاده می‌شود مالکیت‌های فکری نیز به عنوان منافع که از اصل یعنی شخصیت علمی و ملکهٔ راسخهٔ مالک حاصل شده است مورد تأکید قرار گرفته و از این جهت به تصریح فقهای مذاهب اربعهٔ اهل سنت داخل در محدودهٔ مال است و بدیهی است چیزی که مال محسوب می‌شود تصرف در آن، انحصار، خرید و فروش آن، وصیت، ارث و ... مجاز شمرده می‌شود.

فقهای عامه برای ضرورت حمایت از حقوق مؤلف به دلایل دیگری نیز استناد می‌کنند:

۱- مصالح مرسله: یعنی در مواردی که حکم خاص شرعی وجود ندارد، باید حکم را بر مصلحت جامعه منطبق و مفسده را دفع کرد.

۲- اگر منافع کارهای عملی و جسمی مال باشد، به طریق اولی منافع فکری مال محسوب می‌شود.

۳- قاعدهٔ فقهی: الخراج بالضممان یعنی کسی که مسئولیت چیزی را دارد. در مقابل این ضمان، از منافع آن نیز سود می‌برد و نیز قاعدهٔ الغرم بالغنم به این معنی که ضرر در مقابل بهره‌مندی قرار می‌گیرد حقوق مؤلف را تأیید می‌کند.

۴- مشروعیت انتفاع از شیء دارای قیمت یا مال، احتیاج به دلیل اثباتی ندارد زیرا اصل اباحه است. و عدم وجود دلیل تحریمی در این موارد برای اثبات این حقوق کافی است. دکتر فتحی الدرینی پس از طرح مباحث مختلف نتیجه می‌گیرد که حقوق مؤلف در قالب حقوق مالکیت جای می‌گیرد و در مقابل این ایراد که چنین مالکیتی دارای تمام حقوق متصور برای مالک (حق استعمال، حق استثمار و حق اخراج از ملک) نیست، چنین پاسخ می‌دهد که

المالکیت فی نفسه علاقه اختصاصی یا حکم شرعی است که در مورد عین یا منفعت مقرر شده است. حقوق مالک جزء آثار مالکیت است نه خود آن. اقتضای مالکیت وجود این حقوق است. ولی خود مالکیت به محض تحقق شرایط لازم، بوجود می‌آید. مالک حق ارتفاق نیز حق اخراج این حق را ندارد. ولی چنین خصیصه‌ای موجب خروج این حق از مالکیت وی نمی‌شود. پس مؤلف نیز مالک حقوق خود است.^۱

دیدگاه چند تن از فقهای اهل سنت

در این قسمت به بررسی نظرات چند تن از فقهای معاصر اهل سنت که در زمینه مالکیت‌های فکری مباحثی را مطرح کرده‌اند می‌پردازیم تا با نظرگاه اهل سنت در مسأله کاملاً آشنا شده باشیم:

مبحث اول: دیدگاه استاد عبدالحمید طهماز^۱

وی در زمینه حق مؤلف معتقد است: «هیچ کس نمی‌تواند منکر حق مؤلف در کتابی شود که آن را تألیف کرده است. چرا که در نوشتن آن کتاب تلاش فکری و علمی کرده و زحمت کشیده است و نیز به این دلیل که وی مسئولیت دنیوی و اخروی محتوای کتابش را بر عهده دارد.» وی با نقل دو قاعده الخراج بالضمن والغرم بالغنم که پیش از این آوردیم بر اثبات حق ממؤلف تأکید می‌کند.

سؤالی که مطرح می‌شود این است: آیا جایز است مؤلف، حق خود را بفروشد؟ ایشان در پاسخ می‌گویند: «فروش حقوق از جمله مسائل فقهی است که آراء فقیهان در آن بسیار است. تعدد آرا در مسأله فروش حقوق ناشی از اختلاف دیدگاه فقیهان در مقدار مالیت حقوق است که آیا حقوق از اموال است یا خیر.»

۱- عبدالحمید طهماز، «حق التألیف و التوزیع والنشر و الترجمة»، به نقل از: حق الابتکار فی الفقه الاسلامی

فقه‌های متقدم حنفی حقوق مجرده را از اموال نمی‌دانستند ولی فقه‌های متأخر به دو نوع حقوق قائلند:

۱- حقوقی که شرع آنها را برای صاحبان حقوق ثابت کرده تا از آنان رفع ضرر کرده باشد، مثل حق شفعه و حق زوجه و حق خیار.

۲- حقوقی که برای صاحبان آن اصاله وضع شده و برای رفع ضرر از آنان جعل نشده است، مانند حق قصاص قاتل برای ولی مقتول و حق شوهر در ابقاء حق نکاح. در چنین حقوقی گرفتن بدل و عوض مالی جایز است.

حق مؤلف از نوع دوم حقوق است، زیرا این حق برای رفع ضرر از مؤلف جعل نشده است بلکه حق ابتدایی اوست چرا که اگر تلاش فکری و علمی و زحمت او نبود، کتابی وجود نداشت پس حق وی در کتاب حق اصیل و ثابتی است که عوض مالی آن جایز است، مخصوصاً پس از اینکه عوض مالی حق مؤلف در تمام جوامع بشری امری شایع و رایج و عرفی باشد.

مبحث دوم: دیدگاه دکتر وَهْبَةُ الزُّحَلِي

حق مؤلف که اکنون از آن به عنوان حق ادبی در قانون یاد می‌شود مورد امضای شارع است. زیرا مشمول قاعده استصلاح یا مصالح مرسله (اموری که دلیل خاص بر رد یا اعتبار آن از سوی شرع وارد نشده و لکن مشمول مقاصد شرع است که همانا جلب مصلحت و دفع مفسده است) است.

چون هر عملی که دارای مصلحت غالب باشد یا دفع ضرر و مفسده‌ای را در پی داشته باشد، مطلوب شرع است مؤلف که بذل جُهد کرده احق مردم است به کتابش؛ هم در استفاده مادی و هم در معنوی (نسبت کتاب به او). و این حق مستمر و قابل انتقال به ورثه است زیرا پیامبر (ص) فرموده است: مَنْ تَرَكَ مَالاً أَوْ حَقًّا فَلِوَرِثَتِهِ؛ هرکس مالی یا حقی به جای

۱- الزحلی، «حق التألیف و النشر و التوزیع»، به نقل از: حق الابتکار فی الفقه الاسلامی المقارن، ص ۱۸۸ به

گذارد به ورثه او می‌رسد.

عرف حقوق مؤلف را معتبر دانسته و آن را از منافع اعتبار می‌کند و منافع، اموال است و اشیاء و اعیان به دلیل منافع مورد توجه‌اند، زیرا غرض آشکار از جمیع اموال همانا منفعت آن است و حتی متأخران حنفی نیز به ضمان منافع در مال موقوف و مال یتیم و مالی که آماده بهره‌برداری است، حکم کرده‌اند.

حق نشر یا توزیع کتاب نیز مبتنی بر عقد قراردادی است که میان مؤلف و ناشر یا توزیع‌کننده امضاء می‌شود.

ترجمه کتاب نیز باید به اجازه مؤلف کتاب و کسب رضایت او باشد. حق مؤلف یا ناشر بستگی به چگونگی تقاضای کتاب و عرضه آن دارد. یعنی درصدی از سود حاصله براساس قراردادهای معمول یا عرف رایج از آن ناشران و مؤلفان خواهد بود.

مبحث سوم: دیدگاه دکتر نداف کنعان^۱

رأی راجح نزد فقها جواز اخذ عوض از سوی مؤلف نسبت به فرآورده‌های فکری اوست زیرا اولاً، اخذ اجر بر آموزش قرآن و حدیث جایز است و دلیل آن قول پیامبر (ص) است: *اِنَّ اَحَقَّ مَا اُخِذْتُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا كِتَابُ اللّٰهِ* - صحیح بخاری - و هرگاه در قرآن اخذ اجرت جایز باشد، اخذ عوض در تألیف به طریق اولی جایز است و ثانیاً، حق مؤلف از حقوق اولیه است و در این حقوق مبادله جایز است.

مبحث چهارم: دیدگاه ابوالحسن الندوی^۲

یعنی مؤلفی که پس از زحمتهای توان‌فرسای بسیار و تلاش زیاد و صرف وقت گرانبهای خویش و چه بسا صرف سرمایه مالی فراوانی توانسته کتابی ارزشمند پی‌نهد، حق دارد که

۱- ایروانی، حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن، ص ۲۲۴.

۲- ابوالحسن الندوی، «الاستعراض الفقہی لحقی التألیف و الطباعة»، به نقل از: حق الابتکار فی الفقه الاسلامی المقارن، ص ۱۶۱ به بعد.

بهای زحمتش را دریافت کند یا در برابر بهره‌دیگران از آن کتاب، عوض بگیرد، و مالک قیمت یا عوض آن باشد. و با توجه به اصول شریعت اسلام و سیره و سنت برخی علمای سلف، به طور مشروط، صلاحیت آن را دارد که یک سازنده یا پدیدآورنده تلقی شود و تألیف او به منزله پدیده ساخته شده یا مصنوع به حساب آید و آن گونه که در شریعت اسلام هر سازنده‌ای مالک مصنوع خود است، مؤلف نیز می‌تواند مالک حق ملکیت تألیفش باشد و براین اساس آن گونه که سازنده آزاد است که اجازه بهره‌برداری و کاربرد ساخته‌اش را به دیگران بدهد یا ندهد و در مقابل عوض بگیرد یا نه، مؤلف نیز چنین آزادی و اختیاری را دارد.

نظر ما در این موضوع همان سیره و سنت محدثان و عالمان پیشین است که آنان در نقل احادیث و نوشته‌هایشان چگونه عمل می‌کرده‌اند. به هرکس که می‌خواستند اجازه می‌دادند. برخی از محدثان اجازه نقل احادیثشان را می‌دادند و در برابر آن عوض می‌گرفتند. اجازه چاپ خود نوعی توکیل است یعنی ناشر وکیل میان مؤلف و خریداران کتاب است. لذا مؤلف حق دارد عوض حق بهره‌برداری از تولید فکریش را از ناشر بگیرد و نیز حق دارد تیراژ نسخه‌های چاپی کتاب را خود معین کند.

اگر میان مؤلف و ناشر توافق شد و کمیت عوض یا حق تألیف و زمان پرداخت آن در ضمن عقد قید شد، از آنجا که چنین قیود و شروطی مغایر قواعد عقود اسلامی نیست، می‌توان گفت که چنین بیعی جایز است. بدیهی است که تألیف نباید از اموری باشد که شرع بیان آن را بر مؤلف واجب ساخته است یعنی واجبات دینی نباشد.

مبحث پنجم: دیدگاه استاد وهبی سلیمان غاوجی^۱

تألیف نوعی تعلیم است و بلکه تعلیم ثابت و جاویدی است که پس از مرگ مؤلف پایدار است. بنابراین هرگاه نویسنده کتابی نوشت و آن را چاپ کرد و برای فروش عرضه کرد و بر روی جلد آن یا در جای دیگری نوشت که حق چاپ برای مؤلف یا ناشر محفوظ است،

۱- وهبی سلیمان غاوجی، «حق التألیف»، به نقل از: حق الابتکار فی الفقه الاسلامی المقارن، ص ۱۶۹ به بعد.

هیچ کس جز او، حق چاپ آن را بدون اجازه قبلی و جلب رضایت و موافقت وی ندارد. این حق اوست چرا که کار مباحی است و آنچه را ساخته و پرداخته نیز مباح است و این تولید مال اوست و حق خاص او می‌گردد.

و هرگاه نویسنده یا ناشر چنان جمله‌ای را ننوشتند دیگران می‌توانند آن را چاپ و بهره‌برداری کنند؛ زیرا چنین کاری مباح بوده و به معنای این است که فردی قبلاً از آن بهره برده و سپس آن را رها کرده است. گمان نکنم عرف بتواند جای جمله حق چاپ محفوظ است را بگیرد. به گونه‌ای که هرکس این جمله را بر روی کتاب ننوشت گویی آن را نوشته و حق چاپ برای دیگران ممنوع باشد.

در باره حق ترجمه، هرگاه بر روی کتاب نوشته شده بود حق ترجمه محفوظ یا ترجمه کتاب ممنوع است بدون کسب اجازه قبلی از نویسنده و یا ناشر، ترجمه آن کتاب یا فصل‌هایی از آن جایز نیست، اما هرگاه این جمله نوشته نشده بود، مانعی در ترجمه کتاب یا بخش‌هایی از آن نمی‌بینیم.

نتیجه‌گیری

در فصل دوم آنچه از بررسی فقهی مالکیت‌های فکری در فقه اهل سنت حاصل شد چنین است:

- ۱- تولید فکری مبتکر بسیار شبیه میوه است که از درختش جدا شده و نیز شبیه فواید اعیان خارجی است. شخصیت علمی مانند درختی است که میوه می‌دهد ولی این درختی معنوی است یا به عبارتی ملکه راسخه ذهنی جا یافته در روان انسان است.
- ۲- همه مالکیان و شافعیان و حنبلیان بر این قولند که تولید فکری و همه منافع هرگاه بهره‌وری از آنها مباح شرعی باشد اموالی هستند که مالیت در ذات آنها متقوم است و در مالیت هیچ تفاوتی با اعیان ندارد. فقهای متقدم حنفیه نیز در اجتهادشان منافع را به شرطی که بر آنها عقد جاری شود مال دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر منافع مورد تعاقد مال متقوم تلقی می‌شود.

۳- در فقه شافعی عرف اساس مالیت اشیاء است و شیء باید دارای منفعت باشد زیرا

چیزی که منفعت ندارد قیمت نیز نداشته و در نتیجه مال نیست. خلاصه اینکه منفعت اساس قیمت و اعتبار مالی اشیاء است.

۴- در فقه حنبلی مال چیزی است که دارای منفعت مباح شرعی باشد آن هم در شرایط عادی. پس مناط مالیت منفعت است و می‌توان آن را به هر جریان معاوضه عرفی که در آن نفع باشد توسعه داد، حتی چیزهایی که در گذشته دارای منفعت نبوده و اکنون بر اثر اکتشافات علمی دارای منفعت شده‌اند مال محسوب می‌گردند.

۵- در فقه مالکی نیز مال مفهومی عرفی دارد و هر چیزی که دارای منفعتی باشد و دارای قیمت باشد مال محسوب می‌شود. در هر حال مناط مالیت اعتبار عرضه یا اعتبار شرع است.

۶- در نظر حنفیه در مال وجود دو عنصر شرط است: الف - امکان حیازت و احراز؛ ب- امکان انتفاع در شرایط عادی. فقهای متقدم حنفی منافع مورد تعاقد را مال می‌دانستند و دلیل این نظر مصالح مرسله است. ولی فقهای متأخر حنفی همانند جمهور علما عنصر عینیت را از مقومات مفهوم مال ندانسته و معتقدند مال بر قیمت اطلاق می‌شود. پس هرچه نزد عرف قیمت داشته باشد مال محسوب می‌شود.

۷- در پایان فصل نیز نظر چند تن از فقهای عامه مورد بررسی قرار گرفت.

۸- خلاصه اینکه علمای عامه تولید فکری را منفعت دانسته و - با اختلافات اندکی - منفعت را مال دانسته و براین اساس مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن نیز مشروع قلمداد شده است. هرچند این استدلال به وضوح در نظرات فقهای عامه در مذاهب مختلف نیامده است ولی می‌توان استدلال مذکور را از کلمات آنان استفاده کرد.

نتیجه گیری

در پایان این نوشته آنچه از کلیه مطالب ذکر شده می توان نتیجه گیری کرد، اختصاراً به شرح زیر است:

۱- حق عبارتست از اقتداری که قانون به افراد می دهد یا به عبارت فقهی سلطنت و توانایی خاصی است که کسی نسبت به چیزی یا شخصی دارد.

۲- مالکیت رابطه ای است میان مال از یک طرف و شخص (حقیقی یا حقوقی) از طرف دیگر که براساس آن مالک حق هرگونه تصرف را - جز آنچه قانوناً ممنوع شده است - در مال و ملک خویش دارد و دارای سه وصف اساسی است (مراد مالکیت عین است): ۱- مطلق بودن؛ ۲- انحصاری بودن؛ ۳- دائمی بودن.

۳- حقوق معنوی حقوقی است غیرمادی و مربوط به شخصیت پدیدآورنده که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار خود را می دهد.

۴- حق معنوی و مالکیت معنوی در واقع نوع خاصی از حق و مالکیت است از این جهت که نه حق دینی است و نه حق عینی، بلکه مزیتی است قانونی و غیرمادی؛ و از طرف دیگر نه جزء مالکیت اموال منقول است و نه جزء مالکیت غیرمنقول بلکه نوع خاصی از مالکیت است با ویژگیهای خاص (هرچند برخی اساتید براین باورند که با گسترش مفهوم مالکیت سنتی با دایره وسیعی که به خصوص در فقه اسلامی دارد می توان مالکیتهای معنوی را هم جزء مالکیت مطرح در فقه دانست و نه نوع جدیدی از مالکیت)

۵- هرچند از نظر تاریخی شواهدی دال بر وجود حقوقی برای پدیدآورندگان در یونان و رم قدیم وجود دارد، توجه جدی کشورها به این حقوق با پیدایش صنعت چاپ در قرن

شانزدهم و تحولات بعدی، پدید آمد که باعث تصویب قوانین حمایتی در برخی کشورهای اروپایی و آمریکایی شد.

۶- در فرهنگ و تمدن اسلامی اصل در نشر علوم، عدم توجه به بعد مادی آن بوده است و طبق حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید *زكاة العلم نشره*؛ زکات علم نشر آن است، توجه به بعد معنوی و پاداش اخروی در نشر و آموزش علوم مورد توجه بوده؛ است چنان که در مقابل تحریف‌کنندگان آثار نیز صاحبان آن - همچنان که در متون تاریخی در متن پایان‌نامه اشاره شده - به تخریف و لعن و وعید عذاب الهی بسنده می‌کردند.

۷- در اواخر قرن نوزدهم، به دنبال گسترش ارتباطات و پیشرفت علوم و فنون، لزوم حمایت‌های بین‌المللی از حقوق پدیدآورندگان ایجاد شد. لذا ابتدا، این حمایت در شکل قراردادهای همکاری متقابل و دو جانبه کشورها سپس همکاریهای منطقه‌ای و سرانجام پیدایش کنوانسیونها و قراردادهای بین‌المللی، با شرکت اکثر کشورهای جهان، به وجود آمد. مهمترین این کنوانسیونها، کنوانسیون پاریس در حمایت از حقوق مالکیت‌های صنعتی و تجارتی در سال ۱۸۸۳م در پاریس بود که تا سال ۱۹۶۷م در استکهلم اصلاحات جدی بر آن شده است. دولت ایران نیز به کنوانسیون استکهلم ملحق شده است. نیز کنوانسیون برن در حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری است که در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ منعقد شد و تجدید نظرهایی نیز تا سال ۱۹۷۱م در پاریس در آن صورت گرفت. که دولت ایران هنوز به عضویت آن در نیامده است.

کنوانسیون جهانی حق مؤلف (قرارداد ژنو) در ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ به امضاء رسید، که حاوی حمایت‌های بیشتری از کشورهای در حال توسعه بود. نیز قراردادهای دیگری در حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری پدید آمد که در متن نوشته بدانها اشاره شده است.

۸- از سازمانهای ذی‌صلاح در حمایت از حقوق پدیدآورندگان، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) و سازمان تجارت جهانی (WTO) را می‌توان نام برد.

۹- در ایران از لحاظ پیشینه تاریخی، در ابتدا طبق اسناد، حقوق پدیدآورندگان فاقد حمایت قانونی بود که به موازات پیشرفتهای جهانی نخست در مواد ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷ و ۴۲۸ فصل یازدهم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰ش سپس در سال ۱۳۴۷ش پس از سیر مراحل گوناگون، بالاخره لایحه حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تقدیم مجلس

شد که در سال ۱۳۴۸ ش تحت عنوان قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان به تصویب رسید و آیین‌نامه اجرایی آن نیز در دی ماه ۱۳۵۰ به تصویب هیأت وزیران رسیده در تاریخ ۶ دی ماه ۱۳۵۲ نیز قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی به تصویب رسید که در واقع مکمل قانون ۱۳۴۸ ش بود و نقاط ضعف آن را تکمیل می‌کرد.

و نهایتاً در سال ۱۳۷۹ ش بر اساس قانونی که مورد تصویب قرار گرفت پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز مورد حمایت قرار گرفتند.

در زمینه مالکیت‌های صنعتی و تجارتي نیز علی‌رغم عضویت ایران در کنوانسیون بین‌المللی پاریس، هنوز قانون جامعی در داخل کشور در این زمینه وجود ندارد.

۱۰- در بخش تبیین حقوقی ابتدا ماهیت حقوقی مالکیت‌های ادبی و هنری مورد بحث قرار گرفته است که از میان نظریات متعدد مطرح شده آنچه مورد نظر نگارنده است این است که ماهیت و طبیعت حقوق مالکیت‌های فکری - اعم از ادبی و هنری و صنعتی - تلفیقی از نظریه مالکیت و نظریه حقوق فکری است.

۱۱- شرایط کلی حمایت از اثر عبارت است از: محسوس بودن شکل اثر، اصالت اثر، چاپ یا پخش یا نشر یا اجرای اثر برای نخستین بار در ایران باشد و مالیت داشتن اثر.

۱۲- گونه‌های آثار مورد حمایت عبارتست از: آثار نوشته، آثار سمعی و بصری، اثر تجسمی، اثر ابتکاری بر پایه فرهنگ عامه، اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد و اثر ترکیبی.

۱۳- پدیدآورنده دارای یک رشته حقوق معنوی است که هریک دارای اقسام و خصوصیات است که به تفصیل شرح داده شد.

۱۴- تاریخچه حمایت از مالکیت‌های صنعتی و تجارتي و توجه جدی کشورها به این امر از مباحثی است که در فصل دوم از بخش دوم ذکر شده است. شیوه اعطای امتیاز و پاداش به مخترع که شیوه سنتی حمایت از پدیدآورندگان و مخترعان بود در سال ۱۶۲۴م جای خود را به شیوه جدیدی داد و در واقع انگلستان اولین کشوری بود که قانون جدید اختراعات در آن تدوین گردید.

در زمینه بین‌المللی نیز با اتحاد کنوانسیونهای برن و پاریس، دفتر بین‌المللی متحد برای حمایت از مالکیت معنوی که در فرانسه BIRPI خوانده می‌شد، تشکیل گردید. در سال

۱۹۹۸م WIPO یا به فرانسه OMPI جانشین BIRPI شد که مجری ۲۲ معاهده در زمینه حمایت از مالکیت‌های معنوی در سطح جهان است.

۱۵- ماهیت حقوقی این نوع مالکیتها - مالکیت‌های صنعتی و تجاری - از نوع مالکیت معنوی یا فکری است که از خلاقیت‌های ذهن بشر و ابتکارات وی حمایت می‌کند. نوع جدیدی از مالکیت است یعنی حق معنوی است که دارای آثار مادی است.

۱۶- در زمینه مالکیت‌های صنعتی مفاهیمی همچون: کارمایه (مایه تجاری)، اسم تجاری، علائم - صنعتی و تجاری، حق اختراع know - how, royalty و طرح‌ها و ترسیمات صنعتی شرح و تفصیل داده شده است.

۱۷- در قسمت دیگری از بخش دوم وجوه عمده کنوانسیون بین‌المللی پاریس و موافقت‌نامه TRIPS (موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با مالکیت معنوی) برشمرده شده که از آخرین مدارک علمی استخراج شده است، باید اضافه کرد که موافقت‌نامه تریپس یکی از سه رکن سازمان تجارت جهانی است که جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی را مورد بحث قرار می‌دهد و در مواردی مفصل‌تر از کنوانسیون پاریس است.

۱۸- همچنان که ذکر شد بحث‌های فقهی کمی در موضوع مالکیت‌های فکری وجود دارد که آن هم اغلب در سال‌های اخیر پدید آمده است.

۱۹- در خصوص ماهیت فقهی حق مالکیت فکری چندین نظریه را به صورت پراکنده در میان کتب و مقالات و بیانات فقها می‌توان استخراج کرد که عبارتند از: نظریه فطری بودن مالکیت، نظریه علم حصولی، نقد نظریه (ارزش = کار)، نظریه اشتراکی بودن مالکیت، نظریه ملکیت اعتباری و نظریه ملکیت تکوینی. آنچه مطلوب نگارنده است تبیین فقهی مالکیت‌های فکری براساس نظریه فطری بودن مالکیت و ملکیت اعتباری است و سایر نظریه‌ها دارای اشکالات خاص خود است.

۲۰- در قسمت دیگری از مباحث دلایل و مستندات فقهی مشروعیت و اعتبار شرعی مالکیت‌های فکری و حقوق مربوط به آنها مورد بررسی قرار گرفت. اهم این دلایل به شرح زیر مطرح شد: ۱- بنای عقلاء (سیره عقلا)؛ ۲- عرف؛ ۳- حکم عقل؛ ۴- تحول حقوق خصوصی؛ ۵- تمسک به قاعده لاضرر و لاضرار؛ ۶- تمسک به قاعده سلطنت.

در خصوص دلیل اول که بناء و سیره عقلاست گفته شد که بناء عقلاء در دو مبنا مورد

بحث قرار گرفته است: یکی بناء عقلاء براساس سنت؛ و بناء عقلا براساس عقل. در صورت اول اعتبارات عقلایی تا از پشتوانه امضای شارع برخوردار نباشد، نمی‌تواند منبع حکم شرعی شناخته شود که این امضاء یا از طریق نصوص و اطلاقات لفظی است یا از طریق تقریر معصوم^(۴). بنابراین، بناات عقلایی مستحدث همانند بناء عقلاء بر اعتبار حقوق مالکیت‌های فکری که در زمان شارع مقدس سابقه نداشته اگر مشمول اطلاقات و عمومات لفظی، که از طرف شریعت به ما رسیده است - (مثل: اوفوا بالعقود) - شود، این‌گونه حقوق اعتبار شرعی پیدا می‌کنند. اما اگر چنین نصی وجود نداشته باشد و این‌گونه سیره‌های عملی را بخواهیم از طریق سکوت و تقریر امام امضاء شده قلمداد کنیم، نسبت به اعتبارات عقلایی جدید معنی نخواهد داشت. در عین حال چند طریق برای اعتبار شرعی بنای جدید عقلا ذکر شده از جمله: ۱- امضاء اعتبارات عقلایی جدید با لحاظ ابدی بودن دین؛ ۲- واگذاری اعتبار امور عقلایی به عقلاء. در صورت دوم یعنی بناء عقلا براساس عقل، روش عملی عقلا نه خود موضوعیت دارد و نه بدین دلیل که به سنت برمی‌گردد معتبر است بلکه مستند آن حکم بدیهی عقل است؛ عقلی که در کنار کتاب و سنت یکی از منابع استنباط احکام شمرده می‌شود. خلاصه اینکه براساس دلیل بنای عقلاء و در درجه دوم حکم عقل و عرف می‌توان اعتبار شرعی حقوق مالکیت‌های فکری را توجیه کرد - طبق فرضیه این پژوهش - و مؤیداتی از کتب روایی بر آن اقامه شده است.

۲۱- راه‌حل نهایی که برای مشروعیت این‌گونه حقوق و مالکیت‌ها مطرح شده حکم امام^(۴) و حاکم اسلامی است که می‌توان از آن به حکم حکومتی تعبیر کرد که براساس مصالح در هر زمان می‌تواند این‌گونه حقوق را مشروع اعلام کند چرا که مفسد عدیده‌ای چون عدم پیشرفت امور فرهنگی، آموزشی، هرج و مرج در بازار نشر علوم و... به دنبال خواهد داشت.

۲۲- دیدگاه حضرت امام خمینی از موارد مورد بحث در بخش سوم است. در ضمن مدارک مستندات نظر ایشان نیز ارائه شده و در گفتاری دیگر این دیدگاه تبیین شده است که به طور خلاصه چنین است:

امام در کتاب شریف تحریرالوسیله حق طبع را مشروع ندانسته‌اند اما با توجه به استفتایی که از ایشان شده است در آن حقوق معنوی مؤلف را پذیرفته‌اند که می‌توان از پاسخ این

استفتاء^۱ پذیرش حقوق مادی یا حداقل عدم انکار این حقوق را استفاده کرد چرا که از پذیرش حقوق معنوی مؤلف می‌توان پذیرش حقوق مادی مؤلف را نیز استفاده کرد.

شاید دلیل امام در انکار حقوق مادی مؤلف، انحصار تولیدات فکری و علمی به شخص پدیدآورنده باشد. در حالی که جامعه بدان نیازمند است. پس انحصار تولیدات ادبی و هنری و صنعتی به پدیدآورنده و مخترع آن هیچ مبنایی ندارد و شخص مخترع و پدیدآورنده نمی‌تواند دیگران را از استفاده و بهره‌برداری از این اثر منع کند.

به نظر می‌رسد لازمه شناخته شدن حقوقی برای مؤلف و پدیدآورنده‌ای که عمری را در تولید آثار ادبی و هنری و تولیدات صنعتی و پیشرفتهای تکنولوژیکی صرف کرده، این است که استفاده از این اثر و تولید باید در اختیار وی باشد؛ در غیر این صورت حقوق معنوی وی نیز مختل خواهد شد. ولی این انحصار استفاده که در اختیار پدیدآورنده است دارای مدت و محدودیت است و مطلق و بی قید نیست. مؤلف و پدیدآورنده بدلیل صرف عمر و فکر و اندیشه در تولید یک اثر مستحق استفاده از اثر و تعلق اثر به وی است اما پس از بهره‌برداری و کسب از منافع اثر این اثر متعلق به جامعه و منافع عمومی خواهد بود که در این زمینه با وضع قوانین جامع و مانع زمینه هرگونه سوء استفاده از حقوق محدود خواهد شد.

پس در زمینه دیدگاه حضرت امام گفتنی است که مؤلف و پدید آورنده از آن جهت که عمر و فکر و اندیشه و ابتکار خویش را در خلق اثر به کار گرفته مستحق استفاده از منافع آن است؛ منتهی این انحصار با قوانین هر کشور محدود به مدت معینی است، به عنوان نمونه در قانون ایران تا ۳۰ سال پس از مرگ مؤلف است و پس از آن اثر متعلق به جامعه و جزء میراث عمومی خواهد بود.

نکته دیگری که در استفتاء مورد اشاره از امام مذکور است مراعات قوانین صادره از طرف دولت اسلامی در زمینه این حقوق و مالکیتهاست که در این صورت رعایت قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نیز الزامی خواهد بود.

۲۳- اکثریت فقهای که در این موضوع مباحثی را مطرح کرده‌اند، هر یک به طریقی مشروعیت این‌گونه حقوق و مالکیتها را تبیین کرده‌اند.

۲۴- در فقه عامه نیز موضوع حق مالکیت فکری از مسائل مستحدثه است و تنها در سالهای اخیر مباحثی درباره آن صورت گرفته است. در مجموع تولید فکری مبتکر در این دیدگاه بسیار شبیه میوه است که از درختش جدا شده است. در واقع شخصیت علمی مانند درختی است که میوه می‌دهد. همه مالکیان، شافعیان و حنبلیان براین قولند که تولید فکری و همه منافع و هرگاه بهره‌وری از آنها مباح شرعی باشد، اموالی هستند که مالیت در ذات آنها متقوم است به عبارت دیگر منافع مورد تعاقد مال متقوم تلقی می‌شود.

۲۵- در فقه شافعی عرف اساس مالیت اشیاء است و شرط مالیت داشتن شیء منفعت‌دار بودن آن است زیرا چیزی که منفعت ندارد قیمت نیز نداشته و در نتیجه مال نیست.

در فقه حنبلی مال چیزی است که دارای منفعت مباح شرعی باشد آن هم در شرایط عادی؛ پس مناط مالیت منفعت است.

در فقه مالکی نیز مال مفهومی عرفی دارد و هر چیزی که دارای منفعت و دارای قیمت باشد مال محسوب می‌شود و از نظر حنفیان دو عنصر در مالیت داشتن شیئی شرط است: ۱- امکان حیازی و احراز؛ ۲- امکان انتفاع در شرایط عادی. فقهای متقدم حنفی عنصر عینیت را از مقومات مفهوم مال می‌دانستند ولی فقهای متأخر معتقدند مال بر قیمت نیز اطلاق می‌شود.

بدین ترتیب و با توجه به مبانی فقهی مذاهب اربعه اهل سنت و فقهای آن، مشروعیت و اعتبار شرعی حقوق مالکیت‌های فکری از دیدگاه فقه عامه ثابت است.

فهرست آیات

- أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ، ۱۷۴
أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ، ۱۸۰
الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، ۱۸۴
الْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا، ۱۷۲
أَوْفُوا بِالْعُقُودِ، ۱۷۲، ۱۹۰
جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، ۴۰
خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ، ۱۶۹
فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، ۱۷۷
لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ، ۲۰
لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيَبْطُلَ الْبَاطِلُ، ۲۰
لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، ۱۸۳
مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا، ۲۱
ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، ۸
وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ، ۱۷۰
وَلَا تُسَبِّحُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبِغُوا اللَّهُ عَدُوًّا بَغِيرَ عِلْمٍ...، ۴۱
وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ، ۲۰۶

فهرست احادیث

- إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَاسْنُدُوهُ و...، ۱۸۵
أَكْتُبُ وَ بَيَّ عَلِمَكَ فِي إِخْوَانِكَ...، ۱۸۵
الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يُعْطِينِي الْكِتَابَ...، ۱۸۴
الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ، ۱۶۵
إِنَّ أَحَقَّ مَا أَخَذْتُمْ عَلَيْهِ أَجْرُ أَكْتَابِ اللَّهِ، ۲۱۰
إِنَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ عِنْدَ اللَّهِ...، ۱۷۰
إِيَّاكُمْ وَ الْكَذِبَ الْمُفْتَرَع...، ۱۸۵
رِكَاءُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ...، ۲۱۵
كُلُّ مُوَلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، ۱۷۷
لَا يَجِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِأَذْنِهِ، ۱۵۴
مَارَاةُ الْمُسْلِمُونَ حَسَنًا فَهِيَ عِنْدَ اللَّهِ حَسَنٌ، ۱۵۶
مَنْ تَرَكَ مَالًا أَوْ حَقًّا فَلِوَرَثَتِهِ، ۲۱۰

فهرست اعلام

- آتیکوس، ۳۲
 آذری، ۳۱، ۳۲، ۳۴
 آشتیانی، ۱۶۲
 آصفی، ۳۷
 آندره موریو، ۳۱
 آیتی، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۸، ۶۵، ۶۶، ۷۱، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۹۲، ۹۶، ۱۰۱، ۱۴۸
 ابن تیمیّه، ۲۰۱
 ابن عابدین، ۱۶۹
 ابن مسعود، ۴۰
 ابن منظور، ۲۰، ۱۶۶
 ابن هشام، ۴۰
 افتخارزاده، ۳۸، ۴۰
 افلاطون، ۳۲
 الامینی، ۴۰، ۱۵۴، ۱۸۵
 الحر العاملی، ۱۵۴، ۱۸۵
 الزحیلی، ۱۶۷، ۲۰۶، ۲۰۹
 السنهوری، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۷
 الندوی، ۲۱۰
 امام خمینی، ۷، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۵۷، ۱۴۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۷، ۱۸۸
 ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸
 امام علی، ۴۱
 امامی، ۱۹، ۲۵، ۴۴، ۵۷، ۸۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵
 امویان، ۳۷
 انصاری، ۲۰، ۱۶۲
 انوری، ۵۳، ۵۴
 اورلثان، ۸۳
 ایروانی، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۰
 باهری، ۷۹، ۹۸
 بروجردی، ۱۶۱
 پیامبر اکرم، ۲۱۵
 پیکار، ۷۲

- جلال‌الدین مدنی، ۱۹۵
حافظ، ۱۰۶، ۱۴۹
حسینی حائری، ۱۶۷
حکیم، ۵۲، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۷
حنبلیان، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۲۰
حیدری، ۱۷۷
خامنه‌ای، ۱۹۸
خویی، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۱۶۴
دهخدا، ۸۰
ذبیح‌الله اولاد، ۱۱۳
روحانی، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۸۲
ریپر، ۶۵
زرکشی، ۲۰۳
ژوسران، ۶۷
سبحانی، ۱۵۸
ستوده، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷
سعدی، ۱۴۹
سعدی شیرازی، ۵۳
سلیم بن قیس هلالی، ۳۷
سیسرون، ۳۲
شاپلیه، ۶۷
شاطبی، ۲۰۵
شافعیان، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۲۰
شرتونی، ۱۶۶
صادقی مقدم، ۱۵۴، ۱۹۵، ۲۱۹
صادقی نشاط، ۹۰
صادقی یارزندی، ۵۰، ۱۳۳
صافی گلپایگانی، ۱۷۵، ۱۹۷
صدر، ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۷
صفایی، ۷، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۶۵، ۶۶، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱
۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷
طباطبایی، ۶۶، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰
طبرسی، ۱۷۰

- طهماز، ۲۰۸
عایشه، ۴۰
عبادی، ۷۶، ۷۷، ۹۲، ۹۴، ۱۰۱
عبدالقاهر بغدادی، ۴۱
عبداللهی، ۱۵۹
عثمان، ۴۰
عثمان جلالی، ۵۴
عمید، ۷۹، ۸۰، ۸۲
فتحی الدربینی، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۷
فردوسی، ۵۲، ۱۲۰
فروچی، ۱۰۹
فیض کاشانی، ۱۶۶
کاتبی، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹
کاتوزیان، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۹، ۱۰۶
کاملان، ۱۷۳
کشاورز، ۱۰، ۶۰، ۶۲، ۱۲۲
کلینی، ۱۸۴
گرجی، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۱۰۷، ۱۵۵، ۱۵۶
لامارتین، ۶۷
لطفی، ۳۵، ۱۰۸
لنکرانی، ۱۵۶، ۱۵۸
لنگرودی، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۶۱، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۹۵، ۱۰۶
مالکیان، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۲۰
محمدبیگی علی اعظم، ۴۶
محمد معین، ۲۳
محمدی ده‌چشمه، ۴۵، ۴۷، ۶۵، ۷۳
محمصانی، ۲۰۳
مرادی، ۵۴، ۶۵
مرعشی، ۲۱، ۱۵۸، ۱۸۱
مسعودی، ۳۹
مطهری، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۸۹، ۱۹۱
مظفر، ۱۷۶
مکارم شیرازی، ۲۰، ۱۶۳

موسوی بجنوردی، ۷، ۱۴۷، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۹۳
 مهرپور، ۱۹۵
 نائینی، ۱۶۷
 نداف کنعان، ۲۱۰
 واعظی، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۳
 هانری دبوا، ۶۶، ۷۱، ۸۴
 هاینس باردل، ۴۳، ۵۱، ۱۲۵، ۱۳۳
 هجویری، ۵۴
 هرمدور، ۳۲

فهرست اماکن

ایران، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۳۰، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۸، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۷، ۱۹۱، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۹
 آلمان، ۳۶، ۵۵، ۸۹، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۳۲
 اتریش، ۴۳
 اروپا، ۳۵، ۳۶، ۴۲، ۴۵، ۴۸، ۵۵، ۱۰۹
 استکهلم، ۱۰، ۴۴، ۴۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۴۱، ۲۱۵
 امریکای شمالی، ۳۶
 امریکای لاتین، ۳۶، ۴۵
 انگلستان، ۳۰، ۳۵، ۶۴، ۷۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۱۶
 اووروگوئه، ۱۳۳
 ایتالیا، ۳۵، ۳۶، ۱۲۲
 برن، ۱۰، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۲۱۵، ۲۱۶
 بروکسل، ۴۳، ۴۵
 بلژیک، ۳۶
 بوداپست، ۴۴، ۱۱۱
 پاریس، ۱۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷
 چین، ۳۸
 حجاز، ۵۳

- دارالحکمه، ۳۸
دمشق، ۳۸
رم، ۳۲، ۳۳، ۴۳، ۴۵، ۴۸، ۵۱، ۶۸، ۷۳، ۱۳۵، ۲۱۴
ژاپن، ۱۱۹، ۱۳۲
ژنو، ۴۶، ۴۷، ۱۰۳، ۲۱۵
سقیفه، ۴۰
سوئیس، ۳۶، ۴۵، ۴۹
سیسیل، ۳۲
شورای نگهبان، ۱۰، ۴۴، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸
طوس، ۵۳
فرانسه، ۳۵، ۳۶، ۴۳، ۴۹، ۶۱، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۲۱۶، ۲۱۷
لا‌هه، ۴۳، ۴۴، ۱۱۱
لندن، ۴۳، ۴۴، ۱۱۲، ۱۴۱
لیسبون، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۱۱۱، ۱۴۱
مادرید، ۴۳، ۴۵، ۱۱۰، ۱۱۱
مجلس سنا، ۴۴، ۵۵
مجلس شورای اسلامی، ۴۴، ۴۹، ۸۹، ۱۹۴، ۱۹۷
نایروبی، ۱۱۰
واشنگتن، ۴۳، ۱۱۰
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۸۸، ۹۷، ۱۰۵
وین، ۴۳، ۴۵
هند، ۳۸
هنگ کنگ، ۱۳۲
یونان، ۳۲، ۲۱۴

کتابنامه

الف) کتب فارسی

- آصفی، محمدمهدی، پژوهشی در آیه تطهیر، مترجم، محمودرضا افتخارزاده، تهران، نشر معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- آیتی، حمید، حقوق آفرینشهای فکری، تهران، حقوقدان، ۱۳۷۵ ش.
- افتخارزاده، محمودرضا، روش شناخت سنت و تاریخ اسلام، تهران، مؤسسه رسا، ۱۳۶۳ ش.
- _____، مقدمه کتاب «حقوق مؤلفان، مصنفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه اسلامی معاصر»، تهران، هزاران، ۱۳۷۶ ش.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۸ ش.
- امامی، نورالدین، حق مخترع، بی م، بی نا، بی تا.
- _____ و دیگران، درباره قرارداد پاریس، تهران، مؤسسه حقوق تهران، ۱۳۵۳ ش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶ ش.
- _____، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷ ش.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، تهران، دادگستر، ۱۳۷۵ ش.
- شورای عالی انفورماتیک (سازمان برنامه و بودجه)، حقوق پدیدآورندگان نرم افزار، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- صادقی نشاط، امیر، حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای کامپیوتری، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶ ش.
- صدارت، علی، تحول حقوق مالکیت و مالکیت معنوی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات، بی تا.
- صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و اشخاص)، تهران، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۴۸ ش.
- _____، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، میزان، ۱۳۷۵ ش.
- عبادی، شیرین، حقوق ادبی و هنری، تهران، روشنگران، ۱۳۶۹ ش.
- فیض کاشانی، ملامحسن، آیین شاهوی (ضمیمه بقاء و زوال دولت)، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۱ ش.
- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲ ش.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (معاملات معوض...)، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۶ ش.
- _____، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸ ش.
- _____، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت بهمن برنا و انتشار، چاپ ۲۲.
- کشاورز، بهمن، حق سرقتی و کسب و پیشه و تجارت، تهران، مابد، ۱۳۷۴ ش.
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش.

- مرعشی، سید حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران، میزان، ۱۳۷۶ ش.
- مدنی، سیدجلال الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی، تهران، سروش، ۱۳۶۶ ش.
- مشیریان، محمد، حقوق مؤلف و حقوق تطبیقی آن، بی جا، بی نا، ۱۳۳۹ ش.
- مطهری، مرتضی، نظری به اقتصاد اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۵ ش.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، علم اصول، تهران، عروج، ۱۳۷۹ ش.
- _____، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ ش.
- _____، قواعد فقهیه، تهران، عروج، ۱۳۷۹ ش.
- مهرپور، حسین، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴ ش.

ب) کتب فقهی و عربی

- آشتیانی، میرزا محمدحسن، بحر الفوائد، تهران، دارالطباعه سیدمرتضی، ۱۳۱۵ ق.
- ابن عابدین، مجموعه رسائل ابن عابدین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن قدامه، المغنی و یلیه الشرح الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ابن هشام، السیره النبویه، القاهرة، مکتبه کلیات، ۱۳۹۱ ق.
- الاصفهانی، محمدحسین، نه‌ایه الدرایه فی شرح الکفایه، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
- الامینی، احمد بن الحسن، القدر فی کتاب و السنة، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۵ ق.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ م/۱۳۸۸ ق.
- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- حسینی حائری، سیدمحمد کاظم، فقه العقود، قم، مجموع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- حکیم، سید محمد تقی، اصول العامة للفقہ المقارن، قم، المجمع العالمی لاهل البیت، ۱۴۱۸ ق.
- خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم، نشر الفقاهه، ۱۳۷۷ ش.
- خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- _____، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- _____، الرسائل، مع تذیل مجتبی الطهرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۵ ق.
- الدربنی، فتحی، حق الابتکار فی الفقه الاسلامی المقارن، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.
- روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثه، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۴ ق.
- الزحلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۶ ق.
- _____، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، ۱۹۷۹ م.
- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم، بیروت، دارالایمان، ۱۴۱۴ ق.
- السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانونی المدنی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۰ م.

- صدر، سید محمد باقر، المعالم الجديدة، نجف اشرف، انتشارات نعمان، ۱۳۹۵ ق.
- _____، مباحث الاصول، تقرير سيد محمد كاظم حسيني حائري، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۷ ق.
- _____، اقتصادنا، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م.
- _____، بحوث في علم الاصول، قم، مركز الغدير للدراسات، بی تا.
- طباطبائی، سید محمد کاظم، حاشیه مکاسب، چاپ سنگی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- _____، حاشیه الکفایه، قم، بی نا، بی تا.
- غروی، شیخ محمد حسین، حاشیه مکاسب، چاپ سنگی.
- کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۸۱ ق.
- مالکی، قرافی، الفروق، بيروت، دارالمعرفه، بی تا.
- محمضانی، صبحی، النظرية العامة للموجبات والعقود فی الشريعة الاسلامیه، بيروت، مکتبه الکشاف، ۱۹۳۸ م.
- مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بيروت، دارالاندلس، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
- مطهری، احمد، مستند تحرير الوسيله، قم، انتشارات استاد مطهری، ۱۴۰۸ ق.
- مظفر، محمدرضا، المنطق، قم، اسماعیلیان، ۱۴۳۰ ق.
- _____، اصول الفقه، قم، مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۹ ق / ۱۳۷۷ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین، ۱۴۱۳ ق.
- نائینی، میرزا حسن، فوائد الاصول، تقرير شيخ محمد علی کاظمی، قم، مؤسسه انتشارات الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.

ج) مقالات و پایان نامه ها

- آذری، کیوان، «حقوق معنوی پدیدآورنده»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ش ۲۲، تیر ۱۳۶۰.
- امامی، نورالدین، «حقوق مالکیت های فکری»، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، ش ۲ و ۳.
- ایروانی، محمدرضا، «حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن»، نامه مفید، س اول، ش ۴.
- اولاد، ذبیح الله، «مفاهیم اساسی حقوق مؤلف و حقوق وابسته به آن»، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، س ۴، ش ۱۶ و ۱۵.
- باهری، محمد، «صیانت حقوق مؤلف»، مجله سخن، دوره پنجم، ش ۶، تیر ۱۳۳۳.
- حضرتی شاهین دژ، صمد، «مطالعه تطبیقی حقوقی معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۰، تابستان ۱۳۷۸ ش.
- حیدری، محمدجواد، «رابطه عقل و دین با زمان و مکان»، به نقل از مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی

حضرت امام خمینی، ج ۹.

- سعیدی‌فر، عباس، «حق مؤلف در حقوق ایران و تطبیق بین سیستم حقوقی ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۲ ش.

- سبحانی، جعفر، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ ش.

- صافی گلپایگانی، آیت‌الله، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ ش.

- صادقی مقدم، هوشنگ، «حقوق مؤلف در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۷ ش.

- صفایی، سیدحسین، «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون ح، ح، م، م و ه نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ش ۶.

- عبداللهی، محمد، «بناء عقلاء»، به نقل از مجموعه آثارکنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۹.

- علی اعظم، محمدیگی، «بررسی دیدگاه‌های رایج در حقوق مؤلف»، همشهری، آبان ۱۳۷۴، شماره‌های ۸۲۵ و ۸۲۴-۸۲۳.

- فاضل لنکرانی، محمد، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ ش.

- فروحی، هرمز، «حق مالکیت علامت (تجارتی و صنعتی) در حقوق بین‌الملل حمایت مالکیت صنعتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- کاتوزیان، ناصر، «نقد تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۶»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ش ۴۵، پائیز ۱۳۷۸ ش.

- کاملان، محمد صادق، «نقش و قلمرو عرف در فقه»، به نقل از مجموعه آثارکنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، ج ۹.

- کوچکی پور، علی اکبر، «حقوق پدیدآورنده اثر هنری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰ ش.

- گرجی، ابوالقاسم، «مشروعیت حق و حکم...»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۰ و ۳۱، ۱۳۷۲ ش.

_____، «حقوق معنوی و حکم آن»، خبرنامه انفورماتیک، ش ۳ و ۴، س ۷، ۱۳۷۱ ش.

- لطفی، تقی، «ریشه‌های تاریخی حقوق تألیفی و...»، مجله کانون وکلا، س ۲۱، ش ۱۱۲ و ۱۱۳.

- محمدی ده چشمه، پژمان، «حقوق مؤلف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ۱۳۷۶ ش.

- مرادی، نورالله، «حق مؤلف»، نامه انجمن کتابداران ایران، ش ۲، دوره ۶، ۱۳۵۲ ش.

- مرعشی شوشتری، محمدحسن، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ ش.

- مکارم شیرازی، ناصر، فصلنامه رهنمون، ش ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ ش.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، «میزگرد همشهری پیرامون حقوق آفرینشهای فکری»، همشهری، ۲۳، ۲۴ و ۲۵ آبان ۱۳۷۳ ش.
- واعظی، احمد، «نقش عرف در استنباط فقهی»، به نقل از مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
- یونانسکو، اورلثان، «حقوق مؤلف رادیو و تلویزیون»، ترجمه محسن فرشاد، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۵۵ ش.
- مواضع و دیدگاه موافقین و مخالفین در خصوص پیوستن ایران به WTO»، نشریه نگاه حوزه، ۱۵ اردیبهشت، ۱۳۸۰، ش ۱۲.

(د) سمینارها و همایشها

- همایش ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین الملل، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، تهران، ۲۶ و ۲۷ آذر، ۱۳۷۵ ش.
- ۱-۱- سند تهیه شده توسط اداره بین‌المللی، سازمان جهانی مالکیت معنوی با عنوان «حمایت از مالکیت صنعتی تحت مقررات کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی».
- ۲-۱- باردل، هاینس، «حمایت از مالکیت صنعتی تحت کنوانسیونهای عمده اداره شده توسط سازمان جهانی مالکیت معنوی و موافقت‌نامه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی....».
- ۳-۱- _____، «مقررات کلی و اصول اساسی موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با حقوق مالکیت معنوی TRIPS».
- ۴-۱- یارندی، سیف‌الله، «سیستم مالکیت معنوی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه موافقت‌نامه TRIPS».
- ۵-۱- طارم سری، مسعود، «الزامات موافقت‌نامه TRIPS و مقررات مربوط به اجرای حقوق مالکیت معنوی در ایران».
- سمینار ملی نقش مالکیت صنعتی در توسعه اقتصادی، «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور»، تهران، ۲۰ شهریور، ۱۳۷۴ ش.
- ۱-۲- دوستی، نصرت‌الله، «سیستم مالکیت صنعتی در ایران، وضعیت فعلی، دورنمای آینده».
- ۲-۲- سند تهیه شده توسط دفتر بین‌المللی WIPO تحت عنوان، «مفاهیم اساسی حمایت از مالکیت صنعتی».
- ۳-۲- مدنی، سید یحیی، «نقش اداره مالکیت صنعتی و خدمات آن به صنعت بازرگانی».

ه) فرهنگها و لغتنامه‌ها

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق. / ۱۹۹۲ م.
- شرتونی، رشید، اقرب الموارد فی فصیح العربی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۲ ش.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
- المعجم الوسیط، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.

و) منابع لاتین

- Berne Convention for the protection of literary and Artistic works. WIPO publication, Geneva, 1996.
- General Information, WIPO publication, 1998.
- Campbell Black, Henry, Black's Law Dictionary. USA, west publication, 1983.
- "What is a patent?", WIPO publication, No L450 PAIE.
- TUNIS MODELS LAW of copyright for developing countries. WIPO publication, No 812 (E).
- Copyright bulletines, Unesco, 1982.

ضمایم

- ضمیمه ۱- قانون ثبت علائم و اختراعات*
- ضمیمه ۲- آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجارتمی و اختراعات (مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی)*
- ضمیمه ۳- قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۴۸)*
- ضمیمه ۴- آیین نامه اجرائی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۴ دی ماه ۱۳۵۰)*
- ضمیمه ۵- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۶ دی ماه ۱۳۵۲)*
- ضمیمه ۶- متن استفتاء از محضر حضرت امام خمینی
- ضمیمه ۷- متن استفتاء از محضر حضرت آیت الله خامنه ای

قانون ثبت علائم و اختراعات^۱

مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی

فصل اول - ثبت علائم تجاری

ماده ۱ علامت تجاری عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش - تصویر - رقم - حرف - عبارت - مهر - لفاف و غیر آن که برای امتیاز محصول صنعتی - تجاری یا فلاحتی اختیار می شود.

ممکن است یک علامت تجاری برای تشخیص امتیاز محصول جماعتی از زارعین یا ارباب صنعت یا تجار و یا محصول یک شهر و یا یک ناحیه از مملکت اختیار شود.

تبصره داشتن علامت تجاری اختیاری است مگر در مواردی که دولت آن را الزامی قرار دهد.

ماده ۲ حق استعمال انحصاری علامت تجاری فقط برای کسی شناخته خواهد شد که علامت خود را به ثبت رسانیده باشد.

ماده ۳ کسانی که در ایران دارای مؤسسات تجاری، صنعتی یا فلاحتی هستند اعم از اتباع داخله یا خارجه در صورتی که علائم تجاری آنها موافق شرایط ذیل ثبت شود از مزایای این قانون بهره مند خواهند شد.

ماده ۴ کسانی که مؤسسات صنعتی یا تجاری و یا فلاحتی آنان در خارج از ایران واقع است موافق شرایط ذیل می توانند از مزایای این قانون بهره مند شوند.

۱ - علائم خود را به موجب مقررات این قانون در ایران به ثبت برسانند.

۲ - مملکتی که مؤسسه آنها در آنجا واقع شده به موجب عهدنامه و یا قوانین داخلی خود از علائم تجاری ایران حمایت کنند.

ماده ۵ هیچ یک از علایم ذیل را نمی توان به عنوان علامت تجاری اختیار نموده و یا آنها را یکی از اجزاء یک علامت تجاری قرارداد:

۱ - بیرق مملکتی و...^۲ ایران و هر بیرق دیگری که دولت ایران استعمال آن را به

۱. نقل از مجموعه قوانین ۱۳۱۰، صفحه ۸۵ الی ۱۰۱.

۲. علامات نقطه چین مربوط به حکومت پهلوی است که موضوعاً منتفی شده است.

طور علامت تجارتي منع کند. علامت شیر و خورشید - نشان‌ها - مدال‌ها - و انگ‌های دولت ایران.

۲- تمثال ... و ... مگر با اجازه مخصوص.

۳- کلمات و یا عباراتی که موهم انتساب به مقامات رسمی ایران باشد از قبیل ... - ... دولتی و امثال آن.

۴- علامات مؤسسات رسمی مانند صلیب سرخ و نظایر آن.

۵- علائمی که مخل انتظارات عمومی و یا منافعی عفت باشد.

ماده ۶ کسی که تقاضای ثبت علامتی را می‌نماید باید شخصاً و یا توسط وکیل ثبت آن را از شعبه مخصوصی که در دفتر محکمه ابتدائی تهران برای این امر تشکیل می‌شود به موجب اظهارنامه بخواهد - این اظهارنامه باید بلافاصله بعد از تسلیم به شعبه مزبور در دفتر خاصی ثبت و در مقابل آن رسیده داده شود.

ماده ۷ متصدی شعبه مزبور در ماده فوق باید تا ۱۵ روز از تاریخ وصول اظهارنامه و ضمايم آن تکلیف قبول یا رد آن را معین نماید.

در صورتی که تقاضای ثبت رد شود علل رد باید صریحاً ذکر گردد، تقاضاکننده می‌تواند از تصمیم رد تا ده روز از تاریخ ابلاغ آن به رئیس محکمه اول ابتدائی تهران شکایت کند حکم محکمه قابل استیناف و تمیز خواهد بود.

ماده ۸ در صورتی که تقاضای ثبت از طرف متصدی شعبه فوق‌الذکر قبول گردد و یا بعد از رد تقاضا حکم قطعی دائر به قبول آن صادر شود اداره ثبت اسناد تهران مکلف است تا ۱۵ روز از تاریخ تقدیم سواد تصمیم یا حکم قطعی علامت را به ثبت رسانیده تصدیق رسمی ثبت را به تقاضاکننده بدهد.

ماده ۹ در موارد ذیل متصدی شعبه مذکور در ماده ۶ تقاضای ثبت را رد خواهد کرد:

۱- در صورتی که علامت مخالف مقررات قانون باشد.

۲- در صورتی که علامت قبلاً به اسم دیگری ثبت شده و یا شباهت علامت با علامت دیگری که ثبت شده است به اندازه‌ای باشد که مصرف‌کنندگان عادی یعنی اشخاصی را که اطلاعات مخصوصی ندارند به اشتباه بیاندازد.

ماده ۱۰ ثبت هر علامت با قید مراتب ذیل به عمل می‌آید:

۱- تاریخ روز و ماه و سال ثبت با تمام حروف.

۲- اسم - شغل - محل اقامت و تابعیت صاحب علامت و وکیل در صورتی که تقاضا به توسط وکیل به عمل آمده باشد.

۳- اسامی و اوصاف محصول یا طبقات محصولاتی که علامت برای تشخیص و امتیاز آن اختیار شده.

۴- تعریف علامت به طور اجمال با تعیین اجزائی که تقاضا کننده می خواهد حق استعمال انحصاری آن را برای خود تخصیص دهد.

۵- حق الثبتی که اخذ می شود.

ماده ۱۱ هر تغییری که در خود علامت و یا در نوع محصولات که علامت برای تشخیص و امتیاز آن به کار می رود داده شود باید مطابق مقررات این قانون جداگانه به ثبت برسد و الا قابل حمایت نخواهد بود.

ماده ۱۲ علامت تجارتی قابل نقل و انتقال است ولی انتقال آن در مقابل اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که موافق مقررات این قانون به ثبت رسیده باشد.

ماده ۱۳ ثبت هر علامت و هر تغییری که مطابق این قانون باید به ثبت برسد تا پانزده روز از تاریخ ثبت توسط اداره ثبت اسناد تهران به خرج تقاضا کننده در مجله رسمی وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده ۱۴ علاماتی که ثبت شده باشند از تاریخ تسلیم اظهارنامه حمایت خواهند شد و مدت اعتبار ثبت علامت ده سال است ولی صاحب علامت می تواند تقاضای تجدید ثبت نماید در این صورت حق استعمال انحصاری ده سال دیگر با صاحب علامت خواهد بود و به همین طریق هر تجدید ثبت حق مزبور را برای ده سال تضمین می نماید.

ماده ۱۵ حقی که برای ثبت علامت اخذ می شود به قرار ذیل است:

۱- حق الثبت اظهارنامه علامت برای متقاضیان ایرانی بدون احتساب بهای ورقه دوازده هزار (۱۲۰۰۰) ریال.

۲- حق الثبت اظهارنامه علامت برای متقاضیان غیرایرانی بدون احتساب بهای ورقه یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال.

۳- حق الثبت علامت قطع نظر از عده طبقات محصول برای متقاضیان ایرانی مقطوعاً بیست و هشت هزار (۲۸۰۰۰) ریال.

۴- حق الثبت علامت قطع نظر از عده طبقات محصول برای متقاضیان غیرایرانی مقطوعاً یک میلیون و دویست هزار (۱۲۰۰۰۰۰) ریال.

۵- برای هر طبقه محصول اگر چه منحصر به فرد باشد بابت هر طبقه اضافی برای متقاضیان ایرانی علاوه بر حق الثبت اظهارنامه و حق الثبت علامت پنج هزار (۵۰۰۰) ریال.

۶- برای هر طبقه محصول اگر چه منحصر به فرد باشد بابت هر طبقه اضافی برای متقاضیان غیرایرانی علاوه بر حق الثبت اظهارنامه و حق الثبت علامت سی هزار (۳۰۰۰۰) ریال.

۷- حق‌الثبت معاملات و انتقالات مربوط به علامت مطابق تعرفه حق‌الثبت اسناد رسمی خواهد بود.^۱

ماده ۱۶ اشخاص ذیل می‌توانند نسبت به علامتی که تقاضای ثبت آن شده یا به ثبت رسیده است اعتراض کنند:

۱- کسانی که آن علامت را علامت تجارتي خود می‌دانند.

۲- کسانی که آن علامت با علامت آنها به اندازه‌ای شباهت دارد که مصرف‌کنندگان عادی را به اشتباه می‌اندازد. در هر یک از دو صورت فوق‌الذکر اگر معترض کسی باشد که علامت قبلاً به اسم او ثبت نشده است باید در حین اعتراض برای علامت خود مطابق مقررات این قانون تقاضای ثبت کرده حق‌الثبت و تمام مخارج مربوطه به آن را قبلاً تأدیه نماید. در مورد کسانی که مؤسسه آنها در خارج از ایران واقع است حق اعتراض مشروط به شرط معامله متقابله مذکوره در فقره ۲ ماده ۴ می‌باشد.

ماده ۱۷ اگر اعتراض قبل از آنکه علامت معترض علیه به ثبت رسیده باشد به عمل آید باید به ترتیب و در موعدی که در نظامنامه مذکور در ماده ۲۳ مقرر می‌شود به تقاضا کننده ثبت علامت ابلاغ گردد تا در صورتی که به اعتراض تسلیم نشده و تقاضای خود را مسترد ننمود معترض در مدت مقرر در نظامنامه فوق‌الذکر به محکمه ابتدائی تهران رجوع کند.

در مورد این ماده عملیات راجعه به ثبت متوقف خواهد ماند لیکن هرگاه معترض در ظرف مدتی که به موجب نظامنامه مذکور فوق مقرر می‌شود به محکمه رجوع نمود و یا بعد از رجوع دعوای خود را تعقیب نکرد علامت به اسم معترض علیه ثبت و جوهی که معترض تأدیه نموده به نفع دولت ضبط خواهد شد.

ماده ۱۸ هرگاه اعتراض راجع به علامت ثبت شده باشد معترض باید مستقیماً در محکمه ابتدائی تهران اقامه دعوی کرده و ابطال ثبت را تقاضا نماید.

ماده ۱۹ جز در مواردی که به موجب نظامنامه‌های وزارت عدلیه استثناء شود اصول رسیدگی مطابق اصول محاکمات تجارتي است و در هر حال حکم محکمه در حدود قوانین استیناف و تمیز خواهد بود.

تبصره مفاد حکم قطعی باید به خرج محکوم‌له در مجله رسمی وزارت عدلیه و یکی از جراید یومیه تهران منتشر شود محکوم‌له می‌تواند مخارج مزبور را در جزء خسارت از محکوم علیه مطالبه نماید.

ماده ۲۰ هرگاه معترض ثابت کند که نسبت به علامت به واسطه سابقه استعمال

۱. اصلاحی به موجب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸، نقل از مجموعه قوانین ۱۳۷۳، صفحه ۱۰۶۳.

مستمر قبل از تقاضای ثبت حق تقدم داشته محکمه حکم خواهد داد که آن علامت به اسم معترض ثبت شود و اگر علامت مورد اعتراض قبلاً در اداره ثبت اسناد به ثبت رسیده باشد محکمه حکم خواهد داد که ثبت سابق ابطال و علامت به نام معترض ثبت گردد.

ماده ۲۱ ترتیبات مقررۀ فوق در موردی نیز رعایت خواهد شد که اعتراض راجع به ثبت انتقال علامت یا به ثبت تغییر خود علامت و یا راجع به ثبت تغییر محصولاتی باشد که علامت برای تشخیص و امتیاز آن به کار می‌رود.

ماده ۲۲ کسی که نسبت به ثبت‌های راجع به علامتی از تاریخ ثبت تا سه سال اعتراض نکرده باشد دیگر نمی‌تواند نسبت به ثبت آن اعتراض نماید مگر اینکه ثابت کند معترض علیه در حین ثبت غالم بوده است به اینکه علامت را خود معترض یا کسی که به معترض علامت را انتقال داده قبلاً به طور مستمر استعمال کرده. ولی هرگاه معترض علیه ثابت نماید که معترض قبل از انقضاء مدت ۳ سال فوق از ثبت علامت اطلاع داشته است اعتراض معترض پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۲۳ برای اجرای مقررات این فصل نظامنامه‌های لازمه از طرف وزارت عدلیه تنظیم خواهد شد. در نظامنامه‌های مزبور تکلیف نکات ذیل باید صراحتاً تعیین شود:

- ۱- طرز تنظیم اظهارنامه.
- ۲- اسناد و اوراقی که باید عین یا سواد یا ترجمه مصدق آن و همچنین کلیشه و یا کلیشه‌هایی که باید ضمیمه اظهارنامه بشود.
- ۳- طبقه‌بندی محصولات.
- ۴- موافق چه ترتیب علامت به ثبت خواهد رسید.
- ۵- مراتبی که باید در اظهارنامه راجع به ثبت انتقال علامت و یا راجع به تغییر در علامت و در محصولی که علامت راجع به آن است قید شود.
- ۶- اعلاناتی که باید راجع به علامت در مجله رسمی منتشر شود و میزان خرج اعلانات.

۷- اصول رسیدگی محاکم در مورد مذکور در مواد ۷ و ۱۹.

۸- ترتیبی که مطابق آن کلیه ابلاغات مربوطه به علامات تجارتی باید به عمل آید.

۹- تعرفه ترجمه و تصدیق صحت ترجمه.

ماده ۲۴ ثبت علامات متعلق به کسانی که در ایران دارای مؤسسات صنعتی و تجارتی یا فلاحتی بوده و مطابق قانون علائم صنعتی (مصوب نهم فروردین ۱۳۰۴) به عمل آمده است برای بقیه مدت ده سال مقرر در قانون مزبور به اعتبار خود باقی است.

ماده ۲۵ کسانی که مؤسسات تجارتی - صنعتی یا فلاحتی آنان در خارج ایران بوده و

مطابق قانون نهم فروردین ماه ۱۳۰۴ علامت خود را به ثبت رسانیده باشند یا تقاضای ثبت کرده ولی علامت آنها به ثبت نرسیده و بعد از تاریخ اجرای این قانون به ثبت برسد در صورتی از مزایای این قانون برای بقیه مدت ده سال بهره‌مند خواهند شد که مملکتی که مؤسسات آنها در آنجاست به موجب عهدنامه یا قوانین داخلی خود از علائم تجارتي ایران حمایت نماید.

فصل دوم - ثبت اختراع

ماده ۲۶ هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید مشروط بر اینکه اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشند. نوشته‌ای که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد ورقه اختراع نامیده می‌شود.

ماده ۲۷ هر کس مدعی یکی از امور ذیل باشد می‌تواند تقاضای ثبت نماید:

۱- ابداع هر محصول صنعتی جدید.

۲- کشف هر وسیله جدید یا اعمال و سایل موجوده به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی یا فلاحتی.

ماده ۲۸ برای امور ذیل نمی‌توان تقاضای ثبت نمود:

۱- نقشه‌های مالی.

۲- هر اختراع یا تکمیلی که مخل انتظامات عمومی یا منافی عفت یا مخالف حفظ الصحة عمومی باشد.

۳- فورمول‌ها و ترتیبات داروئی.

ماده ۲۹ کسی که بدو مطابق این قانون تقاضای ثبت اختراع به نام خود می‌نماید مخترع شناخته می‌شود مگر اینکه خلاف ادعای او در محاکم صلاحیت‌دار به ثبوت برسد.

ماده ۳۰ مخترعی که در خارج ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل تحصیل ورقه اختراع کرده می‌تواند در صورتی که مدت ورقه مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند لیکن اگر اختراع مزبور را کسی یا مؤسسه‌ای در ایران قبل از تقاضای ثبت اختراع کلاً یا جزئاً به موقع عمل یا استفاده گذارد و یا مقدمات استفاده آن را تهیه کرده باشد مخترع نمی‌تواند از عملیات آن شخص یا مؤسسه جلوگیری کند.

ماده ۳۱ مفاد مواد ۶ و ۷ و ۸ این قانون در مورد تقاضای ثبت اختراع نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۳۲ اظهارنامه ثبت وقتی قبول می شود که مخترع یا نماینده او ۵ ریال طلا برای اظهارنامه و لااقل حق الثبتی را که به موجب ماده ۳۴ برای سال اول مقرر است نقداً تأدیه نماید.

حقی که برای اظهارنامه اخذ می شود در هیچ مورد مسترد نخواهد شد.^۱
ماده ۳۳ مدت اعتبار ورقه اختراع به تقاضای مخترع ۵ یا ۱۰ یا ۱۵ و یا منتهی ۲۰ سال خواهد بود و در مدت مزبور که باید صراحتاً در ورقه اختراع قید شود مخترع یا قائم مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و یا استفاده از اختراع خود را خواهد داشت.

ماده ۳۴ برای ثبت اختراع حق الثبت به طریق ذیل اخذ می شود:
برای ۵ سال اول از قرار سالی ۱۰ ریال طلا
برای ۵ سال دوم از قرار سالی ۲۰ ریال طلا
برای ۵ سال سوم از قرار سالی ۳۰ ریال طلا
برای ۵ سال چهارم از قرار سالی ۴۰ ریال طلا
ممکن است تمام یا بعضی از اقساط سنواتی فوق را در حین صدور ورقه اختراع دفعه‌تاً تأدیه نمود در این صورت اگر پنج قسط دفعه‌تاً تأدیه شود پنج درصد و اگر ده قسط تأدیه شود ده درصد و اگر پانزده قسط تأدیه شود پانزده درصد و اگر بیست قسط تأدیه شود بیست درصد تخفیف داده می شود.

۱. اصلاحی به موجب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ (بند و)، صفحه ۱۰۶۳ و ۱۰۶۴ مجموعه قوانین ۱۳۷۳ به این شرح است:
و - حق الثبت اختراعات موضوع مواد ۳۲ و ۳۴ و ۴۱ و ۴۳ قانون ثبت علائم و اختراعات و آئین نامه اجرائی قانون اصلاح تبصره ۵۶ قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مصوب ۱۳۶۵/۹/۱۸ و مواد ۴۷ و ۶۶ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت علائم و اختراعات به شرح زیر تعیین می شود.
- ۱ - حق الثبت اظهارنامه اختراع برای متقاضیان غیر ایرانی بدون احتساب بهای ورقه سی و پنج هزار (۳۵۰۰۰) ریال.
- ۲ - حق الثبت اختراع برای متقاضیان غیر ایرانی در ده سال اول علاوه بر حق الثبت اظهارنامه دویست هزار (۲۰۰۰۰۰) ریال.
- ۳ - حق الثبت اختراع برای متقاضیان غیر ایرانی در ده ساله دوم علاوه بر حق الثبت اظهارنامه پانصد و پنجاه هزار (۵۵۰۰۰۰) ریال.
- ۴ - حق الثبت معاملات و انتقالات مربوط به اختراع مطابق تعرفه حق الثبت اسناد رسمی خواهد بود.
- ۵ - ودیعه مربوط به دادخواست اعتراض برای غیر ایرانی ها چهل هزار (۴۰۰۰۰) ریال.
- ۶ - حق الثبت هر تغییر در اختراع برای غیر ایرانی ها چهل و پنج هزار (۴۵۰۰۰) ریال.
- ۷ - حق الثبت انتقال اختراع وسیله ارث مقطوعاً پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) ریال.

ماده ۳۵ قسط هر سال اگر قبلاً تأدیه نشده باشد باید در ظرف ۳ ماه اول همان سال تأدیه گردد و الا ثبت اختراع از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

هرگاه در ظرف سه ماه دوم سال صاحب ورقه دو برابر حقی را که متعلق به آن سال است تأدیه نماید ثبت اختراع به اعتبار خود باقی خواهد ماند.

ماده ۳۶ ورقه اختراع به هیچ وجه برای قابل استفاده بودن و یا جدید بودن و یا حقیقی بودن اختراع سندیت ندارد و همچنین ورقه مزبور به هیچ وجه دلالت بر این نمی‌کند که تقاضا کننده یا موکل او مخترع واقعی می‌باشد و یا شرح اختراع یا نقشه‌های آن صحیح است و اشخاص ذینفع می‌توانند نسبت به موارد مزبوره در محکمه ابتدائی تهران اقامه دعوی کرده خلاف آن را ثابت نمایند.

ماده ۳۷ در موارد ذیل هر ذینفعی می‌تواند به محکمه ابتدائی تهران رجوع کرده و تقاضای صدور حکم بطلان ورقه اختراع را بنماید:

۱- وقتی که اختراع، اختراع جدید نیست.

۲- وقتی که ورقه اختراع مخالف مقررات ماده ۲۸ صادر شده باشد.

۳- وقتی که اختراع مربوط به طریقه‌های علمی صرف بوده و عملاً قابل استفاده صنعتی یا فلاحتی نباشد.

۴- وقتی که پنج سال از تاریخ صدور ورقه اختراع گذشته و اختراع به موقع استفاده عملی گذاشته نشده باشد.

تبصره هر اختراع یا هر تکمیل اختراع موجودی که قبل از تاریخ تقاضای ثبت خواه در ایران و خواهد در خارجه در نوشتجات یا نشریاتی که در دسترس عموم است شرح و یا نقشه آن منتشر شده و یا به مورد عمل یا استفاده گذارده شده باشد اختراع جدید محسوب می‌گردد.

ماده ۳۸ در مورد مواد ۳۶ و ۳۷ مفاد ماده ۱۹ لازم‌الرعايه خواهد بود.

ماده ۳۹ دارنده ورقه اختراع می‌تواند ملکیت یا حق استفاده از موضوع اختراع خود را کلاً یا جزئاً به هر طریقی که بخواهد به دیگری منتقل نماید.

هرگاه ورقه اختراع ارثاً منتقل شده باشد مالک جدید وقتی می‌تواند از مزایای این قانون بهره‌مند شود که این انتقال را به ثبت برساند.

ماده ۴۰ هرگونه معامله راجع به ورقه اختراع باید به موجب سند رسمی به عمل آمده و در دفتر ثبت اختراعات نیز ثبت شود و الا آن معامله نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

هرگاه معامله در خارج ایران واقع گردد آن معامله در ایران نسبت به اشخاص ثالث وقتی معتبر خواهد بود که در اداره ثبت اسناد تهران ثبت شده باشد.

ماده ۴۱ حق الثبت معاملات و انتقالات مذکور در دو ماده فوق را وزارت عدلیه مطابق نظامنامه معین خواهد کرد لیکن در هر حال نباید از دو پهلوی تجاوز نماید.

ماده ۴۲ مراجعه به کلیه اسناد و اوراق مربوط به ثبت هر اختراع پس از صدور ورقه اختراع آزاد است و هرکس می تواند از اسناد و اوراق مربوط به ورقه اختراع یا معاملات مراجعه به آن با تأدیة حقی که به موجب نظامنامه معین خواهد شد سواد مصدق تحصیل کند.

ماده ۴۳ دارنده هر ورقه اختراع یا قائم مقام قانونی او می تواند در تمام مدت اعتبار ورقه مزبور هر تغییری را که در اختراع خود داده باشد مطابق مقررات این قانون به ثبت رساند حق الثبت هر تغییر ده ریال طلا خواهد بود.

ماده ۴۴ نسبت به اتباع خارجه که در ایران تقاضای ثبت اختراع نموده و اقامتگاه آنان در ایران نباشد مقررات عهدنامه که با دولت متبوع آنها منعقد شده باشد مرعی خواهد بود و اگر عهدنامه نباشد معامله متقابل خواهد شد.

ماده ۴۵ وزارت عدلیه نظامنامه های مربوط به اجرای این فصل را تنظیم خواهد نمود - در نظامنامه های مزبور باید تکلیف نکات ذیل صریحاً معین گردد:

۱- طرز تنظیم اظهارنامه ثبت.
۲- اسناد و اوراقی که باید عین یا سواد یا ترجمه مصدق آنها ضمیمه اظهارنامه شود.

۳- تعرفه انتشارات در مجله رسمی و تعرفه ترجمه و تصدیق صحت ترجمه.

۴- ترتیبی که مطابق آن کلیه ابلاغات مربوط به ثبت اختراع باید به عمل آید.

فصل سوم - مقررات مشترکه

ماده ۴۶ رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی مربوطه به اختراع یا علامات تجارتي در محاکم تهران به عمل خواهد آمد اگر چه در مورد دعاوی جزائی جرم در خارج از تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج تهران دستگیر شده باشد که در این موارد تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و دوسیه برای رسیدگی به محاکم تهران ارجاع می شود.

ماده ۴۷ اگر در ضمن رسیدگی جزائی متهم برای دفاع خود موضوع مالکیت علامت تجارتي یا اختراع را مطرح کند خود محکمه جزا باید در این موضوع نیز رسیدگی نماید.

ماده ۴۸ طریق تأمین دلیل موارد و ترتیب توقیف محصولات که مخالف حق حاصل از ثبت علامات تجارتي یا حق اختراع باشد و همچنین موعدی که اگر بعد از تأمین یا

توقیف اقامه دعوی نشود تأمین یا توقیف باطل می‌گردد به موجب نظامنامه‌هایی که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد اعم از اینکه مطابق نظامنامه‌های مزبور مراجعی که برای انجام این امور معین می‌شود مقامات قضائی باشند یا مأمورین کشوری از قبیل مأمورین گمرک و غیر آنها.

ماده ۴۹ در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی خواه از مجرای جزائی در دعاوی مربوطه به اختراعات و علایم تجارتمی مطالبه می‌شود خسارات شامل ضررهای وارده و منافی خواهد بود که طرف از آن محروم شده است.

ماده ۵۰ قانون نهم فروردین ماه ۱۳۰۴ راجع به علائم تجارتمی و صنعتی نسخ و این قانون از ۱۵ تیر ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

ماده ۵۱ وزارت عدلیه مأمور اجرای این قانون است.

آئین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات^۱

مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی

باب اول - مقررات مربوط به علائم تجاری

فصل اول - در تسلیم اظهارنامه

ماده ۱ اظهارنامه ثبت علامت صنعتی یا تجاری باید به زبان فارسی تنظیم شده و دارای تاریخ و امضاء حاوی نکات ذیل باشد:

- ۱- اسم و اقامتگاه و تابعیت صاحب علامت و مرکز اصلی مؤسسه او.
- ۲- اسم و اقامتگاه وکیل او در تهران در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل داده شده باشد.

۳- رشته تجارت یا نوع صنعت صاحب علامت.

۴- تاریخ ثبت و محل و شماره ثبت علامت در کشور مبدأ در صورتی که آن علامت در خارج ایران به ثبت رسیده باشد.

۵- اقامتگاهی که صاحب علامت در تهران انتخاب می‌نماید.

۶- اسم و اقامتگاه شخص یا اشخاصی که در تهران صلاحیت دریافت ابلاغ‌ها و اخطارها را دارند.

۷- شرح نوع کالا یا محصولات که علامت برای تشخیص آن به کار می‌رود به تعیین طبقات درخواست شده طبق طبقه‌بندی ضمیمه این آئین‌نامه.

۸- شرح و توصیف علامت درخواست شده و طرز مخصوص استعمال آن اگر مورد داشته باشد.

۹- تعیین ضمائم.

تبصره تنظیم نام و نشانی درخواست‌کنندگان مقیم خارجه باید علاوه بر فارسی به حروف لاتین باشد و با همان حروف نیز ثبت و آگهی خواهد شد.

ماده ۲ اظهارنامه باید دارای ضمائم زیر باشد:

۱. نقل از مجموعه قوانین ۱۳۳۷، صفحه ۱۱۱ الی ۱۲۷.

۱- نسخه اصلی یا رونوشت گواهی شده وکالت‌نامه در صورتی که تقاضا به توسط وکیل به عمل آید.

۲- ده عدد نمونه علامت به طریقی که استعمال می‌شود به علاوه نمونه‌های اضافی به تعداد یک نمونه برای هر طبقه اضافی که درخواست می‌شود.

درخواست‌کننده باید به روی هر اظهارنامه یک نمونه علامت را الصاق و آن را امضاء نماید. نمونه سوم در موقع ثبت بر روی صفحه مربوطه در دفتر ثبت و نمونه چهارم بر روی تصدیق ثبت الصاق می‌شود.

علاماتی که برجسته یا گود در روی شیشی نشان داده می‌شود بر روی کاغذ نقش خواهد شد.

ابعاد نمونه نباید از ده سانتیمتر از هر طرف تجاوز کند.

بر روی هر نمونه الصاق شده به طریق بالا مهر شعبه ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتي و اختراعات زده می‌شود به طریقی که یک قسم از مهر بر روی نمونه و قسمت دیگر بر روی صفحه قرار گیرد.

۳- یک کلیشه برای چاپ علامت به طور وضوح (ابعاد کلیشه مزبور نباید از ده سانتیمتر از هر طرف تجاوز کند) در صورتی که علامت عبارت از یک یا چند کلمه بوده و دارای هیچ گونه تصویر و حروف مخصوص نباشد تقاضا کننده مجبور به ضمیمه کردن کلیشه نخواهد بود.

۴- در صورتی که علامت در خارجه به ثبت رسیده باشد تسلیم رونوشت گواهی شده از طرف اداره صادرکننده آن به زبان اصلی به انضمام ترجمه غیر رسمی آن به فارسی به مسئولیت تقاضا کننده الزامی است.

۵- در صورتی که علامت برای تشخیص امتیاز محصول جماعتی یا محصول یک شهر یا یک ناحیه از کشور اختیار شود گواهی‌نامه از طرف مقام صلاحیت‌دار دایر بر تصدیق استفاده از علامت مزبور به وسیله سازندگان کالاهای مربوط به آن (در ایران مقام صلاحیت‌دار که اداره ثبت مکلف به قبول گواهی آن در مورد مراتب مذکور در این بند می‌باشد به ترتیب عبارتند از: ۱- اتحادیه صنفی، ۲- اطاق بازرگانی یا صنایع، ۳- شهرداری، ۴- فرمانداری).

ماده ۳ دریافت‌کننده اظهارنامه مقدمتاً صحت تنظیم آن را مورد رسیدگی قرار داده و پس از وارد نمودن اظهارنامه در دفتر درخواست‌های وارده نسخه دوم آن را که دارای همان مشخصات اصلی نسخه است بعد از امضاء و مهر شعبه ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتي به عنوان رسید به درخواست‌کننده مسترد خواهد کرد.

نسخه سوم درخواست که دارای همان مشخصات اظهارنامه است فوراً در شعبه

ثبت شرکت‌ها و علائم تجاری و اختراعات تا تاریخ رد یا قبول قطعی درخواست آگهی خواهد شد تا هر ذینفعی بتواند از مفاد آن اطلاع حاصل کرده و اعتراض خود را طبق مواد بعدی تسلیم نماید.

ماده ۴ شخصی که تقاضای ثبت چندین علامت می‌نماید باید برای هر یک از آنها مطابق مقررات این آئین‌نامه اظهارنامه جداگانه بدهد - در این صورت اگر تقاضا توسط وکیل و به موجب یک وکالت‌نامه به عمل آمده باشد وکالت‌نامه اصلی به یکی از اظهارنامه‌ها و یک رونوشت مصدق آن به هر یک از اظهارنامه‌های دیگر باید ضمیمه شود.

ماده ۵ هر اظهارنامه ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول از جهات ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- از لحاظ شکل برای ملاحظه اینکه درخواست و ضمایم آن مطابق اصول پیش‌بینی شده در قانون و این آئین‌نامه می‌باشد اگر نقائصی در اظهارنامه مشاهده شود مراتب به درخواست‌کننده کتباً اخطار می‌شود تا در موعد مناسب (نسبت به ساکنین در ایران تا دو ماه و نسبت به ساکنین در خارجه تا شش ماه) اقدام به رفع آنها بنماید. چنانچه مدت مزبور کافی نباشد درخواست‌کننده می‌تواند فقط برای یک مرتبه استمهال نماید.

۲- از جهت تطبیق طبقه‌ای که درخواست‌کننده ثبت علامت جهت کالای خود ذکر نموده با طبقات مربوط به نوع کالا در صورت عدم مطابقت کالا با طبقه مندرج در اظهارنامه از درخواست‌کننده ثبت دعوت خواهد شد تا در اصلاح طبقه‌بندی کالای مشروحه اقدام نماید.

۳- از لحاظ مطابقت علایم با شرائط مقرر در قانون و این آئین‌نامه.

تبصره ۱ از لحاظ امتیاز و تشخیص مذکور در ماده یک قانون نام‌های عام محصولات یا اسامی جغرافیائی که خریدار را نسبت به مبدا و کیفیت محصولات گمراه کند علامت مشخصه تجاری محسوب نمی‌شود:

تبصره ۲ در مورد علامت تجاری شباهت مذکور در ماده ۹ قانون ممکن است از لحاظ شکل ظاهر یا تلفظ یا کتابت یا به هر کیفیت دیگری باشد که مصرف‌کنندگان عادی را به اشتباه اندازد.

ماده ۶ در موارد زیر در صورتی که در ظرف ۱۵ روز بعد از وصول اظهارنامه معلوم گردد که تقاضای ثبت قابل قبول نیست یا درخواست‌کننده در مدت مقرر در تکمیل آن اقدام ننماید شعبه ثبت شرکت‌ها و علائم تجاری و اختراعات کتباً رد تقاضا را با ذکر علل به درخواست‌کننده ثبت ابلاغ خواهد نمود.

ماده ۷ برای هر علامتی که تقاضای ثبت آن بر طبق ماده ۵ مورد قبول قرار گیرد شعبه ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتي یک آگهی در روزنامه رسمی منتشر خواهد نمود آگهی مزبور شامل نام و نشانی صاحب علامت و علامت و خصوصیات آن و کالاهائی که علامت در مورد آنها به کار می‌رود خواهد بود.

ماده ۸ هرگونه اصلاحی که به وسیله درخواست‌کننده ثبت بعد از انتشار آگهی به عمل آید باید به وسیله تقدیم اظهارنامه جدیدی صورت گیرد این اظهارنامه به ترتیب مقرر در ماده ۵ این آئین‌نامه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و هرگاه اصلاحات و تغییرات مورد تقاضا مورد قبول اداره ثبت علائم واقع شود به وسیله آگهی جدید به اطلاع عامه خواهد رسید.

ماده ۹ سی روز بعد از انتشار آگهی شعبه ثبت شرکت‌ها و علائم تجارتي مکلف است در صورت عدم اعتراض علامت را به ثبت برساند.

فصل دوم - ثبت علامت

ماده ۱۰ ثبت علامت در دفتر مخصوصی با قید مراتب زیر به عمل خواهد آمد:

الف - تاریخ و شماره ترتیب اظهارنامه.

ب - تاریخ و شماره ثبت علامت و مشخصات مذکور در ماده یک این آئین‌نامه.

ج - الصاق یک نمونه از علامت در محلی که به این امر اختصاص داده شده است.

د - حق‌الثبت و حقوق دریافتی برای هر طبقه.

ه - امضای درخواست‌کننده یا قائم‌مقام او به طریقی که قسمتی از امضای او در روی صفحه و قسمتی در روی علامت باشد.

و - امضای رئیس شعبه ثبت علائم و یا قائم‌مقام او.

تبصره در دفتر ثبت علامات برای هر علامت دو صفحه تخصیص داده خواهد شد.

ماده ۱۱ پس از ثبت علامت تصدیقی که حاوی نکات زیر باشد با الصاق یک نمونه کامل از علامت بر روی آن به صاحب علامت یا نماینده او تسلیم می‌شود:

۱ - تاریخ وصول اظهارنامه و شماره ثبت آن در دفتر ثبت اظهارنامه.

۲ - تاریخ ثبت علامت و شماره ثبت آن.

۳ - اسم و شغل و اقامتگاه و تابعیت صاحب علامت.

۴ - نوع مال‌التجاره و یا محصول و طبقات محصولی که علامت برای تشخیص آن

به کار می‌رود.

۵ - تعیین اجزائی که صاحب علامت حق استفاده انحصاری آن را به خود

تخصیص داده است.

۶- تاریخ و شماره و محل ثبت در خارجه در صورتی که علامت قبلاً در خارجه به ثبت رسیده باشد.

۷- تاریخ صدور تصدیق.

۸- مدت اعتبار ثبت علامت.

۹- امضای رئیس شعبه ثبت علائم تجاری و مدیر کل ثبت اسناد و املاک.

ماده ۱۲ در ظرف سی روز پس از ثبت هر علامت اداره ثبت باید آگهی حاوی کلیه مراتب مندرج در ماده ۱۱ منتشر نماید.

ماده ۱۳ در صورتی که علامت ثبت شده برای محصولات مقرر در ماده یک قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب اول تیرماه ۱۳۱۰ ظرف مدت ۳ سال از تاریخ ثبت آن از طرف صاحب علامت یا قائم مقام یا نماینده قانونی او بدون عذر موجه مورد استفاده تجاری در ایران یا در خارجه قرار نگیرد هر ذینفعی می تواند ابطال آن را از دادگاه شهرستان تقاضا نماید.

فصل سوم - تغییرات

ماده ۱۴ تغییرات مربوط به علامت یا طبقه کالا یا صاحب علامت و همچنین تغییرات مربوط به نشانی و تابعیت و نماینده قانونی او در ایران رسمیت نخواهد داشت مگر اینکه در ایران به ثبت رسیده باشد ثبت این تغییرات در روی صفحه مخصوص علامت مربوطه به عمل خواهد آمد.

ثبت تغییرات به موجب اظهارنامه رسمی به امضای صاحب علامت یا نماینده قانونی او به عمل خواهد آمد.

اظهارنامه باید در سه نسخه تنظیم و تغییرات مشروحاً در آن قید و مدارک مربوطه و قبض پرداخت حق الثبت ضمیمه آن گردد رسیدگی به اظهارنامه و ثبت تغییرات بر طبق اصولی که برای ثبت علامت ذکر شده است به عمل خواهد آمد. تغییرات مربوطه به نشانی و نام مرکز اصلی صاحب علامت و یا نماینده قانونی او در ایران احتیاج به آگهی ندارد.

ماده ۱۵ در صورتی که تغییرات مربوط به خود علامت باشد ده نمونه از علامت جدید باید ضمیمه اظهارنامه شود.

ماده ۱۶ ثبت تغییرات باید در روی صفحه مخصوص به آن علامت به عمل آید و مراتب در ظهر برگ تصدیق از طرف اداره ثبت منعکس گردد.

ماده ۱۷ در صورتی که علامت به هر طریق قانونی مورد انتقال قرار گرفته باشد در اظهارنامه مربوط به تغییر نام صاحب علامت نکات زیر باید صریحاً قید شود:

الف - شماره ثبت در ایران.

ب - نام و اقامتگاه و تابعیت مالک جدید.

ج - نام و نشانی نماینده قانونی او در ایران.

ماده ۱۸ مدارک قانونی انتقال و وکالت‌نامه و تصدیق ثبت علامت در ایران باید ضمیمه اظهارنامه شود (تصدیق ثبت بعد از ثبت تغییرات و درج آن در ظهر تصدیق به صاحب جدید علامت مسترد خواهد شد.

تبصره در صورتی که انتقال در خارجه به ثبت رسیده باشد رونوشت مصدق مستخرجه ثبت اداره علائم خارجی کافی است.

ماده ۱۹ در موردی که صاحب علامت یا قائم مقام قانونی او استفاده از آن را به دیگری اجازه دهد این اجازه در صورتی معتبر خواهد بود که اجازه‌نامه مربوطه به آن در ایران به ثبت رسیده باشد.

در مواردی که اجازه استفاده از علامت تجارتي به امضاء صاحب علامت و استفاده کننده رسیده باشد ثبت اجازه‌نامه مزبور با تقاضای کتبی صاحب علامت یا نماینده مجاز او و یا استفاده کننده صورت خواهد گرفت.

فصل چهارم - تجدید ثبت

ماده ۲۰ هر صاحب علامت یا قائم مقام یا نماینده قانونی او می تواند ثبت علامت را تا شش ماه بعد از انقضاء مدت اعتبار آن هر ده سال یک بار تجدید نماید. تقاضای تجدید ثبت علامت باید در دو نسخه به امضاء صاحب علامت و یا قائم مقام یا نماینده قانونی او رسیده و نمونه علامت در روی آن الصاق شود. تجدید ثبت با تأیید همان حقوق و مخارجی به عمل می آید که برای ثبت علامت مقرر است.

تجدید ثبت دنباله ثبت اصلی در دفتر ثبت علائم به عمل خواهد آمد. هرگاه در موقع تجدید ثبت تغییری در علامت داده شود مقررات مربوط به تغییرات از هر حیث باید کلاً رعایت شود تجدید ثبت در صورتی که تغییری در علامت داده نشده باشد محتاج به آگهی نیست.

در صورتی که مدت اعتبار علامت منقضی شده باشد ثبت آن علامت از طرف صاحب اولیه یا دیگران تابع کلیه مقررات و تشریفات مربوط به ثبت علائم خواهد بود اشخاص ذینفع می توانند در ظرف سی روز از تاریخ نشر آگهی اعتراض خود را تسلیم نمایند.

فصل پنجم - طبقه‌بندی کالا

ماده ۲۱ طبقات محصولات علامت که برای ثبت هر طبقه حقوق مخصوصی طبق ماده ۱۵ قانون دریافت می‌شود در فهرست ضمیمه این آئین‌نامه معین است. در موقع تجدید ثبت یا بر حسب تقاضای صاحب علامت ثبت شده شعبه ثبت علائم مکلف است طبقه محصولات را مطابق فهرست ضمیمه این آئین‌نامه در دفتر ثبت و تصدیق ثبت علامت تصحیح نماید.

باب دوم - در ثبت اختراع

فصل اول - در اظهارنامه اختراع

ماده ۲۲ اظهارنامه که برای ثبت اختراع داده می‌شود باید به فارسی تنظیم شده دارای تاریخ و امضاء بوده و حاوی نکات ذیل باشد:

- ۱- اسم و شغل و اقامتگاه و تابعیت درخواست‌کننده.
- ۲- اسم و اقامتگاه وکیل او در تهران در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل داده شده باشد.

۳- موضوع اختراع به طور خلاصه و روشن.

۴- مدتی که درخواست‌کننده می‌خواهد در حدود ماده ۳۳ قانون ثبت علائم و اختراعات برای اعتبار ورقه اختراع تخصیص دهد بدون هیچ شرط و قید.

۵- تاریخ و محل صدور و شماره ورقه اختراع در خارجه در صورتی که برای آن اختراع در خارج ایران ورقه صادر شده باشد.

۶- اقامتگاهی که درخواست‌کننده در تهران انتخاب می‌نماید.

۷- اسم و اقامتگاه شخص یا اشخاصی که مقیم در ایران بوده و برای دریافت کلیه ابلاغات مربوط به اختراعی که درخواست ثبت آن می‌شود صلاحیت داشته باشند.

تبصره در اظهارنامه ممکن است نام و نشانی درخواست‌کننده - موضوع اختراع - نام کشوری که قبلاً اختراع در آنجا به ثبت رسیده است و شماره و تاریخ ثبت در خارجه به زبان فرانسه یا انگلیسی نوشته شود.

ماده ۲۳ اظهارنامه باید دارای ضمائم ذیل باشد:

۱- توصیف مشروح اختراع و یا وسیله جدیدی که برای آن تقاضای ورقه اختراع می‌شود در سه نسخه.

۲- نقشه‌هایی که برای فهم توصیف مزبور لازم می‌باشد در ۳ نسخه.

۳- قبض صندوق اداره ثبت اسناد حاکی از پرداخت وجوه مذکور در ماده ۳۲ قانون

ثبت علائم تجارتي و اختراعات.

۴- وکالت‌نامه در صورتی که اظهارنامه توسط وکیل تسلیم شده باشد.

ماده ۲۴ اظهارنامه باید به موضوع اصلی یک اختراع و موضوعات تفصیلی که مربوط به همان موضوع اصلی است محدود باشد.

تبصره چنانچه اختراع قبلاً در خارجه به ثبت رسیده باشد درخواست کننده می‌تواند براساس اختراع اصلی و اختراع تکمیلی آن درخواست ورقة اختراع واحدی بنماید.

ماده ۲۵ توصیف مشروح اختراع که مطابق ماده بیست و چهار ضمیمه اظهارنامه می‌شود باید به فارسی تهیه در آخر آن خلاصه‌ای از اختراع و نحوه اعمال آن اضافه شود معذلک اگر تنظیم آن به فارسی برای درخواست کننده میسر نباشد می‌تواند توصیف کامل را به فرانسه یا به انگلیسی و خلاصه آن را به فارسی ضمیمه نماید.

ماده ۲۶ توصیف مزبور به هر زبانی که باشد باید خوانا و به طوری که اشخاص به اطلاع بتوانند از مطالعه آن موضوع و تازگی آن را درک کنند نوشته شود. تراشیدن و پاک کردن و بین‌السطور نوشتن ممنوع است.

روی کلمات زیادی باید خط کشیده شده و تعداد آنها در آخر معین و امضاء شود صفحات و رونوشت‌ها نیز باید به امضاء درخواست کننده یا وکیل او برسد.

نقشه‌ها با مرکب و از روی مقیاس متری تهیه شده و باید دارای امضاء یا مهر درخواست کننده و یا وکیل او باشد.

ماده ۲۷ توصیف اختراع و نقشه‌های آن روی کاغذی که (سی و چهار) سانتی متر طول و بیست و دو سانتی متر عرض داشته باشد نوشته شده و فقط در روی یک طرف کاغذ تهیه شود به نحوی که پشت صفحه سفید بماند.

صفحات توصیف باید شماره مسلسل داشته و به یکدیگر با قیطان یا منگنه ملصق شود. نقشه‌ها باید روی کاغذ مخصوص نقشه تهیه و دارای شماره ترتیبی باشد.

ماده ۲۸ شعبه ثبت علائم و اختراعات پس از دریافت اظهارنامه صحت تشریفات مقدماتی آن را مورد رسیدگی قرار داده و پس از وارد نمودن اظهارنامه در دفتر درخواست‌های وارده نسخه دوم آن را که دارای همان مشخصات نسخه اصلی است پس از امضاء و مهر اداره ثبت با قید تاریخ، ساعت، روز ماه و سال وصول آن با تمام حروف به درخواست کننده مسترد خواهد کرد.

ماده ۲۹ از تاریخ وصول اظهارنامه به دفتر متصدی شعبه اختراعات در ظرف ۱۵ روز اظهارنامه و ضمائم آن را از لحاظ تطبیق با مقررات قانون و مواد آئین‌نامه حاضر مورد مطالعه قرار می‌دهد و در صورتی که نواقصی در اظهارنامه یا ضمائم مشاهده شود مراتب را کتباً به درخواست کننده اطلاع داده و ضمناً مهلتی در حدود دو ماه اگر

درخواست‌کننده ساکن ایران باشد و یا شش ماه اگر ساکن خارجه باشد جهت رفع نواقص مزبور تعیین خواهد کرد - در صورت عذر موجه شعبه ثبت علائم و اختراعات مهلت مذکور را فقط برای یک بار تمدید می‌نماید.

چنانچه درخواست‌کننده در ظرف مهلت مقرر نواقص مزبور را رفع ننماید یا اظهارنامه با مقررات قانون منطبق نباشد شعبه ثبت علائم و اختراعات اظهارنامه ناقص را با ذکر دلیل رد نموده مراتب را کتباً به درخواست‌کننده ابلاغ خواهد نمود. درخواست‌کننده می‌تواند نسبت به رد اظهارنامه با رعایت مهلت مقرر در قانون به دادگاه شهرستان اعتراض نماید.

فصل دوم - ثبت اختراع

ماده ۳۰ در صورتی که اظهارنامه صحیح و قانونی تشخیص داده شود اختراع در دفتر مخصوصی با قید مراتب زیر به ثبت خواهد رسید:

- ۱- شماره ثبت.
- ۲- شماره دفتر اظهارنامه.
- ۳- تاریخ وصول اظهارنامه با تعیین ساعت - روز و ماه و سال.
- ۴- نام و نشانی کامل تسلیم‌کننده اظهارنامه.
- ۵- نام و نشانی وکیل درخواست‌کننده اختراع اگر اختراع توسط وکیل درخواست ثبت شده باشد.

۶- موضوع اختراع.

۷- مدت اعتبار ورقه اختراع.

۸- شماره ثبت و مدت اعتبار ورقه اختراع در خارجه.

۹- تاریخ ثبت اختراع.

۱۰- امضاء رئیس شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات.

۱۱- امضای درخواست‌کننده ثبت اختراع یا نماینده او.

تبصره در دفتر ثبت اختراعات برای هر اختراع دو صفحه تخصیص داده خواهد شد - هر تغییر و تکمیلی نسبت به موضوع اختراع و همچنین کلیه نقل و انتقالاتی که جزئاً و یا کلاً نسبت به اختراع واقع می‌شود باید در صفحات مزبور ثبت گردد.

ماده ۳۱ پس از ثبت اختراع ورقه اختراعی که به صاحب اختراع یا نماینده او داده می‌شود باید شامل نکات زیر باشد:

۱- شماره ثبت اختراع.

۲- تاریخ ثبت اختراع.

- ۳- شماره دفتر اظهارنامه.
 - ۴- موضوع اختراع.
 - ۵- تاریخ تسلیم اظهارنامه.
 - ۶- نام و نشانی کامل صاحب اختراع و وکیل او
 - ۷- نشانی صاحب اختراع در ایران.
 - ۸- مدت اعتبار ورقه اختراع.
 - ۹- شماره ثبت و مدت اعتبار اختراع در خارجه.
 - ۱۰- امضای رئیس شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات.
 - ۱۱- امضاء مدیر کل ثبت.
 - ۱۲- شماره و تاریخ صدور ورقه اختراع.
- یک نسخه از توصیف اختراع و خلاصه آن و نقشه‌ها به وسیله قبطان یا منگنه به ورقه اختراع ملصق و مهر می‌شود.
- ماده ۳۲** در ظرف سی روز پس از ثبت هر اختراع اداره مربوطه ثبت آگهی که شامل مراتب زیر است منتشر خواهد نمود:
- شماره ثبت اختراع.
 - مدت اعتبار ورقه اختراع.
 - نام صاحب اختراع و نشانی کامل او.
 - موضوع اختراع.
- آگهی مزبور به امضای رئیس شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات در روزنامه رسمی کشور ایران منتشر خواهد شد.
- ماده ۳۳** مدت اعتبار ورقه اختراع از تاریخ تسلیم اظهارنامه محسوب می‌گردد.

فصل سوم - تغییرات

- ماده ۳۴** هر تغییر یا اضافه یا تکمیلی که در مدت اعتبار ورقه اختراع راجع به آن اختراع حاصل می‌شود تابع مقررات مندرجه در مواد ۲۳ و ۲۴ خواهد بود.
- ماده ۳۵** برای تغییر و یا تکمیل و یا اضافات مزبور ورقه اختراعی در تکمیل ورقه اصلی صادر می‌گردد.
- ورقه اختراع تکمیلی تابع همان مقرراتی خواهد بود که برای ورقه اصلی معین شده است ولی مدت اعتبار ورقه تکمیلی نمی‌تواند از مدت اعتبار ورقه اصلی تجاوز نماید.
- ماده ۳۶** هر صاحب ورقه اختراع که بخواهد برای تغییر یا تکمیل یا اضافات به

عوض ورقه تکمیلی ورقه اصلی علیحده صادر نماید باید مقررات قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات و همچنین مقررات این نظامنامه را که مربوط به ورقه اختراع است رعایت نموده و حق الثبت و سایر مخارج مربوطه را تأديه کند.

ماده ۳۷ در صورتی که تقاضاکننده اختراع تکمیلی شخص دیگری غیر از صاحب اختراع اصلی باشد ورقه ثبت اختراع تکمیلی اجازه استفاده از اختراع اصلی را به او نمی دهد و صاحب اختراع اصلی نیز نمی تواند از اختراع تکمیلی استفاده کند مگر آنکه بین آنها تراضی به عمل آید.

ماده ۳۸ تغییرات مربوط به نام و نشانی و تابعیت و نماینده صاحب اختراع در ایران رسمیت نخواهد داشت مگر آنکه در ایران به ثبت برسد - ثبت تغییرات مزبور به موجب اظهارنامه رسمی به امضای صاحب اختراع یا نماینده قانونی او به عمل خواهد آمد.

اظهارنامه باید در سه نسخه تنظیم و تغییرات مشروحاً در آن قید و مدارک مربوطه و قبض پرداخت حق الثبت ضمیمه آن گردد - رسیدگی به اظهارنامه و ثبت تغییرات بر طبق اصولی که برای ثبت اختراع ذکر شده است به عمل خواهد آمد - تغییرات مربوط به نشانی و نام صاحب اختراع یا نماینده قانونی او در ایران احتیاج به آگهی ندارد.

ماده ۳۹ ثبت کلیه تغییرات باید در روی صفحه مخصوص به آن اختراع به عمل آید و مراتب در ظهر ورقه ثبت اختراع از طرف شعبه ثبت علائم و اختراعات قید گردد.

ماده ۴۰ در صورتی که اختراعی قانوناً مورد انتقال قرار گیرد مراتب زیر باید در اظهارنامه تصریح گردد:

الف - شماره ثبت در ایران.

ب - نام و اقامتگاه و تابعیت منتقل الیه.

ج - نام و نشانی نماینده قانونی او در ایران.

ماده ۴۱ مدارک قانونی انتقال و وکالت نامه و ورقه ثبت اختراع در ایران باید ضمیمه اظهارنامه شود (ورقه اختراع بعد از ثبت انتقال به صاحب آن مسترد خواهد شد).

ماده ۴۲ در صورتی که انتقال در خارجه واقع شده باشد و شعبه ثبت اختراعات محل انتقال مزبور را به ثبت رسانیده باشد مستخرجه ثبت فوق الذکر دلیل انتقال خواهد بود.

ماده ۴۳ صاحب اختراع می تواند اجازه استفاده از اختراع خود را که در ایران به ثبت رسیده با هرگونه شرایط به دیگری بدهد. اجازه مزبور باید در دفتر ثبت اختراعات در صفحه مربوط به آن اختراع ثبت و در روزنامه رسمی منتشر شود.

ماده ۴۴ اداره ثبت پس از رسیدگی و مطابقت درخواست با مقررات قانونی و آئین نامه مبادرت به ثبت آن نموده و آگهی حاوی نام صاحب اختراع و استفاده کننده از

اختراع و شماره اختراع و خلاصه از مفاد اجازه‌نامه منتشر خواهد نمود و به شخص ذینفع مستخرجه از ثبت مزبور را تسلیم خواهد داشت.

باب سوم - مقررات مشترکه

فصل اول

ماده ۲۵ شعبه ثبت علائم و اختراعات پس از درج و انتشار آگهی‌های مربوطه به صدور ورقه اختراع یا گواهی ثبت علامت مبادرت خواهد نمود.

ماده ۲۶ هرگاه کسی که تقاضای ثبت علامت یا اختراعی را می‌نماید مقیم در ایران نباشد باید در تهران اقامتگاه معلوم مشخصی انتخاب کند و یا شخص دیگری را که مقیم در تهران باشد معین و معرفی نماید که برای قبول کلیه ابلاغات مربوطه به علائم تجارتي و اختراعات صلاحیت داشته باشد.

همین تکلیف به عهده کسی نیز وارد است که نسبت به علامت تجارتي یا ورقه اختراع اعتراض می‌نماید و مقیم در ایران نمی‌باشد.

کلیه ابلاغات مربوطه به علائم تجارتي یا اختراعات به اقامتگاه شخص ذینفع و یا اقامتگاه شخص یا اشخاصی که به موجب این ماده معین می‌شود به عمل خواهد آمد.

فصل دوم - در آئین دادرسی مربوط به علائم تجارتي و اختراعات

ماده ۲۷ هرکسی نسبت به علامت تجارتي یا ورقه اختراع اعتراض می‌نماید اعم از اینکه آن اعتراض قبل از ثبت علامت یا اختراع باشد یا بعد از آن باید معادل یک صد ریال طلا در صندوق دادگستری ودیعه گذاشته و قبض آن را ضمیمه دادخواست اعتراض نماید از وجه مزبور در صورتی که معترض محکوم به بی‌حقی شود خسارت طرف پرداخته شده و در صورتی که طرف بیش از یکصد ریال خسارت دیده باشد برای مازاد به محکمه رجوع خواهد کرد.

مبحث اول - در شکایت از رد تقاضای ثبت

ماده ۲۸ به دادخواستی که در خواست‌کننده ثبت علامت یا اختراع باید در صورت رد تقاضای او مطابق ماده ۷ قانون علائم تجارتي و اختراعات بدهد اسناد ذیل ضمیمه خواهد شد:

۱- اصل یا رونوشت گواهی شده تصمیمی که به موجب آن تقاضای ثبت رد شده است.

- ۲- اعتراضاتی که درخواست‌کننده ثبت به تصمیم مزبور دارد.
- ۳- قبض سپرده بر طبق ماده ۴۸.
- ۴- وکالت‌نامه در صورتی که دادخواست وکالتاً داده شده باشد.
- ماده ۴۹** مدیر دفتر دادگاه روز جلسه را معین کرده به معترض و به متصدی شعبه مذکور در ماده ۶ قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات اخطار می‌نماید که در روز مزبور حاضر شوند.
- معترض می‌تواند مهلتی که بیش از شش ماه نباشد تقاضا کند.
- در روز جلسه محکمه توضیحات شفاهی هر یک از طرفین را استماع نموده و حکم مقتضی خواهد داد.
- عدم حضور هیچ یک از طرفین مانع از صدور حکم نخواهد بود. در این صورت حکم نسبت به طرف غائب نیز حضوری محسوب است.
- ماده ۵۰** ترتیب رسیدگی پژوهشی نیز همان است که به موجب ماده قبل مقرر گردیده.

بحث دوم- در اعتراض به ثبت قبل از اینکه علامت یا اختراع ثبت شده باشد

- ماده ۵۱** اعتراضات مربوط به علائم یا اختراعاتی که هنوز به ثبت نرسیده است باید کتباً به شعبه ثبت علائم تجاری و اختراعات تسلیم گردد.
- در مقابل اعتراض‌نامه رسیدی با قید تاریخ وصول داده خواهد شد.
- معترض باید در اعتراض‌نامه نکات ذیل را قید کند:
- ۱- اسم و شغل و اقامتگاه خود در تهران.
- ۲- ذکر کلیه دلایل و مدارکی که معترض به استناد آن خود را محق در اعتراض

می‌داند.

- ماده ۵۲** رونوشت گواهی شده اسنادی که ادعای معترض مبنی بر آن است باید در صورت امکان ضمیمه اعتراض‌نامه شود.

- ماده ۵۳** هرگاه اعتراض معترض مبنی بر حق مالکیتی باشد که نسبت به علامت یا اختراع مورد تقاضای ثبت ادعا می‌نماید بدون اینکه آن علامت یا اختراع در ایران به اسم او ثبت شده باشد اعتراض او وقتی پذیرفته می‌شود که ثبت علامت یا اختراع را نیز مطابق قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات و مقررات این آئین‌نامه تقاضا نماید همین ترتیب در هر موردی نیز باید رعایت شود که اعتراض معترض برای حفظ حقوق خود نسبت به علامت یا اختراعی به عمل می‌آید که آن علامت یا اختراع هنوز در ایران به ثبت نرسیده است مگر آنکه علامت یا اختراع قانوناً قابل ثبت نباشد.

ماده ۵۲ تازه روز از تاریخ وصول اعتراض‌نامه شعبه ثبت علائم تجارتي و اختراعات باید آن را به اقامتگاه درخواست‌کننده ثبت یا اشخاصي که به موجب ماده ۴۶ معين می‌شوند ابلاغ کند. در ضمن ابلاغ‌نامه باید صراحتاً اخطار شود که هرگاه به اعتراض معترض تسلیم می‌گردد درخواست ثبت علامت را مسترد کند. طریقه ابلاغ اعتراض‌نامه همان است که مطابق آئین دادرسی مدنی برای ابلاغ دادخواست مقرر است.

ماده ۵۵ هرگاه درخواست‌کننده ثبت کتباً به اعتراض معترض تمکین نمود درخواست او مسترد شده و مراتب کتباً به معترض اخطار می‌گردد و هرگاه علامت یا اختراع معترض قبلاً به ثبت نرسیده باشد بر طبق اظهارنامه که مطابق ماده ۵۳ در حین اعتراض تقدیم نموده است اقدام به ثبت آن می‌شود.

ماده ۵۶ معترض باید تا شصت روز از تاریخ ابلاغ اعتراض‌نامه به درخواست‌کننده ثبت به دادگاه شهرستان تهران رجوع کند مگر اینکه قبل از انقضای این مدت تقاضا کننده ثبت مطابق ماده قبل به اعتراض او تمکین کرده باشد.

ماده ۵۷ هرگاه معترض در مدت مذکور فوق به دادگاه شهرستان تهران رجوع ننمود شعبه ثبت علائم تجارتي و اختراعات به درخواست کسی که تقاضای ثبت علامت را کرده بعد از ملاحظه گواهی دفتر دادگاه شهرستان تهران که حاکی از عدم تقدیم دادخواست باشد علامت یا اختراع را به اسم معترض علیه ثبت خواهد کرد و در این صورت حقوق و مخارجی که معترض بر طبق ماده ۱۶ قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات تأدیه کرده باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد.

ماده ۵۸ اگر معترض نتواند تمام اسناد و مدارک خود را به دادخواست ضمیمه نماید به تقاضای او رئیس دادگاه پس از رسیدگی و در صورت لزوم مهلتی که بیش از شش ماه نباشد خواهد داد.

ماده ۵۹ مهلت مذکور در فوق به درخواست‌کننده ثبت نیز برای تقدیم مدارک دفاع داده خواهد شد.

ماده ۶۰ سایر ترتیبات رسیدگی خواه در دادگاه شهرستان و خواه در دادگاه استان همان است که برای رسیدگی به دعاوی تجارتي مقرر است.

مبحث سوم - در اعتراض به علائم یا اختراعات ثبت شده

ماده ۶۱ هرکس بخواهد ابطال علامت تجارتي یا ورقه اختراع را که در ایران به ثبت رسیده است تقاضا کند باید به دادگاه شهرستان تهران دادخواست بدهد. درخواست مزبور باید دارای ضمایم ذیل باشد:

۱- مستخرجه گواهی شده از شعبه ثبت علائم تجارتي و اختراعات مشعر بر ثبت علامت یا ورقة اختراعی که ابطال آن تقاضا می شود.

۲- اصل یا رونوشت گواهی شده کلیه اسناد مثبتة ادعای معترض.

۳- وکالت نامه در صورتی که دادخواست وکالتاً داده شده باشد.

ماده ۶۲ ابلاغ دادخواست و مقدمات کتبی دعوی و سایر ترتیبات رسیدگی مطابق مقررات آئین دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد لیکن مفاد ماده ۵۹ درباره خوانده باید رعایت شود.

فصل سوم - در طرق تأمین

ماده ۶۳ مالک هر علامت تجارتي و همچنین صاحب هر ورقة اختراع یا قائم مقام قانونی آنان می توانند به موجب امر نزدیک ترین دادگاه بخش محلی که محصولات مورد ادعا در آن محل است صورت مشروحي از محصولاتی که به ادعای آنها با حق حاصل از علامت تجارتي و یا اختراع آنها مخالف است بردارند اجرای امر فوق در صورتی که محصولات هنوز در گمرگ باشد به وسیله مأمورین گمرک و الا به وسیله مأمور اجرا به عمل خواهد آمد.

توقیف محصولات مزبوره وقتی ممکن است که امر دادگاه تصریح به آن داشته باشد.

امر دادگاه در هر یک از دو صورت فوق بنا بر دادخواست مالک علامت یا صاحب ورقة اختراع و یا قائم مقام قانونی آنان صادر می گردد به دادخواست مزبور باید رونوشت گواهی شده سند ثبت علامت و یا گواهی نامه ثبت اختراع ضمیمه گردد.

اگر مالک علامت و یا ورقة اختراع تقاضای توقیف محصولات مذکور فوق را نماید باید تضمین کافی بدهد که عندالاقضاء از محل مزبور کلیه خسارات وارد بر طرف و منافعی که ممکن است طرف از تحصیل آن محروم شود جبران گردد.

ماده ۶۴ در دعاوی که راجع به حقوق حاصله از ثبت علامت تجارتي و یا حق اختراع اقامه می شود معترض در دعاوی حقوقی و شاکی خصوصی در دعاوی جزائی می توانند در هر موقع از مراجع قضائی که موضوع در آنجا مطرح است صدور قرار تأمین دلیل یا توقیف محصولات تقلبی و تقلیدی یا تقاضای صدور قرار دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش یا ورود اجناس تقلبی یا تقلیدی را بنمایند و مراجع قضائی مزبور موظفند نسبت به تقاضای نامبرده موافقت نمایند. در مورد توقیف محصولات با صدور قرار دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش اجناس تقلبی یا تقلیدی مرجع قضائی مزبور می تواند قبل از صدور قرار از

تقاضاکننده تضمین کافی بخواهد تا عندالاقضاء از محل مزبور کلیه خسارات وارده بر طرف و منافعی که ممکن است از آن محروم گردد جبران شود.

ماده ۶۵ اگر مدعی تا ده روز از تاریخ صدور امر مذکور در ماده ۶۳ این آئین‌نامه و رعایت مقررات ماده ۶۱۵ آئین دادرسی مدنی از مجرای حقوقی یا از طریق جزائی طرح دعوی ننماید صورت مشروحه که برداشته شده و یا توقیفی که به عمل آمده است باطل و کان لم یکن بوده و مشارالیه مطابق ماده ۶۳ مذکور مسئول خسارات طرف خواهد بود.

باب چهارم - هزینه مربوط به علائم تجارتي و اختراعات

ماده ۶۶ هزینه مربوط به علائم تجارتي و اختراعات به قرار ذیل خواهد بود:
بند ۱ - حق‌الترجمه و رونوشت گواهی شده به موجب آئین‌نامه‌های مربوط به مترجمین رسمی و تهیه رونوشت اسناد.

بند ۲ - تعرفه اعلانات طبق تعرفه روزنامه رسمی کشور.

بند ۳ - برای معاملات و انتقالات مربوط به اختراع به استثنای مورد مذکور در بند ۴ این ماده مطابق تعرفه مقررۀ ثبت اسناد مشروط بر اینکه مبلغ دریافتی از ۴۰ ریال طلا تجاوز نکند،

بند ۴ - برای ثبت انتقال اختراع به وسیله ارث سه ریال طلا.

ماده ۶۷ از تاریخ اجرای این آئین‌نامه نظامنامه اجرای قانون ثبت علائم تجارتي و صنعتی مصوب ۱۳۱۰/۴/۲۹ ملغی است. این آئین‌نامه ده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی کشور قابل اجراست.

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان^۱

مضوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱

فصل یکم - تعاریف

ماده ۱ از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود.

ماده ۲ اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

۱- کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و

هنری.

۲- شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر

شده باشد.

۳- اثر سمعی و بصری به منظور اجراء در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا

پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.

۴- اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.

۵- نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیائی ابتکاری و نوشته‌ها و

خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت

ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.

۶- هرگونه پیکره (مجسمه)

۷- اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان.

۸- اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.

۹- اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم.

۱۰- اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی

پدید آمده باشد.

۱۱- اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.

۱۲- هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

فصل دوم - حقوق پدیدآورنده

ماده ۳ حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.

ماده ۴ حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است.

ماده ۵ پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند:

- ۱- تهیه فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.
- ۲- نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایش‌های دیگر.
- ۳- ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا وسیله دیگر.
- ۴- پخش از رادیو و تلویزیون و وسائل دیگر.
- ۵- ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن.
- ۶- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.
- ۷- به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است.

ماده ۶ اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است.

ماده ۷ نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است.

تبصره ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد.

ماده ۸ کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند می‌توانند طبق آئین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه

عکسبرداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند.

ماده ۹ وزارت اطلاعات می تواند آثاری را که قبل از تصویب این قانون پخش کرده و یا انتشار داده است پس از تصویب این قانون نیز کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده ۱۰ وزارت آموزش و پرورش می تواند کتابهای درسی را که قبل از تصویب این قانون به موجب قانون کتابهای درسی چاپ و منتشر کرده است کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده ۱۱ نسخه برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون مذکور در بند ۱ ماده ۲ و ضبط برنامه های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد مجاز است.

فصل سوم - مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت های قانونی دیگر

ماده ۱۲ مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت.

تبصره مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.

ماده ۱۳ حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد.

تبصره پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون موضوع این ماده تعلق می گیرد متعلق به پدیدآورنده خواهد بود.

ماده ۱۴ انتقال گیرنده حق پدیدآورنده می تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند مگر اینکه برای مدت کمتر توافق شده باشد.

ماده ۱۵ در مورد مواد ۱۳ و ۱۴ پس از انقضاء مدت های مندرج در آن مواد استفاده از حق مذکور در صورت حیات پدیدآورنده متعلق به خود او و در غیر این صورت تابع ترتیب مقرر در ماده ۱۲ خواهد بود.

ماده ۱۶ در موارد زیر حقوق مادی پدیدآورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود:

۱- اثرهای سینمایی یا عکاسی.

۲- هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد.

ماده ۱۷ نام و عنوان و نشان ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که الغاء شبهه کند به کار برد.

ماده ۱۸ انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

ماده ۱۹ هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.

ماده ۲۰ چاپخانه‌ها و بنگاه‌های ضبط صوت و کارگاه‌ها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می‌پردازند باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه‌هایی که پخش می‌شود با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط برحسب مورد درج نمایند.

ماده ۲۱ پدیدآورندگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر با تعیین نوع آثار آگهی می‌نماید به ثبت برسانند. آئین‌نامه چگونگی و ترتیب انجام یافتن تشریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرفتن درخواست ثبت به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۲ حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد.

فصل چهارم - تخلفات و مجازات‌ها

ماده ۲۳ هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از شش ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲ هرکس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵ متخلفین از مواد ۱۷-۱۸-۱۹-۲۰ این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶ نسبت به متخلفان از مواد ۱۷-۱۸-۱۹-۲۰ این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق پدیدآورنده استفاده از اثر با رعایت مقررات این قانون برای همگان آزاد است. وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت.

ماده ۲۷ شاکی خصوصی می تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهائی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود.

ماده ۲۸ هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزائی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می شود.

ماده ۲۹ مراجع قضائی می توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند.

ماده ۳۰ اثرهائی که پیش از تصویب این قانون پدید آمده از حمایت این قانون برخوردار است اشخاصی که بدون اجازه از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون استفاده یا بهره برداری کرده اند حق نشر یا پخش یا تکثیر یا ارائه مجدد یا فروش آن آثار را ندارند مگر با اجازه پدیدآورنده یا قائم مقام او با رعایت این قانون، متخلفین از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار از کیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون اثر را به چاپ رسانند یا ضبط یا تکثیر یا از آن بهره برداری کنند به کیفر مقرر در ماده ۲۳ محکوم خواهند شد.

دعای و شکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضائی مطرح گردیده به اعتبار خود باقی است.

ماده ۳۱ تعقیب بزه های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف می شود.

ماده ۳۲ مواد ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مجازات عمومی ملغی است.

ماده ۳۳ آئین نامه های اجرائی این قانون از طرف وزارت فرهنگ و هنر و وزارت دادگستری و وزارت اطلاعات تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

آئین‌نامه اجرایی

قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان^۱

مصوب ۱۳۵۰/۱۰/۱۲ هیات وزیران

فصل اول - مقررات عمومی تنظیم اظهارنامه ثبت اثر

ماده اول ثبت اثر طبق درخواست‌نامه چاپی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر تهیه و در اختیار درخواست‌کننده ثبت اثر گذارده می‌شود به عمل می‌آید و باید در دو نسخه به زبان فارسی نوشته و امضاء شده و حاوی نکات زیر باشد:

الف - نام و نام خانوادگی و تابعیت و اقامتگاه و شماره و محل صدور شناسنامه و تاریخ تولد پدیدآورنده و یا شخصی که به اعتبار قانون فوق‌الذکر قائم‌مقام پدیدآورنده اصلی اثر می‌باشد و هرگاه درخواست‌کننده شخص حقوقی باشد نام و شماره ثبت و اقامتگاه قانونی شخص حقوقی.

ب - در صورتی که درخواست‌نامه از طرف وکیل یا نماینده قانونی اشخاص مذکور در بند الف داده شود علاوه بر مشخصات موکل نام و نام خانوادگی و تابعیت و اقامتگاه وکیل.

پ - تاریخ پدید آمدن اثر با قید روز و ماه و سال به نحوی که اثر برای چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا آماده شده باشد.

ت - در صورتی که اثر مشترک باشد ذکر نام و مشخصات پدیدآورندگان به ترتیب مذکور در بند الف بالا.

ث - در صورتی که ثبت نام یا عنوان یا علامت ویژه اثر نیز مورد تقاضا باشد در مورد نام و عنوان ذکر کلمه یا عبارت مورد تقاضا و در مورد علامت یا نشانه ویژه توصیف کامل آن به انضمام سه نسخه نمونه یا عکس در اندازه و رنگ اصلی و کلیشه آن.

ج - تعیین نوع اثر و اعلام آنکه اثر مشمول کدام یک از انواع آثار مذکور در ماده ۲ قانون می‌باشد.

فصل دوم - مقررات اختصاصی تقاضای ثبت اثر

ماده دوم درخواست‌کننده ثبت اثر علاوه بر تنظیم درخواست‌نامه به شرح مندرج در فصل اول باید اطلاعات و مدارکی را که به اعتبار نوع اثر در این فصل تعیین می‌شود همراه درخواست‌نامه تسلیم نمایند:

الف - در مورد کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و ادبی و هنری و همچنین در مورد شعر و ترانه و سرود و تصنیف موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده دوم قانون: دو نسخه کامل خطی یا ماشین شده یا چاپ شده یا فتوکپی اثر.

ب - در مورد اثر سمعی و بصری به منظور اجراء در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو و تلویزیون موضوع بند ۳ ماده دوم قانون: دو نسخه از اثر به هر ترتیبی که برای اجراء نوشته یا ضبط یا نشر شده است.

پ - در مورد اثر موسیقی موضوع بند ۴ ماده دوم قانون: دو نسخه اصل یا فتوکپی یا خطی از نت اثر در صورتی که نت داشته باشد به انضمام گفتار آن اگر باشد به علاوه دو نسخه اثر روی صفحه یا نوار.

ت - در مورد نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیائی ابتکاری و نوشته و خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی موضوع بند ۵ ماده دوم قانون:

۱ - دو نسخه عکس رنگی از اصل اثر مشروط بر اینکه ابعاد عکس از ۱۸×۲۴ سانتیمتر تجاوز نکند.

۲ - تعیین آنکه اثر منطبق با کدامیک از آثار مذکور در بند ۵ ماده دوم قانون می‌باشد.

۳ - شرح و توصیف کافی برای شناسائی و تشخیص اثر.

ث - در مورد پیکره (مجسمه) موضوع بند ۶ ماده قانون: دو نسخه عکس رنگی اثر به ابعاد ۱۸×۲۴ سانتیمتر با ذکر مواد و مصالحی که در ساختن پیکره به کار رفته و تعیین ابعاد و اندازه حقیقی و وزن آن.

ج - در مورد اثر معماری موضوع بند ۷ ماده دوم قانون: دو نسخه نقشه کامل همراه نقشه‌های تفصیلی و اجرائی اثر مربوط به طرح اصلی بنا و تزئینات آن و جزئیات اثر منحصرأدر مواردی که ثبت آن مورد تقاضاست با شرح و توصیف کامل تا حدی که شناسائی اثر در کلیات و جزئیات مورد نظر درخواست‌کننده ممکن باشد در صورتی که درخواست ثبت مربوط و منحصر به قسمتی از بنا یا ساختمان یا تزئینات آن باشد باید روی نقشه‌های اصلی به طور وضوح مشخص شود و در مورد تزئینات طرح آن باید رنگی باشد.

چ - در مورد اثر عکاسی موضوع بند ۸ ماده دوم قانون: دو نمونه کامل از اثر که حداکثر ابعاد آن از ۱۸×۲۴ سانتیمتر تجاوز نکند.

ح- در مورد اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه‌ی قالی و گلیم موضوع بند ۹ ماده‌ی دوم قانون: دو قطعه عکس رنگی یا دو نسخه کپی از اثر به اندازه ۱۸×۲۴ سانتیمتر.

خ- در مورد اثر ابتکاری که بر پایه‌ی فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد و همچنین اثر فنی که جنبه‌ی ابداع و ابتکار داشت باشد موضوع بندهای ۱۰ و ۱۱ ماده‌ی دوم قانون: نظر به اینکه اثر پس از پدید آمدن به صورت یکی از آثار مندرج در ماده‌ی دوم یا ترکیبی از آنها خواهد بود درخواست‌کننده‌ی ثبت با توجه به نوع اثر و ارتباط آن با یک یا چند نوع از آثار مذکور در ماده‌ی دوم قانون باید اطلاعات و مدارک خاص همان نوع یا انواع تسلیم کند.

د- در مورد آثار سینمایی یک نسخه‌ی کامل از اثر با ذکر نام و مشخصات.

تبصره در کلیه‌ی مواد مذکور در فصل اول و این فصل در صورتی که متقاضی توضیحات خاصی را برای معرفی اثر و چگونگی پیدایش آن لازم بداند می‌تواند در برگ جداگانه‌ای درج و همراه اظهارنامه تسلیم کند.

فصل سوم- مرجع ثبت و اقدامات ثبتی

ماده‌ی سوم درخواست‌کننده‌ی اثر باید درخواست‌نامه‌ی ثبت را به ترتیب مندرج در فصل اول و دوم این آیین‌نامه تنظیم و در مرکز به وزارت فرهنگ و هنر و در شهرستان‌ها به ادارات فرهنگ و هنر یا نماینده‌ی تعیین شده از طرف وزارت فرهنگ و هنر تسلیم و رسید اخذ کند.

ماده‌ی چهارم مراجع دریافت درخواست‌نامه‌ی ثبت اثر کلیه‌ی درخواست‌نامه‌ها به واحد امور مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در وزارت فرهنگ و هنر ارسال خواهند نمود. واحد مزبور به درخواست‌نامه‌های رسیده ظرف مدت ۱۵ روز رسیدگی و اگر درخواست‌نامه مطابق مقررات فصل اول و دوم و تنظیم شده باشد و اثر قبلاً به ثبت نرسیده باشد آنها را در دفتر مخصوص ثبت اثرها ثبت نموده و گواهی‌نامه‌ی ثبت اثر را با قید روز و ساعت تسلیم درخواست به نام درخواست‌کننده صادر و به وی تسلیم و رسید اخذ کند.

در صورتی که درخواست‌نامه مطابق مقررات فصل اول و دوم بالا تنظیم نشده باشد موارد نقص یا ایراد کتباً با پست سفارشی به درخواست‌کننده ابلاغ و تازمانی که درخواست‌کننده اقدام به رفع نقص یا ایراد نکند درخواست ثبت بلااقدام خواهد ماند.

ماده‌ی پنجم وزارت فرهنگ و هنر مکلف است در آخر هر ماه فهرستی از کلیه آثار ثبت شده در همان ماه را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالتنشار

روزانه تهران برای اطلاع عموم آگهی کند. فهرست مزبور در هر مورد به طور اختصار شامل نام درخواست‌کننده و تاریخ ثبت و نوع اثر و معرفی موضوع آن خواهد بود. قبول درخواست ثبت اثر و همچنین ثبت آن مانع اعتراض و ادعای حق از ناحیه دیگر اشخاص نخواهد بود.

ماده ششم درخواست‌کننده می‌تواند قبل یا بعد از ثبت اثر تقاضای تغییر و اصلاح و تکمیل یا ابطال آن را بنماید. در این صورت وزارت فرهنگ و هنر به نحو مذکور در ماده پنجم آگهی خواهد کرد.

ماده هفتم هزینه آگهی ثبت اثر و موارد تغییر، اصلاح، تکمیل و یا ابطال آن به عهده درخواست‌کننده و ذینفع خواهد بود.

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی^۱

مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶

ماده ۱ حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای یا مترجم یا وارث قانونی او است. مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است.

حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال‌گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم مقام انتقال‌دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است.

ماده ۲ تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره‌برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق، ممنوع است.

ماده ۳ نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است.

حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود.

ماده ۴ صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می‌شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین‌المللی پ لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجاری ذکر شده باشد.

ماده ۵ تکثیر و نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد و اجازه نسخه‌برداری از آنها قبلاً به تصویب وزارت فرهنگ و هنر رسیده باشد.

تبصره نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این

قانون در صورتی که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد، بلا مانع است.

ماده ۶ در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایت های مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است.

ماده ۷ اشخاصی که عالماً یا عامداً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تأدیه خسارات شاکی خصوصی به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد:

- ۱- کسانی که خلاف مقررات مواد یک و دو و سه این قانون عمل کنند.
- ۲- کسانی که اشیاء مذکور در ماده ۳ را که به طور غیر مجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادر کنند.

ماده ۸ هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزائی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد.

در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال شخص حقیقی مسئول جبران می شود.

ماده ۹ مراجع قضائی مکلفند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی به تقاضای او نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع شکایت و ضبط آن تصمیم مقتضی اتخاذ کنند.

ماده ۱۰ احکام مذکور در این قانون موقعی جاری است که آثار موضوع این قانون مشمول حمایت های مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان نباشد در غیر این صورت مقررات قانون مزبور نسبت به آثار موضوع این قانون ملاک خواهد بود.

ماده ۱۱ مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان رانقی نمی کند و محدود نمی سازد.

ماده ۱۲ تعقیب بزه های مذکور در این قانون منوط به شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می شود.

متن استفتا از محضر حضرت امام خمینی (س)^۱

محضر مبارک آیت‌الله العظمی امام خمینی - مدظله.

با تقدیم سلام و تحیت، فتوایی از حضرت‌عالی نقل شده است که حق‌التألیف در نظر مبارک ثابت نیست. بعضی از ناشرین به استناد نقل مزبور، کتابهای چاپ شده را بدون پرداخت حق‌التألیف و بدون تحمل هزینه حروف‌چینی چاپ کرده و با قیمت نازل‌تری منتشر می‌کنند، و این امر موجب تضییع ناشر اول و چه بسا باعث دلسردی مؤلفان شده است. لذا استدعا می‌شود:

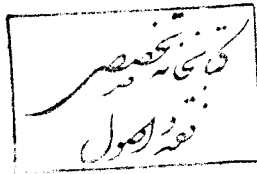
اولاً، نقل مزبور صحیح است یا نه؟

ثانیاً، در صورت صحت نقل، با توجه به اینکه در قانون حکومت جمهوری اسلامی هنوز حق تألیف و نشر برای مؤلف و ناشر محفوظ است، آیا عمل بعضی از ناشرین که عرض شد مشروع است؟ و آیا مقام مقدس ولایت فقیه در این مورد نقشی ایفا می‌فرمایند؟

بسمه تعالی

حق طبع و نشر، بدین معنی که کتابی را که کسی چاپ کرده و نشر نموده دیگری حق نداشته باشد با به دست آوردن یک نسخه از آن، آن را تجدید چاپ و نشر نماید، شرعی نیست؛ ولی اگر دولت اسلامی مصلحت دید [و] مقرراتی در این باره وضع نمود مراعات آن لازم است.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
شماره: ۷۹۲۵۹
۱۳۸ / ۵ / ۱

۵۳۲۴۶

باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت عظمی القادس اسلام ایران

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دام ظلّه)

سید محمد حسین

چنانکه محضر هتید، امروزه در تفرقات کشوری مختلف از جمله ایران حقوقی
حق طبع، حق تألیف و حق اختراع که مجموعاً حقوق معنوی یا حقوق مالکیت‌های معنوی نامیده
پیش‌بینی گردیده است که برای آکنه ارزش ماله و قابل شده اند و صرف از آکنه نیز حالت
باشناسی، مژگاناسی، هنرشناسی، مختصرین و دانشناسی است و عدم رعایت این حقوق موجب
بیشترهای علمی و صنعتی و تعطیل بازار ابتکار و خلاقیت دانسته شده است.
لذا، استدعا دارد نظر شریف خویش را مرقم فرمایند که آیا این حقوق اعتبار شرعی دارند یا نه؟
آیا تمام آثار که برای این حقوق به‌شماره شده اند جمله انحصار و ارزش ماله، از لحاظ شرعی لازم
ه باشند یا خیر؟
در صورت امکان، چون این امر برای کار تحقیقاتی پایان نامه نظر است، مستندات فقهی نظر خویش را نیز
مقدم فرمایند.

با تشکر و سپاس مجدد و تقدیم احترام

محمد عبیدان

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی
پژوهشکده امام خمینی (ره) رانقدب اسلامی

نهایی

تا این حقوق اعتبار دارند
در اقسام اصابت آنها
و ارزش ماله دارند و نه تمام



۵۳۲۴۶

